



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

میتقالی

پروژه حفاظت از منابع آبهای زیرزمینی

- آلودگی منابع آب و حفاظت از آنها
- روش‌های جمع‌آوری و تصفیه آب
- استفاده از کودهای حیوانی
- آلودگی آب و هوا و روش‌های کاهش آن
- استفاده از کودهای شیمیایی
- روش‌های تصفیه آب
- جمع‌آوری و تصفیه آب
- استفاده از کودهای شیمیایی
- استفاده از کودهای شیمیایی
- استفاده از کودهای شیمیایی
- استفاده از کودهای شیمیایی
- استفاده از کودهای شیمیایی
- استفاده از کودهای شیمیایی
- استفاده از کودهای شیمیایی



۵۵
پارچه ۱۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میقات حج

نویسنده:

نادر سلیمانی بزچلوئی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	میقات حج-جلد ۵۵
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	اسرار و معارف حج
۱۲	نام‌ها، ویژگی‌ها و احکام کعبه در قرآن
۴۳	فلسفه مناسک حج در کتابهای شیخ صدوق (ره)
۶۰	روش‌شناسی استنباط اسرار حج
۷۱	فقه حج
۷۲	استطاعت در حج
۸۹	تاریخ و رجال
۹۰	حرمین شریفین و سلاطین عثمانی
۹۷	نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه عارف حکمت مدینه منوره
۱۰۵	آتش افروزی متعصبانه عوام در مکه
۱۱۵	اماکن و آثار
۱۱۶	پرده کعبه در گذر زمان
۱۴۴	احداث پل جدید جمرات
۱۵۷	گفتگو
۱۵۸	ویژگی‌های حج ۸۴ در گفت‌وگو با امیر الحاج
۱۷۱	خاطرات
۱۷۲	هجرت از وادی خود به خدا
۲۰۴	از نگاهی دیگر
۲۰۵	حجاج ترکستان

۲۲۲ اخبار حج

۲۲۳ اخبار حج و حرمین شریفین

۲۳۶ درباره مرکز

میقات حج-جلد ۵۵

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمانی، نادر، - ۱۳۳۹
 عنوان و نام پدیدآور : میقات حج / نویسنده نادر سلیمانی بزچلوئی
 مشخصات نشر : تهران: نادر سلیمانی بزچلوئی، ۱۳۸۰.
 مشخصات ظاهری : ص ۱۸۴
 شابک : ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۷-۵۴۵۰۰-۵۴۵۰۰
 یادداشت : عنوان دیگر: میقات حج (خاطرات حج).
 یادداشت : عنوان روی جلد: خاطرات حج.
 عنوان روی جلد : خاطرات حج.
 عنوان دیگر : میقات حج (خاطرات حج).
 عنوان دیگر : خاطرات حج
 موضوع : حج -- خاطرات
 موضوع : سلیمانی، نادر، ۱۳۳۹ - -- خاطرات
 رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/س ۹م ۱۳۸۰
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷
 شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۲۵۲۴
 ص : ۱

اشاره

اسرار و معارف حج

نام‌ها، ویژگی‌ها و احکام کعبه در قرآن

ص: ۶

ناصر شکریان

مقدمه

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا. (۱) نخستین عبادتگاه و خانه‌ای که در زمین برای مردم و به نفع مردم ساخته شد، «کعبه» است. این خانه، هم با برکت است، هم موجب هدایت جهانیان و هم نشانه‌های روشن الهی در آن است. خداوند آنجا را حرم امن خویش قرار داد و هیچ کس در طول سال، حتی در غیر مراسم حج، نمی‌تواند بدون احرام و تشریفات ویژه وارد حرم شود و ورود افراد غیر مسلمان به منطقه حرم ممنوع است تا کرامت این مکان محفوظ بماند.

به موسی علیه السلام خطاب شد:

فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى. (۲) «ای موسی، این جا وادی مقدس طوی است، هنگام ورود به آنجا کفش خویش از پا بر کن.»

اما حاجی و زائر کعبه، در حالی که هنوز فرسخ‌ها مانده تا به حرم برسد، باید کفش‌ها را از پا در آورد و لباس از تن بیرون کند. رمز عبور؛ «لَيْتِكَ، اللَّهُمَّ»

۱- آل عمران: ۹۶

۲- طه: ۱۲

ص: ۷

لَبَّيْكَ» بگوید و جواز عبور بگیرد و پس از آن وارد شود و اگر اشتباه کرد، باید برگردد و ... آن کس که در آستانه کعبه قرار می‌گیرد، ۱۲۰ در رحمت به سویش گشوده می‌شود و نگاه کردن به او اجر و ثواب دارد. از برخی منابع تاریخی و روایی استفاده می‌شود که کعبه از زمان حضرت آدم علیه السلام وجود داشته و نزد عامه مردم و ادیان مختلف، از احترامی خاص برخوردار بوده است.

هندوها همواره با دیده عظمت بر آن نگریسته‌اند؛ زیرا باور داشته‌اند که روح شیوا، که نزد آن‌ها سؤمین اقنوم (۱) شمرده می‌شد، در حجر الأسود حلول کرده است.

ستاره پرستان ایرانی و کلدانی، کعبه را یکی از خانه‌های هفتگانه بزرگ دانسته‌اند. زرتشتیان نیز کعبه را محترم شمرده و معتقدند که روح هرمز در آن حلول کرده است.

یهود و نصاری هم کعبه را بزرگ می‌شمردند؛ چون آن را وابسته به حضرت ابراهیم دانسته‌اند؛ از این رو است که صورت‌هایی چون ابراهیم، مریم و مسیح را در آن نصب کرده بودند تا این که به وسیله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فتح مکه، پاکسازی شد. در باور عرب‌ها نیز کعبه برترین عظمت را داشت و در برابر آن کرنش می‌کردند و آن را بنای ابراهیم علیه السلام می‌دانستند. (۲) با ظهور اسلام و نزول قرآن کریم، نه تنها آن عظمت و احترام تثبیت شد بلکه خداوند شرافت، ویژگی‌ها و احکامی برای خانه‌اش بیان کرده که برای هیچ چیز دیگر گفته نشده است.

این نوشتار با هدف شناساندن جایگاه ویژه کعبه در قرآن، با عناوین زیر تهیه شده است:

الف: اسامی کعبه در قرآن.

ب: ویژگی‌های کعبه در قرآن.

ج: احکام کعبه و حرم در قرآن.

۱- «اقنوم» جمع «اقنوم» که در آیین هندو خدایان سه گانه را گویند؛ عبارت‌اند از: برهما، پيشنو و سیوا.

۲- المیزان، ج ۳، ص ۳۵۸

ص: ۸

فصل اول:

* نام‌های کعبه در قرآن

خداوند در آیات مختلف، برای خانه خود عناوین و نام‌های متعدد آورده که به ترتیب می‌آوریم:

۱. البیت

واژه «البیت» در ۷ مورد بر خانه خدا اطلاق شده که معنای آن هم روشن است:

إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ . (۱)

إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ . (۲)

فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ . (۳)

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ . (۴)

مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً . (۵) وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ . (۶) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ . (۷)

۲. بیتی

واژه «بیتی» در سوره بقره و حج آمده است و خداوند متعال در هر دو مورد، این خانه را به خودش نسبت می‌دهد. از این کلمه عنوان «بیت الله» را هم می‌توان برای کعبه انتزاع کرد.

کعبه تنها مکانی است که خداوند آن را به خود نسبت داد، حتی بیت المقدس را، با آن همه قداستش، به خودش نسبت نداده است.

... وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ ... (۸) ... وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ... (۹)

۱- بقره: ۱۲۵

۲- بقره: ۱۲۷

۳- بقره: ۱۵۸

۴- آل عمران: ۹۷

۵- انفال: ۳۵

۶- حج: ۲۶

۷- قریش: ۳

۸- بقره: ۱۲۵

۹- حج: ۲۶

ص: ۹

۳. بیت الحرام

در «بیت الحرام»، «بیت» موصوف به «حرام» شده؛ یعنی خانه‌ای که محترم است: (۱) وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ. (۲)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامِ. (۳)

و در جای دیگری، موصوف به «محرم» گردیده است:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ. (۴)

توضیح بیشتر آن در فصل بعد می‌آید.

۴. الکعبه

عنوان «الکعبه» نیز در دو جای قرآن به کار رفته است:

هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ. (۵)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامِ. (۶)

در وجه تسمیه «بیت‌الله» به «کعبه»، چند قول آمده است:

الف: از آنجا که خانه خدا مربع است و عرب‌ها بر خانه چهار گوش و مربع کعبه اطلاق می‌کنند؛ از این رو، به خانه خدا هم «کعبه» اطلاق شد.

چنانکه امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«... لأنها مربعه، فقيل له و لم صارت مربعه، قال: لأنها بحذاء البيت المعمور و هو مربع، فقيل له: و لم صار البيت المعمور مربعاً؟ قال: لأنه بحذاء العرش و هو مربع، فقيل له:

و لم صار العرش مربعاً؟ قال: لأن الكلمات التي بنى عليها الإسلام أربع و هي سبحان الله، والحمد لله و لا إله إلا الله، و الله أكبر». (۷)

ب: به وسط هر چیزی «کعب» می‌گویند. از آنجا که خانه خدا در وسط زمین واقع شده، به آن کعبه گفته‌اند. در روایت آمده است گروهی از یهودیان خدمت پیامبر آمدند و از آن حضرت مسائلی پرسیدند؛ از جمله سؤال کردند: از چه رو کعبه را کعبه خوانده‌اند؟ پیامبر پاسخ داد: زیرا خانه در وسط دنیا قرار گرفته است. (۸) ج: هر چیزی که دارای ارتفاع و بلندی از سطح زمین باشد کعبه گویند. به خانه خدا هم کعبه اطلاق می‌شود؛ زیرا هم ارتفاع ظاهری دارد و هم ارتفاع و عظمت معنوی. از این رو،

۱- البیت الحرام والبلد والمسجد الحرام لایحل انتهاکه، مصباح المنیر.

۲- مائده: ۹۷

۳- مائده: ۲ و ۹۷ و ۹۵

۴- ابراهیم: ۳۷

۵- مائده: ۹۵

۶- مائده: ۹۷

۷- بحار، ج ۹۶، ص ۵۷؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۹۸

۸- بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۵۷

ص: ۱۰

امام باقر علیه السلام فرمود:

«وَلَا يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ أَنْ يَزِفَعَ بِنَاءَ فَوْقِ الْكَعْبَةِ». (۱) چنانکه بعضی از مفسران در این باره گفته‌اند:
 فَلَمَّا كَانَ هَذَا الْبَيْتِ أَشْرَفَ بُيُوتِ الْأَرْضِ وَأَقْدَمَهَا زَمَانًا وَأَكْثَرَهَا فَضِيلَةً، سُمِّيَ بِهِ هَذَا الْإِسْمَ». (۲) البیت العتیق
 «البیت العتیق» هم در دو جای قرآن به کار رفته است:

وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (۳)

ثُمَّ مَجَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (۴)

در توصیف خانه خدا به «عتیق»، وجوه مختلفی به شرح ذیل ذکر شده که ناشی از معانی لغوی آن است.

الف: قدیم و کهن

یکی از معانی عتیق در کتب لغت، قدیم و کهن است؛ (۵) چنانکه از امام باقر علیه السلام، در حالی که در مسجد الحرام نشسته بود، پرسیدند: چرا خانه خدا عتیق نامیده شد؟ حضرت پاسخ داد:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَهُ قَبْلَ الْخَلْقِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِ فَدَحَاها مِنْ تَحْتِهِ». (۶) بنابراین وجه، مفاد این آیه همان آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ» (۷)

خواهد شد که توضیح پیش‌تر گذشت.

ب: حرّ و آزاد

عتیق به معنای آزاد نیز آمده است، اما در این که کعبه از چه چیز آزاد شده، هم روایات مختلف است هم نظریه مفسران، ولی هیچ مانعی ندارد که همه آن‌ها اراده شده باشد:

۱. آزاد از ملکیت و رقیت انسان‌ها

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: «از چه رو خانه خدا را عتیق نامیدند؟» حضرت در پاسخ فرمود:

«زیرا که خانه آزاد و رها از تملک مردم است و هیچ کس مالک آن نیست.» «لِمَ سَمِيَ الْبَيْتُ الْعَتِيقَ؟ قَالَ: هُوَ بَيْتٌ حُرٌّ عَتِيقٌ مِنَ النَّاسِ لَمْ يَمْلِكْهُ أَحَدٌ». (۸)

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۶۰

۲- التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۵۷

۳- حج: ۲۹

۴- حج: ۳۳

۵- العتیق القدیم من کل شیئی صحاح- المتقدم فی الزمان مفردات راغب.

۶- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۵۸

۷- آل عمران: ۹۶

۸- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۵۸

ص: ۱۱

۲- آزاد شده از طوفان نوح

از امام صادق علیه السلام روایت شده که «خانه خدا تا زمان طوفان نوح پا بر جا بود، وقتی تمام دنیا در طوفان نوح زیر آب رفت، خداوند خانه‌اش را بالا برد و جای آن در زیر آب قرار نگرفت؛ از این رو، آن را «بیت العتیق» خواندند؛ یعنی خانه‌ای که از غرق شدن رهایی یافت.»؛ «فَلَمَّا غَرِقَتِ الدُّنْيَا رَفَعَ اللَّهُ تِلْكَ الْقَبَّةَ وَغَرِقَتِ الدُّنْيَا إِلَّا مَوْضِعَ الْبَيْتِ، فَسُمِّيَتِ الْبَيْتَ الْعَتِيقَ، لِأَنَّهُ أُعْتِقَ مِنَ الْغُرُقِ».

(۱) ۳- آزادی از جهنم

کسی که این خانه (کعبه) را در این دنیا زیارت کند، براءت از جهنم به او داده می‌شود. (۲) ج- گرانبها و نفیس از دیگر معانی عتیق، چیز ارزشمند و نفیس است. (۳) پس کعبه از آن رو که گرانقدر و ارزشمند است، عتیق نام نهاده شد. نتیجه و برداشت:

از آنجا که لفظ «عتیق» در هر دو آیه مطلق است، منعی وجود ندارد که بگوییم همه این معانی اراده شده است و روایات هم از باب بیان بعض مصادیق است نه حصر مصداق، تا میان روایات تنافی لازم بیاید. به علاوه، عتیق در لغت به چیزی می‌گویند که هم دارای پیشینه تاریخی باشد و هم بهره‌مند از قداست. اگر یکی از این دو معنا را نداشته باشد، به آن عتیق نمی‌گویند؛ زیرا در بعضی از کتب معتبر لغت، آمده است که: «عتق یجمع معنی الکرام و معنی المقدم». (۴) از مطالبی که گذشت به دست می‌آید که خانه خدا در قرآن به اوصاف زیر توصیف شده است: الحرام (البیت الحرام)، (۵) التعیق (البیت العتیق)، (۶) المحرم (عند بیتک المحرم). (۷) عناوین احتمالی کعبه

۱. بکه

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا. (۸)

۱- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۸۹ و بحار، ج ۹۶، ص ۵۸

۲- تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۱۵۸

۳- العتیق: الکریم من کل شیء: صحاح اللغه.

۴- مقایس اللغه.

۵- مائده: ۹۷

۶- حج: ۳۳ و ۲۹

۷- ابراهیم: ۳۷

۸- آل عمران: ۹۶

ص: ۱۲

مفسران معنای «بکه» را با اختلاف معنا کرده‌اند:

* بعضی گفته‌اند: «بکه مزدحم الناس للطواف و هو ما حول الكعبة من داخل المسجد الحرام». (۱) * گروهی دیگر گفته‌اند: مراد از بکه «موضع البيت» یا «موضع الحج» است (۲) و این نظریه برداشت از دو روایت زیر از امام صادق و امام باقر علیهما السلام است: عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «مكة جملة القرية، و بكة موضع الحجر الذي تبك الناس بعضهم بعضاً». (۳) عن جابر، عن أبي جعفر عليهما السلام قال: (۴) «إن بكة موضع البيت و إن مكة الحرم».

پس طبق این دو روایت، مکه با بکه فرق دارد و بکه هم نام کعبه نیست.

* اما طبق روایتی دیگر، بکه نام کعبه است؛ چنانکه عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام پرسید: «لِمَ سُمِّيَتِ الْكَعْبَةُ بَكَّةً؟ فَقَالَ: لِبُكَاءِ النَّاسِ حَوْلَهَا وَ فِيهَا» (۵) ظاهراً این وجه با اشتقاق ادبی سازگار نیست؛ زیرا «بکه» مضاعف و «بکی» ناقص است.

* قول چهارم این است که «میم» آن تبدیل به «با» شد (قیل بكة هي مكة و لا قرب تبدیل الباء میماً ... (۶) چنانکه از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «إِنِّي سَمَّيْتُ مَكَّةَ بَكَّةً لِأَنَّ النَّاسَ يَتَبَاكُونَ فِيهَا». (۷) در روایت دیگری، از امام صادق علیه السلام تصریح شده که بکه یکی از نام‌های مکه است؛ «قال أسماء مكة أم القرى و مكة و بكة و البساسة ...». (۸) خلاصه این که بکه، بنا به احتمالی که نام کعبه و یا لا اقل نام مکانی که کعبه در آنجا بنا شده و یا نام مکانی که حجر الأسود در آن نصب گردیده است مربوط به بحث ما می‌شود، اما طبق احتمالات دیگر، از بحث خارج است.

۲. مسجد الحرام

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۹)

بنا به قول گروهی از مفسران، مراد از «مسجد الحرام» در این گونه آیات «کعبه» است، اما چرا کعبه گفته نشده و یا مراد از «وجه» و «شطر» چیست، چند وجه ذکر شده که از محل بحث

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۷

۲- الفرقان، ج ۳ و ۴، ص ۲۶۱

۳- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۶

۴- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۶

۵- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۶

۶- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۷

۷- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۶

۸- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۶

۹- بقره: ۱۴۴

ص: ۱۳

خارج است. احتمال دیگر آن است که مراد از مسجد الحرام همان مسجد الحرام معهود باشد ولی مراد از شطر، یا بعض است که در این صورت مراد از بعض مسجد الحرام، کعبه خواهد شد. (۱) و یا مراد از شطر وسط هر چیزی است و از آنجا که کعبه در وسط مسجد الحرام قرار گرفته، پس مراد وسط مسجد الحرام- کعبه- خواهد بود. (۲) ۳. بیت المعمور

وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَشْشُورٍ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ. (۳)

از تفسیرهایی که برای بیت المعمور کرده‌اند، کعبه و خانه خدا در روی زمین است که همواره به وسیله زائران معمور و آباد است. مؤیدش این است که کعبه نخستین خانه‌ای است که برای عبادت در روی زمین ساخته و آباد شده است. (۴) اما تفسیر مشهور که الهام گرفته از روایات می‌باشد، آن است که بیت المعمور خانه‌ای است در آسمان‌ها و محازی خانه کعبه در روی زمین و همواره با عبادت فرشتگان معمور و آباد می‌گردد:

و عن أمير المؤمنين عليه السلام: «البيت الذي في السماء يقال له الضراح و هو بفناء البيت...». (۵) و في المجمع عن الباقر عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ تَحْتَ الْعَرْشِ أَرْبَعَةَ أَسَاطِينَ وَسَمَاءَ الضُّرَاحِ، وَهُوَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ، وَقَالَ لِلْمَلَائِكَةِ: طُوفُوا بِهِ، ثُمَّ بَعَثَ مَلَائِكَةً فَقَالَ لَهُمْ: ابْنُوا فِي الْأَرْضِ بَيْتًا بِمِثَالِهِ وَقَدْرِهِ وَأَمَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ أَنْ يَطُوفُوا بِهِ. (۶) * ویژگی‌های کعبه در قرآن

۱. مثابه

وَأِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ. (۷)

نخستین ویژگی و صفتی که برای بیت الله در قرآن ذکر شد «مثابه» است که خانه خدا به عنوان مرجع و ملجأ و پناهگاه عمومی مطرح شده است.

۱- المیزان، ج ۱، ص ۳۲۵

۲- تفسیر کبیر، ذیل آیه.

۳- طور: ۴- ۱

۴- مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۶۳

۵- تفسیر صافی، ج ۷۷۵

۶- نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۳۶ و صافی، ج ۵، ص ۷۷

۷- بقره: ۱۲۵

ص: ۱۴

۲. اماً

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا. (۱)

دومین ویژگی، که صاحب خانه برای خانه‌اش آورده، «امنیت» است که بزرگترین و مهمترین نعمت برای جوامع انسانی به شمار می‌رود و تحقق محیط و جامعه امن از آرزوهای دیرین بشر است.

۳. خانه مردم

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ. (۲)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ. (۳)

ویژگی دیگر کعبه آن است که از آن ناس و همه مردم است و اختصاص به شخص یا گروه و نژاد خاصی ندارد؛ هم بنای آن برای مردم است، هم ملجأ، مرجع و مأمن برای آنان، و هم مایه قوام جوامع بشری است.

۴. خانه خدا

وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ ... (۴)

وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ ... (۵)

ویژگی دیگر آن که، بیت الله است؛ تنها خانه‌ای که در قرآن به خدا نسبت داده شده است و جالب این که خداوند منان، در این دو آیه شریفه، آن را به خودش نسبت داده است.

از این رو، دو تن از بهترین بندگان خود را مأمور تطهیر خانه‌اش ساخت.

اما در جای دیگر، حضرت ابراهیم علیه السلام این خانه را به خداوند متعال نسبت داده است.

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ ... (۶)

یاد آوری چند نکته

۱. جمع میان این که: کعبه هم خانه خداست و هم خانه مردم، روشن است؛ چه این که کعبه خانه خداست اما برای مردم بنا گردیده و برای آن‌ها مأمن و مرجع قرار داده شده است.

یعنی آنچه که به نام خدا و برای خداست، باید در خدمت مردم و بندگان او قرار گیرد.

۱- بقره: ۱۲۵

۲- بقره: ۱۲۵

۳- آل عمران: ۹۶

۴- بقره: ۱۲۵

۵- حج: ۲۶

۶- ابراهیم: ۳۷

ص: ۱۵

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در فرق میان این دو، می‌گوید:

از جهت ادبی، فرق این که خانه خدا بدون لام به خداوند نسبت داده شده، اما در «وَضَعَ لِلنَّاسِ» با لام به مردم اسناد داده شده است؛ یعنی بیت‌الله است اما بیت الناس نیست، بلکه برای مردم قرار داده شده؛ از این رو، به وَضَعَ است نه بَنَى؛ یعنی تشریفاً معبد و مطاف و قبله قرار داده شد، اما تفاوت معنوی این است که بیت در اثر اضافه به الله، شرافت پیدا کرد. اما مردم در اثر اضافه کعبه به آن‌ها شریف می‌شوند. پس شرف کعبه به خاطر اضافه به خدا و شرف مردم در اثر ارتباط با کعبه است. (۱) ۲. در آیاتی که در بالا اشاره شد، کعبه با عنوان «بَيْتِي» آمده، در حالی که خداوند نه جسم است و نه نیاز به خانه دارد. پس منظور از این اضافه، همان اضافه تشریفیه است؛ یعنی برای بیان شرافت و عظمت چیزی، به خدا نسبت داده شده است؛ مثل شهر الله، کتاب الله، بیت الله و مرحوم آقا میرزا جواد ملکی تبریزی در این باره فرمودند: «و من عظام تلک النعم، جعل الکعبه بیتاً لنفسه ... و لعمری ان هذا، غایه اللطف و الرفق و الکرم». (۲)

۱- فصلنامه «میقات حج»، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۲

۲- المراقبات، ص ۱۹۴

ص: ۱۶

۵. بانی آن ابراهیم

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ. (۱)

کعبه با دست توانای دو پیامبر عظیم الشأن الهی بازسازی و تجدید بنا گردید و به خاطر همین بانی، بر بیت المقدس فضیلت پیدا کرده است؛ زیرا که بانی کعبه، ابراهیم و بانی بیت المقدس سلیمان است؛ «و لاشک ان الخلیل اعظم درجه و اکثر منقبه من سلیمان فمن هذا الوجه يجب أن تكون الكعبه أشرف من بیت المقدس» (۲) و به تعبیر آیت الله جوادی آملی، ابراهیم از پیامبران اولوالعزم کعبه را ساخت اما بیت المقدس را حضرت سلیمان که از حافظان شریعت انبیاء اولوالعزم است، ساخت. (۳) ۶. پایه‌های کعبه بر خلوص نهاده شد

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. (۴)

بالا بردن قواعد و پی‌های کعبه، عبادتی خالصانه به دست حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بوده؛ به طوری که برای این کار هیچ پاداشی نطلبیدند، بلکه تنها گفتند: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا»؛ «پروردگارا! این خدمت را از ما بپذیر» یعنی پاداش از دیدگاه این دو پیامبر عظیم الشأن، پذیرش عمل نزد خداوند است که عمل بدون قبولی خدا، ناچیز و بی ارزش است؛ از این رو، خداوند این دو پیامبر را به صفت بندگان مخلص ستود. (۵) ۷. نخستین معبد

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ.

پیشینه تاریخی، ویژگی دیگر بیت الله الحرام است، تا آنجا که در قرآن، به عنوان نخستین معبد عمومی در روی کره زمین شناسانده می‌شود. بدینسان کعبه بر بیت المقدس مقدم و قبله نخست جهانیان بود. این آیه مبارکه، پاسخ به اعتراض یهودیان بر مسلمانان است که می‌گفتند بیت المقدس برتر از کعبه و برای قبله بودن سزاوارتر است؛ چون کعبه پیشتر بنا شده و قبله برخی از انبیا بوده است. در پاسخ به این اعتراض بود که خداوند فرمود: نخستین خانه‌ای که برای عبادت بشر بنا

۱- بقره: ۱۲۷

۲- التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۵۴

۳- میقات حج، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۲

۴- بقره: ۱۲۷

۵- این ویژگی برداشت از کتاب «جرعه‌ای از بیکران زمزم، ص ۴۸ است.

ص: ۱۷

شده، کعبه است و هیچ معبدی پیش از آن وجود نداشته است. اگر قبله از بیت المقدس به کعبه برگردانده شد، چیز عجیبی نیست، زیرا این بازگشت به قبله نخست است و مؤید آن این است که ابراهیم وقتی هاجر و اسماعیل را در آن سرزمین اسکان داد، گفت: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ ... هدف و غایت را اقامه نماز در این سرزمین مقدس بیان کرد و شاید از این جهت به کعبه بیت العتیق؛ یعنی خانه قدیم (۱) گفته شده است؛ وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (۲)

۸. مبارک

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا. (۳)

ویژگی دیگر کعبه مبارک (۴) بودن آن است؛ یعنی خانه‌ای است پر خیر و برکت و از آنجا که مبارکاً مطلق است؛ از این رو، هم شامل برکات مادی می‌شود و هم برکات معنوی. البته بعضی از مفسران گفته‌اند: اگر چه مبارکاً هم شامل برکات مادی است و هم معنوی، ولی در اینجا به قرینه مقابله با «هُدًى لِلْعَالَمِينَ» تنها شامل افاضه برکات دنیوی می‌شود. (۵) و به تعبیر بعضی از مفسرین، از آنجا که خود خداوند تبارک است، خانه‌اش هم مبارک است. (۶) ۹- هُدًى لِلْعَالَمِينَ

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ. (۷)

هدایتگری خانه خدا ویژگی دیگر آن است. مردم از راه دور و نزدیک به کنار این خانه می‌آیند و از هدایت‌های آن بهره‌مند می‌شوند.

مرحوم علامه طباطبایی در بیان این ویژگی می‌نویسد:

«کعبه هم هادی و راهنمای جهانیان برای سعادت اخروی و باعث رسیدن به کرامت و قرب الهی است، هم باعث هدایت مسلمین است به سعادت دنیوی که همان وحدت کلمه و ائتلاف امت و مشاهده منافعشان می‌باشد. چنانکه نحوه هدایتش هم عمومیت دارد و جمیع مراتب هدایت را شامل می‌شود.

از سوی دیگر هدایتش مربوط به عالم خاص و دسته مخصوص نیست، بلکه شامل تمام جهانیان می‌شود.» (۸)

۱- اهل لغت برای لفظ عتیق معانی متعددی ذکر نموده‌اند که از جمله آن قدیم و کهن می‌باشد.

۲- حج: ۲۹

۳- آل عمران: ۹۶

۴- «البركة ثبوت الخير الألهی فی شیء ... والمبارک ما فیہ ذلک الخیر مفردات راغب. کثیر الخیر و البرکة، مجمع البیان، ج ۱، ص

۴۷۸

۵- المیزان، ج ۳، ص ۳۵۰

۶- آیت‌الله جوادی آملی، میقات، شماره تابستان ۱۳۷۲

۷- آل عمران: ۹۶

۸- المیزان، ج ۳، صص ۳۵۱ و ۳۵۲

ص: ۱۸

و دعوت حق به وسیله انبیا از اینجا به گوش جهانیان رسیده و می‌رسد؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از همین جا ندای توحید را به گوش جهانیان رساند و نیز امام زمان علیه السلام از همین جا ندای حق را به جهانیان خواهد رساند. به علاوه، وجه امّ القری بودن مکه، بی مناسبت با هدی للعالمین نیست.

۱۰. فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ (۱)

وجود نشانه‌های الهی در کنار بیت الله از ویژگی‌های دیگر این خانه است که گام به گام آن، یادآور آیات و نشانه‌های فراوان و روشن الهی است.

۱۱. خانه محترم

وَلَا آمِنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ. (۲)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ. (۳)

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ. (۴)

کعبه، خانه‌ای است محترم و باید از هر جهت احترام آن نگه داشته شود. حتی کسی نباید خانه خود را بلندتر از کعبه بسازد؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود:

«وَلَمَا يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ». (۵) و احترام آن باید در همه جا حفظ شود؛ حتی در دورترین نقاط جهان، به هنگام تخلیه، نباید به سوی آن و یا پشت به آن نشست.

بیت‌المعمور خانه‌ای است در آسمان‌ها و محازی خانه کعبه در روی زمین است و همواره با عبادت فرشتگان معمور و آباد می‌گردد در روایات آمده است که ویران کردن آن، در ردیف قتل پیامبر و امام معصوم است.

امام صادق علیه السلام می‌گوید: هر کس عمداً هتک حرمت این خانه کند و آن را به پلیدی آلوده سازد، محکوم به اعدام است. (۶) چنانکه در روایت دیگر فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حُرْمَاتٍ ثَلَاثًا، لَيْسَ مِنْتَلَهُنَّ شَيْءٌ كِتَابُهُ وَهُوَ حِكْمَتُهُ وَنُورُهُ وَبَيْتُهُ

۱- آل عمران: ۹۶

۲- مائده: ۲

۳- مائده: ۹۶

۴- ابراهیم: ۳۷

۵- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۶۰

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۱

ص: ۱۹

الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ لَأَقْبَلَ مِنْ أَحَدٍ تَوَجُّهًا إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ عِثْرَهُ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (۱) از این رو فرموده‌اند: حرمت این خانه باعث احترام مسجد الحرام، بلکه مکه و حرم شده است و احتمالاً ماه‌های حج به خاطر حرمت خانه خدا موصوف به حرام شده است (الشَّهْرُ الْحَرَامُ...) و به خاطر همین احترام، مشرکین حق ورود به آن منطقه را ندارند؛ إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ.... (۲)

چنانکه وقتی از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «لِمَ سُمِّيَ بَيْتُ اللَّهِ الْحَرَامَ قَالَ لِأَنَّهُ حُرِّمَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَدْخُلُوهُ» (۳) ۱۲. قِيَامًا لِلنَّاسِ

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ. (۴)

خانه محترمی که مسلمانان می‌توانند در پناه آن همه کارهای فردی و اجتماعی همچین مادی و معنوی جامعه خود را سامان ببخشند؛ چنانکه پیشوایان معصوم علیهم السلام فرموده‌اند:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَرَادَ دُنْيَا وَ آخِرَةً فَلْيُؤَمِّمْ هَذَا الْبَيْتَ» (۵) امام صادق علیه السلام: «جَعَلَهَا اللَّهُ لِدِينِهِمْ وَ مَعَايِشِهِمْ».

(۶) امام صادق علیه السلام: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ». (۷) حیات دین به حیات کعبه است و حیات متدین به حیات دین؛

با انهدام و ترک کعبه، دین می‌میرد و در نتیجه مردم هم خواهند مرد.

علی علیه السلام فرمود: «لَا تَتْرُكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ فَتَهْلِكُوا...» (۸) ۱۳. کعبه تجلیگاه توحید

وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَاتُشْرِكْ بِي شَيْئًا. (۹)

ویژگی دیگر کعبه آن است که بر توحید محض پایه‌گذاری شده و با هیچ شرکی؛ اعم از خفی و جلی، همراه نیست، چه این که نکره در سیاق نهی مفید عموم است.

و از آنجا که «أَنْ» در «أَنْ لَاتُشْرِكْ بِي شَيْئًا» مفسره است؛ یعنی أَنْ لَاتُشْرِكْ بِي شَيْئًا تفسیر برای بَوَّأ است؛ از این رو، چنین برداشت می‌شود که هدف از جا دادن حضرت

۱- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۰

۲- توبه: ۲۸

۳- بحار الانوار، ۹۶، ص ۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۶

۴- مائده: ۹۷

۵- من لایحضره الفقیه، ج ۱۱، ص ۲۱

۶- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۶۵

۷- وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۱

۸- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۶۹

۹- حج: ۲۶

ص: ۲۰

ابراهیم در این مکان مقدس، این بوده که کعبه تجلیگاه توحید گردد و هیچ چیز دیگر، شریک آن قرار نگیرد و اساس این خانه از اول بر توحید صرف بنیان شود.

۱۴. کعبه خانه آزاد

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (۱)

ثُمَّ مَجِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (۲)

از ویژگی‌های کعبه، با توجه به یکی از معانی عتیق (آزاد شده)، آزاد بودن آن است؛ چنانکه از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «فَإِنَّهُ لَا رَبَّ لَهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ الْحُرُّ...» (۳) اما این که از چه چیز آزاد شده، توضیح آن پیشتر گذشت. از آنجا که این خانه، خانه آزاد است، پس تا انسان از بند عبودیت و بندگی دیگری آزاد نشود، صلاحیت طواف برگرد آن (بیت العتیق) را نمی‌یابد و هر کس به گرد آن طواف کرد، دیگر نباید سر به بندگی غیر بگذارد.

* احکام کعبه و حرم

۱. امنیت تکوینی و امنیت تشریحی

از احکام اختصاصی کعبه و حرم در قرآن، «امن» بودن آن سرزمین مقدس است که هم امنیت تکوینی دارد؛ «آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (۴) که اگر کسی بخواهد کعبه را محو سازد، به او امان داده نمی‌شود؛ مانند جریان ابرهه، و هم امنیت تشریحی دارد؛ «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». (۵) کسی که داخل حرم شود، شرعاً در امان خواهد بود.

نکته قابل توجه در این آیه آن است که: جمله به صورت ماضی استمراری بیان شده و به صورت «مَنْ دَخَلَهُ» امن ذکر نشده است؛ یعنی همواره در آنجا امنیت تشریحی حکم فرماست.

پس هر فرد مسلمان، تا هنگامی که در این منطقه زندگی می‌کند، در امان خواهد بود و هیچ کس حق تعرض به او را ندارد؛ در خارج حرم مرتکب جنایتی شده باشد یا نه. زیرا آیه مبارکه اطلاق دارد و تنها یک مورد استثنا شده است و آن این که اگر کسی حرمت حرم را نگه ندارد و در داخل حرم مرتکب جنایت شود، در امان نخواهد بود و حد شرعی بر او جاری خواهد شد. چنانکه امام صادق علیه السلام در توضیح آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» فرمود: «إِذَا أَخَذَتِ الْعَبْدُ

۱- حج: ۲۹

۲- حج: ۳۳

۳- فروع کافی، ج ۴، ص ۱۸۹

۴- قریش: ۴

۵- آل عمران: ۹۷

ص: ۲۱

فِي غَيْرِ الْحَرَمِ جَنَائِئُهُ ثُمَّ فَرَّ إِلَى الْحَرَمِ لَمْ يَسْعَ لِأَخِيذٍ أَنْ يَأْخُذَهُ فِي الْحَرَمِ وَلَكِنْ يُمْنَعُ مِنَ السُّوقِ وَ لَمَّا يُبَايِعُ وَ لَمَّا يُطْعَمُ وَ لَا يُسَيِّقِي وَ لَا يُكَلِّمُ، فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ يُوشِكُ أَنْ يَخْرُجَ فَيُؤْخَذُ وَ إِذَا جَنَى فِي الْحَرَمِ جَنَائِئُهُ أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحُدُّ فِي الْحَرَمِ لِأَنَّهُ لَمْ يَدْعَ لِلْحَرَمِ حُرْمَتَهُ». (۱)
 نه تنها انسان‌ها، بلکه حیوانات و پرندگان هم در آن منطقه در امنیت‌اند؛ به طوری که متخلفان مورد مجازات قرار خواهند گرفت؛ چرا که اطلاق «مَنْ دَخَلَهُ» شامل حیوانات و پرندگان هم می‌شود.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه فرمود:

«... وَ مَنْ دَخَلَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَ الطَّيْرِ كَمَا أَنَّ آمِنًا مِنْ أَنْ يَهْوَجَ أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ». (۲) وَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَحَدَهُمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ الطَّيْرِ يَدْخُلُ الْحَرَمَ. فَقَالَ: لَا يُؤْخَذُ وَ لَا يَمَسُّ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». (۳) در کجای دنیا چنین امنیتی وجود دارد؟ تا آنجا که شکار حیوانات، بلکه نشان دادن آن با گوشه چشم هم ممنوع باشد! آن هم در منطقه‌ای که «يُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ». (۴)

حتی انسان از جهت قرض و دین هم در امان است و طلبکار حق ندارد طلب خود را در آن منطقه از بدهکار بخواهد؛ سماعه از امام صادق علیه السلام در این باره روایتی نقل کرده که گفت:

«سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لِي عَلَيْهِ مَالٌ، فَعَرَّابَ عَنِّي زَمَانًا، فَرَأَيْتُهُ يَطُوفُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ أَفَأَتَقَاضَاهُ مَالِي؟ قَالَ: لَا، لَا تُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَ لَا تُرَوِّعُهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ». (۵) علاوه بر امنیت‌های ظاهری، امنیت معنوی هم در روایات برای حرم ذکر شده است چنانکه معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

«إِذَا أَرَدْتَ دُخُولَ الْكَعْبَةِ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا وَ لَا تَدْخُلَهَا بِحِذَاءٍ وَ تَقُولُ إِذَا دَخَلْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ». (۶) از تمسک امام علیه السلام به آیه شریفه، فهمیده می‌شود که معنای آیه وسیع است و هر نوع امنیتی را شامل می‌شود، منتهی از بعضی روایات برداشت می‌شود که امنیت معنوی در حرم، مشروط به داشتن ولایت است؛ چنانکه راوی به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند:

«جُعِلَتْ فِيمَا كَقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ قَدْ يَدْخُلُهُ الْمُرْجِيُّ وَ الْقَدْرِيُّ وَ الْحَزْرِيُّ وَ الزُّنْدِيقُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ. قَالَ: لَا وَ لَا كَرَامَةَ

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۲۶، و نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۰ و صافی، ج ۱، ص ۳۶۰

۲- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۲۶، و وسائل الشیعه ۱۲، ص ۵۵۷، و صافی، ج ۱، ص ۳۶۰

۳- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۶۹ و روایات دیگر.

۴- عنکبوت: ۶۷

۵- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۶۹ و روایات دیگر.

۶- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۶۹ و روایات دیگر.

ص: ۲۲

قُلْتُ فَمَنْ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: وَمَنْ دَخَلَهُ وَهُوَ عَارِفٌ بِحَقِّنَا كَمَا هُوَ عَارِفٌ لَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكَفِيَ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». (۱) ۲.

ممنوعیت جنگ و خونریزی

از احکام دیگر حرم ممنوعیت جنگ و خونریزی در این منطقه است:

لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ. (۲)

احترام مسجد الحرام را نگه‌دارید و تا هنگامی که دشمن دست به سلاح نبرد، در صدد جنگ با آن‌ها برنیاید، اما اگر آن‌ها احترام مسجد الحرام را نگه نداشتند، شما حق دفاع دارید.

در منطقه حرم رفت و آمد با سلاح نیز ممنوع است؛ چنانکه حضرت امام در تحریر الوسيله می‌گوید:

الرابع و العشرون: (من محرمات الاحرام) لبس السلاح على الأحوط؛ كالسيف والخنجر والطينجه ونحوها، فما هو و آلات الحرب الآ لضرورة و يكره حمل السلاح إذا لم يلبسه إن كان ظاهراً و الأحوط الترك». (۳) همچنانکه امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

«لَا بَأْسَ بِأَنْ يَخْرُجَ بِالسَّلَاحِ مِنْ بَلَدِهِ وَ لَكِنْ إِذَا دَخَلَ مَكَّةَ لَمْ يُظْهِرْهُ...». (۴) همچنانکه علی علیه السلام در حدیث اربع‌مائه فرمود: «لَا

تَخْرُجُوا بِالسُّيُوفِ إِلَى الْحَرَمِ». (۵) ۳. ورود غیر مسلمان به حرم ممنوع است

ممنوعیت ورود غیر مسلمانان به حرم از دیگر احکام حرم است. غیر مسلمان همچنین حق سکونت و بلکه حق عبور و مرور از آن

منطقه را ندارد؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا.... (۶)

از آنجاکه مشرکان آلوده و ناپاکند، نباید بعد از این سال (سالی که علی علیه السلام آیات برائت را تلاوت کرد) نزدیک مسجد الحرام شوند. مضمون این آیه نیز یکی از مواد چهارگانه‌ای بود که حضرت امیر علیه السلام در سال نهم هجرت، در سرزمین مکه به مردم ابلاغ کرد.

در این آیه مبارکه، به فلسفه حرمت ورود مشرکان به حرم نیز اشاره شده است؛ یعنی چون مشرکان نجس هستند و مسجد الحرام جای مقدس و پاک است، پس آنان حق نزدیک

۱- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۶۹ و صافی، ج ۱، ص ۳۶۰ و روایات دیگر.

۲- بقره: ۱۹۱

۳- تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۲۹

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۵۶ و فروع کافی، ج ۴، ص ۲۲۸

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۵۷، و فروع کافی، ج ۴، ص ۲۲۸

۶- توبه: ۲۸

ص: ۲۳

شدن به آن مکان مقدس را ندارند تا چه رسد بخواهند داخل حرم شوند!

از «إِنَّمَا» که نشانه حصر است و از وصف به مصدر (نَجَسٌ) که در مبالغه استفاده می‌شود، بر می‌آید که گویا موصوف تنها عین نجس است؛ همچنانکه ظاهر اطلاق آیه شامل هر نوع کافر با هر عنوانی می‌شود؛ از این رو، سفرا و ... هم حق عبور و گذر از آن منطقه را ندارند.

۴. ممنوعیت سکونت مفسد و ظالم در حرم

چهارمین حکم از احکام حرم آن است که باید از سکونت عاملان فساد و ظلم و الحاد در حرم پیش‌گیری شود، بلکه در این مورد با آنان با خشونت رفتار می‌شود؛ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ. (۱)

اگر چه بعضی از مفسران مصادیقی را برای الحاد به ظلم، آورده‌اند، اما همه این‌ها از باب ذکر بعضی از مصادیق است و گرنه معنای آیه وسیع است و شاهد آن روایتی است از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه که فرمود: «كُلُّ ظُلْمٍ يَظْلِمُهُ الرَّجُلُ نَفْسُهُ بِمَكَّةَ مِنْ سِرْقَةٍ أَوْ ظُلْمٍ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنِّي أَرَاهُ إِلْحَادًا وَإِتْدَالًا وَكَانَ يُتَّقَى أَنْ يُسَيِّكَنَّ الْحَرَمَ». (۲) و یا از طریق اهل سنت روایت شده که «سَتَمَّ الْخَادِمِ فِي الْحَرَمِ، ظُلْمٌ فَمَا فَوْقَهُ». (۳) به علاوه، حذف مفعول «يُرِدْ» هم دلالت بر عموم دارد و شامل هر نوع ظلم و انحراف از حق می‌شود؛ چنانکه بعضی از مفسران در این باره گفته‌اند: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ مِمَّا تَرَكَ مَفْعُولَهُ لِيَتَنَاوَلَ كُلَّ مَتَنَاوَلَ، أَيْ وَ مَنْ يَرِدُ فِيهِ شَيْئًا مَا أَوْ مَرَادًا مَا». (۴) مؤید دیگر، معنای الحاد (۵) است که هر نوع انحراف از حقی را شامل می‌شود.

تا انسان از بند عبودیت و بندگی دیگری آزاد نشود، صلاحیت طواف بر گرد آن (بیت العتیق) را نمی‌یابد و هر کس به گرد آن طواف کرد، دیگر نباید سر به بندگی غیر بگذارد.

نکته دیگر این‌که، برای تأکید و مبالغه در تحذیر، جزا (نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ) را بر مجرد اراده (مَنْ يُرِدْ ...) مترتب کرده است و شاید بشود گفت که: اگر اراده گناه در موارد دیگر گناه محسوب نمی‌گردد، در این سرزمین مقدس، نه تنها گناه است که بعضی از علما از جمله «نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» برداشت کرده‌اند اگر کسی در حرم مرتکب خلاف شود، علاوه بر حد و

۱- حج: ۲۵

۲- نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۳ و وسائل ج ۱۳ ص ۲۳۲

۳- در المشور، ج ۶، ص ۲۸

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۷ و روح المعانی ج ۱۷ ص ۱۴۰ و تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۵ و کشاف، ج ۳، ص ۱۵۱

۵- «الحد فلان مال عن الحق»، مفردات راغب.

ص: ۲۴

تعزیر، مجازات افزوده هم دارد. (۱) این برداشت را برخی روایات، که دلالت دارند گناهان در مکه دو برابر بوده و عذابش نیز شدیدتر است؛ همانگونه که عبادت در مکه چند برابر ثواب دارد، تأیید می‌کند.

جمله «مَنْ يُرِدْ...»، اگر چه ظهور در انسان دارد، اما با توجه به بعضی روایات، این حکم شامل حیوانات هم می‌شود؛ چنانکه از امام صادق علیه السلام، در حالی که در مسجد الحرام بودند، سؤال شد «انَّ سَبْعاً مِنْ سَبَاعِ الطَّيْرِ عَلَى الْكَعْبَةِ لَا يَمْرُ بِهِ شَيْءٌ مِنْ حِمَامِ الْحَرَمِ إِلَّا ضَرْبَهُ فَقَالَ: انصَبُوا لَهُ وَ اقْتُلُوهُ فَإِنَّهُ قَدْ احْتَدَى فِي الْحَرَمِ». (۲) ۵. برابری مقیم و مسافر در استفاده از حرم از احکام دیگر حرم آن است که همه مردم در این منطقه یکسان‌اند ... وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سِوَاءِ الْعَاكِفِ فِيهِ وَ الْبَادِ (۳)

مفسران در تفسیر جمله «سِوَاءِ الْعَاكِفِ فِيهِ وَ الْبَادِ...»، نظریات گوناگون داده‌اند؛ گروهی گفته‌اند: مراد از «سِوَاءِ» در سکنی گزیدن است؛ از این رو، برخی از فقها، خرید و فروش و اجاره خانه‌های مکه را حرام دانسته‌اند و برای اثبات آن، به آیه شریفه و روایات تمسک کرده‌اند، برای این که اگر خانه‌های مکه قابل تملک باشد، «عاکف» و «بادی» نباید در استفاده کردن از خانه‌های مکه مساوی باشند، در حالی که آیه می‌گوید عاکف و بادی، مساوی هستند.

در موارد متعددی از روایات نیز آمده است:

- علی علیه السلام در نامه‌ای به قثم بن عباس، فرماندار مکه نوشت: «وَمَنْ أَهْلَ مَكَّةَ أَلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنِ أَجْرًا فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ يَقُولُ سِوَاءِ الْعَاكِفِ فِيهِ وَ الْبَادِ». (۴) - عن علی علیه السلام: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَهَى أَهْلَ مَكَّةَ عَنْ إِجَارَةِ بَيْوتِهِمْ وَ إِنْ تَعَلَّقُوا عَلَيْهَا أَبْوَاباً وَ قَالَ: سِوَاءِ الْعَاكِفِ فِيهِ وَ الْبَادِ». (۵)

- عن ابن عمر: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: مَكَّةُ مَبَاحَةٌ لَا تُؤْجَرُ بَيْوتُهَا وَ لَا تَبَاعُ رِبَاعِهَا». (۶) - عن ابن عمر: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: مَنْ أَكَلَ كِرَاءَ بَيْوتِ مَكَّةَ أَكَلَ نَارًا». (۷) لازمه این قول آن است که مراد از مسجد الحرام مکه باشد تا بحث سکونت در خانه‌ها مطرح شود و برای توجیه اطلاق مسجد الحرام بر مکه، دو مؤید ذکر کرده‌اند:

۱. از آنجاکه مراد از «عاکف» مقیم است و اقامت مقیم در مسجد نیست، بلکه در منازل

۱- السیوری جمال الدین المقداد بن عبد الله، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۳۵

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۸۲ و ۴۸۰ و روایات دیگر.

۳- حج: ۲۵

۴- نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۲ و ۴۸۰ و روایات دیگر.

۵- برهان، ج ۳، ص ۸۴

۶- در المنثور، ج ۶، ص ۲۶

۷- در المنثور، ج ۶، ص ۲۶ و روایات دیگر.

ص: ۲۵

است، پس مراد از مسجد الحرام مکه است. (۱) ۲. در آیات دیگر نیز مسجد الحرام اطلاق بر مکه شده، مانند آیه:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى. (۲)

این آیه، صراحت دارد که آغاز معراج از مسجد الحرام بوده، در حالی که در تاریخ و بعضی از روایات آمده است که محل معراج، خانه خدیجه یا خانه ام هانی یا شعب ابی طالب بوده است. بنابراین، می‌توان گفت منظور از مسجد الحرام در این آیه، شهر مکه است. (۳) در مقابل این قول، گروه دیگری از مفسران گفته‌اند: مراد از «سواء»، سواء در عبادت و انجام مراسم حج است و هیچ کس حق مزاحمت به دیگری در امور حج و عبادت را ندارد.

قال صلى الله عليه وآله: «يا بني عبد مناف، من ولي منكم من أمر الناس شيئاً، فلا يمنعن أحداً طاف بهذا البيت و صلى فيه أى وقت شاء فى ليل أو نهار». (۴) بنابراین قول، مراد از مسجد الحرام، خود مسجد است و طبق این نظریه، خرید و فروش و اجاره خانه‌های مکه جایز خواهد شد؛ لقوله صلى الله عليه وآله: «و هل ترك لنا عقيل من ريع (من دار)» (۵) همانگونه که نقل شده؛ «قد اشترى عمر بن خطاب دار السجى». (۶) اما آنچه که ابتدا به نظر می‌رسد این است که قدر متیقن از سواء، سواء در عبادت و اجرای مراسم حج است که سیاق آیه و ظاهر لفظ مسجد الحرام آن را تأیید می‌کند؛ زیرا صدر آیه مربوط به صدّ از سبیل الله و صدّ از مسجد الحرام است و این با عبادت سازگاری دارد، نه صرف سکنی گزیدن در مکه. به علاوه، لفظ مسجد الحرام حقیقت در خود مسجد است و دلیلی نداریم که از ظاهر آیه دست برداریم، چراکه آغاز معراج از بیرون مسجد الحرام، مسلم نیست بلکه محتمل است که از خود مسجد آغاز شده باشد و یا به گفته مرحوم صاحب جواهر، از منزل ام هانی به مسجد الحرام رفت و از آنجا به مسجد الاقصی سیر نمود (۷) و از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که مراد از عاکف، ملازم مسجد یا مجاور در مسجد باشد؛ به طوری که برای او امکان داشته باشد که هر وقت خواست به راحتی به آنجا برود. (۸) مؤید دیگر این که، خانه خدا عتیق است؛ از این رو، ملک کسی نمی‌شود و خداوند متعال آن را برای عبادت همه مردم قرار داده است؛ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ؛ یعنی «وضع لعبادة الناس» و یا در موارد دیگر فرمود: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ. (۹) قِيَامًا لِّلنَّاسِ. (۱۰) و ... و سیاق این آیات با آیه مورد بحث؛ (جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ) سازگاری دارد اما با

۱- تفسیر کعبی، ج ۲۳، ص ۲۴

۲- اسراء: ۱، و نیز آیه لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. بقره: ۱۹۶

۳- کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۳۵

۴- تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۴

۵- کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۳۵ و تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۴

۶- تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۴

۷- جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۸

۸- تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۴

۹- بقره: ۱۲۵

۱۰- مائده: ۹۷

ص: ۲۶

توجه به اطلاق سواء، که متعلق آن ذکر نشده است و حذف متعلق هم دلالت بر عموم می‌کند، به خصوص با عنایت به روایات زیادی که آیه مذکور را تفسیر به سواء در سکنی کرده‌اند، استظهار می‌شود آیه مبارکه، هم شامل سواء در عبادت می‌شود و هم سواء در سکنی.

اما روایاتی که آیه شریفه را تفسیر به سواء در سکنی کرده‌اند. برخی از آن‌ها بشرح ذیل است؛ «عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ ذَكَرَ أَبُو عَزِيدٍ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةَ سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ قَالَ: كَانَتْ مَكَّةُ لَيْسَ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا بَابٌ وَكَانَ أَوَّلُ مَنْ عَلَّقَ عَلَى بَابِهِ الْمِضْرَاعَيْنِ مُعَاوِيَةَ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَمْنَعَ الْحَاجَّ شَيْئًا مِنَ الدُّورِ مَنَازِلِهَا». (۱) «عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَرِهَ إِجَارَةَ بُيُوتِ مَكَّةَ وَقَرَأَ: سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ. (۲)

اما اطلاق مسجد الحرام بر معنای وسیعتر از خود مسجد، ظاهراً در قرآن نمونه‌هایی دارد (۳)، هم‌چنان که لفظ «بیت عتیق» بر مکه و اطراف آن استعمال شده است؛ ثُمَّ مَحَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (۴)

به علاوه مراد از عاکف به قرینه مقابله، با بادی مقیم خواهد بود، نه ملازم، چنان که حضرت امیر علیه السلام در تفسیر عاکف و بادی فرمود: «فالعاكف المقيم به و البادی الّذی یحجّ الیه من غیر أهله». (۵) پس معنای آیه شریفه با توجه به اطلاق کلمه «سواء» و روایات، معنایی است وسیع که نه تنها زائران خانه خدا در انجام مراسم حج یکسانند، بلکه در استفاده کردن از زمین و خانه‌های مکه جهت استراحت و سایر نیازها، یکسان خواهند بود.

اما بحث از این که آیا بیع و شراء و اجاره خانه‌های مکه حرام است یا نه، بحثی است فقهی. از این رو، تفصیل کلام در جای خود می‌آید. اما به اجمال می‌توان گفت: از آنجا که اساس روایات وارده در تفسیر آیه مبارکه دو دسته است؛ دسته‌ای ظهور در تحریم دارد و دسته دیگر کراهت، از این رو، طبق قاعده اصولی، روایاتی که ظهور در تحریم دارند، حمل بر کراهت خواهند شد: همانگونه که قول مشهور، بر کراهت است. (۶) همانطور که مرحوم صاحب جواهر هم در این باره فرمود: اگر چه به ظاهر، آیه و تعدادی از روایات دلیل بر تحریم است، اما شهرت اصحاب و تعبیر لاینبغی ترجیح بر کراهت می‌دهد و در ادامه فرمود: «و کونها مفتوحة عنوة لا يمنع من الأولویة و اختصاص الآثار بمن فعلها و حیثئذ فیجوز أخذ الأجرة». (۷)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۹؛ نورالثقلین، ج ۳، صص ۴۸۱ و ۴۸۰

۲- نورالثقلین، ج ۳، صص ۴۸۰ و ۴۸۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۹ و روایات دیگر، که برخی از آن‌ها پیشتر گذشت.

۳- بقره: ۱۹۱ و ۱۹۶- توبه ۲۸

۴- حج: ۳۳

۵- نور الثقلین، ج ۳، صص ۴۸۰ و ۴۸۱، روایات دیگر که برخی از آن‌ها پیشتر گذشت.

۶- جواهر الکلام، ج ۲۰، صص ۴۸-۵۰

۷- جواهر الکلام، ج ۲۰، صص ۴۸ تا ۵۰

ص: ۲۷

به علاوه، امکان دارد گفته شود که تملیک زمین دارای اشکال است اما تملک بنا و منافع آن، هیچ اشکالی ندارد؛ مانند بنا در زمین وقفی، که قابل فروش و اجاره است و شاید هم کسی بگوید: نهایت چیزی که از آیه و روایات استفاده می‌شود، تحریم بیع و اجاره در موسم حج است، اما در غیر موسم حج، به چه دلیل حکم به تحریم شود؟

به هر حال، این معنی مسلم است که اهل مکه باید از هر گونه سخت‌گیری بر زائران خانه

خدا خودداری کنند و بلکه برای آنان تسهیلات فراهم آورند. بنابراین، هیچ‌کس حق ندارد به هر عنوانی (متولی - خادم) کمترین مزاحمتی برای حاجیان ایجاد کند و یا آن مکان‌های مقدس را تبدیل به پایگاهی اختصاصی برای گروهی خاص نماید، بلکه حرم متعلق به همه مسلمانان است و هر نوع ایجاد مزاحمت و ممانعت، تجاوز به حقوق مسلمانان جهان محسوب می‌شود و مرتکبین آن بر اساس آیه مبارکه: **تُنذِقُهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ** باید به اشد مجازات تنبیه شوند؛ چون مفهوم جمله **اللّٰذِی جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ ...** این است که حرم در انحصار گروه یا مذهب خاص نیست؛ همانگونه که مفهوم **سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ**، برابری زائران خانه خدا در انجام مناسک و مراسم حج را می‌رساند.

اگر این خانه، خانه خداست (بیتتی) (۱)

و برای همه مردم (آنهايي که اسم ناس بر آنها اطلاق می‌گردد، بدون هیچ فرقی میان حاضر و بادی، مکی و آفاقی و وهابی و غیر وهابی)

ص: ۲۸

قرار داده شده است؛ **أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ، (۱) جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ، (۲) مَثَابَةً لِلنَّاسِ، (۳) قِيَامًا لِلنَّاسِ. (۴)**

پس چرا امروزه عاکفین، با دیدگاه خاصی که دارند، بر خلاف صریح قرآن، حرم را در انحصار خود قرار داده و آزادی عمل در انجام مراسم حج را از بادی گرفته‌اند. آیا این نوعی الحاد به ظلم نیست؟ آیا نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ شامل آن‌ها نمی‌گردد؟ آیا این عمل حاکمان سعودی، که هر سال قانونی جعل و جلوی عده‌ای از مشتاقان و مستطیعان را می‌گیرند بر خلاف آیات قرآن و برخلاف فرمانی که علی علیه السلام به قثم بن عباس نوشت (فَأَقِمْ لِلنَّاسِ) نیست؟ آیا سرزمین مکه که بر اساس دو اصل قرآنی منطقه امن و آزاد است، ایجاد محدودیت‌ها و مزاحمت‌ها، نوعی بدعت نیست؟ **(۵)** ۶. تشریفات خاص جهت ورود به حرم هر کس که بخواهد از بیرون وارد حرم شود (اگر چه موسم حج نباشد) ابتدا باید در یکی از میقات‌ها، با تشریفات خاص احرام بپوشد و آنگاه وارد حرم شود و این یکی دیگر از احکام حرم می‌باشد. جالب توجه است که میقات‌ها با حرم، فرسنگ‌ها فاصله دارد؛ یعنی اگر به حضرت موسی علیه السلام در داخل سرزمین طور گفته‌اند: ... فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى **(۶)** به زائران خانه خدا گفته‌اند: فرسنگ‌ها مانده به حرم، کفش و کلاه را در بیاورید و با رمز خاص و لباس ویژه، قصد زیارت خانه خدا کنید.

۷. کندن گیاهان و شکستن شاخه‌های درختان در حرم ممنوع است

از احکام دیگر حرم آن است که از کندن گیاهان و شکستن شاخه درختان حرم پرهیز شود و چنین عملی ممنوع است تا آنجا که برای متخلفین، مجازات مالی **(۷)** در نظر گرفته شده است و این حکم شامل غیر محرم هم می‌شود؛ چنانکه حضرت امام در تحریر الوسیله فرمود:

«للمحلّ أيضا قطع الشجر و الحشيش من الحرم فيما لا يجوز». **(۸)** همانگونه که امام صادق علیه السلام فرمود: «كلّ شیء ینبت فی الحرم فهو حرام علی الناس أجمعین». **(۹)** حتی شاخه درختی را که ریشه‌اش داخل حرم و شاخه‌اش در خارج حرم است، نمی‌شود شکست. همچنین اگر ریشه آن داخل حلّ و شاخه‌اش در حرم باشد.

۱- آل عمران: ۹۶

۲- حج: ۲۵

۳- بقره: ۱۲۵

۴- مائده: ۹۷

۵- با استفاده از کتاب در راه بر پائی حج ابراهیمی عمید زنجانی.

۶- طه: ۱۲

۷- «لو قطع الشجرة التي لا يجوز قطعها أو قلعها فإن كانت كبيرة فعليه بقره و إن كانت صغيرة فعليه شاة علی الأحوط» تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۸ مسأله ۴۵ از تروک احرام.

۸- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۹

۹- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۲

ص: ۲۹

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام پرسید: «شَجَرَةُ أَضْلَاهَا فِي الْحَرَمِ وَفَرْعُهَا فِي الْحِلِّ؟ فَقَالَ: حَرَمٌ فَفَرْعُهَا لِمَكَانٍ أَضْلَاهَا. قَالَ: قُلْتُ فَإِنَّ أَضْلَاهَا فِي الْحِلِّ وَفَرْعُهَا فِي الْحَرَمِ. قَالَ:

حَرَمٌ أَضْلَاهَا لِمَكَانٍ فَفَرْعُهَا». (۱) این حکم حتی شامل آنجا نیز می‌شود که پرنده‌ای روی شاخه‌ای نشسته که در حل قرار دارد، اما ریشه‌اش در حرم است؛ یعنی کسی نمی‌تواند آن پرنده را رمی کند، چنان‌که از علی علیه السلام در این مورد سؤال شد: «... شَجَرَةُ أَضْلَاهَا فِي الْحَرَمِ وَ أَغْصَانُهَا فِي الْحِلِّ عَلَى غُصْنٍ مِنْهَا طَائِرٌ رَمَاهُ رَجُلٌ فَصَيَّرَهُ. قَالَ: عَلَيْهِ جَزَاؤُهُ إِذَا كَانَ أَضْلَاهَا فِي الْحَرَمِ». (۲) ۸. اختیاری بودن نماز در قصر و اتمام

همچنین از احکام ویژه آن است که زائران خانه خدا می‌توانند در مسجد الحرام یا شهر مکه (۳) نمازشان را تمام بخوانند.

۹. حکم کسی که عمداً کعبه و مسجد الحرام را آلوده کند

از احکام خاص کعبه و مسجد الحرام آن است که هر کس به عمد، کعبه معظمه را آلوده کند حکمش اعدام و هر کس مسجد

الحرام را آلوده کند حکمش تعزیر شدید است؛ چنانکه ابی الصباح کِنَانِی از امام صادق علیه السلام پرسید:

«مَا تَقُولُ فِيمَنْ أَحَدَثَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يُضْرَبُ رَأْسُهُ ضَرْبًا شَدِيدًا.

ثُمَّ قَالَ: مَا تَقُولُ فِيمَنْ أَحَدَثَ فِي الْكَعْبَةِ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يُقْتَلُ». (۴) ۱۰. حکم بنای ساختمان در پیرامون کعبه

حکم ساخت بنا در اطراف کعبه آن است که بنا نباید به احترام کعبه بلندتر از کعبه باشد؛ به طوری که بعضی از علما فتوی به حرمت

داده‌اند، چنان‌که مرحوم صاحب جواهر در این باره نقل کرده است: «قال الشيخ و جماعة على ما في المدارك، يحرم أن يرفع أحد

بناء فوق الكعبة لاستلزامه الإهانة لها ... وقيل والقائل هو المشهور كما في كشف اللثام يكره و هو الأشبه». (۵) چنانکه امام باقر علیه

السلام در این باره فرمود: «وَلَا يَتَّبَعِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ». (۶)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۹

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۰

۳- این تردید به خاطر اختلاف فتوی است.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۱

۵- جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۵۰ و ۵۱

۶- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۶۰

ص: ۳۰

۱۱. حکم لقطه در حرم

اشیائی است که در حرم پیدا می‌شود؛ یعنی لقطه حرم با لقطه غیر حرم تفاوت دارد. اگر لقطه در غیر حرم پیدا شود بعد از یک سال اعلان کردن و ناامیدی از یافتن صاحبش، می‌توان آن را تصاحب کرد، اما اگر در حرم پیدا شد:

اولاً: نباید به آن دست زد و برخی فتوی داده‌اند که کسی حق ندارد به لقطه در حرم دست بزند؛ چنان‌که فیصل بن یسار از امام باقر علیه السلام در مورد لقطه حرم سؤال کرد حضرت فرمود: «لَا تَمَسَّ أَبَدًا حَتَّىٰ يَجِيءَ صَاحِبُهَا...» (۱) و یا وقتی که علی بن حمزه در باره مردی که دیناری از حرم برداشته بود، پرسید، حضرت فرمود: «بُسَّ مَا صَنَعَ، مَا كَانَ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُ...» (۲) ثانیاً: اگر کسی لقطه‌ای را از حرم برداشت، نمی‌تواند مالک آن شود و باید بعد از یک سال، به نیت صاحبش صدقه بدهد و اگر صاحبش آمد، ضامن است؛ «فَإِنْ جَاءَ طَائِبُهُ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ». (۳) امام صادق علیه السلام در فرق لقطه حرم و غیر حرم فرمود: «الْلَقَطَةُ لِقَطَتَانِ: لِقَطَةُ الْحَرَمِ تُعْرَفُ سَيِّئَةً، فَإِنْ وَجِدْتَ صَاحِبَهَا وَإِلَّا تَصَدَّقْتَ بِهَا، وَلِقَطَةُ غَيْرِهَا، تُعْرَفُ سَيِّئَةً، فَإِنْ جَاءَ صَاحِبُهَا وَإِلَّا فَهِيَ كَسَبِيلِ مَالِكَ». (۴) از مطالب بالا برداشت می‌شود که گویی لقطه حرم هم در امان است و کسی حق تعرض به آن را ندارد.

* کعبه و بیت المقدس

از آنچه در این بخش آمد، ترجیح کعبه بر بیت المقدس به خوبی دانسته می‌شود، اما در عین حال، بیان مهمترین آن‌ها، با تفصیل، خالی از فایده نیست.

۱. تنها خانه‌ای که خداوند آن‌را به خود نسبت داد و فرمود: «بَيْتِي»، کعبه است.

۲. بانی کعبه، ابراهیم خلیل، از انبیای اولوالعزم است، اما بانی بیت المقدس، سلیمان از حافظان شریعت پیامبران اولوالعزم می‌باشد.

۳. از آنجاکه بنای کعبه پیش از بنای بیت المقدس بوده، پس کعبه از نظر زمان سبقت بر بیت المقدس دارد و از قدیمی‌ترین معبدها است. پیشینه این خانه از زمان حضرت آدم، بلکه

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۰

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۰

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۰

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۰

ص: ۳۱

طبق روایاتی، قبل از او بوده و همواره مصاف، معبد و قبله برای مردم بوده است. پس کعبه با این سابقه‌اش (هم سبقت زمانی هم معبد و مطاف و قبله بودن)، بر بیت المقدس شرف تقدّم یافت و از این رو بر کعبه، «بیت‌العتیق» اطلاق شده است. عتیق به چیزی می‌گویند که هم دارای پیشینه تاریخی بوده و هم از قداست بهره‌مند باشد.

۴. خداوند متعال وعده داد که کعبه را از خطر دشمنان نگه‌دارد، اما در باره بیت‌المقدس چنین وعده‌ای را نداده است. از این رو است که وقتی بخت نصر مسجدالاقصی را خراب کرد، هیچ خطری متوجه او نشد و ماجرای ابرهه، آنگاه که می‌خواست کعبه را ویران کند، برایش پیش نیامد.

برای کعبه، علاوه بر امنیت تکوینی، امنیت تشریحی نیز مقرر گردیده است. (۱) پی‌نوشت‌ها

۱- با استفاده از مقاله آیت‌الله جوادی آملی، فصلنامه «میقات حج»، شماره ۴، چاپ تابستان ۱۳۷۲

فلسفه مناسک حج در کتابهای شیخ صدوق (ره)

عبد الهادی مسعودی

چرا آب زمزم گاهی شیرین است و زمانی شیرین نیست؟!

۱. ابن عقبه، از برخی اصحاب، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که: در حضور امام علیه السلام سخن از آب زمزم به میان آمد، حضرت فرمودند: از زیر حجر، چشمه‌ای به سوی زمزم جاری است، هرگاه آب چشمه غالب گردد، آب زمزم شیرین می‌شود.

از چه رو مسجد الحرام محترم است و پوشیدن احرام واجب؟!

۲. عباس بن معروف از برخی اصحاب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که: خداوند مسجد الحرام را به خاطر کعبه حرم قرار داد و حرم را به خاطر مسجد الحرام و احرام را به خاطر حرم واجب کرد.

۳. عبدالله بن محمد بن حجاج، از برخی رجال خود، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که: خداوند تبارک و تعالی کعبه را قبله برای اهل مسجد و مسجد را قبله برای اهل حرم و حرم را قبله برای مردم دنیا قرار داد.

۴. حمید بن مثنی العجلی، از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که: هرگاه

ص: ۳۸

بنی اسرائیل قربانی می‌آوردند، آتشی شعله‌ور می‌شد و قربانی کسی را که از او پذیرفته شده بود، می‌خورد و خداوند تبارک و تعالی احرام را به جای قربانی قرار داد.

فلسفه تشریح تلبیه در حج

۵. عبیدالله بن علی حلبی گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: چرا تلبیه جعل و تشریح شد؟ حضرت پاسخ داد:

خداوند - عزّ وجلّ - به جناب ابراهیم علیه السلام وحی کرد «میان مردم، انجام مناسک حج را ندا ده تا مردم پیاده و سواره و از هر راه دور به سوی تو آیند» پس ابراهیم ندا داد و مردم نیز از هر راه دور اجابتش کردند و تلبیه گویان به سوی او شتافتند.

۶. عبدالکریم بن حلبی می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا تلبیه تشریح شد؟ فرمود: چون خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود: میان مردم حج را ندا ده، ابراهیم بر بلندی رفت و با صدای رسا مردم را دعوت کرد، مردم نیز از هر سو دعوت او را اجابت کردند.

۷. سلیمان بن جعفر: از امام رضا علیه السلام در باره لَبَّيْكَ گفتن و عَلَّتْ آن پرسیدم، حضرت فرمود: وقتی مردم احرام بیندند، خداوند متعال ندایشان می‌دهد که:

ای بندگان و کنیزان من، شما را بر آتش حرام خواهم کرد؛ آنگونه که شما به خاطر من احرام بستید. آنگاه مردم به‌عنوان اجابت خداوند متعال، که آنان را ندا داد، می‌گویند:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ».

۸. حضرت حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام فرمودند: مردی به حضور مبارک حضرت رضا علیه السلام رسید و گفت: ای پسر رسول الله صلی الله علیه و آله، بفرماید تفسیر «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چیست؟

حضرت فرمودند: پدرم، از جدّم، از حضرت باقر و آن حضرت از حضرت زین العابدین و آن بزرگوار از پدرش علیهم السلام نقل کردند که مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و پرسید: تفسیر «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چیست؟

حضرت فرمود: تفسیر «الحمد لله» این است که بندگان خدا برخی از نعمت‌های الهی را به اجمال بدانند؛ زیرا نمی‌توانند همه آن‌ها را بدانند و نعمت‌های خدا بیش از آن است که به شماره آید. پس حق تعالی به بندگان می‌فرماید: بگویند ستایش برای خدا است،

برای نعمت‌هایی که پروردگار

ص: ۳۹

عالمیان به ما داده است و عالمیان عبارت‌اند از: جماعت‌هایی از جمادات و حیوانات. امّا حیوانات را نعمت داد؛ به خاطر آن که حق تعالی به قدرت کامله‌اش آن‌ها را حرکت داد و از رزق خود غذا به آن‌ها عنایت کرد. آن‌ها را در کنف و سایه خود احاطه نمود و هر یک را به گونه‌ای که مصلحت ایجاب می‌کند، مورد تدبیر قرار داد.

و امّا جمادات را مورد نعمت قرار داد:

به خاطر آن که حق تعالی آن‌ها را با قدرت خود نگاه داشت؛ جمادات متّصل را از جدا شدن و جمادات منفصل را از اتصال و چسبیدن و آسمان را از افتادن بر زمین نگاه داشت، مگر آن که خود به آن اذن سرنگون شدن دهد و زمین را از فرو رفتن حفظ کرد، مگر به فرمان خود، که خدا به بندگانش مهربان و رحیم است.

سپس امام علیه السلام فرمود: ربّ جهانیان، مالک و خالق آنان و روزی‌رسان به ایشان است؛ از آن جا که می‌دانند و نمی‌دانند. روزی تقسیم شده است و تمام انسان‌ها از آن بهره‌مندند و به فرزند آدم می‌رسد، هر گونه که می‌خواهد رفتار کند. نه تقوای متّقی بر آن می‌افزاید و نه عصیان و فجور معصیت کار از آن می‌کاهد. میان ما و آن رزق، حجاب و پرده‌ای است که رزق طالب آن است. اگر یکی از شما بخواهد از روزی خود بگریزد، روزی به دنبالش می‌آید همان‌طور که مرگ به دنبالش می‌آید. خداوند- جلّ جلاله- می‌فرماید:

بگوئید حمد برای خدا است، در برابر نعمت‌هایی که به ما داده است و در کتب پیشینیان، قبل از این که آفریده شویم، ما را یاد کرده است. پس در این عبارت بر محمّد و آلش - صلوات الله علیهم اجمعین - و شیعیان ایشان واجب گردیده که خدا را شکرگزار باشند و در مقابل برتری و تفضّلی که در برابر دیگر امت‌ها به ایشان داده، از او قدردانی کنند.

و این همان است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که خداوند- عزّوجلّ - حضرت موسی بن عمران علیه السلام را مبعوث کرد و وی را برای رازگویی برگزید و دریا را برایش شکافت و بنی‌اسرائیل را نجات داد و تورات و الواح را به وی عطا کرد و منزلت خود را در دربار خدای عزیز و جلیلش دید، گفت: پروردگارا! به من کرامتی دادی و عنایتی فرمودی که به هیچ‌یک از پیشینیانم چنین توجهی نداشته‌ای.

خدای- عزّوجلّ - فرمود: ای موسی، آیا می‌دانی که محمّد نزد من از تمام

ص: ۴۰

فرشتگان و از تمام مخلوقاتم برتر و بالاتر است؟!!

موسی عرض کرد: پروردگارا! اگر محمد صلی الله علیه و آله از تمام آفریدگانت افضل و برتر است، آیا در میان آل انبیا، از آل من کسی گرامی‌تر و برتر هست؟

خدا فرمود: ای موسی، آیا نمی‌دانی که فضل و برتری آل محمد بر تمام انبیا، مانند برتری محمد بر همه پیامبران است؟ موسی علیه السلام: عرض کرد: پروردگارا! اگر آل محمد چنین هستند، پس آیا در میان امت انبیا امتی برتر از امت من هست؟ چه آن که بر امت من ابر سایه افکند، ترنجبین و مرغ بریان بر ایشان نازل کردی و دریا را بر ایشان شکافتی؟ خداوند- جلّ جلاله- فرمود: ای موسی، آیا نمی‌دانی فضل و برتری امت محمد بر تمام امت‌ها، چون فضل خود او بر تمام خلائق است؟

موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! کاش من ایشان را می‌دیدم. پس خدا وحی کرد که: تو ایشان را هرگز نخواهی دید؛ زیرا هنگام بروز و ظهور و خلقت ایشان اکنون نیست ولی به‌زودی آنها را در بهشت؛ یعنی در جنات عدن و فردوس برین در محضر حضرت محمد خواهی دید، که در نعمت‌های بهشتی غوطه‌ور و در خیرات و زیبایی‌های آن غرق‌اند. آیا دوست داری سخن ایشان را به تو گوشزد کنم؟

موسی علیه السلام عرض کرد: آری، ای پروردگار من.

خداوند فرمود: در مقابل من بایست و تن‌پوش خود را محکم و استوار کن و همچون بنده رامی در مقابل سلطان با عظمت و شکوه قرار گیر. موسی علیه السلام چنین کرد. پس حق ندا داد: ای امت محمد، تمام آنها در حالی که در پشت پدران و رحم‌های مادرانشان بودند، اجابت کرده، گفتند: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالْبِعْثَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

ص: ۴۱

آنگاه امام علیه السلام فرمودند: خداوند- عزوجل- این اجابت را با عباراتی که ذکر شد، شعار حج قرار داد. پس از آن، پروردگار متعال ندا داد: ای امت محمد، حکم من بر شما چنین تقدیر شده که رحمت من نسبت به شما بر غضبم سبقت دارد و عفو و بخششم پیش از عقاب و مؤاخذه‌ام می‌باشد. پیش از آن که مرا بخوانید، دعای شما را مستجاب می‌کنم و پیش از آن که از من بپرسید و درخواست کنید، به شما عطا خواهم کرد. هر یک از شما مرا ملاقات کند، در حالی که اینگونه شهادت دهد:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، صَادِقٌ فِي أَقْوَالِهِ، مُجْتَبًى فِي أَعْمَالِهِ...».

«خدایی جز خدای یگانه نیست. او تنها است و شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده او، راستگو در گفتار و کردار است و علی بن ابی طالب برادر و جانشین بعد از او و ولی حضرتش می‌باشد و پیروی و اطاعت از او، لازم است؛ همان گونه که اطاعت از محمد. همچنین کسی را که شهادت دهد: اولیای آن حضرت برگزیدگان و پاکیزگان و برکشیدگان با آیات شگفت الهی و راهبر به حج‌های خدا بعد از آن دو (پیامبر و علی علیهما السلام) و دوستان خدا هستند، او را در بهشت خود وارد خواهم کرد، حتی اگر گناهانش مانند کف روی دریا باشد.»

سپس امام علیه السلام افزود: پس از آن که حق تعالی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد، فرمود:

ای محمد، تو در کوه طور نبودی، آن زمان که امت تو را خوانده و به این کرامت اختصاص دادم. سپس خدای عزیز جلیل، به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

بگو ای محمد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ ستایش تنها برای خداست، پروردگار عالمیان، بر این فضیلتی که به من اختصاص داد. به امت آن حضرت نیز فرمود:

بگویید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى مَا اخْتَصَّنَا بِهِ مِنْ هَذِهِ الْفَضَائِلِ»؛ یعنی ستایش برای خدا است که پروردگار عالمیان است، بر این فضیلت‌هایی که به ما اختصاص داده است.

۹. جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: حضرت موسی علیه السلام از رمله مصر احرام بست و از «صفائح الروحاء» (۱) گذر کرد؛ در حالی که محرم بود و شتر خویش

۱- علامه مجلسی رحمه الله می‌گوید: جایی است میان دو حرم مکه و مدینه و در سی یا چهل میلی مدینه. «صفح» به معنای جانب است و «صفح جبل» یعنی پایین کوه. ممکن است نام این مکان، به همین اعتبار نهاده شده است.

ص: ۴۲

را با زمامی از لیف (خرما) می کشید و چون تلبیه گفت: کوه‌ها به او پاسخ می دادند.

۱۰. ابو بصیر گوید: شنیدم که امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت موسی بن عمران علیه السلام با هفتاد پیامبر، سوار بر شتری سرخ مو، که مهارش از لیف بود، هنگام عبور از درّه فراخ روحاء، که همگی عبای قطوانیه به دوش انداخته بودند، می گفت:

«لَيْتِكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَيْتِكَ»؛ آری، آری، بنده است و فرزند بنده است، آری، آری.

ای امت محمد، حکم من بر شما چنین تقدیر شده که رحمت من نسبت به شما بر غضبم سبقت دارد و عفو و بخششم پیش از عقاب و مؤاخذه‌ام می باشد. پیش از آن که مرا بخوانید، دعای شما را مستجاب می کنم.

۱۱. هشام بن حکم، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که: حضرت موسی بن عمران علیه السلام در حالی که روی شتر سرخ مویی نشسته بود و آن شتر مهاری از لیف داشت و آن حضرت دو جامه قطوانیه به بر کرده بود، از راه فراخ روحاء گذر کرد و پیوسته می گفت: «لَيْتِكَ يَا كَرِيمَ لَيْتِكَ».

یونس بن متی علیه السلام نیز از همین راه می گذشت و می گفت:

«لَيْتِكَ، كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ، لَيْتِكَ»؛ آری، آری، ای بازگشای سختی‌های بزرگ، آری، آری.

جناب عیسی بن مریم علیه السلام هم از همین جاده می گذشت و می گفت:

«لَيْتِكَ عَبْدُكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ لَيْتِكَ»؛ آری، آری، بنده‌ات و فرزند کنیزت، آری، آری.

همچنین حضرت محمد صلی الله علیه و آله از همین راه عبور کرد و در آن حال رو به درگاه الهی گفت:

«لَيْتِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْتِكَ».

از چه رو گروهی یک حج، گروهی دو حج یا بیشتر به جا می آورند و برخی اصلاً حج نمی گزارند؟!

۱۲. عبدالله بن سنان، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که آن جناب گفت:

وقتی حقّ - عزوجلّ - به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام فرمان داد بیت الله را بسازند و آن‌ها خانه را ساختند. به ایشان امر کرد

رکنی را بالا ببرند و پس از آن، در میان مردم ندا کنند: «آگاه باشید و توجه کنید، «بیا حج»، «بیا حج».

گفتنی است، اگر ندا می داد: «بیا بید به

ص: ۴۳

حج»، تنها کسانی اجابت می‌کردند که در آن روز بودند، اما وقتی گفت: «بیا حج»، تمام مردم؛ چه انسان‌های مخلوق و چه آنان که در اصلاّب و پشت مردان بودند، لبیک گفتند و دعوت حق را اجابت کردند. پس آنان که ده بار لبیک گفتند، ده بار به حج رفتند و کسانی که پنج بار لبیک گفتند، پنج مرتبه حج گزاردند و آنان که لبیک بیشتری گفتند، به تعداد لبیکی که گفتند، حج انجام دادند و کسانی هم که یک بار لبیک گفتند، یک حج انجام دادند و آنان که اصلاً لبیک نگفتند، برای انجام حج گام برنداشتند.

۱۳. غالب بن عثمان از یکی از صحابه و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده که گفت: چون خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که میان مردم ندای حج سر دهد، بر بالای مقام رفت و بر فراز آن ایستاد، و در آن حال روبه‌روی کوه ابو قییس قرار گرفت.

پس در میان مردم به حج ندا داد و به گوش همه آنان که تا برپایی قیامت، در صلب مردان و رحم زنان هستند، رسانید.

۱۴. علی بن سالم، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: اگر برای کسی، در شبی که تمام امور خلاق مقرر می‌شود و آن شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است، حج نوشته نشود، در آن سال به حج نخواهد رفت؛ چه آن که در شب مزبور، سفر تمام حاجیان آن سال نوشته می‌شود و همچنین روزی‌ها و عمرها و وقایع و اتفاقاتی که در آن سال رخ خواهد داد، مقرر می‌گردد.

راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: پس، کسی که در شب قدر نامش در صف حاجیان نوشته نشود، استطاعت رفتن به حج را ندارد؟ فرمود: خیر. عرض کردم:

چرا چنین است؟ فرمود: من با شما خصومت و مجادله نمی‌کنم، واقعیت امر اینگونه است.

چرا محدوده حرم، همان مقدار کنونی است و بیشتر یا کمتر نیست؟

۱۵. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام در باره حرم و محدوده آن پرسیدم و این که چرا در برخی مناطق محدوده حرم به خانه خدا نزدیک و در برخی مناطق دور است؟ حضرت فرمود:

وقتی خداوند آدم علیه السلام را از بهشت فرود آورد، او بر کوه ابو قییس هبوط کرد. در این هنگام، آدم احساس وحشت کرد و احساس کرد آن‌چه را که در بهشت می‌شنید دیگر نمی‌شنود، از این رو به پروردگار شکایت کرد. خداوند یاقوت سرخی را فرود آورده، در محلّ کعبه قرار داد. آدم بر گرد آن

ص: ۴۴

طواف می‌کرد و نور آن تا محدوده کنونی حرم می‌رسید. حدّ و حریم آن نشانه‌گذاری شد و خداوند آن را حرم قرار داد.

۱۶. محمد بن اسحاق، از حضرت صادق علیه السلام، از پدران گرامی‌اش علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

خداوند متعال به جبرئیل وحی کرد:

من خداوند بخشنده و مهربانم. به آدم و حوّا ترخیم کردم؛ زیرا بسیار شکوه و شکایت کردند، از این رو، خیمه و چادری از چادرهای بهشتی برایشان فرستادم، به خاطر گریه و وحشت و تنهایی‌شان، مورد رحم و مهربانی خویش قرارشان دادم. پس خیمه را بر ترعه، (۱) که میان کوه‌های مکه است، سر پا کردم.

باری، جبرئیل خیمه را، که به مقدار حج بیت بود، جای آن نصب کرد و آدم را از صفا و حوّا را از مروه آورد و هر دو را در خیمه جمع کرد.

حضرت افزودند: ستون خیمه، شاخه‌ای از یاقوت سرخ بود که نور و شعاعش کوه‌های مکه و اطراف آن را روشن کرده بود. این نور امتداد داشت و نهایت بُرد و تابش آن، حدود حرم کنونی است؛ لذا حق تبارک و تعالی منتهی الیه این نور را از اطراف حرم برای خیمه عمود منظور کرد و سرّ حرم قرار دادن برای خیمه و عمود، آن بود که این دو از بهشت محسوب شده، لاجرم احترامشان لازم بود؛ از این رو، حق تعالی اجر و ثواب حسنات را مضاعف و مؤاخذه و عقوبت بدی‌ها را نیز دوچندان قرار داد.

امام علیه السلام ادامه دادند: و طناب و ریسمان‌های خیمه، از اطراف کشیده شد و منتهای آن‌ها که میخ‌های چادر را آن‌جا می‌کوبند، اطراف و حریم مسجدالحرام به حساب آمد.

میخ‌های خیمه، سنگ‌هایی از طلای ناب بهشتی و طناب‌های آن از موهای بافته شده سرخ رنگ بود.

خداوند متعال به جبرئیل علیه السلام وحی کرد:

هفتاد هزار فرشته بر زمین فرود آورده تا خیمه را از دستیاران ابلیس محافظت کنند و در ضمن با آدم مأنوس شوند، به منظور تعظیم بیت و خیمه، پیرامون آن طواف کنند.

حضرت فرمودند: جبرئیل فرشتگان را پایین آورد و آن‌ها در آستانه خیمه، به حفاظت و جلوگیری از گزند دستیاران شیاطین پرداختند. اطراف ستون‌های بیت و خیمه، هر روز و شب طواف می‌کردند؛ همان‌گونه که در آسمان، پیرامون بیت المعمور می‌گردیدند.

۱- ترعه، جایگاه بیت و ستون‌های آن است که فرشتگان پیش از آدم آن را بالا بردند.

ص: ۴۵

ارکان و ستون‌های بیت‌الحرام در زمین، به موازی و محاذی بیت‌المعمور بنا شده که در آسمان است. باری، حق تعالی به جبرئیل علیه السلام وحی کرد: به زمین، نزد آدم و حوّا برو و آن‌ها را از جای ستون‌هایی که بعداً برای بیت من نصب می‌شود دور کن و ستون‌های خانه‌ای را برای فرشتگان و آفریدگانم، از فرزندان آدم، بالا ببر.

خداوند متعال به جبرئیل علیه السلام وحی کرد: هفتاد هزار فرشته بر زمین فرود آورده تا خیمه را از دستیاران ابلیس محافظت کنند و در ضمن با آدم مأنوس شوند، به منظور تعظیم بیت و خیمه، پیرامون آن طواف کنند.

جبرئیل نزد آدم و حوّا آمد و آنان را از خیمه بیرون کرد و از ترعه و پایه‌های بیت، کنار برد و خیمه را از جای پایه‌ها دورتر سرپا کرد و سپس آدم را بر کوه صفا و حوّا را بر مروه نهاد.

آدم علیه السلام فرمود: ای جبرئیل، آیا به جهت غضب پروردگار - جلّ ذکره - ما را نقل مکان داده، میانمان جدایی انداختی یا تقدیر الهی بر ما چنین اقتضا کرد؟ جبرئیل پاسخ داد: غضب پروردگار متوجه شما نشد، ولی در عین حال، از فعل خدا نباید پرسید. ای آدم، هفتاد هزار فرشته را که حق تعالی به زمین فرستاده تا با تو انس بگیرند و پیرامون ارکان و عمودهای خیمه طواف کنند، از خدای - عزّوجلّ - درخواست کرده‌اند که برای ایشان به جای خیمه، اطراف مکان آن، خانه‌ای مبارک و میمون، به محاذات بیت‌المعمور بنا کند تا ایشان بر گرد آن طواف کنند؛ همان‌گونه که در آسمان، بر گرد بیت‌المعمور طواف می‌کنند. پس حق تعالی به من وحی فرستاد تا تو را دور سازم و خیمه را بالا ببرم.

آدم علیه السلام پس از شنیدن این کلام، گفت:

ما به تقدیر خداوند راضی هستیم و به امرش که درباره ما نافذ و مؤثر است، خشنودیم.

پس جبرئیل پایه‌های خانه را با سنگی از صفا و سنگی از مروه و سنگی از طور سینا و سنگی از کوه «السلام»، که پشت کوفه است، ساخت و بالا برد، بعد حق تعالی به جبرئیل علیه السلام وحی کرد که بیت را بساز و تمام کن. جبرئیل به فرمان خدا، با بال خود چهار سنگ را از جاهای چهارگانه کند و در همان جاهایی که حق تعالی به او امر کرده بود، در ارکان بیت، روی پایه‌هایی که حضرت جبار - جل جلاله - تقدیر و معین کرده بود، قرار داد و نشانه‌های آن‌ها را نیز نصب کرد.

ص: ۴۶

سپس به جبرئیل وحی کرد: بیت را از سنگ کوه ابوقیسیس بسازد و برای آن دو در تعبیه کند؛ دری در شرق و دری در غرب. امام علیه السلام فرمود: بدین ترتیب جبرئیل علیه السلام بنا و ساخت خانه را به پایان برد و آنگاه که فراغت یافت، فرشتگان پیرامون آن به طواف پرداختند و چون آدم و حوا طواف فرشتگان را دیدند، آنان نیز حرکت کرده، هفت شوط طواف نمودند. سپس از طواف بیرون آمده، رفتند تا طعام تناول کنند.

علت ماندگاری اثر دو پای ابراهیم علیه السلام در مقام و سبب انتقال مقام از محل خود به جای کنونی ۱۷. عمار بن موسی یا سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: چون خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که مردم را به حج ندا دهد، سنگی را که اثر گام‌هایش در آن است (مقام) رو به رو و چسبیده به کعبه؛ در همان جای کنون قرار داد. سپس بر روی آن ایستاد و فرمان خدا را با رساترین فریاد، ندا داد.

چون آن سخن را گفت، سنگ تاب نیاورد و پاهای ابراهیم علیه السلام در آن فرو رفت. پس ابراهیم، پاهایش را از سنگ برکند. چون مردم افزون شدند و به شرّ و بلا گرویدند، بر آن ازدحام آوردند و تصمیم گرفتند در جای امروزی آن قرار دهند تا مطاف برای طواف کنندگان خالی شود. چون خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، به همان جایگاهی که ابراهیم قرار داده بود، باز گرداند و همانجا بود تا آن که رسول الله صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و زمان ابوبکر و اوایل حکومت عمر نیز همانجا بود. سپس عمر گفت: مردم برگرد مقام در فشارند، کدام یک از شما جایگاهش را در جاهلیت می‌دانید؟ مردی گفت: من آن را اندازه گرفته‌ام. پرسید: اندازه پیش تو است؟ گفت:

آری. گفت: آن را بیاور و آن مرد آورد.

پس عمر فرمان داد که مقام را به جایی برگردانند که اکنون هست.

فلسفه استلام و لمس حجرالأسود، رکن یمانی و رکن مستجار

۱۸. عبیدالله علی حلبی، از حضرت صادق علیه السلام، حلبی نقل می‌کند که گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: چرا حجرالأسود را لمس می‌کنند؟

فرمود: زیرا تجدید عهد کردن بندگان با خدا، در همین لمس است. در حدیث دیگر نیز آمده است که امام علیه السلام در پاسخ این پرسش فرمود: برای این که وقتی حق تعالی از بندگان می‌گرفت، به حجر فرمان داد و حجر میثاق‌های بندگان را در خود

فرو

ص: ۴۷

برد. پس، هرکس پیمان دوستی را حفظ کرد، حَجْر برایش شهادت می‌دهد که او پیمان و عهدش را نشکسته و به آن وفادار بوده است.

۱۹. محمّد بن سنان گوید: حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام در پاسخ پرسش‌های من، در باره عِلّت استلام حَجْر فرمود: وقتی خداوند متعال از بندگان پیمان گرفت، به حجرالأسود فرمان داد تا پیمان بگیرد (و آن را فرو برد). از این رو، گفته می‌شود: امانت من است که ادا کردم و پیمان من است که وفا کردم تا برای من گواهی دهی که وفا کردم.

۲۰. محمّد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام نقل کند که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: پیرامون بیت‌الله طواف کنید و رکن را استلام نمایید؛ زیرا رکن (حجرالأسود) برکت خدا است در زمین. خلق خدا با آن مصافحه می‌کنند؛ مانند مصافحه بنده با مرد و رکن (حجرالأسود) درباره هرکسی که او را استلام کند شهادت می‌دهد که وی به عهدش وفا کرده است.

۲۱. یونس از کسی یاد کرده که او گفته است، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به چه جهت کسی ملتزم به حَجْر و متوسّل به آن می‌شود و برای چه چیزی ملتزم می‌شود و چه چیزی را در التزامش ذکر می‌کند؟

حضرت فرمود: در کنار حَجْر نهی از بهشت جاری است که در هر پنج‌شنبه اعمال بندگان را در آن می‌اندازند.

۲۲. ابو بصیر و زراره و محمّد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که:

خداوند تبارک و تعالی حجرالأسود را آفرید، آنگاه از بندگان پیمان و میثاق گرفت، بعد به حجرالأسود فرمود: این میثاق و پیمان را فرو ببر و اهل ایمان میثاق و عهدشان را نزد حجرالأسود تجدید می‌کنند.

۲۳. عبدالله بن سنان می‌گوید: در طواف بودیم که مردی از آل عمر از نزدیک ما گذشت و مردی دیگر دستش را گرفته بود، پس وی حجر را استلام کرد. مرد عمری بر سر مردی که دستش را گرفته بود فریاد زد و با او درشتی گفت: حجّ تو باطل است. چیزی را که تو استلام می‌کنی سنگ است، نه سودی به حال تو دارد و نه ضرری.

عبدالله بن سنان می‌افزاید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا کلام مرد عمری را شنیدید و دیدید که او به استلام کننده چه گفت؟

حضرت پرسید: چه گفت؟

گفتم: به وی گفت: ای بنده خدا، حجّ تو باطل است! سپس اضافه کرد: این چیزی

ص: ۴۸

که تو استلام می کنی سنگ است نه ضرری داشته و نه نفعی.

امام صادق علیه السلام فرمود: دروغ گفت، دروغ گفت، دروغ گفت. در روز قیامت، حجرالأسود زبانی تیز و گویا دارد و با آن، به وفاداری کسانی که او را استلام نموده و بدین وسیله به عهد خود وفا کرده‌اند، شهادت می دهد.

حضرت آنگاه فرمود: وقتی حق تعالی آسمان‌ها و زمین را آفرید، دو دریا ایجاد کرد؛ یکی شیرین و دیگری تلخ. تربت آدم علیه السلام را از دریای شیرین آفرید، سپس از دریای تلخ بر آن پاشید. بعد آدم را از آن آفرید. آنگاه آن را همچون پوست مالید، سپس رهایش کرد و وقتی خواست در آن روح بدمد، او را به صورت شبح و تمثالی سرپا نگهداشت، بعد مشتی از کتف راستش برداشت، بلافاصله اجزای ریزی چون مورچه از آن خارج شدند. و ادامه داد:

این‌ها اهل بهشت‌اند و مشتی هم از کتف چپش برداشت و فرمود: اینها اهل جهنم‌اند.

حق تعالی پس از آن، اصحاب یمین (ذراتی که از کتف راست بیرون آمده بودند) و اصحاب یسار (ذراتی که از کتف چپ خارج شده بودند) را به سخن گفتن واداشت. اصحاب یسار گفتند: پروردگارا! چرا آتش را برای ما آفریدی و حق را برای ما روشن نکردی، به سوی ما رسولی مبعوث ننمودی؟ خدای تعالی خطاب به آنان می فرماید: به خاطر آن که می دانم شما به طرف جهنم می روید. اگرچه بعد از فرستادن پیامبر و روشن نمودن واقع و حقیقت باشد و من شما را به زودی می آزمایم. پس حق تعالی به آتش فرمان داد. آتش گرم و افروخته شد. سپس به آن‌ها فرمود: همگی داخل آتش شوید که آن را برای شما سرد و سالم می کنم.

آنان گفتند: پروردگارا! ما از تو پرسیدیم چرا برای ما آتش آفریدی و مقصودمان از این پرسش فرار و گریز از آن بود، حال بر ما امر می کنی که در آتش داخل شویم؟! اگر به اصحاب یمین نیز این فرمان را بدهی داخل آن نمی شوند. خداوند به آتش فرمان داد گرم و افروخته شود. پس از آن، به اصحاب یمین فرمود داخل آتش گداخته شوند و آتش بر ایشان سرد و سالم می شود. بعد، به تمام آن‌ها فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ اصحاب یمین، از روی میل گفتند: چرا. و اصحاب یسار نیز از روی کراهت گفتند: چرا. پس باری تعالی از همه آنان پیمان گرفت و ایشان را بر خودشان شاهد قرار داد.

ص: ۴۹

بعد امام علیه السلام فرمود: حجرالأسود در آن هنگام در بهشت بود. پس خداوند بیرونش آورد و آن، میثاق و پیمان خلایق را در خود فرو برد. به همین معنا اشاره دارد فرموده حق تعالی: *وَلَهُ أُسِّلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ*؛ «تمام موجودات در آسمان و زمین؛ خواه و ناخواه، مطیع او بوده و برگشتشان به سوی او است.».

زمانی که حضرت آدم علیه السلام در بهشت ساکن شد و مرتکب لغزش گردید، پروردگار عالم، حجر را از بهشت فرو فرستاد و آن را در رکنی از ارکان بیت خود قرار داد و جناب آدم علیه السلام را از بهشت به زمین، روی کوه صفا هبوط داد. آدم برای مدتی آنجا درنگ نمود، سپس حجر را در بیت دید و آن را شناخت و به یاد میثاق و عهدش افتاد؛ از این رو؛ به سرعت خود را به حجر رسانید و خویش را روی آن افکند و مدت چهل بامداد گریست و از خطایش توبه کرد و از این که عهد را نقض کرده اظهار پشیمانی نمود.

سپس امام علیه السلام فرمودند: و به همین جهت دستور یافته‌اید وقتی حَجْر را استلام کردید، بگویید: *«أَمْرَانِي أَدَيْتُهُمَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمَوْافَاةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»*.

۲۴. عبدالله بن ابی یعفر، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

ارواح، لشگرهایی هستند آراسته و منظم، در صفوف متعدّد. پس آن دسته از ارواح که در عالم میثاق، با هم آشنا و هم صف بودند، در اینجا و عالم دنیا با یکدیگر الفت و انس دارند و آن دسته که در عالم میثاق، میانشان تفرقه و تناکر بود، در این عالم نیز میانشان اختلاف و مخاصمه می‌باشد و میثاق و عهد در این حجر نهفته است.

حضرت آنگاه فرمودند: به خدا سوگند حَجْر دو چشم و دو گوش و یک دهان و یک زبان تیز و گویا دارد. این سنگ در ابتدا سفیدتر از شیر بود، لیکن به واسطه استلام مجرمان، گناهکاران و منافقان رفته رفته تیره شد تا به این وضعی که می‌بینید درآمد.

۲۵. علی بن حسان واسطی، از عمویش عبدالرحمان بن کثیر الهاشمی، از حضرت صادق علیه السلام، نقل کردند که حضرت فرمود: عمر بن خطاب بر حجرالأسود عبور کرد و گفت: ای سنگ، به خدا سوگند می‌دانیم که تو سنگ هستی، نه نفع و نه

ص: ۵۰

ضرری داری، ولی دیده‌ایم که رسول الله صلی الله علیه و آله تو را دوست دارد، از این رو، ما نیز تو را دوست می‌داریم. امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به وی فرمود:

ای پسر خطاب، چگونه چنین سخن می‌گویی؟! به خدا سوگند حتمی است که حق تعالی در روز قیامت این سنگ را برانگیزد، در حالی که یک زبان و دو لب دارد. پس شهادت می‌دهد در حق کسانی که با او وفادار بوده‌اند، این سنگ برکت خدا در زمین است. مخلوقات الهی با او بیعت می‌کنند.

عمر گفت: خداوند ما را در شهری که در آن علی بن ابی طالب نباشد باقی ندارد.

۲۶. ابان بن تغلب گوید، حضرت صادق علیه السلام فرمود: آیا می‌دانی برای چه مردم حجر الأسود را می‌بوسند؟ گفتم: خیر. فرمودند: آدم علیه السلام از وحشت در زمین به خدا شکایت کرد. جبرئیل نازل شد و یاقوتی از بهشت آورد که هر گاه آدم در بهشت به آن عبور می‌کرد، با پایش به آن میزد. وقتی آن را در زمین دید شناخت، بی درنگ آن را بوسید و از آن جا است که مردم نیز حجر را می‌بوسند؛ چه آن که حجر همان یاقوت است.

۲۷. ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله طواف می‌کرد، عایشه نیز در کنارش بود، وقتی رکن را استلام کردند و به حجر رسیدند، به عائشه گفت:

اگر ارجاس و آلودگی‌های جاهلیت بر این سنگ منتقل نشده بود، انسان به واسطه آن، از هر بیماری شفا می‌یافت و نیز به همان هیأتی که خداوند روز اول آن را به زمین فرستاد، دیده می‌شد. این سنگ در اصل یاقوت سفید بود که از یاقوت‌های بهشتی به حساب می‌آمد ولی حق تعالی حسن آن را به واسطه معصیت عاصیان تغییر داد و آن را از سردمداران و ظلمه مستور ساخت؛ زیرا برای ستمکاران شایسته نیست به چیزی که پیدایشش از بهشت بوده بنگرند؛ چه آن که هر کس به چیزی که مبدأ و آغازش از بهشت بوده نگاه کند، بهشت بر او واجب می‌شود.

سپس فرمود: رکن برکت خدای تعالی در زمین بوده و حق - جلّت عظمت - آن را در روز قیامت مبعوث کرد، در حالی که زبان و دو لب و دو چشم دارد و در آن روز آن را به نطق و سخن در آورد و آن با زبانی گویا برای کسی که استلامش نموده، شهادت می‌دهد.

امروز استلام حجر بیعت است در حق کسانی که بیعت با رسول الله صلی الله علیه و آله را

ص: ۵۱

درک نکرده‌اند.

و هب یمانی می‌گوید: رکن و مقام، هر دو، دو یاقوت از یاقوت‌های بهشتی هستند که به این دنیا آورده و بر روی کوه صفا نهاده شدند. پس نور آن‌ها میان مشرق و مغرب را برای اهل زمین روشن کرد؛ همان‌طوری که در شب تار، چراغ فروزان، ظلمت را به روشنایی مبدل می‌سازد.

به واسطه آن‌ها (رکن و مقام)، هر اضطراب و نگرانی برطرف می‌شد و انس و الفت حاصل می‌گشت. خداوند این دو را مبعوث کرد، در حالی که از نظر عظمت و بزرگی، همچون کوه ابوقییس بوده و برای هر کسی که آن‌ها را استلام کرده و بدین وسیله تجدید عهد نموده و شهادت به وفاداری می‌دهند، بعداً نور و درخشندگی از آن‌ها رفع گردید و حسنشان تغییر داده شد و به وضعی که الآن هست درآمدند.

چرا حَجْر از سفیدی رو به سیاهی نهاد و دلیل بهبود نیافتن بیمار به سبب مس نمودن حجر در این زمان

۲۸. حریر بن عبدالله، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

حجر الأسود پیشتر از شیر سفیدتر بود. اگر ارجاس و آلودگی‌های جاهلیت آن را مس نمی‌کرد، هیچ صاحب مرضی آن را استلام نمی‌کرد مگر آن که از مرضش بهبودی می‌یافت.

۲۹. عبدالله بن ابی یعفر، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که: راوی در حضور حضرتش نام حجرالأسود را بر زبان آورد، حضرت فرمود:

توجه داشته باش، حجر دو چشم و یک بینی و یک زبان دارد، قبلاً از شیر سفیدتر بود و نیز مقام هم، همین منزلت و موقعیت را داشت.

چرا از میان ارکان چهارگانه، تنها حَجْر و رکن یمانی را استلام می‌کنند و چرا مقام ابراهیم علیه السلام در چپ عرش واقع است؟

۳۰. یزید بن معاویه عجللی گوید:

محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا مردم، حجر و رکن یمانی را استلام کرده ولی دو رکن دیگر را استلام نمی‌کنند؟ اگر ارجاس و آلودگی‌های جاهلیت بر این سنگ (حجر الأسود) منتقل نشده بود، انسان به واسطه آن، از هر بیماری شفا می‌یافت و نیز به همان هیأتی که خداوند روز اول آن را به زمین فرستاد، دیده می‌شد ..

ص: ۵۲

حضرت فرمود: عباد بن صهیب بصری نیز از من همین سؤال را کرد و من به او گفتم: به خاطر آن که رسول الله صلی الله علیه و آله تنها این دو را استلام کردند و آن دو رکن دیگر را مس نکردند. بر مردم لازم است آنچه را که رسول الله صلی الله علیه و آله انجام دادند، انجام دهند و به زودی به تو خبر خواهم داد غیر آنچه را که به دیگر بندگان خبر دادم و آن این است که: حجرالأسود و رکن یمانی در طرف راست عرش هستند و حق تبارک و تعالی امر کرد آنچه را که در طرف راست عرش است استلام کنیم.

برید می گوید پرسیدم: چگونه شد که مقام ابراهیم در سمت چپ عرش قرار گرفت؟

حضرت فرمود: به خاطر آن که برای حضرت ابراهیم علیه السلام در قیامت مقامی است و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز در قیامت مقامی دارند، مقام پیامبر اسلام در طرف راست عرش و مقام ابراهیم در جانب چپ واقع است؛ از این رو، مقام ابراهیم در قیامت، در جای خودش که چپ عرش باشد، قرار دارد و روی عرش پروردگار به سوی ما است نه پشت آن. (۱) ۳۱. معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: در طواف بودم که شخصی پرسید: چرا مردم این دو رکن «حجر» و «یمانی» را مسح می کنند لیکن آن دو رکن دیگر را مسح نمی کنند؟ در پاسخ وی گفتم:

زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این دو را مسح کرد نه آن دو را و ما نباید متعزّض کاری شویم که رسول گرامی صلی الله علیه و آله متعزّض نشدند.

۳۲. جعفر بن محمد کوفی از مردی از اصحاب، به اسنادش از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله، هنگام طواف، وقتی به رکن غربی رسید، رکن به رکن به پیامبر گفت: ای فرستاده خدا، آیا من رکنی از ارکان بیت پروردگارت نیستم؟ چرا مرا استلام و مس نمی کنند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکش رفت و فرمود:

آرام بگیر، سلام بر تو باد، مهجور و کنار گذارده نشده‌ای.

پی نوشت‌ها

۱- علامه محمدتقی مجلسی در این مورد سخنی دارد که خلاصه‌اش چنین است: شایسته است اینگونه تصوّر شود که خانه خدا مساوی و موازی عرش است در دنیا و قیامت، و این که خانه به منزله مردی است که یک طرف صورتش به طرف مردم و طرف دیگرش به طرف در است. هر گاه به خانه رو کند، مقام طرف راست او و حجر طرف چپش قرار می گیرد، لیکن حجر طرف راست خانه و مقام ابراهیم علیه السلام طرف چپ آن است و همچنین است عرش در حال حاضر و در قیامت، و حجر به منزله مقام پیامبر ما صلی الله علیه و آله، و رکن یمانی به منزله مقام ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و همانطور که مقام نبی و ائمه علیهم السلام در دنیا، در طرف راست خانه خدا و موازی طرف راست عرش است، در آخرت نیز چنین است، چون عرش روبه روی ماست، نه پشت سر؛ زیرا اگر پشت سر بود، مقام ابراهیم طرف راست قرار می گرفت، و مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام طرف چپ. این تفسیر خبر به حسب ظاهر است.

و ممکن است اشاره به بلندی مرتبه پیامبر ما و عظمت مقام وی باشد و همچنین برتری وی نسبت به حضرت ابراهیم، که او بعد از پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام افضل و برتر انبیاست.

روش‌شناسی استنباط اسرار حج

(منطق اسرار حج)

محمد علی رضایی اصفهانی

در آمد

حج دارای ابعاد مختلفی است، از جمله:

الف) احکام حج (مناسک): که در آیات و احادیث مختلف بیان شده است.

ب) آداب و مستحبات حج: که از آیات قرآن و سنت انبیای الهی همچون ابراهیم علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سنت اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید.

ج) تاریخ حج: که در منابع تاریخی، به‌ویژه مطالب تاریخی که در قرآن و روایات بیان شده است.

د) اسرار حج: که مجموعه‌ای از معارف حج را بیان می‌کند، که روی دوم سکه احکام، آداب و تاریخ حج به‌شمار می‌آید و شاید مهم‌ترین بُعد معرفتی حج باشد.

از این روست که در قرآن کریم، از حدود ۳۰ آیه‌ای که در مورد حج بیان شده (۱) تنها حدود یک‌سوم آن‌ها شامل احکام حج است و بقیه موارد، تاریخ و اسرار حج را بیان کرده است. البته همان آیاتی که در مقام بیان احکام حج است نیز، گاهی به اسرار حج اشاره می‌کند.

۱- بقره: ۱۲۹-۱۲۵ و ۱۸۹ و ۲۰۰-۱۹۶؛ آل عمران: ۹۶ و ۹۷؛ مائده: ۱، ۲، ۹۵، ۹۶ و ۹۷؛ براءت: ۳ و ۱۹؛ حج: ۲۷-۳۵ و ابراهیم:

ص: ۵۵

مفهوم‌شناسی اسرار حج:

صاحب‌نظرانی که در مورد اسرار حج مطالبی نوشته‌اند و در مورد اسرار حج مطالبی دارند، کمتر به تعریف آن پرداخته‌اند (۱) و بیشتر به مصادیق و موارد اسرار پرداخته‌اند.

اما از مجموع سخنان و بررسی موارد، می‌توان اسرار حج را این‌گونه تعریف کرد:

«مجموعه معارفی که به‌عنوان فلسفه و حکمت، آثار و فواید، اهداف، علت و ملاک احکام، آموزه‌ها، پیام‌ها و باطن مناسک حج، از منابع معتبر (کتاب، سنت، عقل و تاریخ) به‌روش صحیح استنباط می‌شود.»

اقسام اسرار:

از مجموع مواردی که به‌عنوان اسرار حج از آیات و روایات و تاریخ قابل برداشت است و نیز از بررسی مصادیقی که دانشمندان و صاحب‌نظران به‌عنوان اسرار بیان کرده‌اند، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که مقصود از اسرار حج، هر کدام از هفت مورد زیر است:

۱. فلسفه و حکمت مناسک حج

فلسفه و حکمت احکام، علت تامه حکم را بیان نمی‌کند، بلکه به زمینه‌های احکام اشاره دارد، که گاهی این زمینه‌ها قبل از صدور حکم وجود داشته و لازم است با مناسک حج تقویت شود یا حج زمینه‌ساز به‌وجود آمدن آن‌ها است. گاهی در آیات و روایات به فلسفه و حکمت احکام و آداب حج اشاره شده است.

مثال: فلسفه و حکمت قربانی حج، رسیدن به تقوی است؛ یعنی حج گزار با فدا کردن اموال خود، نشان می‌دهد که در برابر خدا فرمان‌پذیر است و حالت خودنگهداری و پرهیزکاری خود را به نمایش می‌گذارد و روح تقوی را در خود تقویت می‌کند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبِرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ. (۲)

گوشت‌های آن (قربانی) ها و خون‌های آن‌ها به خدا نمی‌رسد، ولیکن پارسایی (و

۱- آیت‌الله جوادی آملی در تعریف اسرار حج فرموده‌اند: «آنچه در محور عمل جوارح یا حدّ خاطره جوانح قرار می‌گیرد، یا از احکام عبادت است و یا از آداب در آن و هیچ یک سرّ عبادت نیست، اما آنچه در مدار شهود عقل نظر و انبعاث عقل عمل قرار می‌گیرد، می‌تواند به حساب سرّ عبادت آید.» صهباي حج، ص ۳۱۳

۲- حج: ۳۷

ص: ۵۶

خودنگهداری) شما به او می‌رسد؛ این گونه آن‌ها را برای شما رام ساخت، تا خدا را به پاس این که شما را راهنمایی کرده بزرگ شمارید؛ و نیکوکاران را مژده ده.»

نمونه این مطلب، در سوره بقره (آیه ۱۹۷) و سوره حج (آیه ۳۲) آمده است.

مثال دیگر: حج زمینه‌ساز استغفار و توبه و بخشش گناهان است. در برخی آیات، حج را زمان استغفار (۱) و در روایات نیز حج را زمان بخشیده شدن گناهان معرفی کرده است. (۲) ۲. اهداف حج
هدف همان علت غایی است که حج گزار می‌خواهد بدان برسد، هرچند که علت تامه نخواهد بود، ولی یکی از اجزای علت حج به‌شمار می‌آید.

برخی از آیات و روایات به اهداف حج اشاره کرده است و یاد الهی و آشنایی با ولایت از اهداف حج شمرده شده است.
مثال: ذکر الهی از اهداف حج:

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ. (۳)

تا (در حج) شاهد سودهایشان باشند و در روزهای معینی نام خدا را (به‌خاطر نعمت‌ها و به‌هنگام قربانی) بر دام‌های زبان‌بسته، که به آنان روزی داده است، ببرند؛ پس، از (گوشت) آن‌ها بخورید و (نیز) به‌سختی کشیده نیازمند بخورانید.»
مشابه این مطلب در آیه ۳۴ سوره حج و آیه ۱۹۸ سوره بقره نیز آمده است.

مثال دیگر: از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند:

«إِنَّمَا أُمِرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَذِهِ الْأَحْجَارِ ثُمَّ يَأْتُونَ فَيَعْلَمُونَ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ». (۴)

«به مردم فرمان داده شد که پیرامون این سنگ‌های (کعبه) طواف کنند، سپس نزد ما آیند تا ولایت به آنان آموزش داده شود.»
۳. آثار و فواید حج

حج دارای فواید مادی و معنوی بسیاری است، به‌ویژه در زمینه‌های تجاری، سیاسی،

۱- بقره: ۱۹۹

۲- بحارالأنوار، ج ۹۹، صص ۸ و ۴۰

۳- حج: ۲۸

۴- بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۳۴

ص: ۵۷

اجتماعی و در برخی آیات و روایات نیز به این فواید و آثار اشاره شده است.

مثال:

يَأْتُونَآ فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّبِعُونَا وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ. (۱)

و حج را به مردم اعلام کن، تا به سوی تو آیند؛ در حالی که پیاده و (سوار) بر هر مرکب لاغری هستند که از هر درّه ژرف (و راه دور) می آیند. تا (در حج) شاهد سودهایشان باشند.

مثال دیگر: در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که در حج فوایدی برای همه مردم است و ... (و از آثار آن)

ژرف‌نگری و نقل اخبار ائمه علیهم السلام (به اطراف کشور اسلامی) است. (۲) ۴. پیام‌های حج

گاهی با الغای خصوصیت از آیات و روایات مربوط به حج، قواعد و پیام‌های کلی به دست می‌آید که در هر زمان و مکان قابل اجراست و می‌تواند مصادیق جدیدی داشته باشد.

مثال: در آیات آغازین سوره براءت، سخن از اعلام براءت از مشرکین در روز حج اکبر (به وسیله امام علی علیه السلام) است، (۳)

هرچند که این آیات مربوط به صدر اسلام است، اما با الغای خصوصیت، این پیام به دست می‌آید که «حج را صحنه براءت از مشرکان کنید».

۱- حج: ۲۸ و ۲۹

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۴۰

۳- براءت توبه: ۳- ۱

ص: ۵۸

مثال دیگر: حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ورود به مسجدالحرام، از «باب بنی شیبیه» وارد می‌شد، (۱) و در احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در آنجا بت هُبل دفن گردیده، از این رو، ورود به مسجدالحرام از این باب مستحب شده است. (۲) پیام این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما آن است که «در حج، بت‌ها را زیرپا بگذارید». ۵. آموزه‌های آیه

برخی از مطالب حج، به‌ویژه روایات تاریخی آن، برای ما آموزه‌هایی را دربردارد که می‌تواند برای همه زندگی‌ساز باشد. مثال: هاجر برای به‌دست آوردن آب در بیابان بی‌آب و علف، میان دو کوه صفا و مروه، هفت بار رفت و آمد می‌کند، (۳) این تلاش هاجر نوعی آموزش برای ماست که برای رسیدن به اهداف خود تلاش خستگی‌ناپذیر داشته باشیم، که در ناامیدی بسی امید است.

مثال دیگر: از دویدن (هروله) حضرت ابراهیم علیه السلام میان صفا و مروه، که به شیطان حمله‌ور شد یا از دست شیطان گریخت (۴) (که ممکن است هر دو مطلب درست باشد و اشاره به دو اتفاق باشد) اینگونه آموزش می‌گیریم که در زندگی تلاش کنیم گرفتار شیطان نشویم و از دست او بگریزیم و حتی اگر می‌توانیم بر او حمله‌ور شویم. ۶. باطن مناسک حج

بر اساس روایات متعدد، که از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام حکایت شده، قرآن دارای ظاهر و باطن است. (۵) در مورد باطن قرآن تفسیرها و دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد، (۶) ولی یکی از این دیدگاه‌ها آن است که می‌توان با الغای خصوصیت از آیه قاعده‌ای کلی به‌دست آورد که در هر زمان و مکان می‌تواند مصداق جدیدی پیدا کند. به‌عبارت دیگر: ویژگی‌های افراد و وقایع خاص از آیه جدا می‌شود و توسعه معنایی در آیه داده می‌شود، تا به‌صورت قاعده کلی رخ نماید. و این معنای جدید یا قاعده کلی لازم معنای آیه است.

۱- السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۱۷

۲- الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۸ ح ۲۲۹۹ و الحج والعمرة فی الکتاب والسنه، ری شهری، ص ۶۷

۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۳۳

۴- همان.

۵- بحار الأنوار، ج ۹۲، باب بطن قرآن.

۶- مبانی و روش‌های تفسیر، دکتر کاظم شاکر، مبحث دیدگاه‌های بطن و نیز فصلنامه قبسات، ش ۲۹، مقاله «ظهر و بطن قرآن» از دکتر کلانتری.

ص: ۵۹

در روایات اهل بیت علیهم السلام گاهی به بطن آیات حج اشاره شده است:

مثال: قرآن کریم می‌فرماید:

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ. (۱)

«سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند؛ و باید به نذرهایشان وفا کنند؛ و باید بر خانه باستانی (کعبه) طواف نمایند.»

در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از آن برطرف کردن آلودگی‌ها، تراشیدن سر است. (۲) و در حدیث

دیگری از امام صادق علیه السلام حکایت شده که به شخصی فرمودند: مقصود از آیه «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» ملاقات با امام است.

در همین روایت حکایت شده که شخص دیگری از امام علیه السلام در مورد آیه بالا پرسید و حضرت فرمود: مقصود از آن، کوتاه

کردن مو و ناخن است و او به حضرت عرض کرد که شخص اول از شما حکایت کرده که مقصود ملاقات با امام است. حضرت

فرمود: «هر دو صحیح است که قرآن ظاهر و باطن دارد.» (۳) فلسفه و حکمت قربانی حج، رسیدن به تقوی است؛ یعنی حج گزار با

فدا کردن اموال خود، نشان می‌دهد که در برابر خدا فرمان‌پذیر است و حالت خودنگهداری و پرهیزکاری خود را به نمایش

می‌گذارد و روح تقوی را در خود تقویت می‌کند.

در این روایت، نخست ظاهر آیه «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» بیان شده، که همان رفع آلودگی ظاهری و جسمی است، سپس با الغای

خصوصیت، یک قاعده کلی از آیه به دست می‌آید که در حج «رفع آلودگی می‌شود؛ چه جسمی و چه روحی و معنوی»، سپس این

قاعده کلی بر مصادیق جدید تطبیق می‌شود که همان رفع آلودگی معنوی و آمرزش گناهان به وسیله ملاقات با امام است.

این گونه مطالب نیز از اسرار آیات حج است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام بیان شده و می‌توانیم از آن‌ها الگوگیری نموده،

با دقت در موارد مشابه اجرا کنیم.

۱- حج: ۲۹

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۵

۳- بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۸۳ با تلخیص.

ص: ۶۰

۷. علت و ملاک احکام

یکی از جلوه‌های اسرار احکام و مناسک حج آن است که بتوانیم با دلیل قطعی از قرآن، سنت یا برهان عقلی، ملاک و مناط حکم را به دست آوریم.

البته به دست آوردن ملاک قطعی و علت تامه تشریح احکام الهی، کاری بس دشوار است و ما در مورد احکام حج، مثال قطعی نیافتیم.

ولی در برخی احادیث تعبیر «علت حج» آمده است:

مثال: در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که: «اگر کسی بگوید چرا به حج دستور داده شد؟ گفته می‌شود: به علت میهمان خدا شدن، زیاده‌طلبی (در امور معنوی) و خروج از گناهان...» (۱) یاد آوری: شاید مقصود از واژه «علت» در این گونه احادیث، علت تامه احکام نباشد، بلکه همان فلسفه و حکمت، مقصود باشد.

منابع استنباط و استخراج اسرار حج

۱. قرآن

در قرآن کریم حدود ۳۰ آیه در مورد احکام، تاریخ و اسرار حج بیان شده که یکی از منابع معتبر برای استنباط و استخراج اسرار حج است. این آیات گاهی در بردارنده حکمت، اهداف، فواید، بطن، پیام و آموزه‌های مناسک حج است؛ همان‌طور که مثال‌های آن گذشت.

یادآوری: استفاده از قرآن کریم در این موارد، پیش‌نیازها و پیش‌فرض‌هایی دارد که در مبانی تفسیر و شرایط مفسر و قواعد و روش‌های تفسیر بیان شده است، (۲) که از جمله آن‌ها دلالت صحیح متن به صورت دلالت مطابقی یا تضمنی یا التزامی است.

۲. سنت

سنت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در بردارنده بسیاری از اسرار حج است که برخی به صورت سنت عملی و برخی سنت لفظی، در ضمن احادیث حکایت شده است. همان‌طور که مثال‌های آن‌ها گذشت.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، صص ۴۰ و ۴۱

۲- نک: منطق تفسیر قرآن و درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، از نگارنده، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.

ص: ۶۱

یادآوری: استفاده از احادیث در این موارد، متوقف بر رعایت مبانی و قواعد حدیثی، بعد از اطمینان از سندی و دلالت معتبر (مطابقی، تضمینی، التزامی) آن‌ها است.

۳. تاریخ

تاریخ، یکی از منابع معرفتی بشر است. تاریخ پیامبران (۱) و اولیای الهی که در قرآن کریم بیان شده است، مثل داستان ساختمان کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل (۲) که دارای اسرار و آموزه‌ها و پیام‌های متعددی برای ماست. و نیز حکایات تاریخی که در احادیث و تواریخ معتبر آمده است، مثل جریان آدم علیه السلام، هاجر در صفا و مروه (۳) و درگیری ابراهیم علیه السلام با شیطان (۴) و مانند آن‌ها که بسیاری از اسرار حج را برای ما روشن می‌سازد، که برخی از آن‌ها در مباحث پیش بیان شد.

آری، تاریخ انبیای الهی سنت‌ساز است نه تاریخ صرف.

یادآوری: استفاده از تاریخ پیامبران و اولیای الهی در استنباط اسرار حج، مستلزم بررسی روایات آن‌ها از نظر سند و دلالت است.

۴. عقل

عقل به دو معنا به کار می‌رود، قوه تفکر و برهان‌های عقلی، (۵) و هر دو معنا می‌تواند در مورد حج کاربرد داشته باشد؛ یعنی اگر ما به وسیله عقل برهانی، مطلبی قطعی از اسرار حج را کشف کردیم، آن مطلب معتبر است؛ چراکه عقل حجت باطنی است. و گاهی عقل با تفکر و خردورزی می‌تواند برداشت‌هایی از مناسک حج داشته باشد. هرچند که این برداشت‌ها نوعی استحسان عقلی است، ولی دلیلی بر ممنوعیت این گونه برداشت‌ها در باب اسرار حج نداریم؛ چراکه منتهی به صدور احکام و فتوا نمی‌شود. بنابراین، بیان آن‌ها به صورت یک احتمال، مانعی ندارد. مثال: در سعی میان صفا و مروه، دویدن و هروله برای مردان قرار داده و این فرمان برای زنان نیامده است. ممکن است انسان در این مطلب تفکر کند و به این نتیجه برسد که از آن‌رو هروله برای زنان قرار داده نشده، که دویدن زنان موجب تحریک جنسی مردان می‌شود و این مطلب ممکن است به محیط معنوی سعی صفا و مروه آسیب برساند.

۱- هرچند که تاریخ پیامبران و اولیای الهی، که در قرآن و احادیث آمده است، بخشی از دو منبع قبلی قرآن و سنت به‌شمار می‌آید، لیکن به‌خاطر اهمیت آن‌ها و نیز به‌جهت آن‌که بخشی از تاریخ خارج از قرآن و حدیث مصطلح است، این منبع را جداگانه ذکر کردیم.

۲- بقره: ۱۲۹-۱۲۵ و آل عمران: ۹۶ و ۹۷

۳- نک بحار الأنوار، ج ۹۹، صص ۲۳۳ و ۲۳۴ و علل الشرایع، ص ۴۳۲

۴- همان، ص ۲۳۴

۵- نک: مفردات راغب اصفهانی، ماده «عقل».

ص: ۶۲

البته این برداشت عقلی نمی‌تواند علت و ملاک حکم را روشن سازد، ولی توجیهی برای تفاوت هروله زنان و مردان است. بنابراین، نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که اگر بر فرض در زمانی هیچ مردی در سعی صفا و مروه نبود، هروله برای زنان لازم است. در مورد اسرار حج، هرگاه که سخنان آنان مستند به یکی از منابع معتبر (قرآن، سنت، عقل و تاریخ) بود، قابل قبول است. اما در صورتی که مستند نباشد یا براساس منابع غیر معتبر (مثل شهود، مکاشفه یا رؤیا) باشد، نمی‌توانیم آن‌ها را به‌عنوان اسرار و حکمت‌های حج به شارع نسبت دهیم.

یادآوری: در برداشت‌های عقلی از آیات و احادیث لازم است توجه کنیم که این مطلب به «تفسیر به رأی» منتهی نشود، که در احادیث حرام و ممنوع شمرده شده است. (۱) تفسیر به رأی آن است که انسان بدون توجه به قرائن عقلی و نقلی، مطلبی را براساس رأی و گمان خود، از آیات برداشت کند و به صورت قطعی به خدای متعال نسبت دهد. (۲) ۵. شهود و مکاشفه عرفانی یکی از منابع معرفتی بشر، الهامات و شهود و مکاشفات و رؤیاهای صادق است. ولی این مطلب سه گونه است: الف: گاهی این منبع معرفتی برای پیامبران و معصومان حاصل می‌شود، که در آن صورت حجت است؛ همان‌طور که ابراهیم علیه السلام بر اساس رؤیای خود، می‌خواست فرزندش را قربانی کند. (۳) ب: گاهی این مکاشفات و رؤیاها برای افراد غیر معصوم اتفاق می‌افتد و شخص مکاشفه‌گر یقین پیدا می‌کند که مکاشفه او حق و صادق است، که در این صورت برای خودش اطمینان‌آور است و چه‌بسا بتواند براساس آن برنامه‌ریزی و عمل کند.

ج: گاهی این شهودها، مکاشفات، الهامات و رؤیاها، برای افراد غیر معصوم حاصل می‌شود و برای دیگران نقل می‌کنند، که البته برای دیگران حجت نخواهد بود؛ چرا که:

اولاً: شهود و مکاشفه امری شخصی و غیرقابل انتقال به غیر است؛ یعنی دسترسی به آن

۱- نک: عیون اخبارالرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بحارالأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷ و سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹

۲- نک: منطق تفسیر قرآن در سنانه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن مبحث تفسیر به رأی، از نگارنده.

۳- صافات: ۱۰۲

ص: ۶۳

برای دیگران معمولاً ممکن نیست.

ثانیاً: شهود و مکاشفه معمولاً قابل استدلال نیست.

ثالثاً: این گونه شهودها و مکاشفات و رؤیاهای، از خطا مصون نیست و احتمال دارد ربانی یا شیطانی باشد.

بنابراین، شهود، مکاشفه و رؤیاهای غیرمعصوم نمی‌تواند یکی از منابع استنباط و استخراج اسرار حج باشد. همان‌طور که منبع معتبری در فقه و کلام و تفسیر به‌شمار نمی‌آید.

۶. سخنان دانشمندان و عرفا

سخنان بزرگان دین و عرفان می‌تواند همچون چراغی روشن‌گر برای ما باشد و ما را به سرمزمل مقصود رهنمود شود و استفاده از راهنمایی‌ها و ارشادات آنها بر ما لازم است.

اما در مورد اسرار حج، هرگاه که سخنان آنان مستند به یکی از منابع معتبر (قرآن، سنت، عقل و تاریخ) بود، قابل قبول است. اما در صورتی که مستند نباشد یا براساس منابع غیر معتبر (مثل شهود، مکاشفه یا رؤیا) باشد، نمی‌توانیم آنها را به‌عنوان اسرار و حکمت‌های حج به شارع نسبت دهیم.

یادآوری: در مورد اسرار حج لازم است از نقل مطالب سست و خواب‌های فراوان و مکاشفات بدون مستند، پرهیز کنیم، چراکه نقل این گونه مطالب سست موجب بدبینی افراد فرهیخته به مناسک حج می‌شود.

بنابراین، لازم است اسرار حج از منابع معتبر با شیوه صحیح استخراج و استنباط گردد و برای مردم بیان شود و در آیات و احادیث، اسرار و مطالب علمی فراوان وجود دارد که ما را از نقل مطالب سست بی‌نیاز و غنی می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

ص: ۶۵

فقه حج

استطاعت در حج

حسن رهبری

مناسک

حج، آمیزه‌ای از کنش‌های بدنی در جغرافیای کعبه است که به قصد قربت به پروردگار جهانیان انجام می‌گیرد. اعمال تعریف شده در کنار خانه خدا را «مناسک حج» می‌گویند. مناسک در ادیان مختلف، نقش‌آفرینی‌ها و اثربخشی‌های مهمی دارد که در دیدگاه دانشمندان جامعه‌شناس چنین است:

یو آخیم واخ: کلیه اعمالی که از تجربه دینی مایه گرفته یا با تجربه دینی مشخص می‌شود؛ همه در حکم بیان عملی مناسک هستند. به معنای محدودتر، مناسک، عمل یا اعمال پرستش انسان دیندار است. (۱) تاریخ مناسک دینی نشان‌دهنده تأثیرات متقابل و مستمر میان اجبار سنت از یک‌طرف و کشش دائم برای آزادی فرد، ایجاد انگیزه‌های تازه و بروز فعالیت خلاق انسان دیندار از طرف دیگر است که در سیر تکاملی الگوهای فکری بشری ملاحظه می‌کنیم. (۲) به نظر «دورکیم»، همین مناسک است که احساسات مذهبی را ایجاد، تقویت و تجدید می‌کند. حس وابستگی به یک قدرت خارجی روحانی و اخلاقی را که در واقع همان جامعه است، تشدید می‌نماید.

همین مناسک و ماهیت جمعی چنین گردهمایی‌هاست که این همه شور و شوق برمی‌انگیزد و شرکت‌کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه در قالب آیین‌های مذهبی آگاه می‌سازد. بدین سان مناسک، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند. (۳) «ردکلیف براون» نیز معتقد است:

مناسک کارکرد اجتماعی خاص دارد؛ که

۱- جامعه‌شناسی دین، یو آخیم واخ، ترجمه جمشید آزادگان، ۱۳۸۰، نشر سمت، ص ۲۶

۲- همان، ص ۲۷

۳- مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، ۱۳۸۰، دبیرخانه کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ص ۱۵۵

ص: ۶۷

ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که مبنای ساختمان را تشکیل می‌دهد؛ آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد. (۱) به عقیده «گیرتس»: مکانیسم ایجاد کننده ایمان، مناسک است. ایمان مذهبی در جریان مناسک مذهبی ایجاد می‌شود. (۲) دین زنده، با ماهیتی که دارد، باید رابطه اجتماعی را خلق کرده و از آن نگهداری کند. (۳) انواع مناسک:

- مناسک خانوادگی: دعا، نماز، زیارت، قربانی، قرآن‌خوانی و ...

- مناسک خویشاوندی: صله ارحام، ازدواج، دعا، نماز، زیارت، ولیمه دادن، عیادت مریض و ...

- مناسک محلی: مسجدسازی، مراسم دعا، قرائت قرآن، مراسم شب قدر، نماز جماعت، نماز.

- مناسک ملی: مانند مثال‌های بالا.

- مناسک جهانی: حج.

مناسک جهانی، برای دنیای خارج از اسلام مفهوم ناشناخته‌ای است.

جامعه‌شناسان غربی، در بیان انواع مناسک دینی، توانسته‌اند تا مناسک ملی و نژادی پیش بروند. حال، اگر در قرن اخیر به پدیده جهانی شدن می‌اندیشند، جز در چهارچوب روابط مادی و سیاسی، تصویری از جهانی شدن را درک نمی‌کنند.

حج، مهم‌ترین مناسک دینی در آیین مقدس اسلام است که، می‌تواند مسلمانان را سالیانه در یک اجتماع عظیم مذهبی گرد هم آورد و همگان را با دستور و نظام هماهنگ و شعار واحد به اجرای مراحل مختلف مناسک، هدایت نماید و ارتباط معنوی با خدا و مردم را در عالی‌ترین و زیباترین صورت نشان دهد.

این است که حج در اسلام از ارکان اعتقادی ایمان‌آوردندگان به‌شمار می‌رود و در قرآن و روایت‌ها، به رفتن به سوی آن تأکید می‌شود؛ اما نه هجوم همگانی، که ممکن نخواهد بود، بلکه آنان که شرایط برایشان فراهم است و عذر و مشکل خاصی برای به‌جا آوردن مناسک حج ندارند، باید آهنگ حج نمایند.

مناسک جهانی حج در سفارش پیشوایان اسلامی

احکام و دستورهای اسلامی همواره متناسب با مصالح و مفاسد فردی و اجتماعی صادر شده است. هر کدام آثار فردی و اجتماعی خاصی دارد. هر کدام از

۱- همان.

۲- همان، ص ۱۵۶

۳- جامعه‌شناسی دین، ص ۲۸

ص: ۶۸

دیگری متأثر می‌باشد. همگی در یک سخن، اسلام را تعریف می‌کند. اگر روزه اثر فردی بیشتری دارد، نماز، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، هم اثر فردی دارد هم اثر اجتماعی. در این میان حج است که علاوه بر داشتن آثار دوگانه، اثر جهانی را هم با خود به همراه دارد. این است که گاه در ترازوی اسلام، وزنه حج بر نماز و روزه سنگینی می‌کند و با فضیلت تر به‌شمار می‌رود. (۱) در جهان اسلام، تقویت دین و پیوند مسلمانان به حج بستگی دارد. (۲) کعبه، نماد و مظهر اسلام است. (۳) دین جهانی اسلام، تا آنجا ماندگار است که حج ماندگار باشد. (۴) خداوند متعال تا آنجا مسلمانان را مهلت می‌دهد که حج روی و مناسک حج را ترک نکنند؛ و خانه خدا را خالی نگذارند. (۵) حج، جدای از آثار جهانی، آثار مادی و معنوی ویژه‌ای را هم در انسان پدیدار می‌کند:

حج پذیرفته شده در پیشگاه خداوند، پاداشی جز بهشت ندارد. (۶) حج گزار، از گناه پاک می‌شود، همانند روزی که از مادر متولد شده است. (۷) هر مالی و نعمتی را پاسخگویی لازم است، مگر هزینه کردنی که در راه جهاد برای خدا و زیارت کعبه انجام گرفته باشد. (۸) حج مایه سلامتی بدن، افزایش درآمد و شایستگی در ایمان خواهد بود. (۹) آن که حج واجب انجام دهد؛ آزادی از آتش جهنم پاداش اوست؛ و اگر دوباره رود، تا پایان عمر سعادت مند خواهد زیست؛ و اگر سه باره پشت سر هم حج کند، همانند کسی است که هر ساله به حج رود. (۱۰) چنین کسی دیگر روی فقر و تهیدستی نخواهد (۱۱) دید.

حج، در عمر انسان بالغ و عاقل، بیش از یک بار واجب نیست؛ اما از چنان اهمیتی برخوردار است که در سفارش پیشوایان اسلام می‌خوانیم: «اگر می‌توانید در زندگیتان به نان و نمک قناعت کرده و سالیانه به حج روید، چنین کنید!»

گاه فقیهان قدیم شیعه، حج روی را در روایت‌های رسیده به قدری عمیق یافته‌اند که به واجب بودن همه ساله آن فتوی داده‌اند. (۱۲) زیرا علاوه بر تأکیدهای فراوان برای رفتن به حج، از کسانی هم که با وجود استطاعت، به حج نمی‌روند، کافر نام برده می‌شود. (۱۳) تعریف استطاعت

«استطاعت، اصطلاح کلامی به معنای توانایی (قدرت) انجام دادن کار (فعل) از سوی انسان است که متکلمان درباره ماهیت

۱- «وَقَدْ رَوَى أَنَّ الْحَجَّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»، من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه. ق، بیروت، دارالأضواء، ج ۲، ص

۱۷۰

۲- علی علیه السلام: «الْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ»- نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۲۵۲

۳- علی علیه السلام: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا»، همان، خطبه اول

۴- امام صادق علیه السلام: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»، وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ۱۳۷۸ ه. ق بیروت، دار إحياء التراث

العربی، ج ۸، ص ۱۴

۵- علی علیه السلام: «وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تُنَاطِرُوا»، نهج البلاغه، نامه ۴۷

۶- رسول الله صلی الله علیه و آله: «الحج المبرور ليس له جزاء إلا الجنة»، كنز العمال، فاضل هندی، ۱۲۲۴ ه. ق بیروت، دارالکتب

العلمیة، ج ۵، ص ۳ و مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ۱۴۰۷ ه. ق قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث، ج ۸، ص

۴۱

۷- ابو عبد الله علیه السلام عن أبيه: «مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا مُبْرَأً مِنَ الْكِبَرِ رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»، فروع کافی،

شیخ کلینی، ۱۳۵۰، دارالکتب الإسلامیة، ج ۴، ص ۲۵۲

- ۸- عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُلُّ نَعِيمٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ إِلَّا مَا كَانَ فِي غَزْوٍ أَوْ حَجٍّ»، سفینه البحار، شیخ عباس قمی، بی تا، انتشارات فراهانی، ج ۱، ص ۲۱۱
- ۹- قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ وَتَتَسَّعَ أَرْزَاقُكُمْ وَ...؛ ثواب الأعمال، شیخ صدوق، ترجمه علی اکبر غفاری، ۱۳۶۳، ۱۰۸
- ۱۰- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَقَدْ حَلَّ عُقْدَةً مِنَ النَّارِ مِنْ عُنُقِهِ وَ مَنْ حَجَّ حَجَّتَيْنِ لَمْ يَزَلْ فِي خَيْرٍ حَتَّى يَمُوتَ وَ مَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حِجَجٍ مُتَوَالِيَةٍ ثُمَّ حَجَّ أَوْ لَمْ يَحَجَّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مُدْمِنِ الْحَجِّ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۶۲
- ۱۱- عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حِجَجٍ لَمْ يُصِبْهُ فَقْرٌ أَبَدًا»؛ خصال، شیخ صدوق، باب ثلاثة، حدیث ۹۳
- ۱۲- حج در قرآن، شهید سید محمد حسینی بهشتی، ۱۳۷۸، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۰۳
- ۱۳- پیامبر اسلام به علی علیه السلام: «يَا عَلِيُّ تَارِكُ الْحَجِّ وَ هُوَ مُسْتَطِيعٌ كَافِرٌ...»؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۱

ص: ۶۹

آن و همچنین نسبتش با فعل اختلاف نظر دارند.

استطاعت، مصدر باب استفعال از ریشه «طوع» است. راغب اصفهانی می‌گوید: استطاعت به معنای وجود چیزی است که به سبب آن امکان پذیر می‌شود و انسان به وسیله چهار امر استطاعت می‌یابد که خواسته‌هایش را به عنوان فعل پدید آورد:

۱. نیرو یا قدرت ویژه‌ای که از آن فاعل است.

۲. تصور کردن فعل.

۳. ماده‌ای که پذیرای تأثیر فعل است.

۴. ابزار انجام دادن فعل (اگر فعل به ابزار نیازمند باشد).

عجز، ضد استطاعت است و عاجز کسی است که فاقد یک یا چند امر از امور یادشده باشد. بدین قرار، هرگاه فردی این امور را دارا باشد، مطلقاً مستطیع، و هرگاه فاقد همه آنها باشد، مطلقاً عاجز است؛ و زمانی که دارای برخی و فاقد برخی دیگر باشد، از جهتی مستطیع، و از جهتی عاجز است؛ و بهتر آن است که او را عاجز بخوانند. استطاعت اخص از قدرت است. (۱) مبحث استطاعت از نخستین مباحث کلامی به شمار می‌رود. «جبرگرایان»، استطاعت را همراه با فعل می‌دانند؛ یعنی آنان معتقدند که یاری خداوند، در زمان انجام دادن فعل و به همراه آن می‌رسد و این یاری همان استطاعت است. «عدل‌گرایان» به سبب مختار دانستن انسان در کارهایش، به استطاعت قبل از فعل معتقدند. هشام بن حکم - متکلم امامی - با بهره‌گیری از سخنان معصومان علیهم السلام، بر این باور است که استطاعت دو جنبه دارد؛ یک جنبه آن، توفیقی است که کار مخلوق نیست و این جنبه همراه با فعل است؛ اما جنبه دیگر آن، استطاعتی است که از جهت تندرستی، وسع، توانایی و سلامت اعضاست. این جنبه، پیش از فعل است و خطاب تکلیف‌کننده نیز به آن تعلق می‌گیرد. (۲) اگر می‌توانید در زندگیتان به نان و نمک قناعت کرده و سالیانه به حج روید، چنین کنید! آن‌چه در مفهوم استطاعت، منطقی می‌نماید و آیات قرآنی و روایات آن را تأیید می‌کند، همان است که هشام بن حکم گفته است؛ «یعنی استطاعت پیش از فعل و همراه با آن».

برای رفتن به حج ابتدا عقل، ایمان، نیت و پول لازم است، اما این‌ها همه کافی نیست. تا در بدن توانایی حرکت و اجرای

۱- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جمعی از نویسندگان، تهران، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۹۲

۲- همان، صص ۱۹۳ و ۱۹۴

ص: ۷۰

مناسک حج نباشد، اعمال حج امکان برگزاری نخواهد داشت.

سیدای نسفی در این خصوص چه زیبا سروده است:

احرام کعبه را به تصوّر مکان تمام این راه، قطع، بی مدد پا نمی‌شود (۱).

استطاعت در قرآن

استطاعت از ریشه «طوع»، در صیغه‌های مختلف باب استفعال، ۴۲ بار در قرآن آمده است. اهل لغت، استطاعت را توانستن، و ممکن شدن انجام کاری، معنی کرده‌اند. واژه مخالف آن «عجز» است که به معنی ناتوانی و واماندگی است. (۲) از این رو، کسی که از لحاظ مادی و معنوی یا جسمی و روحی قادر به انجام کاری بوده و ابزار کار برایش فراهم باشد، او «مستطیع» است؛ در غیر این صورت «عاجز» است و معذور.

فقیه دامغانی در تفسیر واژه قرآنی «استطاعت» چنین می‌نویسد:

«الإستطاعة علی وجهین: السعة فی المال، الطاقه فی القلب»:

الوجه الأول

- وَ سَيَجْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوْ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ (۳)

یعنی لو وجدنا السعة فی المال.

- وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۴)

یعنی من وجد سعة فی المال علی أن یحج قدر ما یبلغه.

- وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا (۵)

أی: فمن لم یجد فی المال سعة «أن ینکح المخصنات».

الوجه الثانی

- وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ (۶)

یقول لن تطیقوا أن تعدلوا بین النساء فی الحبّ.

- فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ (۷)

یعنی ما أطقتم. (۸) استطاعت در قرآن بر دو معنی آمده است: توانگری و توانایی به عنوان مثال:

(۱) در مفهوم توانگری

- (منافقان) به زودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «اگر توانایی داشتیم همراه شما برای (جهاد) حرکت می‌کردیم» یعنی اگر مالی

داشتیم (که معاش خانواده و هزینه خرید سلاح و ... را تأمین کنیم با سپاه اسلام به سوی میدان روانه می‌شدیم).

- برای مردمی که راهی یابند، رفتن به خانه کعبه واجب است؛ یعنی مقدار دارایی

۱- دیوان سیدای نسفی، با تصحیح و تعلیق حسن رهبری، ۱۳۸۲، انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۲۷۶

۲- نک: مفردات راغب اصفهانی، ۱۳۹۳ ه. ق دارالکاتب العربی افسست قم، دارالکتب العلمیه، ص ۳۱۹

۳- توبه: ۴۳

۴- آل عمران: ۹۷

۵- نساء: ۲۵

۶- نساء: ۱۲۹

۷- تغابن: ۱۶

۸- الوجوه والنظائر، فقیه دامغانی، ۱۳۹۰ ه. ق بیروت، دارالعلم للملایین، ص ۳۰۰

ص: ۷۱

که برای حج لازم است، (داشته باشند).

- کسی که توانایی مالی برای ازدواج با زنان پاکدامن مؤمن ندارد، پس با کنیزان مؤمن ازدواج نماید.

(۲) در معنی توانایی قلبی:

- شما هرگز نمی‌توانید در میان زنان، به عدالت رفتار کنید؛ یعنی نمی‌توانید علاقه یکسان به آنان داشته باشید.

- تقوای الهی پیشه کنید تا می‌توانید؛ یعنی تا آنجا که طاقت دارید.

با توجه به معنای «استطاعت»، «مستطیع» کسی خواهد بود که برای انجام کاری قدرت بدنی و امکانات مادی داشته باشد. البته نوع

کارها از هم متفاوت‌اند؛ برخی تنها توان جسمی، برخی به توان فکری، برخی به توان مادی و برخی دیگر به وجود هر دو یا هر سه

با هم نیازمند می‌باشند.

نماز، با رمقی از توان جسمی و فکری قابل انجام است؛ روزه، انرژی بیشتری نسبت به نماز، نیاز دارد؛ اما حج، غالباً با پیمایش

مسافت بسیار طولانی همراه است.

چنین مسافرتی، مرکبی هموار و ساز و برگی بسیار می‌طلبد. از این رو، تحمّل سختی‌های راهپیمایی تا مکه مکرمه، انجام اعمال و

مناسک حج و اسکان چند روزی در شهر مکه، هم قدرت بدنی و فکری می‌خواهد و هم قدرت مالی.

پس، از منظر قرآن و عقل، استطاعت در حج، مستلزم سلامت جسم است و داشتن درهم و دیناری عرف‌پسند برای تأمین هزینه سفر

و هزینه خانواده‌اش به اندازه بسندگی در روزهای مسافرت به خانه خدا و بازگشت از آن.

ص: ۷۲

حال، شاید کسی راهی نزدیک یا حتی راهی دور، اما با قدرت بدنی زیادی که دارد، پای پیاده حج رود و دیگری توان تهیه چهارپایی لاغراندام داشته باشد و با آن آهنگ کعبه کند؛ و آن یکی هم با خودرو و هواپیما به این سفر معنوی رو نهد. به هر حال دستور خداوندی بر این است که از ملیت‌ها و قشرهای مختلف امت اسلامی باید هر سال در کنگره عظیم حج حضور یافته و در تمرین شیوه‌های عبودیت به روش ابراهیمی، درس زندگی سعادت‌مند را فراگیرند و بدانسان رفتار نمایند. متن دعوت‌نامه خداوند سبحان از مردم، که ابلاغ آن را به عهده پیامبرش حضرت ابراهیم علیه السلام می‌گذارد چنین است:

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلُ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. (۱)

«ای ابراهیم)، مردم را به حج دعوت کن تا پیاده و یا سوار بر مرکب‌های لاغراندام، از هر راه دوری به سوی تو روان شوند.» این دعوت، عمومی است و همه جهانیان را در برمی‌گیرد؛ آیا بدیهی است که هر تکلیفی از عهده هر کس بر نمی‌آید؛ در ضمن محدودیت زمانی ایام حج و محدودیت مکانی کعبه، اجازه حضور همگانی در حج را نمی‌دهد. از این رو:

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۲)

«از جانب خداوند سبحان، حج بر کسی واجب است که توانایی برای حج کردن داشته باشد.»

استطاعت در روایت

معنای «استطاعت» در قرآن را دانستیم، حال ببینیم که روایت‌ها در معنای فقهی استطاعت چه می‌گویند:

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا قَالَ: هَذِهِ لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَ صِحَّةٌ... (۳) امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه استطاعت حج فرمود: وجوب حج برای کسی است که دارایی و سلامتی را داشته باشد.

۲- عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ مَالٌ وَ لَمْ يُحِجَّ قَطُّ قَالَ هُوَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. (۴)

راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از حال مردی که امکان مالی دارد ولی هرگز به حج نرفته است پرسیدم، فرمود: آن کس،

۱- حج: ۲۷

۲- آل عمران: ۹۷

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶

۴- همان، ص ۱۷

ص: ۷۳

مصدق این سخن خداوند است که می‌فرماید: «روز قیامت نابینا ظاهر می‌شود».

۳- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَوْلَهُ تَعَالَى وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا قَالَ: يَكُونُ لَهُ مَا يَحُجُّ بِهِ. (۱) محمد بن مسلم می‌گوید: از امام محمد باقر علیه السلام از معنای آیه «استطاعت حج» پرسیدم؛ فرمود: هر چه حج بدان بستگی دارد، [استطاعت] را شامل می‌شود.

کسی که از لحاظ مادی و معنوی یا جسمی و روحی قادر به انجام کاری بوده و ابزار کار برایش فراهم باشد، او «مستطیع» است؛ در غیر این صورت «عاجز» است و معذور.

۴- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخُنَعَمِيِّ؛ قَالَ: سَأَلَ حَفْصُ الْكِنَاسِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا مَا يَعْنِي بِذَلِكَ؟ قَالَ: مَنْ كَانَ صَدِ حَيْحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلِّي سِرُّهُ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ أَوْ قَالَ مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَقَالَ لَهُ حَفْصُ الْكِنَاسِيِّ: فَإِذَا كَانَ صَدِ حَيْحًا فِي يَدَيْهِ مُخَلِّي سِرُّهُ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحِجَّ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ؟

قَالَ نَعَمْ. (۲) راوی می‌گوید که حفص کناسی آن‌گاه که من هم حضور داشتم، از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه «استطاعت حج» پرسید. حضرت فرمود: آیا کسی که از لحاظ جسمی سالم است راه حج امنیت لازم را دارد، توشه راه و مرکب برایش فراهم است، یا این که دارایی لازم را داشته باشد، او مستطیع نمی‌شود؟ کناسی گفت:

یعنی کسی که دارای این ویژگی‌ها باشد مستطیع است؟ حضرت فرمود: آری!

۵- عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ قَالَ: «وَ حِجُّ الْبَيْتِ فَرِيضَةٌ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَ السَّبِيلُ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ مَعَ الصَّحَّةِ». (۳) امام رضا علیه السلام در نامه‌ای به مأمون نوشت: حج برای هر مستطیعی واجب است و منظور از راه داشتن: توشه و مرکب و سلامتی بدن است.

۶- عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ، قَالَ: «سَلِمْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا قَالَ: الصَّحَّةُ فِي بَدَنِهِ وَ الْقُدْرَةُ فِي مَالِهِ». (۴) راوی گوید از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه «استطاعت حج» پرسیده، فرموده است:

۱- همان، ص ۲۲

۲- استبصار، شیخ طوسی، ۱۳۹۰ ه. ق تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۳۹ و کافی، ج ۴، ص ۲۶۷

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳

۴- همان، ج ۸، ص ۲۴

ص: ۷۴

سلامتی در جسم و توانایی در مال است.

۷- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ... قَالَ: وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَاجِبٌ لِمَنْ (عَلَى مَنْ) اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ هُوَ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ مَعَ صِحَّةِ الْبَدَنِ وَ أَنْ يَكُونَ لِلْإِنْسَانِ مَا يُخَلِّفُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَ مَا يَزْجَعُ إِلَيْهِ بَعْدَ حَجِّهِ. (۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رفتن به خانه خدا بر هر کسی که استطاعت رفتن داشته باشد واجب است و استطاعت آن است که:

توشه راه، مرکب سواری، تندرستی، و مخارج اهل و عیال خود را تا هنگام بازگشت از مکه داشته باشد.

این‌ها نمونه روایاتی بود که از کتاب‌های حدیثی، در این‌جا آوردیم.

روایات دیگری هم وجود دارد که به دلیل یکسان بودن مضمون آن‌ها و پرهیز از طولانی شدن مطلب، از بیان همگی خودداری کردیم.

چنانکه ملاحظه کردید؛ چه در قرآن و چه در روایات، مفهوم فقهی استطاعت، داشتن توانایی انجام حج با تمام امکانات لازم برای سفر به خانه خدا است.

همان‌گونه که برای رفتن به یک سفری و انجام مأموریتی، داشتن پول، ابزار کار، وسیله سفر، صحت بدن و تأمین نیازمندی‌های خانواده‌ای که در خانه بی‌سرپناه خواهند ماند لازم است و عقل و عرف چنین برنامه‌ریزی را لازمه سفر می‌شمارد، شرع نیز، عقل و عرف بشری را همراهی کرده و دریافت آن‌ها را برای عملی شدن این سفر مهم الهی پسندیده و امضا کرده است.

اما بدیهی است که امروزه ابزار سفر، زمان سفر، میزان نقدینگی و ... با توجه به شرایط روز و روابط بین‌المللی، به مراتب با گذشته فرق کرده و به روز کردن تکالیف وارده، از ضروریات زمانی و مکانی در فقه اسلامی تبعیت خواهد کرد.

این جستار پس از بیان دیدگاه برخی از فقیهان جهان تشیع در استطاعت حج، مفهوم امروزی استطاعت را مورد نظر دارد که بدان خواهد پرداخت.

استطاعت در نگاه فقیهان

فقیهان شیعه و سنی، برای وجوب حج، شرایط پنج‌گانه زیر را قائل شده‌اند:

۱. اسلام (۲). ۲. بلوغ

۳. عقل

۴. آزاد بودن

۵. استطاعت (۳) اما در مفهوم استطاعت، اختلاف نظر

۱- خصال، شیخ صدوق، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، انتشارات علمیه اسلامی، ج ۲، ص ۷۳۳

۲- بعضی از فقیهان شیعه، اسلام را معتبر نمی‌دانند، نک: الدروس الشرعیة، شهید اول، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۷ ه. ق ج ۱، ص ۲۷۰

۳- فقه السنه، السید سابق، قاهره، دارالفتح الأعلام العربی و بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۰ ه. ق ج ۱، ص ۶۳۷ و نک: اللمعة الدمشقیة، شهید اول، کتاب الحج، فصل اول فی شرائطه و أسبابه و المحجة البيضاء، فیض کاشانی، بیروت مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ ه. ق ج ۲، ص ۱۶۰

ص: ۷۵

وجود دارد. برخی توان مالی را برای استطاعت بسنده می‌دانند برخی توان بدنی را و گروهی توان مالی و بدنی را یکجا شرط استطاعت می‌شمرند.

فاضل مقداد در کتاب معروف «کنز العرفان» می‌نویسد:

با توجه به این که حدیث نبوی صلی الله علیه و آله، که استطاعت را داشتن توشه و سواری (الزاد والراحلة) تفسیر می‌کند، بنابراین: شافعی، تنها توان مالی را شرط استطاعت می‌داند. پس مطابق این دیدگاه، کسی که از کار افتاده و زمین‌گیر است، ولی توان مالی دارد، حج بر او واجب می‌شود و باید به‌جای خود کسی را به حج بفرستد.

مالک، توان جسمی را شرط استطاعت می‌داند. برابر دیدگاه او، کسی که توان راه رفتن و کسب و کار را [حتی به گدایی] (۱) در طول مسیر حج داشته باشد، حج بر او واجب می‌شود.

ابوحنیفه، توان مالی و بدنی را به‌طور همزمان شرط استطاعت می‌داند. برابر رأی او، کسی که توشه راه، سواری، هزینه رفت و آمد به حج و پس‌انداز لازم برای خود و هزینه خانواده‌اش را نداشته باشد، حج بر او واجب نیست.

شیعه [افزون بر دیدگاه ابوحنیفه]، داشتن سرمایه و امکاناتی که پس از بازگشت از حج در کسب و کار کسی لازم است، (۲) و امنیت راه و داشتن وقت کافی برای رسیدن به حج را نیز از جمله شرایط استطاعت مطرح کرده‌اند. (۳) البته برخی از فقیهان شیعه - همانند دیدگاه شافعی - استطاعت بدنی را شرط وجوب ندانسته‌اند؛ یعنی آنان بر این باورند که اگر تمام شرایط حج برای کسی آماده باشد، ولی به‌دلیل مرض مزمنی زمین‌گیر است، حج بر او واجب است و باید به‌جای خود کسی را به حج بفرستد. اما باورکنندگان به این دیدگاه کم هستند، بلکه دیدگاه غالب این است که افراد پولدار ناتوان و زمین‌گیر مستطیع نمی‌شوند و نایب گرفتن برای حج هم بر آنان واجب نیست (لو كان المتمکن مريضاً لم يجب الإستنابة)؛ (۴) مگر این که قبل از ناتوانی و زمین‌گیر شدن، حج بر او محقق شده باشد؛ آن وقت واجب است که از طرف خود نایی را به حج بفرستد و اگر بمیرد، وارثان از سرمایه‌اش این کار را انجام بدهند. (۵) اولویت بدنی واجبات در مقام استطاعت از شرایط استطاعت آن است که واجب مهم‌تر و مقدم‌تری بر حج وجود

۱- مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام، جواد کاظمی، مکتبه المرتضویه، ۱۳۴۳ ه. ش، ج ۲، ص ۱۰۵

۲- کنز العرفان، فاضل مقداد، ۱۳۴۳، تهران، مکتبه المرتضویه، ج ۱، صص ۲۶۳ و ۲۶۴

۳- مسالک الأفهام، ص ۱۰۵ والمحجّه البيضاء، ج ۲، ص ۱۶۰

۴- تبصره المتعلمین، علامه حلی، تهران، مکتبه العلمیه الإسلامیه، ۱۳۷۲ ه. ق ص ۳۹

۵- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شهید ثانی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه. ش ج ۱، ص ۲۴۳ و تحریر الوسیله، امام خمینی، کتاب الحج، مسأله ۴۲ و ۴۸ و مناسک حج، ناصر مکارم شیرازی، مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب،

ص: ۷۶

نداشته باشد و گرنه استطاعت محقق نخواهد شد؛ مثلاً بدهکار در مقابل مطالبه طلبکار، بدهکار حقوق واجب (زکات)، نیازمند خانه، مسکن، ازدواج، یا دیگر ضروریات زندگی برای خود یا افراد واجب‌النفقه - در صورتی که رفتن به حج حیثیت اجتماعی او را لکه‌دار خواهد کرد - مستطیع نخواهد بود. (۱) امام خمینی (ره) در پاسخ به این که، آیا حج مقدم است یا ازدواج؟ می‌نویسد:

اگر نیاز به ازدواج دارند، در صورتی مستطیع هستند که علاوه بر مصارف حج، مخارج ازدواج را هم داشته باشند. (۲) استطاعت در موقعیت کنونی

امروزه با توجه به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیش آمده، مفهوم استطاعت، دیگر در همان مفهوم سی - چهل سال پیش باقی نمانده است. در گذشته، زمان استطاعت را از روزهایی که کاروان‌ها آماده ثبت‌نام می‌شدند به حساب می‌آوردند و هر کس متناسب با وضعیتی که در آن روزها داشت استطاعت مالی و بدنی خود را می‌سنجید و تشخیص می‌داد؛ اما از دو - سه دهه گذشته، افزایش جمعیت کشورهای اسلامی، فزونی داوطلبان حج، محدودیت‌های اسکان در مدینه و مکه، محدودیت‌های پروازی، ارزی، امنیتی و ...

دست به دست هم داده و حالتی را پدید آورده است که درخواست کنندگان باید در یک فرصت معینی ثبت‌نام کنند و سپس مدتی را در انتظار باشند تا قرعه‌کشی، زمان سفر آنان به حج را معلوم کند. چه بسا که پنج - شش سالی زمان انتظار به درازا بکشد، که چنین هم شده است!

از این رو، در فرصت اعلان شده برای ثبت‌نام، کسانی که خود را از لحاظ مالی در آن روز مستطیع می‌شناسند و یا احتمال می‌دهند که تا اعلام اسامی آنان مستطیع خواهند شد، با قرض کردن و فروش زیورآلات همسر و غیره نسبت به ثبت‌نام اقدام می‌نمایند، تا چه پیش آید!

روشن است که در فقه، مقدمه واجب، واجب است و ثبت‌نام اولیه، امروز یکی از مقدمات حج به‌شمار می‌رود. بنابراین، کسی که در زمان اعلام ثبت‌نام، استطاعت لازم را داشته باشد، ثبت‌نام بر وی واجب خواهد بود. اگر پس از اعلام نتایج قرعه‌کشی، نوبتش در همان سال اول قرار گرفت و تا زمان ثبت‌نام کاروان‌ها شرایط استطاعت برایش باقی بود، حج بر او استقرار یافته و واجب می‌باشد؛ اما اگر نوبتش در سال‌های

۱- نک: الدروس، شهید اول، ص ۲۶۶؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۲۰، مسأله ۱۵ و استفتانات مختلف از مراجع عظام تقلید ...

۲- استفتانات، امام خمینی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۳۵

ص: ۷۷

دیگر قرار گرفت، اختیار خواهد داشت که نوبت را برای خود حفظ کند یا این که ودیعه خود را از بانک یا سازمان حج و زیارت مسترد، و در امور لازم سرمایه‌گذاری و یا هزینه نماید.

حال در فرض این که ودیعه را همچنان در بانک نگه‌داشته باشد، زمان بررسی استطاعت مالی و جانی، زمانی خواهد بود که شخص به سال نوبتش وارد شده و کاروان‌ها ثبت‌نام از حایزین شرایط را آغاز کرده باشند. اگر در چنین زمانی، از هر لحاظ، خود را مستطیع می‌داند، حج بر او مستقر شده و واجب خواهد بود و اگر حتی مقداری از شرایط استطاعت را دارا نباشد، مستطیع نخواهد بود و اگر چنین شخصی با اصرار و احساس علاقه‌مندی، به حج برود، از حَجَّةِ الاسلام کفایت نخواهد کرد؛ یعنی اگر در سال‌های بعد مستطیع شد باید به حج برود.

نظر فقیهان نسبت به استطاعت در وضعیت حاضر

مسأله‌ای که مسلمانان ایران در موضوع استطاعت حج با آن روبه‌رو هستند، همان است که در بالا بدان اشاره کردیم، اما این که فقیهان شیعه در شرایط مذکور، نسبت به مسأله چه حکمی دارند، در اکثر رساله‌ها و استفتائات، جز سکوت به چیزی نمی‌توان رسید، مگر در «تحریرالوسیله» که می‌نویسد:

«لو كان عنده ما يكفيه للحج، فإن لم يتمكّن من المسير لأجل عدم الصحّة في البدن أم عدم تخليّة السرب، فالأقوى جواز التصرف فيه بما يخرج عن الاستطاعة».

اگر نزد او مالی باشد که برای حجش کفایت می‌کند، چنان که به علت سالم نبودن خودش یا باز نبودن راه نتواند حج برود، اقوی آن است که تصرف در آن مال، به طوری که او را از استطاعت بیندازد، جایز است:

«... والظاهر جواز التصرف لو لم يتمكّن في هذا العام، وإن علم بتمكّنه في العام القابل، فلا يجب إبقاء المال إلى السنين القابلة». (۱)

علی‌الصلوات علی‌ه و آله‌الطهارت علی‌هم‌السلام صدق الله العظيم لامی ی الحمد لله ا تمهید والفضل ا صدق الله العظيم لامی

از شرایط استطاعت آن است که واجب مهم‌تر و مقدم‌تری بر حج وجود نداشته باشد و گرنه استطاعت محقق نخواهد شد

۱- تحریرالوسیله، امام خمینی ره، ترجمه علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۲۴ و ۱۲۵

ص: ۷۸

نتیجه

و جوب حج، به استطاعت جانی، مالی و فراهم شدن شرایط، ابزار و امنیت سفر بستگی دارد. تنها ثبت نام کردن و واریز ودیعه به حساب سازمان حج و زیارت، استطاعت آور نیست. کسی را که مقررات دولتی در همان سال ثبت نام، اجازه رفتن ندهد، به انتظار نشستن او برای سال‌های بعد الزام شرعی ندارد. او اختیار دارد ودیعه‌اش را تا رسیدن نوبت در حساب واریز شده نگه دارد یا این که مطالبه و در امور مورد نظر خود مصرف کند؛ اما اگر ودیعه‌اش را همچنان نگه داشت، استطاعتش در سالی که نوبت حج او رسیده است - منوط به داشتن تمام شرایط استطاعت در همان سال خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

ص: ۸۱

تاریخ و رجال

حرمین شریفین و سلاطین عثمانی

بهاء‌الدین قهرمانی نژاد شائق

چکیده و خلاصه مقاله

همزمان با عصر سلطان ممالیک شامات و مصر (۶۲۴-۹۲۳ ه. ق ۱۲۵۰-۱۵۱۷ م)، (۱) حاکمیت بزرگ و همه‌جانبه‌ای- که بعدها به نام امپراتوری عثمانی شهره گشت- به‌ظهور رسید. این حاکمیت که از شمال و شمال غربی تا قلب اروپا، از شرق مجاور با صفویان و سلسله‌های پس از آن، از غرب با مدیترانه و بالکان و از جنوب و جنوب غربی شامل شامات، مصر و سرزمین حجاز و همچنین، بیشتر مناطق عربی بود؛ از قبیل ترکی قاپی و به نام بنیانگذارشان، عثمان بن ارطغرل (۶۸۷ ه. ق ۱۲۸۸ م) (۲)، به عثمانی معروف شده و حاکمیتشان از همین سال، تا سال ۱۹۲۳ م برابر ۱۳۴۲ ه. ق (۳) طول کشید و در حدّ فاصل این چند قرن، اهمیت حرمین شریفین به‌عنوان نقطه ثقل این حاکمیت، باعث توجه جدی به حجاز بود و در این نوشتار، سعی و اهتمام به رؤوس مطالب مربوط به سلاطین عثمانی معطوف شده است.

واژگان کلیدی: حرمین شریفین، حجاز، مکه معظمه، مدینه منوره، عثمانی.

- ۱- ابراهیم، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه عبدالحسین بینش، نشر آرایه، تهران، چ ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۲۵
- ۲- الشناوی، عبدالعزیز، الدولة العثمانیه، چاپ قاهره، ۱۹۸۰ م، ص ۳۳
- ۳- فاضل، حسین، مؤتمر لوزان و آثاره فی البلاد العربیة، چ بغداد، ۱۹۶۷ م، ص ۲۲

ص: ۸۳

اهمیت حرمین

نگاه ویژه مسلمانان به حرمین که دو مرکز اصلی ثقل سیاست‌های اسلامی و عهده‌دار تقدس و تلبس به این آرایه، حاکمیت‌ها را بر آن می‌داشت که سرفصل اساسی برای این دو شهر در کتاب و منشور حاکمیت خویش بگشایند. مجموعه اتفاقات و رویدادهایی که در روزگار حاکمیت بنی‌عباس، که حدود پنج قرن طول کشید، زعامت دینی شرفا بر حرمین شریفین را، که از انتساب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بهره می‌بردند، بدیهی می‌نمود.

روی کار آمدن ممالیک، این وضعیت را عوض نکرد و ایشان نیز سعی و اهتمام فراوان در توقیر خاندان شریف در حجاز داشتند و از آن سو نیز، توجه تمام به حفظ روابط خود با عثمانیان می‌نمودند و حتی پس از فتح قسطنطنیه در (۸۵۷ ه. ق/ ۱۴۵۳ م) به دست سلطان محمد فاتح جشن بزرگی را در قاهره (پایتخت ممالیک) برگزار کردند. (۱) اما اختلافات مرزی در حدود شام یا عثمانیان از یک سو و پناه دادن ممالیک و ایجاد رابطه با صفویان در دوره اسماعیل صفوی و جنگ با سلطان سلیم اول از سوی دیگر، زمینه را برای برخورد عثمانیان با ممالیک فراهم کرد. (۲) سرانجام در نبردی که میان سپاهیان سلیم با قانصوه الغوری مملوکی در مرج دابق در ۹۲۲ ه. ق. ۱۵۱۶ م. پیش آمد، مملوکیان حلب و شام شکست خوردند (۳) و سپس بر ممالیک مصر به فرماندهی طومان‌بای نیز در ریدانیه ظفر یافتند. (۴) در اثر این پیروزی، شریف مکه خود به استقبال سلیم، که به سمت حجاز شتافته بود، رفت و تسلیم بی‌قید و شرط خود را اعلام کرد. سلیم نیز که در این زمان به خادم الحرمین الشریفین شهرت داشت، (۵) حاکمیت شرفا را بر مکه و مدینه به رسمیت شناخت. (۶) سیاست عثمانی در قبال حرمین

توجه مسلمانان به کعبه و حرمین شریفین، عثمانیان را که خود را خلیفه عالم اسلام می‌شمردند، بر آن داشته بود که سعی و اهتمام وافری به عمران و آبادانی این دو شهر، به‌ویژه مکه معظمه داشته باشند. باز گذاشتن دست شرفا و اختیار کامل و آزادی عمل دادن به ایشان،

۱- السید رجب حرار، العالم العربی فی التاریخ، ص ۱۴

۲- ابن ایاس، محمد احمد، بدایع الزهور فی وقایع الدهور، تحقیق مصطفی زیاده، قاهره، ۱۹۸۴ م، ج ۳، ص ۴۰۴

۳- همان، ص ۴۴۵

۴- همان.

۵- همان، ص ۴۶۳

۶- احمد یاقی، اسماعیل، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، چاپ

اول، ص ۵۶

ص: ۸۴

در راستای همین سیاست است. ضمن این که جایگاه و مرتبت ایشان در انتساب به خاندان قریش و پیامبر صلی الله علیه و آله، پیشینه طولانی در امور حرمین و نفوذ این جماعت هم در میان مسلمانان و در نهایت سعی و اهتمامی که در عمل برای حفظ توازن در روابط خویش با عثمانیان به کار می‌بردند، مزید بر علت بود.

پیروی از این سیاست در طول ایام عثمانی، به وضوح قابل رؤیت است. اگرچه در این میان اقدامات برخی از سلاطین عثمانی به دلیل روحيات شخصی خویش یا اقدامات و تشویقات اطرافیان، کارهای مؤثرتری انجام دادند.

از جمله، در زمان حاکمیت سلطان سلیم دوم (۹۷۴-۹۸۲ ه. ق. / ۱۵۶۶-۱۵۷۴ م.) که وی دستور داد به عمران و آبادانی حرمین، به‌ویژه، حقوق خدام، سعی و اهتمام ویژه‌ای مبذول گردد. (۱) همچنین دستور تجدید بنای مسجدالحرام و توسعه آن از اقدامات وی بود و دستور ویژه‌ای نیز برای دوبرابر نمودن صدقات برای ساکنان حرمین شریفین داد. (۲) این اقدامات، کم و بیش ادامه داشت. در زمان سلطان احمد اول (۱۰۱۲-۱۰۲۷ ه. ق.

۱۶۰۳-۱۶۱۷ م.)، وی در زمینه آبرسانی در حرمین تلاش فراوان کرد و نسبت به زمینه پرده کعبه اقدامات زیبایی داشت. او همچنین نسبت به بازسازی روضه نبوی دستورات مهمی داد و عواید روستاهایی را نیز وقف خادمان حرمین کرد. (۳) احمد اول، سعی وافری در کارهای خیر در مکه از خود نشان داد. (۴) شرفای مکه در طول این ایام، اقتدار ظاهری خود را حفظ کرد و دولت عثمانی نیز سعی در سیادت کامل، اما با مراعات حدود و احترامات لازم، نسبت به حرمین داشتند؛ به گونه‌ای که حاکی از اقتدار، مجد و عظمت ایشان در چشم مسلمانان باشد.

برخی روش‌ها و اقدامات عثمانی

اگرچه سلاطین عثمانی برای همه مسلمانان، امکانات مناسبی برای موسم حج ایجاد کرده بودند، اما نسبت به شیعه به دلیل سیاست‌های مذهبی بسیار متعصبانه، موضع خصمانه‌ای داشتند.

حتی در سال ۱۰۴۰ رسماً اعلامیه دادند و شیعیان را از شرکت در موسم حج منع کردند و این قضیه مدت‌ها ادامه داشت. (۵) بسیاری از عالمان به نام شیعه؛ مانند شهید ثانی، در شدت فشار سلاطین عثمانی، به‌ویژه

۱- همان، ص ۸۷

۲- النهروانی المکی، البرق الیمانی فی الفتح العثماني، دارالتنوير بیروت، ۱۹۸۶ م، ص ۲۵۰

۳- احمد یاقی اسماعیل، همان، ص ۹۳

۴- همان.

۵- جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، نشر مشعر، ج ۶، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۹

ص: ۸۵

در موسم حج بازداشت شد و به شهادت رسید. (۱) گروه دیگری از علما نیز به همین ترتیب شهید شدند و یا مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. (۲) از سوی دیگر، مسلمانان کشورهای مختلف، با توجه به نهضت استقلال‌گرایی که در ممالک زیر سیطره عثمانی، به‌ویژه در قرن نوزدهم آغاز شده بود، در موسم حج و در مجامع مسلمانان، مطالب خود را بازگو می‌کردند.

در میان بزرگان، مصلحان بزرگی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۵-۱۳۸۴ ه. ق.)، کواکبی (۱۲۶۶-۱۳۲۱ ه. ق.)، رشید رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ ه. ق.) و محمد عبده (۱۲۶۶-۳۲۳ ه. ق.) از موسم حج، برای اعلام حمایت از نهضت بیداری مسلمانان بهره‌جسته و سید جمال مسلمانان را به مراعات سطوت خلافت، با توجه به مصالح عالیه، فرا می‌خواند. (۳) اقدامات سلطان عبدالحمید عثمانی در حرمین

عبدالحمید در زمان حاکمیتش، حج را از ارکان سیاست اسلامی خود قرار داد. او شریف مکه را برای نشر دعوت خود در میان حجاج برگزید و جهت تسهیل آمد و شد حجاج، راه آهن دمشق به مدینه را راه انداخت و قرارداد احداث این خط را با متخصیصان آلمانی در ۱۳۱۹ ه. ق. / ۱۹۰۱ م. منعقد کرد.

این خط برای مدتی، در ۱۳۲۶ ه. ق. به بهره‌برداری رسید. (۴) عبدالحمید، عنایت خاصی به توسعه مساجد و مرمت آن در حرمین شریفین داشت و بسیاری از بناهای تاریخی و مقدس، که اکنون به صورت مساجد در این دو شهر و به‌ویژه مدینه وجود دارد، از آثار وی است. (۵) وی در این مطلب، هدف خود را بارها توجه به شؤون مسلمانان و حرمین اعلام می‌کرد.

از اقدامات مهمی که به‌نوعی می‌توان خدمات مجموعه عثمانی به حرمین دانست، مقابله با طرح تجاوز کارانه نیروهای صلیبی پرتغالی بود که در نظر داشتند برای شکستن سطوت مسلمانان، از دریای سرخ بگذرند و از جدّه به مکه مکره حمله کنند. (۶) کشتی‌های جنگی پرتغال، دوبار برای تصرف ساحل جدّه وارد جنگ شدند و با مشاهده کشتی‌های عثمانی، عقب‌نشینی کردند. (۷)

۱- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شهید ثانی، ج ۱، مقدمه.

۲- جعفریان، همان.

۳- احمد یاقی اسماعیل، همان، ص ۱۶۷

۴- الشتاوی، عبدالعزیز، همان، ج ۲، ص ۸۶۲

۵- رفعت، محمد، التوحید السیاسی للفکره العربیة الحدیثه، قاهره، ۱۹۶۴ م، ص ۹۰، نقل از همان، ص ۱۷۰

۶- زین، نورالدین زین، نشؤ القومیة العربیة، بیروت، ۱۹۸۶، ص ۵۷

۷- همان، ص ۸۶۳

ص: ۸۶

صلیبی‌ها پیشتر نیز نقشه حمله به مدینه منوره و نبش قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و تخریب روضه نبوی را در سر داشتند که این واقعه در ۵۸۷ ه. ق. / ۱۱۸۲ م. در شرف انجام بود، لیکن توسط صلاح‌الدین ایوبی شکست خورد و همین ماجرا باعث توجه و بیداری عثمانی‌ها در این رابطه شد. (۱) فرجام عثمانی و تأثیر آن بر حرمین با نهضت تجدّدخواهی، که در قلب حاکمیت عثمانی آغاز شده بود؛ از یک سو منجر به نهضت ترکان جوان، موسوم به «جمعیه الشباب العثمانيين» به رهبری مدحت پاشا و از سوی دیگر به استقلال‌طلبی در ممالک محروسه، به‌ویژه ممالک عربی که بی‌تأثیر از سیاست‌های مزورانه اروپا، به خصوص استعمار پیر بریتانیا نبود، تأثیرات فوق‌العاده‌ای در وضعیت حرمین شریفین به‌وجود آورد و موجب قوت گرفتن سلفیان، به رهبری محمدبن عبدالوهاب گردید.

نتیجه طبیعی آن نیز حرکت از سوی درعیه به مناطق نجد و سپس تسلط تدریجی بر حرمین، در زمان شریف حسین و تسلیم شدن مناطق حجاز در برابر دعوت وهابیان بود.

متأسفانه، تمامی این سیاست‌ها که از آثار رو به افول قدرت عثمانی در حجاز بود، باعث تخریب قبور مطهر اهل بیت و صحابه پاک نبوی در شوال ۱۳۲۴ گردید و به دنبال آن، دیگر کنترلی بر حاکمیت حجاز از سوی دولت عثمانی وجود نداشت؛ زیرا در زمان سلطان محمد

ص: ۸۷

ششم، مصطفی کمال پاشا (آتا ترک) با اختیاراتی که در کنفرانس لوزان به سال ۱۹۲۲ م. گرفت، خلافت عثمانی را ملغی و جمهوریت را اعلام کرد. (۱) برداشت:

روی کار آمدن سلاطین عثمانی، مجد و عظمت اسلامی را به رخ جهانیان کشید و همین حاکمیت مبتنی بر ظواهر اسلامی، جاذبه فراوانی در میان ملل جهان ایجاد کرد و ندای توحید، همچنان از حجاز و حرمین شریفین، در کنگره عظیم مسلمانان (حج) بر می‌خاست و در زمان حاکمیت عثمانی، اگر چه اندک، اما به هر حال مورد توجه بود؛ آن‌هم با تزییقات و سخت‌گیری‌های شدیدی که بر ضد مسلمانان راستین و پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اعمال می‌شد. در هر صورت، مجد و عظمت حرمین در طول این سلسله حفظ شد و اقدامات مناسبی به واسطه برخی از سلاطین عثمانی صورت گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱- همان.

نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه عارف حکمت مدینه منوره

سید محمدباقر نجفی

۱/ث: اخلاق

- مائة کلمه فی الحکمه والنصائح

امام علی بن ابی طالب علیه السلام، تاریخ پایان نگارش نسخه ۹۵۸ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم محمود (شهابی، یا شاه محمود نیشابوری).

۱۸ صفحه، ۲۰*۱۲ سانتی متر شماره ثبت «۳۲۷-۲/۲۱۷»

از این کتاب، نسخه دیگری به شماره ثبت «۷۱۲/۲» در ۹۲ صفحه، ۱۹*۱۱ سانتی متر موجود است.

۲/ث: تصوف

- ترجمه عوارف المعارف

کمال زاده، تاریخ پایان نگارش نسخه ۹۰۵ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب.

۹۳۴ صفحه، ۲۱*۱۵ سانتی متر شماره ثبت: «۱۰-۲/۲۶۰»

- رساله الانسیه فی طریقه النقشبندیه

شیخ یعقوب الجرجی، تاریخ پایان نگارش نسخه ۹۹۳ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم محمد امین کاتب، مذهب.

ص: ۹۰

۶۸ صفحه، ۱۸ * ۱۰ سانتی متر شماره ثبت: «۳-۲ / ۲۶۰»

- سبحة الأبرار

عبدالرحمان جامی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۵۸ ه. ق، به خط نستعلیق، به قلم ابوالحمدی کندیباد. مذهب.

۱۹۴ صفحه، ۲۰ * ۱۳ سانتی متر شماره ثبت: «۲۳-۲ / ۲۶۰»

- مرآت الجمال

ادریس البدلسی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۲۵ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم مؤلف.

۲۱۸ صفحه، ۲۲ * ۱۵ سانتی متر شماره ثبت: «۵۲-۲ / ۲۶۰»

۳/ث: تاریخ و آثار

- تاریخ سلاطین گجرات

محمود شاهی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۸۶ ه. ق. به خط نسخ.

۶۳۲ صفحه، ۲۰ * ۱۲ سانتی متر شماره ثبت: «۵۳۹-۲ / ۹۰۰»

- تاریخ الوصاف

عبدالله بن فضل الله شیرازی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۸ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب.

۶۷۸ صفحه، ۲۴ * ۱۷ سانتی متر شماره ثبت: «۵۲۰-۲ / ۹۰۰»

- تحفة الملوك

مؤلف:؟، تاریخ پایان نگارش نسخه، قرن دهم هجری قمری، به خط نستعلیق، به قلم خطاط بزرگ و شهیر ایران، میر عماد الحسینی.

۱۴ صفحه، ۲۴ * ۱۴ سانتی متر شماره ثبت: «۵۳۶-۲ / ۹۰۰»

- تذکره شعراء فرس

ابن اسماعیل الحسینی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۸۷ ه. ق. به خط نستعلیق.

۲۳۲ صفحه، ۱۸ * ۱۱ سانتی متر شماره ثبت: «۵۴۴-۲ / ۹۰۰»

- تذکره الشعراء و أحوال العرب و العجم

میر دولتشاه بن علاء الدین غازی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۱ ه. ق. به خط نستعلیق،

ص: ۹۱

به قلم محمد صالح، مذهب.

۴۷۰ صفحه، ۲۵*۱۶ سانتی متر شماره ثبت: «۵۱۷-۲/۹۰۰»

- تیمورنامه

هاتفی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۰ ه. ق. به خط نستعلیق.

۲۲۸ صفحه، ۲۴*۱۶ سانتی متر شماره ثبت: «۵۲۵-۲/۹۰۰»

- رساله العدلیه

خواجه بن نعمت الله هروی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۵۰ ه. ق. به خط نسخ.

۶۶ صفحه، ۲۰*۱۲ سانتی متر شماره ثبت: «۵۵۲-۲/۹۰۰»

- فتوح الحرمین الشریفین

محمی الدین شاعر قسطنطینی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۶۱ ه. ق. به خط نستعلیق، با صفحات مذهب و منقوش.

۱۰۴ صفحه، ۲۴*۱۵ سانتی متر شماره ثبت: «۵۷۴-۲/۹۰۰»

- فضائل الشام

مؤلف:؟، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۹ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم محمد امین الحسینی.

۱۰۲ صفحه، ۱۸*۱۱ سانتی متر شماره ثبت: «۵۷۱-۲/۹۰۰»

- مطلع السعدین

کمال الدین عبدالرزاق، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۱۱ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب.

۵۳۰ صفحه، ۳۳*۲۳ سانتی متر شماره ثبت: «۵۸۵-۲/۹۰۰»

- المعجم فی آثار ملوک العجم

فضل الله بن عبدالله، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۱۲۵۳ ه. ق. به خط نستعلیق.

۲۳۴ صفحه، ۳۰*۲۰ سانتی متر شماره ثبت: «۵۸۳-۲/۹۰۰»

۴/ث: ادب:

- بوستان

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۶ ه. ق. به خط نستعلیق

ص: ۹۲

بسیار پخته. به قلم کمال‌الدین حسینی، با صفحات تذهیب شده.

۴۵۰ صفحه، ۲۴*۱۶ سانتی‌متر شماره ثبت: «۴۵-۴/۱۹۰»

- تجنیات کاتبی

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۵۷ ه. ق. به خط نستعلیق به قلم علی شروانی، مذهب.

۱۱۲ صفحه، ۱۸*۱۱ سانتی‌متر شماره ثبت: «۶۲-۴/۱۹۰»

- تحفه الأحرار

عبدالرحمان جامی، پایان تاریخ نگارش نسخه، ۹۱۷ ه. ق. به خط فارسی بسیار نفیس، به قلم شمس‌الدین کرمانی، مذهب به نقوش

هندسی بسیار زیبا.

۲۲۰ صفحه، ۲۲*۱۳ سانتی‌متر شماره ثبت: «۵۰-۴/۱۹۰»

- تحفه الأحرار

عبدالرحمان جامی، پایان تاریخ نگارش نسخه، ۹۴۴ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم جلال هروی، با صفحات مذهب و مزین به نقوش

بسیار زیبا.

۲۳*۱۴ سانتی‌متر شماره ثبت: «۵۶-۴/۱۹۰»

- حدائق السحر

رشیدالدین الوطواط، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۵ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب.

۱۶۰ صفحه، ۱۸*۱۱ سانتی‌متر شماره ثبت: «۶-۳/۱۹۰»

- دیوان اشعار سعدی

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۷ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم مرشد عطار.

۳۰۰ صفحه، ۱۶*۱۱ سانتی‌متر شماره ثبت: «۹۵-۴/۱۹۰» گ

- دیوان انوری

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۳ ه. ق. به خط نستعلیق بسیار پخته، با صفحات منقش و مزین به زیباترین نقوش مذهب.

۴۹۲ صفحه، ۲۲*۱۳ سانتی‌متر شماره ثبت: «۳۸-۴/۱۹۰»

- دیوان جلال‌الدین مولوی

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۷ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب.

ص: ۹۳

۲۴۴ صفحه، ۲۴*۱۷ سانتی متر شماره ثبت: «۶۵-۴/۸۹۰»

- دیوان السقاء

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۲ ه. ق. به خط نستعلیق به قلم مائیخان، مذهب.

۳۶۶ صفحه، ۲۲*۱۵ سانتی متر شماره ثبت: «۹۷-۴/۸۹۰»

- دیوان سلمی

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۱۷ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم مظفر، مذهب.

۱۲۰ صفحه، ۱۸*۱۱ سانتی متر شماره ثبت: «۹۶-۴/۸۹۰»

- دیوان سلیم

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۱ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم درویش همت، مذهب.

۴۸۰ صفحه، ۲۴*۱۲ سانتی متر شماره ثبت: «۱۰۰-۴/۸۹۰»

- دیوان شهاب‌الدین هاتفی

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۹۹ ه. ق. به خط نستعلیق، بسیار پخته، به قلم محمود الحسینی، مذهب.

۱۶۲ صفحه، ۲۴*۱۶ سانتی متر شماره ثبت: «۱۰۵-۴/۸۹۰»

- دیوان لسانی

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۲ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب و منقش به نقوش هندسی ملون.

۳۱۲ صفحه، ۱۷*۱۱ سانتی متر شماره ثبت: «۲۰۳-۴/۸۹۰»

- روش نامه

عبدالواحد، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۵ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب.

۴۰ صفحه، ۲۳*۱۶ سانتی متر شماره ثبت: «۹۰-۴/۸۹۰»

- روضه الأنوار

خواجه کرمانی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۵۳ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب.

۷۸ صفحه، ۲۱*۱۳ سانتی متر شماره ثبت: «۵۵۲-۸۰» ضمن مجموعه، رساله ۲

- سبحة الأبرار

عبدالرحمان جامی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۷ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم بابا

ص: ۹۴

شاه اصفهانی.

۴۰۰ ضمن مجموعه، ۱۹* ۱۳ سانتی متر شماره ثبت: «۹۴-۴/۸۹۰»

- روضه المحیین

شیخ الامام ابن عماد، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۵۳ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم بنده محمد، مذهب.

۲۱۲ ضمن مجموعه، ۲۱* ۱۳ سانتی متر شماره ثبت: «۸۵-۴/۸۹۰»

- روضه المحیین

امام محمد ابن عماد، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۵۳ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم محمد امین کاتب ابن ابراهیم هروی.

۷۸ صفحه، ۲۱* ۱۳ سانتی متر شماره ثبت: «۵۵۲-۸۰» ضمن مجموعه رساله ۱

- مجموعه آثار منظوم و منثور عبدالرحمان جامی

رساله اول: سلسله الذهب

رساله دوم: سبحة الأبرار

رساله سوم: تحفة الأحرار

رساله چهارم: یوسف و زلیخا

رساله پنجم: لیلی و مجنون

رساله ششم: سلامان و ايسال

رساله هفتم: خردنامه اسکندری

ص: ۹۵

رساله هشتم: قصائد فی مدح الرسول و صحابه الكرام

رساله نهم: بهارستان

رساله دهم: منشآت

رساله یازدهم: معمای کبیر

رساله دوازدهم: معمای متوسط

رساله سیزدهم: معمای صغیر

رساله چهاردهم: معمای اصغر

رساله پانزدهم: فی العروض

رساله شانزدهم: فی القافیة

رساله هفدهم: فی الموسيقى

تاریخ مکتوب بر نسخه: ۹۸۳ ه. ق. به خط مؤلف

*۳۱ ۲۱ سانتی متر شماره ثبت: «۸۰ / ۵۵۹»

- مجموعه مؤلفات عبدالرحمان جامی

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۸۳ ه. ق. به خط نستعلیق، با صفحه‌پردازی‌های بسیار زیبا و مذهب.

۱۰۵۰ صفحه، *۳۱ ۲۱ سانتی متر شماره ثبت: «۱۵۱- / ۴- ۸۹۰»

- مناجات

خواجه عبدالله انصاری، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۶۹ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم امام خطاطان زمان، محمود شهابی.

۲۴ صفحه، *۲۳ ۱۵ سانتی متر شماره ثبت: «۲۱۷ / ۲- ۳۲۵»

- منظومه

تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۸۲ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم سلطان محمد هروی، مذهب به نقوش زیبا.

۲۰ صفحه، *۲۴ ۱۷ سانتی متر شماره ثبت: «۱۵۷- / ۴- ۸۹۰»

- نسیم الربیع

مؤلف مجهول، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۱۷ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم شفیعی

ص: ۹۶

شریف، مذهب.

۶۶۰ صفحه، ۲۳* ۱۷ سانتی متر شماره ثبت: «۲۶-۴/۸۹۰»

- هفت اورنگ

عبدالرحمان جامی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۰۹ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم نصرالله کاتب، مذهب.

۶۴۴ صفحه، ۲۶* ۱۵ سانتی متر شماره ثبت: «۱۹۶-۴/۸۹۰»

- یوسف و زلیخا

طالعی بخاری، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۷۸ ه. ق. به خط نستعلیق، مذهب و مزین به نقوش بسیار زیبا.

۱۸۰ صفحه، ۱۹* ۱۱ سانتی متر شماره ثبت: «۲۰۲-۴/۸۹۰»

۵/ث: علوم غربیه

- غایه السرور (رساله‌ای در کیمیا)

ابن عبدالله قزوینی، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۴۰ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم عزیزالله عبدالله الحافظ القزوینی.

۲۱۶ صفحه، ۱۹* ۱۴ سانتی متر شماره ثبت: «۴-۲/۵۴۰»

- قیافتنامه (رساله در علم فراست)

مؤلف؟، تاریخ پایان نگارش نسخه، ۹۵۱ ه. ق. به خط نستعلیق، به قلم امام خطاطین میرعلی کاتب، با صفحات منقش به نقوش.

۱۶ صفحه، ۹ س، ۲۷* ۱۸ سانتی متر شماره ثبت: «۶۲۱/۸۰»

آتش افروزی متعصبانه عوام در مکه

(سال ۹۴۵ هجری)

رسول جعفریان

همزمان با رویارویی دولت عثمانی و صفوی که در جنگ چالدران (سال ۹۲۰) به اوج خود رسید، حجاج عجم که از ایران عازم حج می‌شدند، به‌طور خاص، و شیعیان به‌طور عام، هم در طول راه و هم در مکه و مدینه، با دشواری‌هایی روبه‌رو شدند. این زمان، به تدریج گروه‌هایی از رومیان یا به اصطلاح منابع عربی «اروام» در مکه و مدینه ساکن شدند و همراه گروه‌های متعصب موجود در این دو شهر، که شماری هم از عجم‌های ماوراءالنهری و طبعاً سنی بودند، با شیعیان، به خصوص شیعیان ایرانی برخورد می‌کردند. داستان شهادت شهید ثانی در سال ۹۶۵، نمونه‌ای روشن از آن برخوردهای خشن است که با مکه نیز ارتباط دارد. وی به رغم داشتن موضع اعتدالی و این که هرگز به ایران نیامد و حتی به استانبول هم رفت و آمد می‌کرد و در بعلبک هم رفتاری متعادل با گروه‌های مذهبی مختلف داشت، از سوی گروه‌های افراطی مورد اتهام قرار گرفت و به شهادت رسید و جسدش سوزانده شد! همچنین ملّا زین‌العابدین کاشانی، که نویسنده رساله «مفرّحَةُ الأَنَامِ فِي تَأْسِيسِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ» است، در سال ۱۰۴۱ در مسجد الحرام کشته شد. (۱)

۱- نک: حدیقه‌الشیعه، عبدالحی رضوی، نسخه ۱۱۲۴، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، برگ ۴۹؛ ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۳۹۹

ص: ۹۸

در سال ۱۰۸۱، روز جمعه، پانزدهم ماه رمضان، در حالی که خطیب جمعه مشغول خواندن خطبه بود، عجمی با شمشیری به وی حمله‌ور شد در حالی که فریاد می‌زد: «انا المهدی»، اطرافیان جلوی او را گرفتند و وی را حبس کردند. پس از نماز به سراغش آمده، او را کشان کشان به طرف معلات بردند و در نزدیک برکهٔ مصری، با آتش سوزاندند. عصامی با ذکر این حادثه می‌نویسد:

«و هذا أمر عظیم تُحار فيه الأفكار، کون المسلم یهان هذه الإهانة، و یقتل بغير موجب، ثم یحزک بالنار، نعوذ بالله من مکر الله». (۱) در سال ۱۰۸۸ باز هم وقایعی در مکه رخ داد که تعدادی از حجاج شیعه کشته یا سنگسار شدند و اساس آن هم، به گفته عصامی، که خود معاصر و حاضر در مکه بوده، بی اساس و ناشی از یک توطئه یا توهم بود. (۲) اما اکنون، مورد دیگری از قتل یک روحانی شیعه استرآبادی، در سال ۹۴۵ ق. داریم که منبعی کهن و معاصر، خبر آن را ضبط کرده است. این زمان سلطان عثمانی، سلطان سلیمان فرزند سلطان سلیم (م ۹۲۶) بود که از سال ۹۲۶ تا ۹۷۴ سلطنت کرد. همین زمان، شاه طهماسب در ایران سلطنت می‌کرد و سلطنتش از سال ۹۳۰ تا ۹۸۴ به درازا کشید.

منبع خبر مورد نظر ما، کتاب «نیل المنی بذیل بلوغ القرى لتکملة اتحاف الوری» از جارالله بن العز بن النجم بن فهد المکی (۳)، یک اثر تاریخی است که رویدادهای شهر مکه را از ذی‌حجه سال ۹۲۳ تا جمادی الآخر ۹۴۶ ثبت کرده است. (۴) همان‌گونه که از نام کتاب پیداست، این اثر ذیل کتاب «بلوغ القرى بذیل اتحاف الوری بأخبار امّ القرى» (نوشته العز بن فهد- م ۹۲۲) است که آن کتاب، خود تکمله‌ای بر کتاب معروف «اتحاف الوری بأخبار امّ القرى»، (از نجم الدین عمر بن محمد بن فهد مکی هاشمی- م ۸۸۵) است.

متأسفانه در دیگر تواریخ این دوره مکه، از جمله «الاعلام بأعلام بیت الله الحرام» (از قطب الدین نهروالی م. ۹۹۰، چاپ قاهره، ۲۰۰۴) خبر آن نیامده است. چنان که در منائح الکرّم (نک: ج ۳، ص ۲۶۶؛ چاپ مکه، ۱۴۱۹) نیز ذیل وقایع سال یاد شده، این خبر گزارش نشده است.

واقعه مورد نظر، در سال ۹۴۵ رخ داد و این زمان، امیر مکه، محمد ابونمی فرزند برکات

۱- سمط النجوم، ج ۴، ص ۵۱۷ و نک: منائح الکرّم، ج ۴، ص ۳۰۲؛ خلاصه الکلام، ص ۸۴

۲- سمط النجوم، ج ۴، ص ۵۲۹؛ و نک: خلاصه الکلام، ص ۹۷

۳- لندن، مؤسسه الفرقان، تحقیق محمد الحیب الهیله، ۱۴۲۰

۴- روی جلد کتاب به اشتباه سال ۹۲۲ ضبط شده که با توجه به مطالب آغاز کتاب، همان سال ۹۲۳ درست است.

ص: ۹۹

بود. برکات در سال ۹۳۲ در گذشت و حکومت این شهر به ابونمی دوم، یکی از مشهورترین امرای مکه، که زمان امارتش هم بسیار طولانی بود، رسید. وی در محرم سال ۹۹۲ ق.

در گذشت و آن زمان، فرزندش حسن عهده‌دار امارت این شهر شد. بنابراین، واقعه یاد شده در دوره ابونمی دوم رخ داده است. خیر کشته شدن حسین استرآبادی به این شرح در «نیل المنی» نقل شده است:

در مغرب شب یکشنبه، ۱۸ شوال (۹۴۵)، گروهی از عجم‌ها در مدرسه کلبرجیه که در کنار باب الصفا- یکی از درهای مسجد الحرام- بود، از قبیل ملا عارف و شیخ ابوالمعین سمرقندی با شخصی که به او حسین استرآبادی گفته می‌شد، در باره آیه **إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ** گفتگو می‌کردند. گفتند (تعبیر: فقالوا. شاید: قال، یعنی او گفت:) این آیه در شأن عمر بن خطاب نازل شده است و بُغضش را نسبت به صدیق (یعنی ابوبکر) آشکار کرده و این که ائمه مذاهب اربعه به خاطر اختلاف در فروع، گمراه هستند و این که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: امت به ۷۳ فرقه تقسیم شده و یکی تنها نجات یافته است و آن گروه ناجیه، همانا شیعه است.

در این وقت بسیاری از عجم‌ها سخن او را انکار کرده، وی را برداشته به منزل قاضی رومی افندی، مصلح الدین مصطفی حنفی بردند و مطالب او را در آنجا مطرح کردند. او سخن اوّلش را انکار کرد و گفت: من گفتم که آیه **عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُمْ...** (۱)

یعنی با زنان در امر روزه، این در باره عمر نازل شده است. ده نفر از آنان شهادت دادند که سخن اوّل را گفت و او هم اعتراف کرد. قاضی از او پرسید: آیا تو دیوانه هستی؟ وی پاسخ گفت: نه. این مذهب من و مذهب شیعه است. قاضی دستور داد او را زندانی کنند. آنگاه از فرمانده محمدبن عقبه، نایب حاکم مرشد حسنی خواست تا وی را به زندان ببرد. در این وقت، صدای عجم‌های حاضر و رومی‌ها و برخی از اهل مکه بلند شده، خطاب به قاضی گفتند: تو می‌خواهی از او رشوه گرفته، مانند رافضی اوّل، رها سازی؟! در این وقت داد و فریاد، در باب قاضی در مدرسه عینیه که در قدیم به مدرسه مجاهدیه مشهور بود، چسبیده به مسجد، در وقت نماز مغرب بالا گرفت. فرمانده محمدبن عقبه خواست او را از باب [خانه] قاضی ببرد که مردم او را به سنگباران تهدید کردند. وی از ترس او را رها کرد و با رفتن به مسجد الحرام خود را نجات داد. در این وقت یکی از رومیان جلو آمده، با

ص: ۱۰۰

خنجری به گردن آن مرد عجمی زد. دیگری کاردی به او زد و آن مرد روی زمین افتاد. در این وقت، حاضرین او را، که نزدیک باب قاضی بود، سنگسار کردند. قاضی هم در خانه‌اش را بست تا خود را از دست آنان نجات دهد. سپس مردم، مقتول را آتش زده او را سوزاندند. آتش، تا پاسی از شب گذشته، شعله‌ور بود. وقتی مردم رفتند و آرام شد.

گفته شده که قاضی مالکیه، تاجی بن یعقوب مفصول- معزول- به فرمانده دستور داد تا مقتول را برداشته، کفن کرده، در قبرستان شیبکه دفن کند. او هم آتش را خاموش کرده، او را به شیبکه برد و دفن کرد. عاقلان کار وی را ستایش کرده، اقدام عامه را در این که در کنار خانه قاضی این چنین تجزی کردند، انکار کردند. خداوند متعال احوال را اصلاح گرداند و عاقبت به خیر کند! از این مقتول، یک بچه و یک کنیز (مادر آن بچه) باقی ماند. گفته می‌شد که همراه او جماعتی از شیعه بودند که روز عید همراه اهل سنت حاضر نشدند بلکه روز بعد آمدند و نماز عید را در معلات خواندند. (۱) در شرح این متن، لازم است نکاتی را توضیح دهیم:

۱. متأسفانه این خیر در منابع شیعه؛ اعم از تواریخ یا کتب شرح حال نیامده است تا اطلاعاتی در باره حسین استرآبادی به دست آوریم. در باره استرآباد- گرگان فعلی- می‌دانیم که از شهرهای کهن ایران، و مرکزی برای شیعیان بوده است. این شهر تقریباً از قرن هفتم به این سو، یکسره شیعی امامی بوده و بسیاری از علمای برجسته شیعه از این قرن تا زمان صفویه، استرآبادی بودند. در این باره شرحی مفصل در کتاب تاریخ تشیع در جرجان و استرآباد (۲) آورده‌ایم.

از تواریخ دوره صفوی چنین به دست می‌آید که شیعیان این شهر، کمک زیادی به روی کار آمدن صفویه کرده و به خصوص در تشیع خویش، بسیار صریح و تند بودند. در حاشیه همان کتاب نیل المنی، به نقل از قطب الدین نهروالی آمده است که وی در حاشیه نیل المنی به جای «حسین استرآبادی» «ملاحسین رافضی» نوشته است. اما این نام هم چیزی را در باره مقتول روشن نمی‌کند. گویا نهروالی، برای این قسمت، عنوانی انتخاب کرده و کنار صفحه نوشته، نه آن که اطلاع خاصی از استرآبادی داشته است. آنچه هست این که این شخص باید

۱- نیل المنی، ج ۲، صص ۷۶۶-۷۶۳

۲- مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴

ص: ۱۰۱

یک نفر عالم دین باشد که اهل بحث و جدل بوده و مانند بسیاری از موارد که از دیرزمان تا به امروز شاهدش بوده‌ایم، به بحث و گفتگوی مذهبی با مخالفان پرداخته است.

۲. در تمام این سال‌ها، همواره شیعیانی از ایرانی‌ها در حرمین زندگی می‌کردند و به رغم این فشارها، رفت و آمد به این شهرها، هم برای انجام فریضه حج و هم بهره‌های علمی، ادامه داشت. به خصوص استرآبادی‌ها در دوره صفوی، شمارشان در حرمین اندک نبود و برخی مانند میرزا محمد امین استرآبادی بخش مهمی از حیات علمی‌اش را در آن نواحی سپری کرد.

البته شمار شیعیان در مدینه بیشتر بود و اقامت شیعیان هم در آن دیار بیشتر بود. به خصوص که شماری از سادات مدینه، رسماً شیعه اثناعشری بودند. در همین کتاب نیل المنی (۱/ ۲۳۱) اشاره به آن شده است که وقتی پولی از هند برای تقسیم رسید، میان فقهای مدینه و رافضه درگیری پیش آمد؛ زیرا وکیل بر آن بود تا پول را تنها میان سنیان تقسیم کند. در نهایت با فشاری که شیعیان آوردند، مقرّر شد تا هزار دینار آن به ایشان داده شود.

۳. در این متن از دو مدرسه در مکه یاد شده است؛ نخست مدرسه کلبرجیه و دوم مدرسه العینیه که سابقاً به آن مدرسه المجاهدیه گفته می‌شده است. تنها در یک جا (نیل المنی، ج ۲، ص ۵۷۴) از این مدرسه با عنوان «کَلْبَرَجِیَه» یاد شده است. مصحح در جایی (نیل المنی):

۷۳۵ / ۲) گفته است که نام این مدرسه در غایه المرام (۳/ ۱۴۷) الکبرقیه ضبط شده است. این مدرسه، محل فرود آمدن امین صرّه عثمانی؛ یعنی مسؤل توزیع سکه‌های طلای دولت عثمانی در مکه بوده و دست کم در چند مورد در همان منبع (۵۴۶، ۵۷۴، ۵۸۹، ۶۷۹) از این مطلب یاد شده است. مدرسه یاد شده در کنار باب الصفا بوده است. گفتنی است که مدرسه العینیه هم زمانی محل اقامت امین صرّه رومیه بوده و سکه‌ها در آنجا میان طبقات مختلف مردم و با نظارت قضات مکه، توزیع می‌شده است (نیل المنی، ج ۱، صص ۱۷۴، ۵۵۷).

در جای دیگری هم آمده است که مدرسه مجاهدیه، در رواق یمانی بوده است (همان، ج ۱، ص ۴۱۷). نایب جده هم که از طرف سلطان عثمانی نصب می‌شد، زمانی که به مکه می‌آمد، در همین مدرسه العینیه سکونت می‌گزید (همان، ج ۱، ص ۴۷۰).

۴. در نخستین عبارت آمده است که گروهی از «عجم»-ج: اعاجم- در مدرسه کلبرجیه با حسین استرآبادی بحث می‌کردند. باید توجه داشت که در این موارد، عجم- که فراوان در

ص: ۱۰۲

این کتاب به آن اشارت می‌رود- اشاره به ساکنان و یا طلاب سنی ماوراءالنهری از سمرقند و مناطق دیگری است که از دیر باز در مکه می‌زیستند و درس می‌خواندند. این جماعت، در ادوار مختلف از مناطق خود کوچ کرده برای حج به مکه می‌آمدند و همین‌جا می‌ماندند. این مهاجرت تا این اواخر که دولت روسیه در آن نواحی غلبه کرد ادامه داشت و از قدیم تاکنون، نسلی عظیم از این گروه، به صورت ساکنان اصلی مکه در آمده‌اند به طوری که قیافه‌های آنان نیز فراوان حکایت از این امر دارد. در اسناد عثمانی، همیشه از اعاجم که سهمی هم از بخشش‌ها به آنان داده می‌شد، یاد شده و مقصود همان سنیان بخارایی و ازبکی و سمرقندی بودند. در ماجرای مزبور، منهای این عجم‌ها، اروام یعنی رومی‌ها یا به عبارتی ترک‌های عثمانی هم بودند. به علاوه جماعتی از اهل مکه نیز دست داشتند. اینها مطالبی است که در اصل خبر به صراحت گزارش شده است.

۵. آیه مورد نظر که در خصوص قاضی ادعا شد که حسین استرآبادی گفته است که در شأن عمر نازل شده؛ یعنی إِنَّ اللَّهَ لَأَيُّبُ الْخَائِنِينَ در سوره انفال، آیه ۵۸ آمده و ضمن آیاتی است که مربوط به بنی قینقاع است. این طایفه پیمان شکن مورد خشم خدا و رسول صلی الله علیه و آله قرار گرفته و در سال دوم از هجرت از مدینه بیرون رانده شدند. در این آیه، با اشاره به نقض عهد آنان، ایشان متهم به خیانت شده و آمده است که خداوند خائنان را دوست ندارد.

در تفاسیر شیعه، شرحی از این مطلب و این که مربوط به آن حادثه است، مورد تصریح قرار گرفته است. تنها در تفسیر صافی به نقل از تفسیر قمی آمده است که این آیه در باره خیانت معاویه در حق علی بن ابی طالب است (تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۱۱). اما خبری دایر بر این که آیه در شأن عمر باشد، دیده نشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که این روحانی استرآبادی، چنین مطلبی را که در هیچ کتاب تفسیری شیعه نیامده، نگفته باشد. چنان که خودش هم انکار کرد. وی گفت که من گفتم آیه: عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ... بَاشِرُوهُنَّ در باره عمر است؛ و این مطلبی است که در تفسیر طبری معروف به جامع البیان (ج ۲، ص ۲۲۵) و منابع دیگر آمده است. به احتمال زیاد، خبر می‌تواند تحریف شده باشد و شهادت دهندگان هم که از همین بلواییان بودند، شهادتشان نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا به روشنی آنان مدعیانی متعصب بودند که اصرار بر کشتن این روحانی شیعه داشتند و سخنشان حجت نتواند بود.

ص: ۱۰۳

۶. قاضی حنفی مورد نظر، مصلح‌الدین مصطفی بن ادريس رومی است. اولاً باید توجه داشت که این زمان، قاضی اصلی مکه، حنفی بود و البته از مذاهب دیگر هم قاضیانی در مکه بودند. تا پیش از او قاضی القضاة مکه از شافعیان انتخاب می‌شد که ادامه سنتی از دوران ممالیک بود. اما نخستین قاضی حنفی که قاضی القضاة شد، همین مصلح‌الدین مصطفی بود.

علی بن عبدالقادر طبری (م ۱۰۷۰) نوشته است که با ورود قاضی مصلح‌الدین (در منبع به اشتباه: مصدر الدین!) در سال ۹۴۳ بود که افندی اعظم، از سوی روم می‌آمد و از آنجا حکم می‌گرفت. (الارج المسکی فی التاریخ المکی - مکه، ۱۴۱۶ - ص ۱۹۰) به هر روی، این مصلح‌الدین مصطفی در ذی‌قعدة سال ۹۴۳ همراه با حجاج شامی وارد مکه شد در حالی که پیش از آن قاضی حلب بود. صاحب نیل المنی (ج ۲، ص ۶۷۹) نوشته است که وی در مدرسه جمالیه در نزدیکی باب الحزوره در منزل دامادش مولانا ابوالقاسم بن الغباری رومی سکونت کرد و همه قضاة به جز کسانی که از خدمت منفصل شده بودند، برای تبریک و سلام نزد وی آمدند. در همین کتاب، اخبار فراوانی از وی در صفحات مختلف درج شده است که می‌توان ذیل صفحاتی که در پس نام وی در فهرست اعلام آمده (نیل المنی، ج ۲، ص ۸۷۱) موارد مزبور را ملاحظه کرد. وی پس از شروع به کار قضاوت در مدرسه العینیه که سابقاً به مدرسه المجاهدیه شهرت داشت، سکونت کرد (نیل المنی، ج ۲، ص ۶۹۱).

۷. نکته‌ای که در خبر بالا در باره اتهام عامه مردم بر ضد قاضی آمده که او بنا دارد از این متهم هم رشوه گرفته و مانند رافضی اول او را رها سازد، مربوط به خبر دیگری است که روز چهارشنبه، ششم جمادی الاولی سال ۱۵۳۸ / ۹۴۵ م رخ داد. در این روز، در حضور قاضی مصلح‌الدین مصطفی، در باره یک فرد شامی به نام حسن بندره ادعا شد که شیخین را سب کرده است. اما او انکار کرد. شهود نزد قاضی آمدند اما در ادای کلمات شهادت با یکدیگر

ص: ۱۰۴

اختلاف کردند. برخی گفتند که او ادعا کرده است که جبرئیل در نزول وحی بر محمد صلی الله علیه و آله اشتباه کرده و وحی مربوط به علی علیه السلام بوده است که همان مذهب غرایه می‌شود... آنان گفتند که سب شیخین سب کفر است و ندیده‌اند که تصریح به امکان توبه یا توبه دادن او شده باشد. قاضی، برخلاف آنان گفت که تعزیر شده و توبه داده می‌شود. و این [قول] روایت شده است. اما علمای هم مذهب او با وی موافقت نکردند و در این باره سخن مردم در کار او بالا گرفت. در ظهر روز جمعه، هشتم ماه مزبور، قاضی دستور داد تا سر او را برهنه کرده و او را در مسعی گردش داده اعلام کردند: «این پاداش کسی است که شیخین را سب کرده است». حامیان او هم از منزل قاضی به سمت مروه هجوم آورده، او را بازگردانده و آزادش کردند. سخن در این باره بالا گرفت و الأمر الی الله تعالی. (۱) گویا این قصه سب این ذهنیت برای مردم متعصب شده است که قاضی طرف آن شخص را گرفته و بسا با گرفتن رشوه، برخوردی مسامحه آمیز - البته از نگاه افراطی‌ها - با او داشته است. همین ذهنیت سب شده است تا در ماجرای حسین استرآبادی، مردم خود وارد میدان شده و با کنار گذاشتن قاضی، متهم را کشتند و آتش زدند.

۸. قاضی معزول مالکی که واسطه برای کفن و دفن مقتول شده و از او با عنوان تاجی بن یعقوب یاد شده، در اصل زمانی قاضی مالکی مکه بود. نام وی تاج الدین بن نجم الدین بن یعقوب مالکی است که در شوال سال ۹۳۵ با آمدن قاضی مالکی جدید، ابوالقاسم انصاری معزول گردید. (۲) در نیل المنی، ذیل رویدادهای ربیع الاول سال ۹۲۴ خبر ازدواج وی با سیده قریش دختر قاضی القضاة حنبلی درج شده است. (۳) اخبار دیگری هم از نقش وی در رویدادهای مکه در همان کتاب آمده است که با مراجعه به فهرست اعلام، ذیل نام تاج الدین بن نجم الدین بن یعقوب مالکی می‌توان موارد آن را یافت.

۹. اما در باره این که اینان جماعتی شیعه بوده‌اند که روز عید همراه سنیان در منا حاضر نشده‌اند، این مسأله به اختلاف در رؤیت هلال باز می‌گردد. مسأله‌ای که در دوره یاد شده تا چندین قرن، مسأله‌ای مهم در اختلاف میان شیعیان و سنیان در حج‌گزاری بود. البته در این باره میان سنیان نیز اختلافاتی رخ می‌داد که اندک بود. به نظر می‌رسد در سال یاد شده، شیعیان نتوانسته‌اند رؤیت هلال توسط سنیان را بپذیرند و در نتیجه یک روز دیرتر ماه ذی حجه را

۱- نیل المنی، ج ۲، ص ۷۵۵

۲- نیل المنی، ج ۱، صص ۴۶۴ و ۴۶۸

۳- نیل المنی، ج ۱، ص ۵۶

ص: ۱۰۵

آغاز کرده و در نتیجه برای آنان دهم ذی‌حجه که عید قربان بوده، یک روز پس از عید سنیان بوده است. این که در پایان خبر قید شده است که آنان نماز عید را در معلات خواندند، می‌تواند ناشی از ترس آنان برای ماندن در منا و یا اقامه نماز پس از قربانی در منا و بازگشت از آنجا به سوی مکه باشد.

۱۰. این خبر نشان می‌دهد که افراد متعصب، تا چه اندازه جری بوده و رفتار نامعقول داشته‌اند. این در حالی است که قاضی حنفی برخوردار عاقلانه داشته و تلاش کرده است تا زمینه را برای رفتاری مطابق فتاوی‌ای موجود داشته باشد. همان طور که صاحب نیل المنی در پایان خبر اشاره کرده، عقلاً نیز نه تنها از کار قاضی مالکی ستایش کردند، بلکه رفتار عوام متعصب را محکوم کردند. این قبیل رفتارها یکی از مشکلات همیشگی امت اسلامی در برافروختن آتش فتنه‌های فرقه‌ای بوده است. در مقدمه همین بحث هم دیدیم که عصامی هم از این گونه رفتارهای نابخردانه گلایه کرده است.

احمد سباعی در کتاب تاریخ مکه خود هم بارها از این گونه اعمال ابراز انزجار کرده و در قدح رفتارهای متعصبانه با شیعیان و نامعقول بودن آن برخوردها سخن گفته است. از زشتی‌های این رخداد، آتش زدن است که متأسفانه در مکه بی‌سابقه نبوده است. از مواردی که یافت شد مربوط به آتش زدن فردی است که مدعی شدند رومی بوده و می‌خواستند حجر الاسود را بشکنند. وی را از مسجد الحرام بیرون آوردند و آتش زدند. این واقعه در سال ۳۶۳ بوده است. (۱) همین منبع تأیید کرده است که یکی از همراهان همسر شاه طهماسب که در سال ۹۷۱ به سفر حج رفته بود، در مدینه سب شیخین کرد. او را نزد قاضی و شیخ الحرم آورده و آن دو دستور به قتل او دادند. آنان نیز او را کشته و کنار باب السلام آتش زدند. (۲). داستان گردن زدن ابوطالب یزدی در سال ۱۳۲۲ ش. به دست وهابیان عربستان آن هم به اتهام آن که قصد آلوده کردن کعبه را داشته، نشان از آن دارد که این ماجراها ادامه داشته است. در حالی که وی ناخواسته قی کرده بود، برای این که در مسجد نریزد، حوله احرام خود را جلوی دهان خود گرفته بود. اخیراً آقای قاضی عسکر کتابچه‌ای با نام شهید مروه درباره وی منتشر کرد که در سال ۱۳۸۵ توسط نشر مشعر چاپ شده است.

۱- در الفرائد المنظمه: ج ۱، ص ۳۳۱

۲- در الفرائد المنظمه، ج ۲، ص ۴۹۲

ص: ۱۰۶

این حادثه بلکه حوادث از آن روی مرور شد که درسی باشد برای مبارزه با تعصبات مذهبی. عبرتی باشد برای کسانی که به آتش این اختلافات دامن می‌زنند و سبب ریختن خون بیگناهان به دست مشت‌های عوام و جاهل می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

ص: ۱۰۷

اماکن و آثار

ص: ۱۰۸

پرده کعبه در گذر زمان

نفیسه طه‌وری

مقدمه

هیچ مکانی در دنیا، مانند کعبه، این چنین مورد توجه، علاقه، احترام و تکریم قرار نگرفته است. مسلمانان در جای جای جهان، روزی پنج مرتبه رو به کعبه، این مکان مقدس نماز می‌گذارند، سر تعظیم خم کرده، پیشانی بر خاک می‌نهند و تمام آرزویشان این است که برای مراسم حج و عمره، به دیدار کعبه روند و خدا را عبادت کنند.

خداوند بلند مرتبه، در قرآن کریم می‌فرماید:

«ما کعبه را محل اجتماع و مکان امن قرار دادیم. سپس از مقام ابراهیم برای خود جایگاه نماز قرار دهید. به ابراهیم و اسماعیل سپردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان، معتکفان، راکعان و ساجدان پاکیزه دارند.» (۱) پیرامون کعبه همیشه پر است از کسانی که در برابر خداوند سر فرود آورده‌اند؛ آنان که عاجزانه به نیایش مشغول‌اند، واعظان و همه آن‌ها که به خلوت این مکان مقدس پناه برده‌اند. آنان را می‌بینی در هر ساعتی از شب یا روز، در فصل‌های پیاپی، همیشه تاریخ، تا قیام قیامت. به سبب مقام والای کعبه است که چنین در قلب انسان‌ها جای گرفته.

۱- بقره: ۱۲۵

ص: ۱۰۹

پیش از اسلام و پس از آن، همواره پادشاهان و شاهزادگان، به دنبال شهرت یافتن بر سر تهیه و مزین نمودن پرده خانه کعبه و پذیرایی از زائران رقابت می کردند. پرده خانه کعبه به صورت مکانیزه برای اولین بار در کارخانه‌ای در مکه تهیه شد. این پروژه با دستور ملک عبدالعزیز مبنی بر ساختن بنای کارخانه در نزدیکی مسجدالحرام آغاز شد.

کارخانه مراحل مختلف عمران و توسعه را پشت سر گذاشت تا تبدیل شود به اثری بدیع و برجسته در ارتقای فرهنگی و نمادی از خدمتگزاری در تجهیز مسجدالحرام و مسجدالنبی.

این امر موجب انتشار مجموعه‌ای شد که جزئیات کامل تاریخی و اهمیت کارخانه را از جهت اسلامی بررسی کند.

اهمیت تاریخی - مذهبی خانه کعبه:

خانه کعبه از دیرباز قبله مسلمانان از کشورها و نژادهای مختلف بوده است. آنان پنج بار در هر روز، به هنگام نماز، رو به سوی کعبه می ایستند و قلب و روحشان در آرزوی زیارت آن است. چه لذتی می برند زائران، هنگامی که برای به جا آوردن حج، به سوی این مکان‌های مقدس می روند. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است. در آن، آیات روشن و مقام ابراهیم است. هر کس وارد آن شود، در امان است.»

از زمانی که خداوند زمین و موجودات آن را آفرید، هیچ نقطه واحدی در جهان نبود که احترامی مانند کعبه داشته باشد.

زائران هنگام طواف خانه کعبه دعا می کنند و خداوند را حمد و سپاس می گویند.

قلب‌های همه مسلمانان در سراسر جهان، هنگام نماز، متوجه کعبه می گردد. این یگانه خانه عبادت در این نقطه پاک، از چنان حرمت والایی در قلب‌های مردم برخوردار است که هیچ نقطه دیگری در دنیا همانند آن یافت نمی شود. حتی مشرکین در دوره جاهلیت برای تقرب و عبادت، بت‌های خود را در کعبه می گذاشتند. هر کس که با مقاصد شوم به مسجدالحرام

ص: ۱۱۰

نزدیک شود، به راستی شکست خورده و رسوا می‌شود.

در کتاب‌های تاریخی، داستان‌ها و احادیث متفاوتی، در مورد ساختمان کعبه نقل شده است. تعداد زیادی از این احادیث که از صحابه و تابعین نقل شده، در مورد ساختمان بیت عتیق است. گروهی معتقدند که پیش از خلقت آدم علیه السلام به وسیله فرشتگان ساخته شده، گروهی دیگر عقیده دارند که حضرت آدم علیه السلام آن را ساخت، بعضی شیث پسر آدم را سازنده کعبه می‌دانند و عده‌ای می‌گویند که دو هزار سال پیش از خلقت زمین خداوند کعبه را بنا نهاد و سپس زمین زیر آن مستقر گردید. درباره صحت و سقم این اخبار، در هیچ‌یک از منابع اسلامی مطلبی بیان نشده است. مهم این است که کعبه از زمانی که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، برپا بوده است. در کتاب‌های بخاری و مسلم (دو منبع از احادیث اهل سنت) از عبدالله بن عباس نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه فرمودند:

«از روزی که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، این مکان واجب الاحترام بود و تا روز قیامت با عنایت خدا همان‌گونه باقی خواهد ماند.»

اما به فرموده قرآن، حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل علیهما السلام بنای کعبه را پی‌ریزی کردند. این مطلب پیشینه ساختمان کعبه را ثابت می‌کند. حضرت اسماعیل علیه السلام در طول زندگی خود، با دقت و توجه تمام، از خانه کعبه محافظت نمود. پس از وی نگهداری کعبه به برادرش نبت و سپس به برادر دیگر او رسید و این افتخار بعدها نصیب پسر وی؛ از قبیله جرهم شد. رسیدگی به امور کعبه در این قبیله، همچنان ادامه یافت و پس از ترک خوردن دیوارهای کعبه، مرمت آن را به عهده گرفتند و نیز ارتفاع آن را افزایش دادند.

یکی از پادشاهان یمن که قصد تخریب خانه کعبه را داشت، به دست قریش شکست خورد. سپس یکی دیگر از پادشاهان یمن اقدام به تخریب آن کرد که قریش با آنان روبه‌رو شد و مهاجمان را شکست داد. برای سومین بار الحمیاری، پادشاه دیگر یمن سعی کرد کعبه را خراب کند و گنج‌های آن را برآید، اما تندباد شدیدی وی را متوقف کرد. او بعدها دچار بیماری صعب‌العلاجی شد و اطرافیان به او توصیه کردند که تسلیم شود و کعبه را محترم بشمرد و آن را طواف کند. موی سر خود را در آن‌جا تراشد و همه آثار فروتنی را نسبت به مسجدالحرام نشان دهد. پادشاه این توصیه را پذیرفت و شش روز در مکه ماند و با شکوه‌ترین

ص: ۱۱۱

پارچه را برای ساختن پرده خانه کعبه تقدیم کرد. برای همین، اعتقاد بر این است که الحمیاری نخستین کسی بود که خانه کعبه را با پارچه ملبّس کرد.

سال‌ها گذشت و قبایل در مکه به تجارت مشغول بودند و خرافات به طور گسترده ادامه می‌یافت. تلاش مؤمنان برای هدایت مردم به راه راست و ایمان حقیقی بی‌نتیجه بود. قبیله قریش به خارج مکه مهاجرت کرد و کنترل خود بر کعبه را از دست داد. تا این که فردی از قبیله قریش حکومت و اداره کعبه را به دست گرفت و توجه فراوانی به آن مبذول داشت. او شوون و تکالیف دینی جدیدی وضع کرد. او دارالندوه (تالار مناظره) را ساخت. پس از وی، اداره کعبه به پسرش عبدالدار واگذار شد و بعد از او، فرزندان عبد مناف در اداره کعبه شریک شدند.

حفاظت از کعبه، پرچم و دارالندوه به پسران عبدالدار و میزبانی، تهیه آذوقه و رهبری، به پسران عبدمناف رسید. چند سال قبل از بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله قریش خانه کعبه را که به وسیله آتش گسترده‌ای آسیب دیده بود، بازسازی کرد. قریش بر شرک خود و عرب بر جاهلیت خود باقی بود تا خداوند اراده کرد که نور اسلام بر انسانیت بتابد. از کعبه ندای یکتاپرستی برخیزد، بت‌پرستی از میان برود و کعبه قبله شود؛ مکانی که مردم از شرق و غرب هنگام نماز رو به سوی آن کنند.

کعبه در دوران حکومت‌های مختلف، چندین بار بازسازی شد. در سال ۱۰۴۰ ه. ق.

کعبه بعد از سیلابی شدید تخریب و سپس بازسازی شد. محوطه مسجدالحرام در گذر زمان توسعه یافت. بسیاری از روش‌های مدرن معماری در طرح توسعه به کار رفت. محل سعی میان صفا و مروه در ۱۳۷۵ ه. ق. مسطح و هموار شد. در توسعه یافتگی شهری، توجه زیادی به

ص: ۱۱۲

حفاظت از مسجدالحرام در برابر سیلاب‌هایی که از کوه‌های اطراف مکه سرازیر می‌شد و در گذشته به محوطه مسجد می‌ریخت مبذول گشت. معایب سقف کعبه مرمت و دیوارهای آن مستحکم شد. نگهداری از مسجدالحرام همچنان ادامه یافت، سرویس‌های نظافتی در خدمت پاکیزگی مسجداند و رواق‌ها کم‌نظیر و بی‌ماندند. در حال حاضر مسجدالحرام می‌تواند در یک زمان به راحتی پذیرای ۷۵۰ هزار (هفتصد و پنجاه هزار) نمازگزار باشد. کمیته‌های فنی پیوسته در حال بررسی ساختمان هستند تا هر نوع نقص یا آسیب را کشف کرده و در مورد راه‌هایی که راحتی زائران را فراهم کند گزارش‌هایی ارائه کنند.

پرده کعبه در گذر زمان

پرده کعبه، نشانه احترام، ارزش و اعتبار این خانه مقدس است. تاریخ پرده، بخشی از تاریخ کعبه به حساب می‌آید. در تاریخ آمده است که حضرت اسماعیل علیه السلام کعبه را جامه می‌پوشید. همچنین نوشته‌اند که عدنان بن عاد، جد بزرگ پیغمبر صلی الله علیه و آله نخستین کسی بود که کعبه را با پارچه پوشانید. پس از او افراد زیادی در پیش از اسلام، کعبه را پوشش دادند. آنان این امر را وظیفه‌ای دینی می‌دانستند.

هرکس که تمایل داشت خانه کعبه را ملبس کند، مجاز بود و می‌توانست به آزادی و در هر زمانی که می‌خواست این کار را انجام دهد.

جنس پرده از حصیر، پارچه یمنی راه‌راه، ابریشم، پارچه پنبه‌ای عراقی، شال‌های یمنی یا نوعی پارچه مصری بود. همه این منسوجات در دوره قبل از اسلام شناخته شده بودند. وقتی پرده‌ها روی هم قرار می‌گرفت و سنگین می‌شد، آنها را پاره می‌کردند و به مردم می‌دادند و یا دفن می‌کردند.

پرده کعبه در زمان پیامبر

پیش از فتح مکه، پیامبر صلی الله علیه و آله در پوشش کعبه شرکت نمی‌کرد؛ زیرا مشرکین به ایشان چنین اجازه‌ای را نمی‌دادند. اما پس از فتح مکه پیامبر صلی الله علیه و آله پرده سابق را حفظ کردند تا این که پرده به وسیله زنی که قصد داشت با بخور مشتعل آن را خوشبو کند آتش گرفت. در این زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه را با پارچه یمنی پوشاندند.

ص: ۱۱۳

پرده کعبه در زمان معاصر

در ۱۳۴۶ هجری قمری، دستور ساخت کارخانه‌ای برای بافت پرده کعبه صادر شد.

همه چیز در این رابطه مهیا گردید. کارخانه در اواسط همان سال افتتاح و نخستین پرده کعبه در مکه تولید شد. برای تکمیل کار و تهیه آن، در بهترین طرح ممکن، که در شأن قداست کعبه باشد، کارخانه در ۱۳۶۲ ه. ق. بازسازی شد. در ۱۳۹۷ ه. ق. ساختمان جدید در ام‌الجود در مکه افتتاح شد. این کارخانه مجهز به ماشین‌های مدرن برای تولید پارچه بود. در حالی که بخش دستی به خاطر ارزش بالای هنری به کار خود ادامه می‌داد. یک بخش اتوماتیک هم شروع به کار کرد. با این که هم‌اکنون کارخانه به پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها مجهز است، هنوز هم سنت هنر دستی را حفظ می‌کند. بنابراین، پرده در زیباترین طرح تولید می‌شود.

تشریح پرده کعبه

پرده کعبه از ابریشم خالص سیاه‌رنگ تهیه شده که بر روی آن این عبارات حک شده است: «لا- إله إلا الله، محمد رسول الله،

الرحمن الرحيم، جَلَّ جلاله»

(شکل شماره ۱)

ص: ۱۱۴

این پارچه ۱۴ متر ارتفاع دارد. در ۱۳ بالای آن ناحیه «کمربند» پرده وجود که ۹۵ سانتی‌متر عرض و ۴۵ متر طول دارد و شامل ۱۶ قسمت بوده و پرده را از هر طرف احاطه کرده است.

کمربند به صورت طرح برجسته دوخته شده و به وسیله نخ نقره با روکش طلا لعاب داده شده است. تعدادی از آیه‌های قرآن به روش خاصی از کتابت عربی بر روی آن خطاطی شده است.

در هر یک از ارکان کعبه، زیر کمربند، سوره اخلاص درون دایره‌ای نوشته و اطراف آن با تزئینات اسلامی احاطه شده است. در ارتفاع مشابه، در زیر کمربند، ۶ آیه از قرآن به چشم می‌خورد. هریک از این آیات در قاب جداگانه‌ای نوشته شده و در حد فاصل این قاب‌ها، طرح فانوس ماندی - شکل شماره ۸ - وجود دارد که هر کدام از این عبارات در آن نوشته شده است:

«یا حَیُّ یا قَیُّوْم»، «یا رَحْمَنُ یا رَحِیْم»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِین»

(شکل‌های ۸-۹-۱۰)

همه نقوشی که در زیر کمربند قرار دارد، به روش خاصی از نوشتار عربی خطاطی و به صورت طرح‌های برجسته، زردوزی گردیده که آن را با نخ نقره روکش شده با طلا به هم بافته‌اند. در هر ضلع کعبه آیاتی از قرآن نوشته شده است:

اول، ضلع ملترم:

که شامل الف: کمربند، ب: ناحیه زیر کمربند و ج: پرده مجاور در خانه کعبه است.

الف: کمربند

۱. به نام خداوند بخشنده مهربان، به یاد داشته باش که ما این خانه را محلّ تجمع و مکان امن قرار دادیم و

ص: ۱۱۵

مقام ابراهیم را مکانی برای نماز (۲۸۹ سانتی متر)

۲. و ما به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان، مجاوران، رکوع کنندگان و ساجدین،

پاک و پاکیزه کنند (۳۰۳ سانتی متر)

۳. و به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند و می‌گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر که تو

شنوا و دانایی (۳۱۴ سانتی متر)

۴. پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشند به وجود آور و آداب عبادت‌مان را به ما

بیاموز که تو توبه‌پذیر و مهربانی (۳۳۸ سانتی متر)

ب: ناحیه زیر کمر بند

این قسمت شامل بیانیه اهدا کننده، سوره اخلاص و سه طرح فانوس مانند است.

بیانیه اهدا کننده به این صورت آمده است: این پرده در مکه مکرمه تهیه شده و پیش کشی است به خانه کعبه (۴۹۰ سانتی متر)

ص: ۱۱۶

علاوه بر این، صورت اخلاص به ابعاد (۸۵*۸۲ سانتی‌متر) و سه طرح فانوس مانند نیز به صورت ذیل به چشم می‌خورد:

۱. الحمد لله رب العالمین (۷۲*۵۸ سانتی‌متر)

۲. یا حی یا قیوم (۴۶*۶۵ سانتی‌متر)

۳. یا رحمن یا رحیم (۴۶*۶۵ سانتی‌متر)

ج: پرده مجاور در کعبه، در قسمت «باب ملتزم» پرده در کعبه است. این پرده مزین، برای نخستین بار در سال ۸۱۰ ه. ق بر در کعبه نصب شد و تا کنون بر آن باقی است (البته به استثنای سالهای ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ ه. ق.).

پرده شامل پنج قسمت است که آن‌ها را به هم دوخته‌اند و مساحت هر قسمت ۲۰۸۶ متر مربع است. این قسمت مشابه سایر قسمت‌های پرده، از پارچه ابریشم سیاه‌رنگ تهیه شده است. بر روی آن تزیینات اسلامی به صورت طرح برجسته زردوزی و طراحی شده است که به وسیله نخ نقره با روکش طلا به هم بافته‌اند.

همچنین آیات قرآنی زیر، بر روی آن به چشم می‌خورد:

- سوره حمد بر سه طرف (پایین، چپ و راست) از لبه پرده نوشته شده است.

- در بالای پرده این آیه نوشته شده است: «نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان می‌بینم، اکنون روی تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی برمی‌گردانم».

- در زیر آن، این آیه آمده است: «برای آمرزش پروردگارتان و رسیدن به بهشتی که به وسعت آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده شده بر یکدیگر پیشی بگیرید».

- اندکی پایین‌تر ۴ طرح فانوس مانند شامل آیه *اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ* است که با نقوش اسلامی مزین شده.

در قسمت پایین‌تر، آیه‌الکرسی نوشته شده است تا جایی که می‌رسد به: *لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ تَقْرِيبًا* در وسط پرده آیه ۲۷ سوره فتح آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم خداوند رؤیای رسولش را به حقیقت رساند تا بنا بر اراده خدا همه شما در نهایت امنیت، تقصیر کرده و بدون هیچ ترسی به مسجدالحرام داخل شوید».

ص: ۱۱۸

سوره اخلاص در زیر همه این‌ها و درون دو دایره به همراه این آیات نوشته شده است:

«محمد، پیامبر خداست و کسانی که با او هستند، با کافران سخت گیر و با مؤمنان مهربان‌اند.»

و ما بین آن‌ها آمده است: «بگو ای بندگان من، که بر نفس خویش اسراف کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نباشید. خدا تمامی

گناهان شما را می‌بخشد که او آمرزنده مهربان است.»

پایین تر که می‌آییم می‌رسیم به: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ».

سپس در زیر آن، سوره قریش و در انتهای پرده، این عبارت دیده می‌شود:

«این پرده در مکه مکرمه تهیه شده و به‌عنوان هدیه به خانه کعبه پیش کش گردیده است.»

دوم: هجر اسماعیل

الف: کمر بند که خود شامل ۴ بخش است:

۱. حج در ماه‌های معینی است، هر کس در آن ماه‌ها خود را ملزم به انجام این فریضه کرد در اثنای حج از نزدیکی با زنان، فسق و

جدال خودداری کند (۳۲۳ سانتی متر)

شکل شماره ۱۲ ص ۲۷

۲. خداوند از کار خیری که انجام می‌دهید آگاه است، زاد و توشه تهیه کنید که بهترین توشه پرهیزکاری است و از من پروا کنید

ای خردمندان (۲۳۸ سانتی متر)

۳. خدا را به یاد داشته باشید آن‌چنان که شما را هدایت کرد اگرچه پیش از آن از گمراهان بودید. سپس از همان‌جا که مردم به

سمت منا کوچ می‌کنند کوچ کنید و از خدا آمرزش بطلبید که او آمرزنده مهربان است (۱۹۹ سانتی متر)

ص: ۱۱۹

۴. بر شما گناهی نیست که از فضل پروردگارتان در ایام حج برخوردار شوید. چون از عرفات بازگشتید در مشعرالحرام خدا را یاد کنید (۲۵۲ سانی متر)

ب: زیر کمر بند:

۱. بند گانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم (۲۴۰ سانی متر)

۲. خداوند می‌فرماید: «و هنگامی که بندگان از تو درباره من سؤال می‌کنند، بگو من نزدیکم و هر که مرا بخواند دعایش را اجابت می‌کنم (۲۴۳ سانی متر)

علاوه بر اینها، سوره اخلاص با ابعاد (۸۵*۸۲ سانی متر) و سه طرح فانوس مانند با این مضامین وجود دارد:

۱. الحمد لله رب العالمین (۷۲*۵۸ سانی متر)

۲. یا حی یا قیوم (۴۶*۶۵ سانی متر)

۳- یا رحمن یا رحیم (۶۵*۴۶ سانی متر)

ص: ۱۲۰

سوم: مستحار (میان رکن یمانی و حجر اسماعیل)

الف: کمر بند که مشتمل بر ۴ قسمت می‌باشد

۱. به خاطر بیاور زمانی را که مکان خانه کعبه را برای ابراهیم علیه السلام آماده ساختیم و به او گفتیم: چیزی را همتای من قرار مده،

خانه‌ام را برای طواف کنندگان، قیام کنندگان و سجده کنندگان، از هر گونه آلودگی پاک ساز (۳۲۸ سانتی متر)

۲. و مردم را به حج دعوت کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از راه‌های دور به سوی تو بیایند (۲۴۳ سانتی متر)

۳. که شاهد منافع گوناگون خویش باشند و نام خدا را هنگام ذبح بر چارپایانی که به آنان داده‌ایم ببرند. پس، از گوشت آن‌ها

بخورید و بینوایان فقیر را نیز اطعام کنید. (۳۳۷ سانتی متر)

۴- آن‌گاه آلودگی‌ها را از خود بزدايند و به نذر خود وفا کرده و بر گرد خانه کعبه طواف کنند (۳۰۴ سانتی متر)

ب: زیر کمر بند

۱. مؤمنان را بشارت ده که برای آن‌ها از سوی خدا فضل بزرگی است (۲۴۴ سانتی متر)

ص: ۱۲۱

۲. هر کدام از شما، از روی نادانی کار بدی انجام دهد سپس توبه نماید، مشمول رحمت خدا می‌شود؛ چرا که او آمرزنده مهربان است.

به علاوه، سوره اخلاص نیز به ابعاد ۸۵*۸۲ سانتی متر و سه طرح فانوس مانند در زیر آن دیده می‌شود که مشتمل بر این عبارات است:

۱. الحمد لله رب العالمین (* ۵۸ ۷۲ سانتی متر)

۲. یا حی یا قیوم (۴۶*۶۵)

۳. یا رحمن یا رحیم (۴۶*۶۵)

چهارم: حجرالاسود (مابین رکن یمانی و حجرالاسود)

الف: کمر بند که شامل ۴ قسمت به شرح زیر می‌باشد:

۱. بگو خدا راست گفته و از آیین ابراهیم علیه السلام پیروی کنید که او از مشرکان نبود.

(۲۵۴ سانتی متر)

۲. نخستین خانه‌ای که برای هدایت مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است. که پربرکت و مایه هدایت جهانیان

است (۲۶۷ سانتی متر).

۳. در آن نشانه‌های روشن؛ از جمله مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن شود در امان است (۲۰۳ سانتی متر).

ص: ۱۲۲

۴. حج این خانه برای خدا بر کسی واجب است که توانایی رفتن به سوی آن را دارد و هر کس کفر بورزد بداند که خدا از همه جهانیان بی‌نیاز است (۳۰۳ سانی متر)

ب: زیر کمر بند

۱. بزرگ داشتن شعائر الهی، به راستی از پرهیزکاری دل‌ها است (۲۴۲ سانی متر)

۲. و من هر که را که توبه کند، ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت شود می‌آموزم (۲۳۷ سانی متر)

همچنین سوره اخلاص به ابعاد ۸۵*۸۲ سانی متر و سه طرح فانوس مانند با محتوای زیر مشاهده می‌شود:

۱. الحمد لله رب العالمین ۷۲*۵۸ سانی متر

۲. یا حی یا قیوم (۴۶*۶۵)

۳. یا رحمن یا رحیم (۴۶*۶۵)

تصاویر ص ۳۴ کتاب؟؟؟

ص: ۱۲۳

مراحل تهیه پرده خانه کعبه

مرحله اول: رنگ آمیزی:

رنگ آمیزی، نخستین مرحله از مراحل تولید در کارخانه است.

در حوزه رنگرزی، بهترین نوع از ابریشم طبیعی جهان تأمین شده است. که در ابتدا به صورت کلاف‌های نخ خام و پوشانده شده با یک لایه صمغ است. وجود همین صمغ باعث می‌شود که ابریشم حالت زرد رنگی به خود بگیرد. کلاف‌های نخ حدود ۱۰۰ گرم وزن، ۳۰۰۰ متر طول و ۷۶ سانتی متر ارتفاع دارند. این نخ طبیعی، طی دو مرحله رنگ آمیزی می‌شود که عبارت‌اند از:

الف) برداشتن صمغ از روی ابریشم: این عمل در حوضچه‌های رنگرزی با دمای بالا- محتوی صابون روغن زیتون و بعضی مواد شیمیایی با ترکیبات قلیایی متوسط، انجام می‌گیرد.

کلاف‌ها برای مدت ۲ ساعت در دمای ۹۰ درجه سانتی‌گراد در این مواد غوطه‌ور می‌مانند سپس چندین بار آن‌ها را با آب شستشو می‌دهند.

ابریشم طبیعی بار دیگر رنگ سفید اولیه خود را باز می‌یابد و برای رنگ آماده می‌شود.

در این مرحله، ابریشم چیزی حدود ۲۷ تا ۳۰ درصد وزن خود را از دست می‌دهد.

ب: این مرحله نیز در حوضچه‌هایی با دمای بالا انجام می‌شود؛ جایی که رنگ‌های از پیش تعیین شده، با هم مخلوط شده‌اند. رنگ سیاه برای سطح خارجی پرده خانه کعبه و رنگ سبز برای سطح داخلی آن انتخاب شده است.

رنگ آمیزی برای مدت دو ساعت و در دمای ۹۰ درجه سانتی‌گراد در حوضچه‌ها انجام می‌گیرد، سپس کلاف‌ها چندین بار شستشو می‌شوند تا رنگ اضافه آن خارج شود.

سپس خشک شده و به حوزه مکانیزه تولید فرستاده می‌شوند.

روند کار رنگ آمیزی با وزن کردن نخ‌های لازم برای هر دستگاه ادامه می‌یابد. سپس مقدار رنگ متناسب با آن‌ها مهیا می‌شود. در این مرحله بعضی ترکیبات شیمیایی را که باعث تثبیت رنگ می‌شود، به آن می‌افزایند. این مواد رنگ پارچه را در مقابل تابش نور خورشید شستشو و سایش تثبیت می‌کند.

ابریشم به‌طور خودکار، به مدت ۲ ساعت پیاپی، در دستگاه می‌چرخد، بعد از آن، ابریشم چندین بار آبکشی و سپس خشک می‌شود. در این هنگام نخ‌ها به صورت کاملاً همگن

ص: ۱۲۴

و مانا در می‌آید و قابلیت آن را دارد که برای مدت یک‌سال در مقابل گرمای طاقت‌فرسای مکه و نیز فرسایش ناشی از دست کشیدن جمعیت طواف‌کننده دوام بیاورد.

مرحله دوم: نساجی

* مراحل بافندگی

الف: بافت مقدماتی: برای تبدیل کلاف ابریشم به دوک نخ، باید آن را بر روی دستگاه مخصوصی پهن کرد؛ به این صورت که نخ‌ها به حالت طولی، کنار هم، بر روی یک استوانه مرتب می‌شوند. این مرحله منجر به تولید «تار» در پارچه می‌شود. سپس انتهای نخ‌ها از شان‌های دستگاه بافندگی عبور داده می‌شود. این مرحله را مرحله اتصال می‌گویند نخ‌های عرضی (پود) به دور چرخ‌های خاصی که به آن ماسوره می‌گویند پیچیده می‌شود و درون ماکو ثابت می‌شود ماکو در میان نخ‌های طولی (تار) به حرکت درمی‌آید و از سویی به سوی دیگر می‌رود تا پارچه تولید شود. در گذشته این مراحل به صورت دستی انجام می‌گرفت، ولی اکنون، پس از پیشرفت متوالی در روش‌های تولید، بافت دستی جای خود را به بافت ماشینی داده است.

ب: بافت دستی: ارزش پارچه دست‌بافت در عرصه بین‌المللی کاملاً شناخته شده است.

با وجود پیشرفت‌های اخیر در صنعت بافت پارچه ماشینی، هنوز بسیاری در تولید پارچه دست‌بافت رقابت دارند.

در این کارخانه ارتباط نزدیکی میان قسمت دست‌بافت و ماشینی برای تولید پارچه مزین (سبز یا مشکی) وجود دارد. این کار با دقت فراوان و زحمت و صبر بسیار انجام می‌گیرد که نتیجه آن شاهکاری در هنر نساجی و مورد ستایش همگان است.

ج: بافت خودکار: کمیت دیگر در مورد رنگ‌آمیزی نخ، آماده کردن برای نساجی و عجين کردن آن با دستگاه‌های پیشرفته بافندگی است. پارچه منقوش در یک دستگاه الکترونیکی و پارچه ساده اولیه، در ماشین دیگری تولید می‌شده است. با افزایش تقاضا، طبیعی بود که مسئولان خود را در قبال عملکرد کارخانه مدیون بدانند، لذا به فکر دستگاه‌های خودکار و پیشرفته بافندگی افتادند. بنابراین، کارخانه به‌عنوان پیشتاز در عرصه پیشرفت بین‌المللی در زمینه علم و فن آوری، در جایگاه خاصی قرار گرفت.

ص: ۱۲۵

مرحله سوم: طراحی

طراحی هنرمندانه و خوشنویسی بر روی پرده ثابت نیست و از دوره‌ای به دوره دیگر، با جستجوهای پی‌درپی برای یافتن بهترین طرح در نوع خود، تغییراتی در آن ایجاد شده است.

طراح با مطالعه بر روی تزیینات و نقوش اسلامی و انعکاس ایده‌های خود بر طرح اولیه، تلاش می‌کند تا توانایی در خور توجه خود را به عرصه ظهور برساند و سرانجام بهترین نقوش در فضاهای از پیش تعیین شده طراحی می‌شود. پس از رنگ آمیزی و سایه روشن زدن، طرح‌ها که شامل تزیینات و نقوش است، روی پارچه چاپ می‌شود. طراحی نقوش بر پشت و روی پرده کاملاً مشابه یکدیگر است. طرح‌های ویژه بر روی الگوهای خاصی از کاغذ پیاده می‌شود و بر روی دستگاه بافندگی نصب می‌گردد. به این ترتیب الگوی لازم برای بالا و پایین رفتن نخ‌ها، تنظیم تزیینات و هماهنگی کلیشه‌ها به دستگاه داده می‌شود. نقوشی که می‌باید بر روی پارچه برگردانده شود، در حوزه چاپ (که در سال ۱۳۹۹ ه. ق تأسیس گردیده) کار انتقال آن انجام می‌گیرد.

روش جدیدی در چاپ، جایگزین روش قدیمی شده است که به صورت پاشیدن گرد و آغشتن آن بر نقوش حکاکی شده و سپس برگرداندن نقوش بر روی پارچه انجام می‌شود.

مرحله چهارم: چاپ

در بخش چاپ، ابتدا دستگاه بافندگی آماده به کار می‌شود، که شامل دو قسمت چوبی مشابه هم است. کمربند، پرده مجاور در کعبه و سایر تزیینات بر روی ابریشم سیاه‌رنگ چاپ شده است. کار چاپ توسط کلیشه‌های مخصوص انجام می‌گیرد. آماده کردن کلیشه‌ها نیازمند تلاش و مهارت فراوان است که در این مجمل نمی‌گنجد.

به‌طور کلی، کلیشه یا شاپلون نوعی قاب است که توسط نایلون یا پارچه ابریشم با منفذهای خاص کشیده می‌شود. برای تبدیل شاپلون به الگوهای چاپ، کلیه سوراخ‌ها به‌جز آن‌هایی که برای طرح آماده شده برای چاپ مورد نیاز است، باید مسدود شود. سپس نوعی ماده شیمیایی که در مقابل نور خاصیت جامد پیدا می‌کند، بر روی شاپلون پخش می‌شود. بنابر این، در تاریکی روی سطح پخش و سپس خشک می‌شود.

ص: ۱۲۶

طرح‌های مورد نظر به صورت سیاه‌رنگ روی پلاستیک شفاف چاپ می‌شود تا همانند نگاتیو عمل کند. این فیلم بر روی شاپلون طرح‌ریزی و عکس‌برداری می‌شود و چندین دقیقه در معرض نور قرار می‌گیرد. نور به تمام سطح فیلم به جز قسمت‌هایی که با رنگ سیاه پوشانده شده، نفوذ می‌کند. پس از عکس‌برداری و شستشو، ماده پخش شده از این قسمت‌ها جدا می‌شود و فقط در جاهایی که منفذ وجود دارد باقی می‌ماند. در این مرحله شاپلون به صورت الگوی طراحی شده برای چاپ نقوش روی پارچه آماده شده است.

در حوزه چاپ جوهرهای خاصی تهیه شده که به راحتی از منافذ روی شاپلون عبور می‌کند، لذا پس از مشخص شدن نخ‌ها و نقوش، چاپ به صورت دقیقی صورت می‌پذیرد.

توسعه حوزه چاپ:

حوزه چاپ کارخانه، کار تولید خود را در سال ۱۳۹۹ ه. ق آغاز کرد. تمامی دستگاه‌ها دستی و به صورت بومی شناخته شده بودند.

به دلیل کند بودن روند تولید و نیز همگام شدن با توسعه برنامه‌ها، تعدادی از تجهیزات به صورت زیر نوسازی شدند:

۱. دستگاه عکاسی خودکار (اتوماتیک) ۲. کوره خشک‌کننده شاپلون ۳. کوره خشک‌کننده نقوش برجسته.

۱. دستگاه عکاسی خودکار: ظهور فیلم‌های گرفته‌شده به وسیله دستگاه و انتقال آن روی ابریشم، ظرف مدت چند دقیقه صورت می‌گیرد. استفاده از این دستگاه چند مزیت دارد:

الف: با مکیدن هوا به صورت خودکار و کنترل‌شده اسلایدها روی ابریشم چاپ می‌شود.

ب: این دستگاه دارای قابلیت است که زمان عکاسی را به هنگام نیاز کنترل می‌کند تا چراغ‌ها به طور خودکار در پایان فرایند خاموش شوند.

ج: سرعت و راحتی عملکرد آن در مقایسه با دستگاه مشابه دستی قابل توجه است.

۲. کوره خشک‌کننده شاپلون: این قسمت جعبه نفوذناپذیر بزرگی است به همراه یک رسام که شاپلون را آماده می‌کند و نیز شامل

یک سیستم کنترل گر دما است که دمای مورد نیاز

ص: ۱۲۷

را در طول مدّت فرآیند خشک کردن فراهم می‌کند و در نهایت، بهترین نتیجه پس از پوشاندن شاپلون با رنگ حاصل می‌شود.

۳- کوره خشک‌کننده نقوش برجسته: این قسمت نوعی لایه ضخیم حصیرمانند است که حرکات مکانیکی متداومی دارد. در فاصله معینی از وسط لایه ضخیم هوای گرم با دمای کنترل‌شده به داخل پمپاژ می‌شود. نقوشی که احتیاج به خشک شدن دارند، در قسمت راست قرار داده می‌شوند؛ به طوری که با جریان هوای گرم که از راست به چپ در حرکت است در تماس باشد و در انتهای کار به صورت کاملاً خشک از بخش چپ بیرون می‌آیند.

مرحله پنجم: آراستن

پس از تولید پارچه و طراحی بر روی آن، به مهم‌ترین مرحله از منقوش کردن پرده خانه کعبه می‌رسیم که مرحله آراستن پارچه با نخ‌های طلا و نقره است.

این فرآیند منحصر به فرد، طبق مراحل زیر صورت می‌پذیرد:

۱. قرار دادن نخ‌ها با تراکم متفاوت در یک ریل.
۲. چاپ نقوش بر روی پارچه طراحی شده در کارگاه بافندگی.
۳. تنظیم کردن قاب نقوش برجسته بر روی سطح پارچه.

قاب‌هایی که با نخ زرد تزیین شده با نخ طلا مزین می‌شوند و قسمت‌هایی که با نخ سفید نقش داده شده‌اند با نخ نقره و با مهارت خاصی تزیین می‌شوند. سپس قاب‌های برجسته با نخ نقره خالص یا نقره روکش شده با طلا پوشانده می‌شوند. این قاب‌ها حدوداً به اندازه ۲ سانتی‌متر از سطح پارچه برجستگی دارند. همین امر باعث می‌شود کار اجرای آن با دستگاه بسیار مشکل باشد.

کار دستی به صورت مداوم و خستگی‌ناپذیر ادامه می‌یابد تا شاهکاری هنری را، که نشان‌دهنده دقت و کمال است، به ظهور برساند. بنابراین، پرده آماده می‌شود تا در نهم ذی‌الحجه روزی که زائران برای انجام مراسم در عرفات هستند، بر روی کعبه پوشانده شود.

سرانجام هنگامی که زائران از اعمال عرفات فارغ می‌شوند و به سوی مسجدالحرام سرازیر می‌شوند تا طواف نهایی اعمال حج را به جا آورند، کعبه را با پوششی مجلل‌تر و با شکوه‌تر از گذشته می‌بینند.

ص: ۱۲۸

مرحله ششم: آزمایشگاه

همه تلاش دست‌اندرکاران امر بر این است که تا حدّ اعلا- کیفیت تولید را ارتقا ببخشند. به این منظور، بخشی تحت عنوان آزمایشگاه کنترل کیفیت به‌وجود آمده که شامل ۳ قسمت است:

اول: ساختمان آزمایشگاه و تجهیز آن با تمامی امکانات و ملزومات.

دوم: تجهیز آن با تعدادی از سامان و ابزار آزمایشگاهی.

سوم: سفارش دادن آخرین گروه از وسایل مورد نیاز، که عبارت‌اند از:

۱. دستگاهی برای اندازه‌گیری پایداری رنگ در مقابل تعرق.
۲. دستگاهی برای اندازه‌گیری ضخامت پارچه.
۳. دستگاهی برای اندازه‌گیری دوام و مقاومت نخ‌ها که به‌صورت مکانیزه انجام می‌گیرد.
۴. دستگاهی برای اندازه‌گیری مقاومت پارچه در مقابل آتش‌سوزی که به کامپیوتر متصل می‌شود.
۵. دستگاهی برای اندازه‌گیری میزان سایش.
۶. دستگاهی برای اندازه‌گیری میزان پایداری رنگ در مقابل شستشو.

همچنین آزمایشگاه ابزارآلات لازم را برای محاسبه مقاومت پارچه در مقابل نور، داراست. این کارخانه در نوع خود بهترین به‌شمار می‌رود و به پیشرفته‌ترین دستگاه‌های بین‌المللی مجهز است و چیزی در حدود ۲ میلیون ریال سعودی ارزش گذاری شده است.

مرحله هفتم: متصل کردن قسمت‌های مختلف پرده به یکدیگر

پارچه پرده خانه کعبه به‌وسیله ماشین‌های خاصی در ابعاد ۱۴ متر در ۱۰۱ سانتی‌متر تولید و پانزده بار عیناً تکرار می‌شود.

پارچه هریک از ۴ قسمت کعبه، به‌صورت جداگانه و با توجه به عرض همان قسمت بریده می‌شود. سپس با رعایت و حفظ طرح به‌هم دوخته و با پارچه‌ای نخی با همان ابعاد آستر می‌شود.

ص: ۱۲۹

لبه‌های پارچه از هر طرف به هم کوک زده می‌شود و با نخ‌هایی به قطر ۷ سانتی‌متر دوخته می‌شود تا مقاومت و پایداری لبه‌های پارچه را افزایش دهد.

قسمت بالای پارچه با طناب‌های ضخیمی به هم متصل می‌گردد و سپس از داخل یک حلقه عبور می‌کند. پارچه به کمک طناب و حلقه، آویزان می‌شود.

قسمت‌های تزیین‌شده کمربند، زیر آن و نقوش فانوس‌مانند در هر ضلع کعبه، که طول‌های متفاوتی دارند، به همین صورت به هم وصل می‌شوند.

۴ ضلع کعبه به این صورت است: ۱۰/۱۸ متر، ۹/۸۹ متر، ۱۰/۲۰ متر و ۱۲/۴ متر.

با توجه به سنگین بودن بخشی از پرده، که مجاور در کعبه است، آن را مستقیماً به دیوار همان قسمت نصب می‌کنند، لبه‌ها نیز به اضلاع مجاور محکم می‌شوند.

قبل از تعویض پرده، کمیته مخصوصی که مسئول بازرسی از قسمت‌های مزین است تشکیل می‌شود. بعد از غروب روز نهم ذی‌حجه، روزی که زائران در عرفات و قوف دارند، پرده جدید که شامل ۴ قسمت است، به مسجدالحرام منتقل می‌شود.

هر قسمت جداگانه روی کعبه نصب می‌شود. هنگامی که همه قسمت‌ها از بالا به کعبه متصل شد، هر کدام از اضلاع نیز به یکدیگر اتصال می‌یابند. با نصب قسمت‌های جدید، بخش‌های قدیمی جدا و به پایین رها می‌شوند. بعد از آن، کمربند به صورت ممتد هر ۴ ضلع کعبه را در بر می‌گیرد. گفتنی است در پرده برای ناودان طلا حفره مخصوص تعبیه شده است.

بعد از قرار گرفتن پرده در همه اضلاع و نصب کمربند، نوبت به اتصال گوشه‌ها و کوک زدن آن‌ها به یکدیگر می‌رسد.

نصب پرده مهارتی خاص می‌طلبد. در مقابل در کعبه شکافی در پرده در نظر گرفته شده که همانند پرده ۳/۳۰ متر طول دارد. ۳ حلقه در قسمت سیاه‌رنگ پارچه در نظر گرفته شده تا ریسمان‌های پرده در زیر پارچه از آن عبور کند و به این صورت پرده به بالای کعبه متصل شود.

در طول ایام حج، همه‌ساله مراسمی در کارخانه پرده‌بافی با حضور مقامات بلندپایه کشوری، خبرنگاران و اصحاب رسانه‌ها برگزار می‌شود که طی آن پرده جدید به کلیددار کعبه تحویل داده می‌شود.

ص: ۱۳۰

سایر تولیدات کارخانه:

اکنون این پرسش به ذهن خطور می‌کند که آیا پرده خانه کعبه، تنها محصول تولیدی کارخانه است؟! شاید بسیاری، از دیگر تولیدات کارخانه بی‌اطلاع باشند.

پرده داخلی خانه کعبه و هدایای یادبود- که تزیینات آن با پرده کعبه مشابه است- نیز در کارخانه تولید می‌شود. این هدایا به نشانه برادری مسلمانان جهان به شخصیت‌ها و مقامات بلندپایه جهانی که به عربستان سفر می‌کنند، اهدا می‌شود. ابتکار دیگر کارخانه، تأسیس بخشی برای تهیه پرچم است؛ بدین منظور کمیته ویژه‌ای برای تهیه پرچم با توجه به قاعده، ابعاد و سلسله مراتب آن تشکیل می‌شود. پرچم‌ها در اندازه‌های مختلف برای مدارس و ادارات دولتی آماده می‌شوند. همه زائران با مشاهده پرده خانه کعبه و کارخانه متوجه تلاش و زحمت بی‌اندازه دست‌اندرکاران آن می‌شوند و بدون اغراق باید گفت که صفحات این نوشتار توانایی بیان حق مطلب در این باره را ندارد.

کارخانه پرده‌بافی خانه کعبه، در سال ۱۳۴۶ ه. ق آغاز به کار کرد و تا سال ۱۳۵۷ ه. ق. به کار خود ادامه داد. پس از آن، کارخانه در سال ۱۳۸۲ ه. ق از نو مشغول به کار شد که تا به امروز ادامه دارد.

کار در سال ۱۳۸۲ با جمعاً ۱۶ نفر نیروی انسانی از سر گرفته شد که این تعداد اکنون به ۲۴۰ نفر افزایش یافته که ۱۰ نفر از آنان تکنیسین‌های خارجی هستند.

کارخانه، شامل ۶ بخش است. در حالی که در آن زمان فقط با ۳ بخش آغاز به کار کرد.

این بخش‌ها هر یک مخصوص تولید یک قسمت از پرده است؛ بخش تولید کمر بند، بافت دستی و رنگرزی و سه بخش جدید بافت ماشینی، چاپ و پرچم.

پارچه کعبه از ابریشم خالص و به‌عنوان ماده خام از خارج وارد شده و سپس در کارخانه رنگ می‌شود. هر پرده کعبه چیزی حدود ۶۷۰ کیلوگرم ابریشم بافته شده برای مساحتی بالغ بر ۶۵۸ متر مربع نیاز دارد. که این مقدار شامل ۴۷ طاقه است، هر کدام با ۱۴ متر طول و ۱۰۱ سانتی‌متر عرض.

قسمت‌های زربافت که روی پارچه محکم می‌شود، شامل ۱۶ قسمت می‌باشد. با طول ۴۷ متر و عرض ۹۵ سانتی‌متر، علاوه بر این‌ها ۴ رکن کعبه با سوره اخلاص، ۶ قسمت زیر

ص: ۱۳۱

کمر بند با آیات قرآن، قسمتی در پایین پرده که اهدا کننده آن را مشخص می‌کند و نیز ۱۲ طرح فانوس مانند در چهار طرف کعبه به صورت طلا- فام به چشم می‌خورد. پرده مجاور در کعبه نیز با ابعاد ۶/۳۲ متر طول، ۳/۳۰ متر عرض شامل آیات فراوانی است که با نخ‌های طلا و نقره مزین شده است.

پرده خانه کعبه چیزی حدود ۱۷ میلیون ریال سعودی هزینه در بر دارد که شامل هزینه خرید مواد خام، دستمزد کارگران و کلیه مخارج مرتبط با تولید پرده است.

توجه و مراقبت ویژه نسبت به پرده خانه کعبه و کارخانه، باعث پیشرفت‌های زیادی در زمینه چاپ عالی قرآن شده است: در سال ۱۴۱۰ مطالعاتی دقیق، منجر به تحوّل جامعی در حوزه رنگ‌آمیزی شد. این فرآیند در گذشته به صورت دستی و با گرم کردن مستقیم توسط گاز انجام می‌گرفت. دو دستگاه مدرن رنگ‌آمیزی از یکی از کارخانه‌های بزرگ جهان با قیمت ۲۱۲ هزار دلار خریداری شد که شامل دو دستگاه برای تأمین ابریشم هریک با ظرفیت ۱۹ کیلوگرم و نیز یک دستگاه خشک کننده ابریشم با استفاده از نیروی گریز از مرکز، همچنین شامل ماشین تولید بخار است که بخار لازم برای گرم کردن مستقیم را فراهم می‌کند. به این ترتیب، بسیاری از بخش‌های حوزه رنگ‌آمیزی با این دستگاه مرتبط هستند و منجر به ذخیره ۱۵ تا ۲۰ درصد از ابریشم مورد استفاده در هر طاقه می‌شود.

چون ابریشم مورد نیاز پرده به شکل کلاف از خارج وارد می‌شود، باید به صورت دوک دربیاید. روش قبلی تبدیل به دوک به این صورت بود که یک چرخ با موتور مرتبط می‌شد و کارگران آن را به کار می‌انداختند. همین امر منجر به سفت شدن دوک‌ها و در نتیجه کند شدن سرعت فرآیند چرخش و هدر رفتن مقدار زیادی از ابریشم‌ها می‌شد.

در سال ۱۴۱۰ ه. ق. دستگاهی برای تاییدن دوک‌ها فراهم شد. دستگاه فوق دوک‌هایی کاملاً مشابه از نظر شکل و تراکم تولید می‌کند و با قیمت ۷۵۱۰۰ فرانک سوئیس خریداری شده است. در همان سال ماشین نخ‌ریسی خودکار برای تنیدن نخ‌ها به صورت ماسوره (مورد استفاده در تهیه پود) از یک کارخانه بین‌المللی با قیمت ۶۲ هزار مارک آلمان خریداری شد.

چون پودهای تولید شده فقط برای تعداد ۴ تا ۶ ماسوره کفایت می‌کرد، دستگاهی تهیه شد تا این کار را به‌طور خودکار و همزمان انجام دهد.

ص: ۱۳۲

در گذشته هر ماشین به طور جداگانه کار می‌کرد و در ابتدا فقط با دو ماسوره سپس ۳ و بعد به ۴ ماسوره رسید، ولی این فرآیند مدت‌زمان زیادی به طول انجامید.

ماشین دیگری نیز برای تراکم کردن تارهای نخ تهیه شد، که می‌تواند در یک دقیقه ۶۰۰ ماسوره تولید کند و در نهایت از نخ‌های تراکم شده تعداد ۹۹۰۰ ماسوره به وجود می‌آید که اگر قرار بود این کار به صورت دستی انجام بگیرد، حدود یک ماه به طول می‌انجامید.

در تاریخ ۳۰/۱۰/۱۴۱۷ ه. ق. قراردادی با یک کمپانی معروف سوئسی منعقد شد که طی آن، ۳ دستگاه بافندگی برای کارخانه تهیه شد.

یکی از این دستگاه‌ها به واحد الکترونیکی - انفورماتیکی مجهز بود که انرژی آن ۲۶۸۸ اسب بخار و مقام اول در زمینه بافندگی را داراست.

هر کدام از قسمت‌ها به بخش الکترونیکی مجهز شده‌اند تا روند تولید و عملکرد دستگاه‌ها و هرگونه نقص فنی موجود را کشف و گزارش کنند.

بنابراین، هر دستگاه به خودی خود، کارخانه مجزایی است با تمام وسایل مورد نیاز قسمت‌های یدکی و امدادی. قراردادی به ارزش ۱۰۴۰۰۰۰ فرانک سوئیس منعقد شده که شامل نصب تأسیسات و بهره‌برداری از تجهیزات کارخانه است. گفتنی است تولید محصول در کارخانه، تنها به تولید پرده کعبه و محصولات مرتبط با آن اختصاص دارد.

اسامی دستگاه‌های خریداری شده برای کارخانه به این شرح است:

۱. دستگاه بافندگی مدل S ۶۲۰۰ (با ۱۴۰ سانتی‌متر عرض) مجهز به واحد الکترونیکی برای تهیه پارچه مشکی پرده خانه کعبه، با توجه به این که مزین نمودن پارچه کار مشکلی است نقوش این پارچه‌ها توسط کامپیوتر طراحی و برای مدت طولانی در حافظه آن ذخیره می‌شود.

به‌علاوه، برای محافظت در برابر حوادث پیش‌بینی نشده و نیز امکان تغییر و اصلاح آن در دیسکت هم ذخیره شده است. هر کدام از نقوش و طرح‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیتی می‌تواند وارد حافظه کامپیوتر ذخیره و سپس تولید شود.

۲. دستگاه مدل S ۶۲۰۰ (با ۲۲۰ سانتی‌متر عرض) برای بافتن هرگونه پارچه ساده مورد نیاز در قسمت تزئینات کمر بند، پرده مجاور در و ...

۳. دستگاه بافندگی مدل S ۶۲۰۰ (با ۲۶۰ سانتی‌متر عرض) برای تهیه آستر پارچه، کمر بند و سایر قسمت‌ها.

ص: ۱۳۳

با تهیه این دستگاه‌ها، هدف اصلی مدیر کل در رابطه با کارخانه، که تلفیق فن آوری نوین و سنتی با یکدیگر است، تحقق می‌یابد. پرده خانه کعبه چیزی حدود ۱۷ میلیون ریال سعودی هزینه دربر دارد که شامل هزینه خرید مواد خام، دستمزد کارگران و کلیه مخارج مرتبط با تولید پرده است.

میزان تولید کارخانه:

۱- تولیدات تذهیب شده:

در سال ۱۳۹۵ قمری محصولات طلاکاری شده که عبارت است از کمربند (شامل ۱۶ قسمت)، بخش زیر کمربند (شامل ۳ قسمت)، طرح‌های فانوس مانند (شامل ۸ قسمت)، چهار رکن بیانیه اهدا کننده و «برقع» (۱) بر روی کعبه نصب شد.

در ۱۴۰۵ ه. ق. تعداد بخش‌های طلا فام با اندکی تغییر به این صورت درآمد:

کمربند شامل ۱۶ قسمت، زیر کمربند ۶ قسمت، طرح‌های فانوس مانند شامل ۱۱ قسمت، ۴ رکن، بیانیه اهدا کننده و برقع. به عبارت دیگر ۳ قسمت زیر کمربند و ۳ طرح فانوس مانند که حدود ۵ تا ۱۸٪ است به میزان تولید افزون شده است.

سپس نقوش فانوس مانند به ۱۲ عدد افزایش یافت که به این ترتیب بخش تذهیب شده تکمیل شد و جمعاً به ۳۶ متر رسید که نرخ رشد آن ۲۰٪ است.

۲- هدایای یادبود:

در سال ۱۳۹۵ ه. ق. تعداد هدایای ویژه‌ای که برای مقامات سایر کشورها تهیه شد، ۳۰ قطعه بود که بیشتر آن‌ها در اندازه کوچک و زردوزی شده بود.

در سال ۱۴۰۵ ه. ق. تعداد آن‌ها به ۱۲۰ قطعه رسید که ۳۲ تا از آن‌ها به کمربند مربوط می‌شد. میزان این قسمت‌ها با تعداد بخش‌های کمربند- ۱۶ قطعه- برابری می‌کند.

برخی از بخش‌های بزرگ تذهیب شده با این مضامین است: یا رحمن یا رحیم، یا حی یا قیوم الحمد لله رب العالمین.

۱- پرده مجاور در کعبه.

ص: ۱۳۴

۳. نساجی

در گذشته، کارخانه تنها به تولید پرده خانه کعبه اختصاص داشت و اکنون با توافق دولت و مدیران، محصولاتی به این شرح در آن تولید می‌شود:

۱. پرده خارجی خانه کعبه، که به‌طور معمول تولید می‌شده است و در آن نسبت به یکسان نمودن خطنوشته‌ها، برای ایجاد یکنواختی بیشتر در نظر بیننده، دقت فراوان می‌شود.

۲. پرده داخلی کعبه به‌طور دقیق و در حد کمال تولید می‌شود.

۳. پارچه ساده که برای تذهیب کاری‌های کمر بند از آن استفاده می‌شود.

۴. تهیه پرده یدکی برای کعبه.

۴. رنگ آمیزی

در همه مراحل ذکر شده برای تهیه پرده، پارچه‌های بافته شده و کمر بند باید از مرحله دیگری که بخش رنگ‌رزی است عبور کنند. مدت زمان پیش‌بینی شده برای این مرحله ۱۵۰۰ ساعت است که با توجه به زمان لازم برای رنگ آمیزی نخ‌های قسمت‌های مختلف، محاسبه شده است. این حوزه دستخوش پیشرفتی منحصر به فرد شده که در نوع خود بی‌نظیر است. بخش‌های جدید التاسیس:

۱. بخش چاپ: با توجه به لزوم گام برداشتن به سمت افزایش تولید، پشتیبانی و بهره‌برداری از نیروی عظیم متخصصین، بخش جدیدی با هدف چاپ قسمت‌های ذیل ایجاد شد: ۱- کمر بند ۲- بخش‌های طلاکاری شده ۳- تزیینات ویژه ۴- پرچم ۵- تارهای نخ لازم برای تذهیب هدایای یادبود.

۲. بخش نساجی خودکار: فرآیند توسعه در هر کارخانه، بستگی به شرایط کارخانه و وضعیت نیروی انسانی و تخصصی آن دارد. ادامه کار و توسعه با تولیدات دستی بی‌نتیجه است؛ زیرا برآورده کردن هدف افزایش تولید کارخانه را عملاً غیر ممکن می‌سازد. ماشین تهیه پرده خانه کعبه بیش از سه سال است که در کنار سایر دستگاه‌های خریداری شده قبلی (در سال ۱۳۹۵ ه. ق.) مشغول به کار است.

این دستگاه‌ها مرتباً تعمیر و تنظیم مجدد می‌شوند. این بخش در حال حاضر با دقت

ص: ۱۳۵

فراوان و در حد کمال مطلوب و قابل رقابت با کار دستی فعالیت می‌کند.

۳. پرچم: در کنار تولید پرچم‌ها در بخش چاپ، آن‌ها را در اندازه‌های مختلف و با ابریشم، نخ‌های طلا و نقره تزئین می‌کنند. کار این قسمت در ابتدا با ۶ کارگر و دستگاه‌های کاملاً معمولی بافندگی آغاز شد تا این که امروز محصولی با کیفیت تولید و آماده می‌شود.

اهدای پرده کعبه به سازمان ملل متحد

در روز چهارم ربیع‌الاول سال ۱۴۰۳ ه. ق دولت سعودی پرده خانه کعبه را از طرف مسلمانان جهان به صورت ابتکاری بی‌سابقه به سازمان ملل متحد تقدیم کرد.

به همین مناسبت مراسم بزرگی در سازمان ملل با حضور دبیر کل، سفیر عربستان و سران بسیاری از کشورها برگزار شد و طی آن پرده خانه کعبه به سازمان ملل اهدا گردید.

پی‌نوشت‌ها

احداث پل جدید جمرات

تحولی در مفهوم مدیریت اجتماعات بزرگ انسانی

ماهنامه الحج و العمرة (۱) / مهدی سرحدی

پل قدیم جمرات که در دو طبقه و برای استفاده یک میلیون نفر زائر، در سال ۱۳۹۵ قمری احداث شده بود، پس از سی سال بازنشسته شد و در پایان موسم حج ۱۴۲۶ قمری تخریب گردید تا ساخت پل جدید در محل آن آغاز شود.

پل قدیم که ۶۰۰ متر طول و در هر طرف ۴۰ متر عرض داشت و ۳ حوضچه بیضی شکل با قطری معادل ۱۵ تا ۲۱ متر را شامل می‌شد، با مسئولیت وزارت راه، با عرض ۴۰ متر احداث گردید و در جهت‌های شرق و غرب، هر یک از دو ورودی شمالی-جنوبی آن، دو معبر برای عبور حجاج در نظر گرفته شده بود.

در سال‌های گذشته و در چندین مرحله، اصلاحات اساسی در ساختار پل قدیمی انجام گرفت تا این امکان برای حجاج فراهم شود که مناسب خود را به سهولت و سادگی و به دور از ازدحام به انجام رسانند؛ از جمله اصلاحات مزبور، ایجاد پلکان‌های بتونی در کناره‌های پل، جنب جمره صغری برای رفتن حجاج به طبقه دوم بود که در سال ۱۳۹۹ ق. و با نظارت مجریان طرح توسعه عمرانی منطقه مناجام شد. در سال ۱۴۰۳ ق. دیواره فلزی طبقه پایین پل برچیده

۱- الحج و العمرة، ارگان وزارت حج عربستان سعودی، سال شصت و یکم، شماره ۲ صفر ۱۴۲۷ هـ، مارس ۲۰۰۶ م و شماره ۳ ربیع الاول ۱۴۲۷ هـ، آوریل ۲۰۰۶ م.

ص: ۱۳۷

شد. در سال‌های بعد اصلاحات دیگری نیز انجام گرفت؛ از جمله این که در سال ۱۴۰۴، پل در منطقه جمره صغری تعریض گردید و در ۱۴۰۹، ورودی‌های پل تعریض شدند و عرض آن‌ها از ۲۰ متر به ۴۰ متر افزایش یافت. در ۱۴۱۰، بدنه پل نیز تعریض گردید و عرض آن از ۴۰ متر به ۸۰ متر رسید. در سال ۱۴۱۵، دیواره فلزی که در ۱۴۰۴ ایجاد شده بود، برچیده شد و پل به شکل نهایی درآمد که تا سال گذشته (زمان تخریب پل قدیمی) به همان صورت باقی بود.

هزینه احداث پل قدیمی و تغییرات انجام شده بر روی آن، در سال‌های گذشته، جمعاً بالغ بر ۵/۱ میلیارد ریال سعودی بوده است. آخرین اصلاحات انجام شده، تغییر شکل حوضچه رمی از دایره به بیضی بود که با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۱۲۰ میلیون ریال و در سال ۱۴۲۵ به انجام رسید.

نماد جهانی

پل جدید جمرات، پروژه‌ای است که با همه طرح‌های گذشته تفاوت دارد و از لحاظ معماری و طراحی، نمونه و نمادی جهانی به شمار می‌آید که در ادامه پروژه‌های عظیم انجام شده توسط دولت سعودی در منطقه مشاعر مقدسه اجرا خواهد شد. این پروژه از طرح‌های مهم و در واقع تحوّل‌ی در معماری و مهندسی به شمار می‌آید که ضمن ایجاد امنیت حجاج در خلال انجام رمی جمرات، از وقوع حوادثی که در برخی موارد جان آنان را تهدید می‌کرد، جلوگیری می‌کند. مجری پروژه شرکت «بن لادن» است که ضمن عقد قراردادهایی با سه شرکت دیگر، اجرای پروژه هریک از جمرات سه گانه را به یکی از آن شرکت‌ها واگذار کرده است. عملیات اجرایی پل جدید در چهار مرحله انجام می‌گیرد که برای اجرای هر مرحله، مدت یک سال در نظر گرفته شده است. برای اجرای هر فاز از پروژه نیز عوامل اجرایی جداگانه در نظر گرفته شده تا کار با سرعت بیشتری به پیش رود.

فاز اول طرح، احداث ۲ طبقه از پل را شامل می‌شود که در هر طبقه، حداکثر ۱۲۵ هزار نفر در هر ساعت می‌توانند عمل رمی جمره را انجام دهند. به این ترتیب با اجرای فاز اول، در هر ساعت ۲۵۰ هزار نفر قادر به انجام رمی خواهند بود. انجام این فاز از پروژه، دشوارترین مرحله به شمار می‌آید؛ زیرا اجرای زیرساخت‌ها، ستون‌ها و راه‌های ورودی و خروجی و امنیتی برای حجاج در زمان رمی، در این مرحله انجام می‌گیرد. فاز اول پروژه در تاریخ

ص: ۱۳۸

۱۵/۱۱/۱۴۲۷ به پایان خواهد رسید و کل پروژه تا پایان سال ۱۴۲۹ تکمیل خواهد شد.

به منظور تحقق زمان‌بندی پروژه و ایجاد صلاحیت‌های اجرایی لازم، شرکت مجری طرح اقدام به تأسیس بزرگترین کارگاه عملیاتی خاورمیانه در منطقه «بحره» نموده است که مساحت آن بر ۴۵۰ هزار متر مربع بالغ می‌شود. در این کارگاه تیرچه‌های بتونی پیش‌ساخته (بریکاست)، قطعات پیش‌ساخته پل و میلگردهای مخصوص استفاده در بتون تولید می‌شود.

مشخصات پل جدید

پل جدید جمرات از چهار طبقه دو گانه و یک طبقه همکف تشکیل شده است که جمعاً دوازده طبقه را شامل می‌شود و عرض آن بالغ بر ۸۵ متر است. مطالعه و طراحی پل از سه سال پیش در مرکز پژوهش‌های حج خادم‌الحرمین الشریفین، در دانشگاه ام‌القری و نیز معاونت مسکن و شهرسازی وزارت امور شهرها و شهرداری‌ها آغاز شده است. برخی مؤسسات دیگر نیز در کار پژوهش و طراحی پل مشارکت داشتند که از آن جمله می‌توان «شورای عالی توسعه مکه و مدینه و اماکن مقدسه» را نام برد. با انجام این پروژه، ۱۲ ورودی و ۱۲ خروجی در چهار طرف منطقه جمرات ایجاد خواهد شد که هر یک از آن‌ها با پل‌های معلق به منطقه چادرهای حجاج ارتباط می‌یابد. برای طبقه همکف نیز ورودی‌ها و خروجی‌های متعددی در نظر گرفته شده است. سیستم سرمایش نیز در طبقات مختلف و مناطق اطراف جمرات تعبیه خواهد شد که درجه حرارت محیط را تا ۲۹ درجه سانتیگراد کاهش می‌دهد.

طرح‌های آینده

هزینه احداث پل جدید، چهار میلیارد و دویست میلیون ریال سعودی و مدت زمان انجام آن چهار سال خواهد بود. بیش از هشت هزار نفر نیز در احداث بخش‌های مختلف آن مشغول به کار خواهند شد. از ویژگی‌های طرح آن است که در آینده می‌توان دست کم هشت سطح دیگر در سه طبقه جدید به سطوح پل افزود که هر یک از آن‌ها با سطوح شیب‌دار و پله‌های برقی و معمولی، به دیگر طبقات متصل می‌شوند. در ادامه امکان افزایش سطوح به ده سطح نیز به‌سادگی میسر خواهد بود که پس از تکمیل آن، روزانه حدود پنج میلیون نفر می‌توانند عمل رمی جمرات را انجام دهند. ارتفاع طبقه اول به ۱۲ متر بالغ می‌شود و حجاج

ص: ۱۳۹

ساکن در منطقه عزیزیه، که عمدتاً از داخل کشور و خلیج فارس هستند، به سادگی قادر به انجام رمی خواهند بود و به مرور زمان امکان افزایش تعداد حاجیان نیز وجود دارد. سطوح هفتم و هشتم نیز برای حجاج ساکن در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌های شمال منا در نظر گرفته شده است.

توسعه منطقه مشاعر مقدس

وزارت امور مسکن و شهرسازی عربستان، مبلغ هشتصد میلیون ریال سعودی برای اجرای فاز اول پروژه توسعه مشاعر مقدس منا در نظر گرفته است. این مبلغ به منظور ایجاد زیرگذرها، ایستگاه‌های سوار و پیاده شدن حجاج، گسترش شبکه انتقال آب و هدایت سیلاب‌ها، توسعه خطوط برق و تلفن و بازسازی بافت منطقه بر مبنای ساختار پل جدید جمرات هزینه خواهد شد.

نخستین بخش از این مرحله، با اصلاح هندسی میادین اطراف پل آغاز می‌گردد. همچنین احداث ۳ رشته تونل زیرگذر در دستور کار قرار دارد. تونل اول به حوالی خیابان ملک فیصل؛ و تونل دوم به خیابان سوق العرب و خیابان جدید منتهی می‌شود. تونل دیگر نیز که اخیراً در زیر زمین احداث شده است، با عبور از زیر پل ملک عبدالعزیز در جهت شمال، به تونل ملک فهد واقع در منطقه «شیشه» منتهی می‌گردد. این تونل با هدف جلوگیری از تداخل عبور افراد پیاده با حرکت وسایل نقلیه طراحی شده است و بدین ترتیب، عبور و مرور هرگونه وسایل نقلیه در مرکز منا متوقف خواهد شد و منطقه حد فاصل میدان‌های منا، فقط به عبور پیاده‌ها اختصاص خواهد یافت و عبور اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه خدماتی نیز به سهولت از زیرگذر مزبور انجام خواهد شد. تونل مذکور که سه کیلومتر طول دارد و برای نخستین بار در موسم حج سال گذشته مورد استفاده قرار گرفت، چهار معبر دارد: دو معبر برای کسانی که به منا می‌آیند و دو معبر نیز برای خروج از منا از طریق تونل‌های ملک فهد در منطقه شیشه.

معبر دیگری نیز برای خدمات رسانی در نظر گرفته شده است. همچنین حجاجی که قصد خروج دارند، می‌توانند با استفاده از راه‌پله‌های ارتباطی به سطح زمین برسند. همه تونل‌ها به اتاقک‌های امداد که آمبولانس نیز در آنها وجود دارد، مجهز شده‌اند. تکمیل این پروژه‌ها موجب کاهش ازدحام در تمامی محوطه‌های اطراف پل خواهد شد. ورود اتومبیل و هرگونه

ص: ۱۴۰

وسایل نقلیه دیگر به این محوطه‌ها ممنوع خواهد بود؛ زیرا با بررسی‌های انجام شده و اصلاح هندسی معابر، مسیر عبور پیاده‌ها از وسایط نقلیه تفکیک شده است.

هزینه احداث پل جدید، چهار میلیارد و دویست میلیون ریال سعودی و مدت زمان انجام آن چهار سال خواهد بود. بیش از هشت هزار نفر نیز در احداث بخش‌های مختلف آن مشغول به کار خواهند شد.

همچنین به منظور سهولت دسترسی به مبادی ورودی و خروجی پل جدید، با اجرای طرح‌های جانبی، ساختار معابر منطقه بهسازی شده و معابر ورودی و خروجی در شش جهت (۳ معبر در جهت شمال و ۳ معبر نیز در جهت جنوب) احداث خواهد شد.

مهمترین ویژگی‌های طرح

از مهمترین ویژگی‌های طرح، احداث دو تونل اضطراری برای انتقال سریع مصدومان و حادثه‌دیدگان به بیمارستان است. یکی از این تونل‌ها در جهت شمال و در ضلع جنوبی خیابان جوهره قرار دارد که مسیر آن به بیمارستان منتهی می‌گردد و تونل دیگر نیز در جهت جنوب واقع شده و از طریق آن، می‌توان با سرعتی قابل توجه، به بیمارستان ملک فیصل در منطقه شیشه دسترسی پیدا کرد. همچنین، فضاها و میداين وسیعی در منطقه جمرات پدید خواهد آمد که برای حضور صدها هزار نفر از حجاج در حال انجام رمی گنجایش دارد. نظافت میداين به صورت مکانیزه و سیستم حمل و نقل با قطار نیز در نظر گرفته شده است که کار انتقال حجاج از محل خیمه‌ها تا پل جمرات و از آنجا به مسجد الحرام را تسهیل خواهد کرد. همچنین، پل‌ها با محل خیمه‌های مستقر در کوهپایه‌های منا نیز ارتباط خواهند یافت. اتاق‌های ویژه معاینات پزشکی، اتاق‌های عمل، باند فرود هواپیما، و پله‌های برقی برای بالا بردن حجاج، از دیگر امکانات پیش‌بینی شده در پروژه است. برای رساندن آمبولانس‌ها به طبقات نیز آسانسورهای خودروبر در نظر گرفته شده است و علاوه بر آن، آمبولانس‌ها می‌توانند برای رسیدن به طبقات هشت‌گانه، از دوربرگردان‌های شیب‌دار نیز استفاده کنند؛ از جمله امکانات دیگری که برای آینده پیش‌بینی شده، احداث خانه‌های بتونی در کوهپایه‌هاست که امکان استقرار

صدها

ص: ۱۴۱

هزار تن از حجاج را فراهم خواهد کرد. سیستم هشداردهنده حریق و حوادث نیز از دیگر امکانات طرح است.

سیستم‌های هوشمند الکترونیکی

با نصب سیستم‌های هوشمند الکترونیکی، که به‌طور مستقیم با خیمه‌های اسکان حجاج در ارتباط است، جمعیت موجود بر روی پل‌ها، میادین و خیابان‌های منتهی به منطقه و سایر اطلاعات مورد نیاز، در هر لحظه، به‌طور زنده و مستقیم در خیمه‌گاه و محل اسکان حجاج در دسترس آنان قرار خواهد گرفت و علاوه بر امکان ساماندهی و هماهنگی بیشتر، سلامت حجاج را در حین عمل رمی، بیش از پیش تأمین خواهد کرد. این اطلاعات به زبان‌های مختلف از طریق تلویزیون‌ها و مانیتورهای نصب‌شده در محل‌های اقامت و حضور حجاج قابل مشاهده خواهد بود.

نکاتی در باره توسعه و تجدیدبنای پل جمرات

با وجود تمامی ویژگی‌های یاد شده، در ماه‌های اخیر نظریات و دیدگاه‌های مختلفی در باره شکل و ساختار پل جدید جمرات و تعداد طبقات آن مطرح گردیده است؛ از جمله افرادی که در این باره اظهار نظر کرده و احداث چنین پلی را در حال حاضر ضروری نمی‌داند، دکتر عمر سراج ابو رزیزه، استاد معماری دانشگاه ملک عبد العزیز است. به عقیده وی، آنچه در این باره باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که ازدحام و شلوغی مسجد الحرام در مقایسه با منا، تبعات و مشکلات بیشتری در بر خواهد داشت؛ زیرا منا یک منطقه باز است، اما مسجد الحرام محوطه‌ای بسته و محدود است که مساحت معین و ورودی‌های محدودی دارد.

شکی نیست که توسعه پل جمرات و افزایش ظرفیت آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما این کار نیازمند بررسی‌های کامل و دقیقی است که در آن تمامی بخش‌های مناسک حج مورد توجه قرار گیرد، نه این که تنها معضلات یک بخش برطرف گردد و به دیگر بخش‌ها توجه نشود.

در سال‌های گذشته ورودی‌ها، خروجی‌ها و حوضچه‌های رمی واقع در پل جمرات توسعه یافت و این کار نقش قابل توجهی در کاهش ازدحام داشت. اما حادثه‌ای که در موسم

ص: ۱۴۲

حج سال گذشته (۱۴۲۶ ه.ق) در منا روی داد و موجب کشته و مجروح شدن عده‌ای از حجاج گردید، تأثر و تألم مسؤلان امر و شهروندان را در پی داشت و در پی آن حادثه دولت سعودی بر آن شد که با صرف هزینه‌های بسیار و احداث یک پل چهار طبقه، از تکرار این گونه حوادث پیش‌گیری کند. در اینجا نکاتی چند را در مورد توسعه و نوسازی پل و پیامدهای آن مورد بررسی قرار می‌دهیم:

* مناسک حج؛ مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه

در توسعه پل جمرات نباید این نکته را از نظر دور داشت که مناسک و اعمال حج تمتع، یک مجموعه منسجم و بهم پیوسته هستند که به ترتیب و در پی هم انجام می‌شوند و چه بسا چاره‌اندیشی برای کاستن از ازدحام در یک منطقه، افزایش ازدحام و شلوغی در مناطق دیگر را موجب شود. اعمال حج تمتع در روز نهم ذی‌حجه با ورود به عرفات آغاز می‌گردد و با خروج از منا در روز دوازدهم یا سیزدهم پایان می‌یابد. در نگرشی فراگیرتر، امور مربوط به حج از لحظه دریافت روایت از سفارت سعودی در کشورهای مختلف آغاز می‌شود و با مراجعت حجاج به کشورهای خود پایان می‌پذیرد. به عبارت بهتر، پایان هر بخش از مناسک، به معنای آغاز بخش دیگر است و خروج از هر منطقه، ورود به منطقه دیگر را در پی دارد.

* گنجایش پل جمرات

برای آشکارتر شدن موضوع یادآور می‌شویم که در حال حاضر میانگین گنجایش پل جمرات، در هر ساعت یکصد هزار نفر است. بدین ترتیب تعداد افرادی که از طلوع فجر تا ظهر روز عید قربان عمل رمی جمرات را انجام می‌دهند، حدود ششصد هزار نفر خواهد بود.

اگر با تحقق برنامه توسعه پل جمرات این رقم به دو و نیم برابر افزایش یابد، تعداد کسانی که در هر ساعت پس از انجام رمی، برای طواف عازم مکه می‌شوند نیز دو و نیم برابر خواهد شد که مستلزم افزایش تعداد اتوبوس‌ها و تعریض راه‌های ارتباطی حد فاصل منا تا مکه خواهد بود؛ و حتی اگر این امر نیز محقق شود، تعداد افرادی که در هر ساعت برای طواف وارد مسجدالحرام می‌شوند، با افزایش چشمگیر مواجه خواهد شد و نکته مهمی که در نوسازی پل جمرات باید مورد توجه قرار گیرد، همین است.

ص: ۱۴۴

* جابه‌جایی ازدحام

آنچه بیش از هر چیز موجب نگرانی است، انتقال ازدحام از جمرات به مسجدالحرام و صحن‌های پیرامونی آن است که در صورت توسعه پل جمرات، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این ازدحام موجب خواهد شد که حجاج برای انجام اعمال پس از رمی، با مشکلات زیادی مواجه شوند که به مراتب از دشواری‌های کنونی بیشتر و خطرات آن نیز از احتمال سقوط از پل جمرات جدی‌تر خواهد بود. ازدحام و شلوغی مسجد الحرام در مقایسه با منا، تبعات و مشکلات بیشتری در بر خواهد داشت؛ زیرا منا یک منطقه باز است، اما مسجد الحرام محوطه‌ای بسته و محدود است که مساحت معین و ورودی‌های محدودی دارد.

مقایسه‌ای ساده میان وسعت منطقه منا و مسجد الحرام نشان می‌دهد که مشکلات ناشی از ازدحام در مسجد الحرام بسیار بارزتر از منا و جمرات خواهد بود؛ زیرا منا منطقه‌ای وسیع و گسترده است، در حالی که مسجد الحرام یک ساختمان بسته و دارای ورودی‌ها و خروجی‌های مشخص می‌باشد که از همه طرف با ساختمان‌های بلند احاطه شده است. این مسأله سبب می‌شود که در شرایط اضطراری، خارج شدن حجاج مستقر در صحن‌ها و فضاهای بیرون مسجد نیز دشوار باشد، چه رسد به کسانی که در داخل مسجد مشغول طواف یا سعی و یا اقامه نماز هستند.

* رابطه میان «تعداد» و «تراکم»

در بررسی طرح توسعه پل جمرات نباید این نکته را از نظر دور بداریم که افزایش جمعیت موجب می‌شود تراکم نیز به صورت تصاعدی افزایش یابد، بدین معنا که به طور مثال، دوبرابر شدن جمعیت موجب می‌شود که تراکم به سه یا چهار برابر افزایش پیدا کند.

در ایام تشریق و روز عید قربان، موسم حج سال گذشته و در هنگام طواف و سعی، شاهد افزایش چشمگیر جمعیت بودیم و حضور چنین جمعیتی تاکنون سابقه نداشته است و این در حالی بود که پل جمرات به همان صورت سابق بود، چه رسد به آن که پل توسعه یابد و گنجایش آن دو و نیم برابر شود.

ص: ۱۴۵

* مراحل مختلف رمی

با توجه به تصاویر ضبط شده توسط دوربین‌های مستقر در منطقه جمرات، شاهد بودیم که در موسم حج سال گذشته و در روز عید و روز اول از ایام تشریق و حتی ساعاتی از بعد از ظهر آن روز (یازدهم ذی‌حجه)، عمل رمی به آسانی انجام می‌شد و ازدحام جمعیت از حد معمول فراتر نمی‌رفت. اما در بعد از ظهر روز دوم از ایام تشریق (روز دوازدهم ذی‌حجه و روز حرکت تعجیل‌کنندگان به سوی مکه)، گروه بسیاری از حجاج که بخشی از آنان ائاثیه خود را نیز به همراه داشتند، به یکباره برای انجام رمی به پل جمرات هجوم آوردند تا پس از رمی، مستقیماً به مکه بروند. بنابر این، می‌توان گفت که سقوط عده‌ای از حجاج از روی پل در آن روز، ارتباطی با گنجایش پل جمرات ندارد. تصاویر تلویزیونی و اظهارات مسؤولان امر نیز به همین واقعیت اشاره دارد. حقیقت آن است که علت اصلی وقوع حادثه، هجوم حجاج و سقوط ائاثیه و سپس سقوط خود آنان از ورودی‌ها و خروجی‌های پل بود، اما در اطراف حوضچه‌های رمی، کسی دچار حادثه نشد. این امر بیانگر آن است که برای رفع مشکل، به جای افزایش ظرفیت پل، باید برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام شود تا از هجوم یکباره و شدید حجاج برای رمی جلوگیری به عمل آید. البته ممکن است ورودی‌ها و خروجی‌های پل نیاز به توسعه و افزایش داشته باشد، اما چنانکه پیش‌تر اشاره کردیم، نباید از یاد ببریم که اعمال و مناسک حج با هم ارتباط زمانی و مکانی دارند و لازم است تدابیری اتخاذ شود که با حل مشکل در یک منطقه، مشکل بزرگتری در منطقه دیگر پدید نیاید؛ از این رو به نظر می‌رسد که در صورت افزایش ورودی‌ها و خروجی‌های پل جمرات، افزایش گنجایش پل در حال حاضر چندان ضرورتی ندارد.

ص: ۱۴۶

* ازدحام در مسجدالحرام و صحن‌های پیرامون آن

در ماه رمضان و موسم حج سال گذشته (۱۴۲۶ هـ)، ازدحام شدید و بی‌سابقه‌ای را در مسجدالحرام و صحن‌های پیرامون آن شاهد بودیم. ساختمان‌های بزرگ متصل به این صحن‌ها مانع از امتداد یافتن صفوف نماز جماعت می‌شد و همواره جمعیتی بیش از گنجایش مسجد در آن حضور داشتند. در روزهای دهه اول ذی حجه و روزهای پایانی ماه مبارک رمضان، به علت تکمیل ظرفیت مسجدالحرام، از ساعت یازده صبح درهای مسجد بسته می‌شد. چنین وضعیتی ایجاب می‌کند که به‌طور جدی و سریع در فکر اتخاذ تدابیر لازم و چاره‌جویی برای مواقع اضطراری باشیم؛ زیرا در چنین حالاتی مسجدالحرام به یک قلعه بزرگ در بسته شباهت پیدا می‌کند که در صورت وقوع حادثه‌ای ناگوار، تخلیه جمعیت حاضر در آن بسیار دشوار خواهد بود.

گفتنی است در موسم حج گذشته، علاوه بر زمان‌های اقامه نماز، به هنگام طواف و سعی نیز در مسجدالحرام و سعی و رکن و مقام، ازدحام بی‌سابقه‌ای را شاهد بودیم که در سال‌های قبل، نظیر آن را هرگز ندیدیم. برای غلبه بر این مشکل، لازم است بررسی‌های دقیق و عمیقی صورت گیرد که مناسک حج را به عنوان یک مجموعه به‌هم پیوسته و منسجم در نظر آورد و ابعاد شرعی، اجتماعی، اقتصادی و فنی موضوع را مورد توجه قرار دهد. در این زمینه چند ضرورت مهم وجود دارد که عبارتند از:

لازم است تدابیری اتخاذ شود که با حل مشکل در یک منطقه، مشکل بزرگتری در منطقه دیگر پدید نیاید؛ از این رو به نظر می‌رسد که در صورت افزایش ورودی‌ها و خروجی‌های پل جمرات، افزایش گنجایش پل در حال حاضر چندان ضرورتی ندارد.

۱. تجدیدنظر و آینده‌نگری در پروژه‌های احداث بنا و ساختمان در منطقه مرکزی حرم مقدس مکه و حتی برچیدن برخی از ساختمان‌های موجود (به ویژه آن‌هایی که در حاشیه صحن‌های مسجدالحرام قرار دارند)، تا آنچه در مورد پل جمرات پیش آمد، تکرار نشود.

برچیده شدن تمامی ساختمان‌های متصل به صحن‌های اطراف حرم چندان بعید به نظر نمی‌رسد و امیدواریم در زمانی که فرصت

کافی داریم، چنین امری محقق شود و این بهتر

ص: ۱۴۷

است از آن که وقوع حادثه‌ای ناگوار، ما را به انجام آن وادار کند.

۲. تحقیق و بررسی دقیق در مورد پروژه‌هایی که در اطراف مسجدالحرام در دست مطالعه و اجرا است، با توجه به افزایش مستمر تعداد حجاج و عمره گزاران.

۳. بررسی و توجه کامل به تمامی نقاط مسجدالحرام؛ اعم از مطاف و مقام ابراهیم علیه السلام و مسعی و صفا و مروه و درهای ورود و خروج و چگونگی جابه‌جایی و انتقال حجاج در مشاعر مقدسه، با در نظر گرفتن راهکارهایی برای پیشگیری از حوادث غیرمترقبه.

۴. توجه به آرا و نظریات فقهای مذاهب و در نظر داشتن این نکته که حجاج حاضر در مکه، از جای جای جهان اسلام می‌آیند و هریک از آنان قوانین فقهی خاص خود را پیروی می‌کنند.

۵. توجه به مقوله برنامه‌ریزی و هماهنگی، که مکمل پروژه‌های عمرانی خواهد بود و موجب می‌شود با صرف هزینه و وقت کمتر، نتایج بهتری به دست آید.

ص: ۱۴۹

گفتگو

ویژگی‌های حج ۸۴ در گفت‌وگو با امیر الحاج

: ضمن تشکر و سپاس از حضرت عالی به خاطر شرکت در این گفت‌وگو، خواهشمندیم ارزیابی کلی خود از مراسم شکوهمند حج ۱۳۸۴ ه. ش. را بیان کنید.

آقای ری شهری: حج سال گذشته به دلیل تحولات سیاسی منطقه، انتخابات ریاست جمهوری در ایران، تغییرات ایجاد شده در سطح رهبری برخی کشورهای منطقه؛ از جمله عربستان، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود، که به شکرانه خداوند، خوب برگزار شد. اگر نبود حادثه ناگوار فرور یختن ساختمان در نزدیکی مسجد الحرام، در روز پنجم ذی‌حجه و نیز حادثه تأثر انگیز روز دوازدهم ذی‌حجه در منا، که تلفات زیادی را به همراه داشت، در دیگر زمینه‌ها هیچگونه مشکل جدی نداشتیم و خوشبختانه، حج آرام و بی مشکلی را پشت سر گذاشتیم.

البته در بُعد امنیتی، پیش از سفر نگرانی‌هایی در زمینه تحرکات گروه‌های تندرو و برخی حرکات ایدایی آنان وجود داشت که آن هم به لطف و یاری خداوند، با چاره‌جویی‌ها و پیش‌بینی‌های انجام شده به وسیله بعثه مقام معظم رهبری و نیز سیاست‌های دولت عربستان، تا حدّ زیادی کاهش یافت و مراسم دعای کمیل ایرانیان؛ چه در مدینه قبل و چه در مدینه بعد و همچنین مراسم مهم براءت از مشرکان در

ص: ۱۵۱

صحرای عرفات و دیگر همایش‌ها و گردهمایی‌های بعثه، به خوبی و بی هیچ مشکلی اجرا و برگزار گردید.

: ویژگی‌های حج ۸۴ را بیان فرمایید.

آقای ری شهری: می‌توان گفت حجی که گذشت، دارای پنج ویژگی مهم بود؛ ویژگی‌های سیاسی، فرهنگی، تبلیغی، اطلاع رسانی و اجرایی:

۱- ویژگی‌های سیاسی:

خوشبختانه تحولات جدید در سیاست خارجی ایران و پافشاری بر ادامه تحقیقات هسته‌ای و برخوردار شدن ایران اسلامی از استفاده صلح آمیز هسته‌ای، خوشحالی و سرور خاصی را در مسلمانان جهان به وجود آورده بود که در دیدارها و ملاقات‌های مختلف این جانب و دیگر اعضای محترم بعثه با دیگر مسلمانان، بسیار مشهود بود.

از سوی دیگر، حضور حجاج شیعه عراقی در حج و نیز شیعیان لبنان و پاکستان و افغانستان در این مراسم الهی و سیاسی، موجب گردید تا تحركات برخی از جریان‌های افراطی مخالف، خنثی شود و همسویی آنان با روش‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران پررنگ‌تر و بیشتر گردد. همچنین در حج ۸۴، مراسم براءت از مشرکان بهتر از سال پیش برگزار شد و برای نخستین بار به‌طور مستقیم از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید و شبکه العالم نیز آن را به زبان عربی برای مخاطبان خود پخش کرد. پیام مقام معظم رهبری به مسلمانان نیز به ۱۴ زبان ترجمه و نشر یافت.

۲- ویژگی‌های فرهنگی

در حجی که گذشت، جلسات عمومی بعثه تقریباً همه روزه و در منا هر شب برگزار گردید و در آن، سخنرانان و شخصیت‌های علمی و روحانی برای مردم به ایراد سخن می‌پرداختند. این مراسم که همراه با مرثیه‌سرایی برای اهل بیت عصمت و طهارت بود، با استقبال گرم زائران روبه‌رو گردید. علاوه بر آن، تعدادی از سخنرانان نیز به مجتمع‌های مسکونی محل استقرار زائران ایرانی اعزام می‌شدند که هر چند کاروان در

ص: ۱۵۲

یکجا تجمع کرده، از سخنرانان بهره می‌گرفتند.

تشکیل شوراهای فرهنگی و گروه‌های ارشاد در کاروان‌ها، حرکت مثبت و رو به رشدی داشت که با برنامه‌ریزی‌های انجام شده، در گسترش فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی و پرکردن اوقات فراغت زائران بسیار مؤثر بود. رویکرد زائران به قرائت و ختم قرآن، ختم صلوات، برگزاری مسابقات فرهنگی و مانند آن، در بهبود رفتار مذهبی زائران، نقش بسزایی داشت.

روند بهسازی آموزش روحانیون و جذب خانم‌های معین برای تغذیه معنوی بانوان نیز در حج گذشته همچنان ادامه یافت.

۳- ویژگی‌های تبلیغی

در حج ۸۴، هفت همایش بین‌المللی، با موضوعات «زن و خانواده»، «تقریب»، «قدس»، «اهل بیت»، «فرهنگیان»، «عالمان شیعه» و ایرانیان خارج از کشور و ۵ همایش داخلی مانند همایش «روحانیان»، «گردهمایی ارشاد» و مانند آن داشتیم که بیشترین محور مباحث این همایش‌ها موضوع «پیوند قرآن و عترت» بود و در زمینه‌های تبلیغی تأثیر بسزایی داشت.

۴- ویژگی‌های خبر و اطلاع‌رسانی

گروه‌های اعزامی صدا و سیما تلاش‌های خوبی را در زمینه اطلاع‌رسانی داشتند و ۲۱۴ مورد گزارش مکتوب، ۴۷۲۱ دقیقه گزارش صوتی و ۲۰۶۴ دقیقه گزارشی تصویری به ایران فرستادند. مراسم براءت را به‌طور زنده از شبکه‌های اول سیما، شبکه تلویزیونی اینترنتی لیبک، شبکه خبر، العالم و سحر برای سراسر جهان پخش کردند.

نشریه زائر با مدیریت جدید، اقدام به نشر روزانه زائر، به مدت ۴۵ روز نمود و علاوه بر آن، برای نخستین بار نشریه صفا (ویژه روحانیون) و مروه (ویژه بانوان) و دلیل کاروان (ویژه مدیران کاروان‌ها) به صورت نوبتی و هر چند روز یک‌بار منتشر شد.

پایگاه‌های اینترنتی بعثه و سازمان حج در بخش اطلاع‌رسانی، فعالیت‌های خوبی داشتند. پایگاه Hajj.ir، و نیز Al-hajj.com و Iranhadj.org نزدیک به ۱۲۴ هزار مراجعه‌کننده در موسم داشت.

امور خبری بعثه و مؤسسه علمی-فرهنگی مشعر، ضمن ضبط برنامه‌ها و پخش

ص: ۱۵۳

وسعی از فعالیت‌های بعثه را به دستگاه‌های اطلاع رسانی داخلی و خارجی منعکس می‌کردند.

۵- ویژگی‌های اجرایی

در زمینه‌های اجرایی و مسائلی مانند مسکن، حمل و نقل و نیز بهداشت و درمان، بحمدالله کارها روان‌تر پیش می‌رفت و نسبت به گذشته از بهبود نسبی برخوردار بود.

مشکلاتی که در زمینه حمل و نقل درون شهری در سال گذشته در مکه داشتیم امسال بسیار کمتر شده بود. در مدینه هم که بسیار روان و بدون مشکل بود، حمل و نقل ایام تشریق نیز بهبود نسبی یافته بود و ما امیدواریم در سال آینده بتوانیم با همکاری دولت عربستان، از روشی که برای زائران اندونزی اجرا می‌شود بهره بگیریم تا زائران زودتر به مشعر برسند.

طرح پخت متمرکز در حج گذشته گسترده‌تر شد در مدینه تمامی کاروان‌ها تحت پوشش قرار گرفتند و در مکه نیز به حدود ۶۳٪ یعنی دو برابر سال قبل از آن توسعه یافت.

۷۸٪ از زائران ایرانی در مدینه، در منطقه مرکزی اسکان یافتند که ۱۳٪ نسبت به سال گذشته افزایش یافت و امیدواریم در سال آینده بیشتر هم بشود.

طرح قربانی نیز بحمدالله به گونه‌ای برگزار گردید که حدود ۷۵٪ زائران در روز دهم (عید قربان) و بقیه در روز یازدهم قربانی کردند و ۱۰۸ ذابح ایرانی نیز انجام ذبح را به عهده داشتند که بخشی از گوشت‌ها نیز پس از حج برای لبنان ارسال می‌شود. بنابر این می‌توان گفت با ویژگی‌های ذکر شده، حج سال ۸۴ یکی از بهترین مراسم حج ایرانیان در مدت تصدی سرپرستی حجاج توسط اینجانب بود.

وضعیت ترکیب سنی و تحصیلی زائران حج تمتع در سال ۸۴ چگونه بود و چه تفاوت‌هایی با آن سال داشت؟

آقای ری شهری: طبق آماری که عربستان اعلام کرد، در حج سال ۸۴، حدود ۵۹۴، ۱۳۰، ۲ نفر به حج مشرف شده بودند و از این تعداد، حدود ۴۷، ۵۷۳ نفر از داخل عربستان و نزدیک به ۱۵۵۷۴۴۷ نفر نیز حجاج سایر کشورها را تشکیل می‌دادند و از میان آنان،

ص: ۱۵۴

حدود ۸۹۵۴۸ نفر زائر و حدود ۶۲۶۷ نفر مجموعه عوامل خدماتی را تشکیل می‌دادند؛ اعم از مدیر، روحانی، خدمه کاروان‌ها، اعضای بعثه و ستاد، گروه خبری صدا و سیما، هیأت پزشکی، قاریان قرآن، هواپیمایی، افراد تحت پوشش طرح قربانی و نیز آشپزخانه‌های پخت متمرکز.

حدود ۱۵۰۰ نفر نیز خارج از تشکیلات حج و زیارت، با عناوین: بازرگان، کارکنان نمایشگاه‌ها و مانند آن بودند که خودشان به‌طور مستقیم از عربستان ویزا گرفته و به حج مشرف شده بودند.

از مجموع زائران ایرانی ۸/۴۹٪ را مردان و ۲/۵۰٪ را زنان تشکیل می‌دادند. گفتنی است، در سال ۸۴ حدود ۲۰۰۰ نفر به تعداد زائران حج تمتع افزوده شده بود، اما از نظر ترکیب سنی و تحصیلی تفاوت و تغییر قابل توجهی دیده نمی‌شد.

گروه سنی سال ۸۳ سال ۸۴

تا ۲۰ سال ۱۳۲ ۱۵۱

از ۲۱ تا ۳۰ ۱۶۴۹ ۱۸۰۲

از ۳۱ تا ۴۰ ۱۱۸۹۱ ۱۱۷۰۱

از ۴۱ تا ۵۰ ۲۶۵۷۹ ۲۶۹۵۳

از ۵۱ تا ۶۰ ۱۳۰۳۷ ۲۴۵۳۱

از ۶۱ تا ۷۰ ۱۵۸۸۹ ۱۵۹۳۴

بالای ۷۰ سال ۸۵۲۳ ۸۴۷۰

جمع کل ۸۷۶۹۰ ۸۹۵۴۱

: جناب عالی دیدارهای زیادی با رؤسای بعثه‌های کشورهای مختلف داشتید، این دیدارها را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه نتایجی دربرداشته است؟

آقای ری شهری: با مسئولان ۱۱ بعثه و نیز هیأت‌های گوناگون از مسلمانان کشورهای مختلف دیدار داشتم. این دیدارها چه در سال گذشته و چه در سال‌های پیش از آن، مفید و سودمند بوده است. پیوند دولت و ملت ما را با دیگر مسلمانان مستحکم‌تر

ص: ۱۵۵

می‌کند. از دیدگاه‌های همدیگر آگاه شده، تبادل نظرهایی با هم می‌کنیم.

در ملاقات‌ها؛ چه رؤسای بعثه‌ها و چه دیگر زائران، بیشتر از مواضع ضدّ امپریالیستی و ضدّ صهیونیستی اخیر رییس جمهور کشورمان اظهار خوشحالی می‌کردند. برخی‌ها می‌گفتند: پیش‌بینی‌های حضرت امام خمینی قدس سره در باره شوروی سابق و فروپاشی کمونیزم و نیز سقوط صدام کاملاً تحقّق یافت و اظهار امیدواری می‌کردند که این وضعیت در مورد آمریکا نیز تحقّق یابد و این حکومت فاسد نیز در سراشیبی سقوط قرار گیرد.

در حجّ گذشته، نسبت به سال‌های پیش از آن، نکاتی برجسته‌تر می‌نمود، و آن این‌که در مراجعاتی که افراد و گروه‌ها به بعثه داشتند، بیشتر در باره مهدویت و آینده بشر می‌پرسیدند. پرسش‌هایی نیز در مورد تشیع و عقاید شیعه داشتند و مطالبی در باره فقدان رهبری در جهان اسلام می‌گفتند و اظهار می‌کردند که ایران باید برای هماهنگ کردن جهان اسلام دقیق و با تدبیر برنامه‌ریزی کند و ... این‌ها نکات مثبتی بود که در دیدارها مطرح می‌شد. البته در مورد برخی رفتارها هم، که در جوامع شیعی، از بعضی سر می‌زند؛ مانند قمه زنی، اظهارات منتقدانه‌ای داشتند. در باره شبهات دینی و تفاوت‌های عقاید شیعی و سنی و برخی اعتقادات پیروان اهل بیت علیهم السلام پرسش‌هایی

ص: ۱۵۶

مطرح می‌شد و این گوشزد و هشدار است به مراکز علمی و پژوهشی کشور، به‌ویژه اصحاب رسانه و صدا و سیما که باید در این رابطه گام‌های مؤثرتری بردارند و نه تنها زبان فارسی، که به زبان‌های مختلف این مسائل را به گوش دیگر مسلمانان برسانند. به نظر می‌رسد؛ چه در مجله «میقات الحج» و چه از طریق سایت و نیز از طرق دیگر، باید این اطلاع رسانی انجام گیرد.

در رابطه با جایگاه و مصادیق اهل بیت علیهم السلام نیز پرسش‌هایی می‌شد. جایگاه زنان، انرژی هسته‌ای، اقلیت‌های مذهبی در ایران و ... نیز از مسائلی بود که در باره آن‌ها هم می‌پرسیدند. در زمینه شبهات و نیز مسائل سیاسی و فرهنگی باید گام‌های بلندتری برداشته شود و در جهت اطلاع رسانی و روشنگری اذهان مسلمانان تلاش بیشتری صورت گیرد.

: بعثه مقام معظم رهبری، همایش‌های مختلفی در موسم حج برگزار می‌کند، برگزاری این همایش‌ها تا چه حد ضرورت دارد و تاکنون چه دست‌آوردهایی داشته است؟

آقای ری شهری: پیش از این، نام همایش‌هایی را که در حج گذشته داشتیم ذکر کرده‌ام، تنها همایشی که در حج ۸۴ برای نخستین بار برگزار شد، همایش عالمان شیعه بود که به نظر رسید کاری لازم و ضروری و از این طریق، می‌توان با مشکلات آن‌ها در دیگر کشورها آشنا شد و برای حل مشکلاتشان و انتقال پیام مقدس جمهوری اسلام به آنان اقدام کرد.

معلوم است که در مورد لزوم همایش‌ها و دستاوردهای آن، نباید اغراق شود و بگوییم که دستاوردهای بسیار بالایی دارد، چنین ادعایی هم نداریم، لیکن معتقدیم با توجه به این که علمای جهان اسلام در موسم حج حضور پررنگی دارند و در این همایش‌ها هم به صورت فعال شرکت می‌کنند، پیام این همایش‌ها هم در شعاع قابل توجهی است و دستاوردهای خوبی به دنبال داشته و دارد؛ مثلاً همین که ما بتوانیم در کنار خانه خدا همایش قدس برگزار کنیم و پیام مظلومیت مردم فلسطین را به گوش جهان اسلام برسانیم، خود دستاورد مهمی است. هر چند کار پژوهشی گسترده‌ای در

ص: ۱۵۷

این باره لازم است که هنوز صورت نگرفته است.

همچنین مسأله تقریب مذاهب اسلامی و حضور عالمان شیعی و سنی و تجمع آنها در کنار خانه خدا، کاری تبلیغی ارزشمند است که در برابر توطئه‌های تفرقه‌انگیز انجام می‌شود.

هر چند ما معتقد نیستیم که این همایش‌ها می‌تواند تفرقه‌ها را برطرف کند، اما دست کم گامی است در راه نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر.

دیگر همایش‌ها نیز در شعاع تلاش‌هایی صورت می‌گیرد و افراد حاضر در آنها، دستاوردهای تبلیغی خوبی، هم برای اهداف همایش‌ها و هم برای جمهوری اسلامی دارد.

: برگزاری مراسم دعای کمیل و نیز برائت از مشرکان چگونه بود و ارزیابی جناب‌عالی از آن چیست؟

آقای ری‌شهری: مراسم دعای کمیل به خوبی و بدون مشکل برگزار شد، هر چند مقامات امنیتی عربستان در مذاکراتی که با مسؤولان حج و زیارت داشتند، موافقت کتبی نکرده و نگران بودند که برخی گروه‌های تندرو، که با عربستان هم مشکل دارند، کارهای ایذایی انجام دهند، لیکن با توجه به تأکید جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری نسبت به این موضوع، ما به آنان اهمیت موضوع را منتقل کردیم که بالاخره به صورت شفاهی موافقت کردند دو جلسه دعای کمیل در مدینه قبل و دو دعای کمیل نیز در مدینه بعد برگزار کنیم و انصافاً هم همکاری خوبی کردند.

در مورد مراسم برائت نیز، به دلیل پخش مستقیم مراسم، برجستگی خاصی نسبت به سال‌های قبل پیدا کرد.

: حرکت‌های ایذایی و فعالیت‌های تبلیغی و هائیان در سال جاری چگونه بود و ارزیابی شما از آن، چیست؟

آقای ری‌شهری: متأسفانه در سال‌های اخیر حرکت‌های ایذایی و هائیان و گروه‌های تندرو سلفی، نسبت به گذشته بیشتر شده است. هر چه ارتباط دو کشور ایران و عربستان بیشتر می‌شود، این حرکت‌های ایذایی شدت می‌یابد؛ چرا که جریان وهابیت و سلفی‌گری

در

ص: ۱۵۸

جهان و نیز در کشور عربستان، به دلیل انحرافات عقیدتی و عملی که با ریختن خون بی‌گناهان و انفجار و کشتار مسلمانان همراه بوده، به شدت در حال انزوا قرار گرفته است. از این رو نسبت به روحانیان و زائران ما این حرکت‌ها تا حدودی تشدید شده است. البته ما نیز چه از طریق بعثه و سازمان و چه از طریق وزارت امور خارجه و سفارت ایران در عربستان، اعتراض خود را به مسئولان مربوطه در کشور میزبان منتقل کرده‌ایم.

آن‌ها نیز در مذاکره می‌گفتند که ما هم با این گروه‌ها مشکل داریم. در مواردی هم برخورد داشته‌اند، لیکن ما انتظار داریم برخورد جدی‌تری با آن‌ها صورت بگیرد تا مسلمانان در حرمین شریفین با امنیت بیشتری بتوانند مناسک حج و اعمال و عبادات خود را انجام دهند.

البته ما می‌توانیم با این افراد برخورد کنیم، لیکن احساس می‌کنیم برخورد فیزیکی با آنان، نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه مشکلات جدیدتری را به وجود خواهد آورد که به مصلحت اسلام و دو کشور نیست؛ زیرا ما در حج به دنبال وحدت هستیم و نباید کارهایی که موجب تفرقه می‌شود، صورت بگیرد، لذا ما پیشنهاد کردیم اولاً: افراد تندرو و متعصب را در بقیع و مسجد النبی نگذارند و ثانیاً: مأمورانی را در آنجا داشته باشند تا با کسانی که با زائران رفتارهای نامناسب دارند برخورد کرده، مشکل را همانجا حل کنند.

البته زائران ما نیز باید از کارهایی که به این حساسیت‌ها دامن می‌زند و یا آن‌ها را تشدید می‌کند خودداری کنند.

: با توجه به انتخاب شعار «پیوند قرآن و عترت» در حج سال ۸۴، اکنون ارزیابی جناب عالی از میزان تحقق اهداف آن، چیست؟
آقای ری شهری: هر چند تلاش‌های خوبی برای محور قرار گرفتن موضوع «پیوند قرآن و عترت» صورت گرفته لیکن ارزیابی بنده این است که ما در تحقق اهداف چندان موفق نبوده‌ایم. این عدم موفقیت شاید از آن‌رو است که موضوع به گونه‌ای نبود که بتوان مجموعه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی را حول محور آن قرار داد و یا تلاش لازم

ص: ۱۵۹

صورت نگرفت. به هر حال، موفقیت در این زمینه نسبی بوده است. البته تجربه‌ای بود برای سال جاری که از سوی مقام معظم رهبری، سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اعلام شده و ما موضوع حرکت فرهنگی و تبلیغی سال جاری را «سیره اخلاقی و عملی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله» انتخاب کرده‌ایم. پس باید بکوشیم این شعار، پوشش وسیعتری در مجموعه فعالیت‌های بعثه پیدا کند و بحمدالله در این زمینه تلاش‌هایی هم در معاونت آموزش و پژوهش بعثه صورت گرفته است که برنامه‌های در نظر گرفته شده پیاده شود و بتوانیم در تحقق این شعار در حج موفق‌تر باشیم.

: مشکلاتی امسال در آغازین روزهای اعزام زائران به عمره پیش آمد. لطفاً بفرمایید ریشه این مشکلات چه بود و چه گام‌هایی برای حل آن برداشته شده است؟

آقای ری شهری: معمولاً همه ساله در آغاز عملیات عمره با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو هستیم که در روزهای نخست راه‌اندازی عملیات، این مشکلات خود را نشان می‌دهد.

لیکن در سال جاری مقداری بیشتر شد و دلیل آن هم این بود که وزارت حج کشور عربستان، علی‌رغم توافق‌های دو جانبه، که قرار بود کاروان‌های عمره از ۲۵/۱۲/۸۴ به عربستان اعزام شوند، به دلیل مشکلات داخلی خودشان، اعلام کردند که زائران را با دو هفته تأخیر خواهند پذیرفت.

با توجه به هماهنگی‌های به عمل آمده در ثبت نام زائران و برنامه‌ریزی‌های گروهی از زائران که می‌خواستند از تعطیلات نوروز استفاده کنند و به عمره مشرف شوند، طبیعی بود که پس از اعلام این تصمیم مشکلاتی پدید آید. از سوی دیگر ما به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودیم که عدالت رعایت شود و زائران ثبت‌نام شده اعزام شوند و مانند سال‌های گذشته، نباشد که افرادی خاص و برخی مسؤولان کشور بتوانند از این فرصت استفاده کنند. لیکن متأسفانه این پیش‌بینی تحقق نیافت و وزارت حج عربستان اعزام زائران را دو هفته به تأخیر انداخت، اما به تعدادی از مسؤولان و نیز برخی از کسانی که همه ساله از این فرصت استفاده می‌کنند، ویزا دادند و در نتیجه این‌ها به عمره رفتند اما ثبت‌نام کنندگان از رفتن باز ماندند.

ص: ۱۶۰

پس از راه‌اندازی عمره نیز ویزاها منظم نبود و طبق گزارشی که مسؤولان عمره به اینجانب دادند، ویزای حدود ۳۰٪ از زائران با تأخیر می‌آمد، گاهی مثلاً ویزای شوهر آمده، ویزای زن نیامده بود یا تعدادی از یک مجموعه ویزا داشتند و تعدادی دیگر فاقد ویزا بودند و این مسأله، مشکلاتی را هم برای سازمان حج و زیارت و هم برای مردم به وجود آورد که اخیراً سفارت عربستان برای رییس سازمان حج نامه‌ای فرستاده و رسماً این مطلب را پذیرفته است که مشکل از طرف آن‌ها بوده است.

به هر حال این موضوع را ما در شورای عالی حج مطرح خواهیم کرد و خواهیم خواست که وزارت امور خارجه برای سال آینده به‌طور جدی با این مشکل مقابله کند و اگر قرار است کسی در ایام نوروز مشرف شود، حتماً از زائران و مردم ثبت نام کننده باشند، نه از افرادی که به نوعی به مسؤولان و یا سفارت عربستان دسترسی دارند.

: اخیراً حضرت عالی سفری به عتبات عالیات داشتید، ارزیابی شما از وضعیت عراق چیست؟ و برای آینده عراق چه پیش‌بینی‌هایی دارید؟

آقای ری شهری: اوضاع عراق به نظر من قابل پیش‌بینی نیست. شرایط سختی که اشغالگران برای مردم عراق به وجود آورده‌اند، زندگی را بر مردم بسیار سخت کرده است. آن‌ها نه تنها برای رفاه و امنیت مردم کاری صورت ندادند بلکه خود در بی‌نظمی‌ها و ناامنی‌ها دخیل‌اند و با دخالت‌های بی‌جای خود نمی‌گذارند حکومت عراق استقرار یابد و نظم و قانون را حاکم کند، اما علی‌رغم همه این مشکلات، ما امیدواریم که اشغالگران هر چه زودتر عراق را ترک کنند و مردم عراق آینده خوبی داشته باشند.

: زائران ایرانی با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند و برای حل آن‌ها چه اقداماتی صورت داده‌اید؟

آقای ری شهری: گرچه سفر من، یک سفر شخصی و زیارتی بود، لیکن در عین حال مردم مکرراً به اینجانب مراجعه و مشکلات خود را مطرح می‌کردند. زائران در مرز، زیاد معطل می‌شوند. امکانات موجود در مرز مهران پاسخگوی حجم زائران؛ به‌ویژه در روزهای ازدحام نیست. زائران برای رفت و آمد در فاصله میان دو مرز دچار مشکل

ص: ۱۶۱

هستند. زیاد معطل می‌شوند و برخوردهای نامناسب مأموران عراقی، کمبود فضاهای مسقف و سرویس‌های بهداشتی، عدم رعایت بهداشت و نظافت، پایین بودن کیفیت غذا و ارائه نکردن خدمات در زمینه مسکن و ... برخی از مشکلاتی است که زائران با آن روبه‌رو هستند. به همین دلیل بلافاصله پس از مراجعت از عراق، از مسؤولان ذی‌ربط دعوت کرده، جلسه‌ای تشکیل دادیم و مشکلات را با آن‌ها در میان گذاشتیم و تصمیم گرفته شد که:

* ساختمان‌های مناسبی برای اسکان زائران در مرز مهران احداث گردد. اماکن مرزی موجود، به تجهیزات رفاهی لازم مجهز شوند. ایستگاه‌های بازرسی مرزی افزایش یابد. جاده میان دو مرز آسفالت و برای تردد زائران وسیله نقلیه‌ای گذاشته شود.

* با مقامات عراقی در زمینه مشکلات آن‌سوی مرز صحبت شود تا برای حل آن‌ها چاره‌اندیشی به عمل آید.

* در منطقه کوت عراق، که مردم از نبود امکانات گله‌مند بودند، لازم است دولت عراق امکانات بیشتری را فراهم سازد. همچنین با مسؤولان عراقی برای احداث هتل‌های مناسب، جدید و بهداشتی، مذاکره به عمل آید و با سرعت تصمیم‌گیری شود تا در آینده نزدیک، ان‌شاءالله حجم مشکلات کاهش یابد و زائران عزیز عتبات بتوانند با راحتی به این سفر نورانی مشرف شوند.

* مطلب مهم دیگر این که زائران عتبات مقدس نیز باید آموزش ببینند تا با توجه به نبود امنیت در بغداد و کاظمین و سامرا، به این مناطق سفر نکنند و برای خود و دولت جمهوری اسلامی ایران مشکل به وجود نیاورند.

* تصمیم دیگر این بود که مردم را با اهداف و آداب زیارت و رعایت برخی نکات، که می‌تواند در آینده مشکلاتی را در پی داشته باشد، آشنا کنیم.

جلسه اول، بحمدالله نتایج خوبی در پی داشت و امیدواریم با استمرار این گونه جلسات و پی‌گیری‌ها، بتوانیم از حجم مشکلات بکاهیم و زمینه را برای بهره‌برداری هر چه بیشتر زائران فراهم سازیم.

در نجف هم شنیدیم فرودگاهی در حال احداث است که اگر این فرودگاه آماده

ص: ۱۶۲

شود، به یاری خداوند، امکان حمل و نقل هوایی نیز فراهم خواهد شد و کسانی که مایل‌اند با هواپیما به عتبات مشرف شوند، این امکان برایشان فراهم باشد.

: در پایان، بار دیگر از حضرت عالی به خاطر فرصتی که در اختیار ما گذاشتید، تشکر می‌کنیم و اگر مطلبی را لازم می‌دانید بیان فرمایید.

آقای ری شهری: از دست‌اندرکاران فصلنامه وزین و علمی «میقات حج» و همه کسانی که برای اعتلای فرهنگ حج و اطلاع رسانی به زائران و نیز ارتقای سطح معلومات آنان تلاش می‌کنند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و از خداوند می‌خواهم تا شایستگی خدمتگزاری به زائران حرمین شریفین و عتبات عالیات را به همه ما عطا فرماید و زیارت صاحب‌خانه را با تعجیل در فرج ولی الله اعظم - عجل الله فرجه الشریف - نصیب گرداند!

پی‌نوشت‌ها

ص: ۱۶۳

فاطرات

ص: ۱۶۴

هجرت از وادی خود به خدا

علی دارابی

تمامی افعال دینی دارای جوهر و ماهیت‌اند که حقیقت حکم شرعی را تشکیل می‌دهند. رفتارهای عینی، خود به خود ارتباطی با مقوله ارزش‌ها ندارند، بلکه این روح حاکم بر عمل و اندیشه‌ها و انگیزه‌های انسان است که به رفتار و اعمال او معنی و مفهوم می‌بخشد.

انسان‌ها در طول عمر خود بارها و بارها به سیر و سفر می‌روند، اما این سیرها، سیر جغرافیایی و مادی است و گذار از قطعه‌ای از زمین به سرزمین دیگر است. گونه‌ای دیگر از هجرت‌ها وجود دارند که انتقال و گذار مادی و فیزیکی تنها کالبد و جسم آن‌ها را پدید می‌آورد، ولی در بطن و متن آن، مسافر نقشه جغرافیای دیگری را پیش رو دارد؛ نقشه‌ای که در آن خبری از مرزهای سیاسی، دریاها، راه‌ها و کوه‌ها نیست؛ بلکه نقشه‌ای است که در آن مراحل و منازل سیر و سلوک «معنوی» انسان به سوی ابدیت و کمال مطلق ترسیم شده است. سیری از «خود» آغاز و به «خدا» پایان می‌یابد. جالب این‌که برخلاف «هجرت مادی»، هرکسی اهل «هجرت معنوی» نیست. ما به سوی خانه خدا می‌رویم؛ جسممان با پرنده‌ای فلزی و روحمان با پرنده دل.

سفری به سوی نور مطلق و هستی محض؛ سفری که رمز و راز عبورش چیزی

ص: ۱۶۵

جز از خود گسستن و به دوست پیوستن نیست:

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز

خدایا! یاری‌مان کن تا از بند اسارت در نفسانیت خود رها شویم و در آسمان نامتناهی رحمت تو به پرواز درآییم. خدایا! نشانی

خانه‌ات را می‌دانیم، اما «راه» کافی نیست؛ به «راهنما» نیز محتاجیم. این طریق را بدون هدایت و عنایت تو چگونه طی کنیم؟!

طی این مرحله بی‌همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی

نه بال پریدن داریم و نه روش پریدن می‌دانیم. مگر مقتضای لطف بی‌کرانه تو دستگیری از بندگانت نیست؟! پس ما را به طریق

خود هدایت کن و در زمره بندگان حقیقی و مهاجران به‌سوی آستانه‌ات قرار ده. اکنون عزم کرده‌ام که از روزمرگی‌ها و عادات

سخیف دنیوی هجرت نموده، زنجیر تعلقات و دلبستگی‌های خویش را از لذایذ و زینت‌های حقیر دنیا پاره کنم و به دوران اسارت

خود پایان دهم. و این سفر، مقدمه‌ای است برای این «آزادی معنوی».

حج، حدیث «آزادی» و «بندگی» است. «آزادی» از آن‌چه که دون شأن انسانیت انسان و روح الهی اوست و «بندگی» خداوندی که

هرچه هست اوست و هرچه داریم از نعمات و الطاف کریمانه او است.

تا هنگامی که در قفس آهنین تن اسیریم، دیدگانمان به‌روی حقایق هستی بسته است و از عالم به جز ظاهری فریبده درک

نمی‌کنیم. باید از «ماده» گذر کرد و به «معنا» رسید تا حیاطمان رنگ خدا بپذیرد و دیدگانمان نور معنویت بیابد.

«زندگی انسانی» در فعالیت‌های زیستی انسان، همچون تپش قلب و جریان خون و سلسله اعصاب نیست؛ زندگی حقیقت دیگری

است که تنها در سایه «عبودیت» حاصل می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «ما پیامبر را به‌سوی شما فرستادیم تا شما را زنده گرداند»

ص: ۱۶۶

پس معلوم می‌شود که حیاتی فراتر از حیات مادی نیز در میان است که از رهگذر وحی و نبوت حاصل می‌گردد. در نخستین گام، نیت خود را برای خدا خالص می‌کنم و هدف غایی.

خویش را رضای حق تعالی و قرب به سوی او قرار می‌دهم و آرزو دارم که خداوند نیز یاری خود را از من دریغ نکند که: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا

حج از مهم‌ترین عباداتی است که در اسلام تشریح شده و دارای آثار و برکات فراوان و بی‌شماری است. امام صادق علیه السلام فرمود: بدان که خداوند عالم و جوب حج را در میان سایر عمل‌ها به ذات شریف خود نسبت داد و فرمود: وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۱) امام علی علیه السلام در وصیت‌نامه خود به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌فرماید:

«خدا را، خدا را، دربارۀ خانه خدا، تا هستی آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شوت مهلت داده نمی‌شود». (۲) علی علیه السلام در تشریح فلسفه حج می‌فرماید:

«خدا حج خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان خانه‌ای که آن را قبله‌گاه انسان‌ها قرار داده که چونان تشنگان به سوی آن رو می‌آورند و همانند کبوتران به آن پناه می‌برند. خدای سبحان کعبه را مظهر تواضع بندگان در برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد و در میان انسان‌ها، شنوندگانی را برگزید که دعوت او را برای حج اجابت کنند و سخن او را تصدیق نمایند و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند، همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می‌کنند و سوده‌های فراوان در این عبادتگاه و محل تجارت زائران به دست آورند و به سوی وعدگاه آمرزش الهی بشتابند.

خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا و برای پناهندگان، خانه امن و امان داد. ادای حق آن را واجب و حج بیت‌الله الحرام را واجب شمرد و بر همه شما انسان‌ها مقرر داشت که به زیارت آن بروید». (۳) با هدف اشاعه و گسترش فرهنگ حج و نیز مشارکت در توسعه ادبیات زیارت

۱- آل عمران: ۹۷

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۷

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱

ص: ۱۶۷

و ثبت و ضبط وقایع و رخدادها و انتقال آموزه‌هایی به مشتاقان کوی دوست خلاصه و چکیده‌ای از سفرنامه حج تمتع سال ۱۳۸۲ را تقدیم خوانندگان گرامی می‌نمایم. این سفرنامه به صورت خاطرات روزانه تنظیم شده است. امید که مورد قبول قرار گیرد.

یکشنبه ۲۱ / ۱۰ / ۸۲

امروز آخرین روز اقامت ما در تهران است و دیروز آخرین جلسه کاروان بود.

اعضای کاروان ما ۱۴۰ نفر هستند. کاروان شماره ۱۷۷۲۸، مدیر کاروان محمد بایگان که بالغ بر ۱۸ بار مشرف به حج شده است. روحانی کاروان حجة الاسلام علوی حسینی که ۱۶ بار مشرف شده است و روحانی معین، حجة الاسلام جمال الدین سروش که اولین سفر حج تمتع اوست. تمام افکارم معطوف به این سفر است و چند روزی است که در پی مقدمات خداحافظی؛ از جمله حلالیت طلبیدن (۱) از اطرافیان هستم.

پرواز ساعت ۲۳ / ۵ دقیقه و به مقصد مدینه خواهد بود.

چند ساعت قبل از پرواز به اتفاق خانواده عازم فرودگاه شدیم. گذشتن از زیر قرآنی که در دست پسر (حامد) بود و پاشیدن آب به پشت سرم که از جمله سنت‌های معمول ایرانیان برای مسافران است، انجام شد. تشریفات پرواز طی شد و پس از نشستن در هواپیما، دعای سفر را خواندم. با حرکت هواپیما و بلند شدن آن از زمین، فکرم را از خانواده که تا چند لحظه پیش به خود مشغول کرده بود برگرفتم و معطوف به مقصد کردم.

دوشنبه: ۲۲ / ۱۰ / ۸۲

پس از سه ساعت و نیم پرواز، هواپیمایی که بر آن سوار بودیم، ساعت ۲ / ۳۰ به وقت محلی عربستان، در فرودگاه محمد بن عبدالعزیز شهر مدینه به زمین نشست. پس از کنترل گذرنامه‌ها و تکمیل فرم‌هایی که به حجاج داده شده بود، به سوی هتل محل اقامت؛ یعنی هتل ماریوت که از سلسله هتل‌های زنجیره‌ای فرانسوی است، حرکت کردیم. هتل ماریوت در تقاطع ملک فیصل و طریق عمر بن الخطاب واقع شده و دارای ۱۰ طبقه مسکونی، ۵ طبقه آشپزخانه، زیرزمین و تأسیسات است. مسافت هتل تا حرم به صورت پیاده ۱۰ دقیق دقیقه است. پس از مشخص شدن محل

۱- حلالیت خواستن از جمله کارهایی است که قبل از مشرف شدن به خانه خدا باید انجام داد. کسی که به مسلمانی ظلمی کرده باشد، باید از او عذرخواهی کند و دل او را به دست آورد و به اصطلاح حلالیت طلب کند، در غیر این صورت حج او پذیرفته نیست. از دیگر اعمال قبل از حج، تهیه مال حلال، نوشتن وصیت‌نامه، دادن صدقه، خواندن آیه‌الکرسی، دو رکعت نماز، پرداختن خمس، خواندن دعای فرج، خداحافظی با بستگان و ... می‌باشد.

ص: ۱۶۸

اقامت به اتفاق اخوی و همسرش که در این سفر در یک کاروان بودیم، البته چند نفر از بستگان نیز در همین کاروان همراه ما بودند، به حرم رفتیم. نماز صبح را همان‌جا خواندیم. زیارت پیامبر گرامی اسلام و حضرت زهرا علیها السلام را انجام دادیم و برای زیارت ائمه بزرگوار عازم بقیع (۱) شریف شدیم. حج فرصتی است تا انسان رابطه خود را از تمام متعلقاتش قطع و تماماً متوجه حضورش در آن ساحت مقدس سازد. ظهر عازم حرم برای اقامه نماز جماعت شدیم. از امروز قرار بر این است میان ساعت ۴ تا ۵ بعد از ظهر جلسه سخنرانی، مناسک و احکام برگزار شود.

در جلسه امروز، که دوشنبه بود، ذکر قاضی الحاجات (۲) را صد مرتبه گفتیم و به دیگر همراهان نیز سفارش کردم.

سه‌شنبه ۲۳/۲۰/۸۲

همراه برادرم عازم مسجدالنبی شدیم.

ازدحام جمعیت در یک ساعت مانده به اذان صبح به قدری بود که جا به سختی یافت می‌شد. پس از نماز صبح، به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه علیها السلام رفتیم و پس از خواندن نماز زیارت، عازم بقیع شدم. در طی مسیر، صحنه جالبی توجهم را جلب کرد. در بین الحرمین (میان حرم نبوی و بقیع) گروهی از زائران مالزیایی با لباس متحدالشکل سبز رنگ حضور داشتند که روحانی‌شان برایشان سخنرانی می‌کرد. او در سخنان خود از ائمه علیهم السلام نام می‌برد و از آنان تجلیل می‌کرد. در این حال زائری ایرانی که احساس خوشحالی به او دست داده بود، به سمت مبلغ مالزیایی رفت و او را در آغوش گرفت و بوسید و مالزیایی‌های حاضر نیز ابراز احساسات کردند.

در آستانه ورودی بقیع، زیارت ائمه و در کنار قبور مطهر امامان معصوم علیهم السلام زیارت‌نامه خواندم. به تازگی حفاظی نرده‌ای جلوی قبور ائمه گذاشته‌اند تا میان زائران و قبور مطهر حایل شود؛ قبوری که هشتاد سال پیش، گنبد و بارگاه داشت، اکنون توسط وهابیان (۳) تخریب شده است.

سر و صدای زیاد مأموران، مزاحمت‌هایی را برای زائران بقیع ایجاد کرده است.

پس از خواندن نماز ظهر و عصر، فرصتی پیش آمد تا به نیابت هر یک از بستگان، دو رکعت نماز بخوانم. همچنین موفق شدم جزء دوم قرآن را، که از دیروز آغاز کرده‌ام، تلاوت کنم. جلسات آموزش احکام به وسیله حجت‌الاسلام سروش

۱- بقیع، گورستان مدینه منوره است که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله بسیاری از صحابه و پس از رحلت ایشان چهارتن از امامان معصوم علیهم السلام و نیز تعدادی از بزرگان تابعین و سادات اهل بیت عصمت و طهارت در آن‌جا به خاک سپرده شده‌اند. برخی دفن‌شدگان در بقیع عبارت‌اند از: امام حسن بن علی علیه السلام، امام زین‌العابدین علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی علیه السلام، فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زینب، ام‌کلثوم، رقیه، ابراهیم، همسران پیامبر اسلام، زینب بنت جحش، ماریه قبطیه، زینب بنت خزیمه، عایشه دختر ابوبکر، حفصه، ام‌حبیبه، صفیه، سوده، ریحانه بنت زید، جویریة بنت حارث، عقیل بن ابی طالب، عبدالله بن جعفر، محمد بن علی معروف به ابن حنفیه، ابوسفیان بن حارث و ...

۲- اذکار هفته عبارت از: شنبه «يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»، یکشنبه «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، دوشنبه «يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ»، سه‌شنبه «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»، چهارشنبه «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ»، پنجشنبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» و روز جمعه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

۳- به باور وهابی‌ها، شفیع قرار دادن پیامبر در پیشگاه خدا و توسل جستن به آن حضرت، شرک است کفر. وهابی‌ها در سال ۱۳۴۴ ه. ق. در حمله به برخی شهرهای عربستان قبور پیشوایان و ائمه را تخریب و با خاک یکسان کردند و زمانی که به مکه وارد شدند، گنبد‌های متعلق به عبدالمطلب، جد پیامبر و ابو طالب عموی آن حضرت و خدیجه همسر آن بزرگوار و همچنین محل تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام را ویران کردند. سپس به مدینه یورش برده، در هشتم شوال ۱۳۴۴ ه. ق. گنبد و بارگاه ائمه علیهم السلام را در داخل بقیع منهدم کردند و دیوارها و صندوق و ضریحی را که در روی این قبور شریف بود از میان بردند. از این قبور، به جز قطعه سنگ‌هایی که در اطراف قبور نصب شده، اثر و علامتی باقی نماند. تنها حرم پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت ترس از اعتراض مسلمانان جهان، از تعرض و تخریب مصون ماند. برای آگاهی بیشتر نک: تاریخ حرم ائمه بقیع، محمد صادق نجمی.

ص: ۱۶۹

برگزار می‌شود. او می‌گوید: چهار بنا قصرهای بهشتی هستند؛ مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی و مسجد کوفه.

میان رکن یمانی و حجرالأسود ۷۰ تن از انبیای الهی مدفون‌اند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرمایند: «بهترین آب در روی زمین، آب زمزم است» زمانی که پیامبر در مدینه بودند، آب زمزم را به‌عنوان هدیه می‌پذیرفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من هیچ‌گاه به رکن یمانی نرسیدم مگر آن که جبرئیل را در آن‌جا دیدم. برای کسانی که طواف می‌کنند، ۶۰ ثواب و رحمت و برای کسانی که نماز می‌خوانند ۴۰ ثواب و برای آنان که به کعبه می‌نگرند ۲۰ ثواب.»

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «کسی که نگاه به کعبه کند، پیوسته یک حسنه برای او می‌نویسند و یک سیئه و گناه از پرونده‌اش پاک می‌کنند، تا آن‌گاه که چشم از کعبه بردارد.»

جلسه که به پایان رسید، عازم حرم شدیم. پس از نماز و زیارت، برادرم را به ایوان صفه و محراب تهجد حضرت زهرا علیها السلام، که پشت منزل آن بانوی بزرگ واقع شده است، بردم و برایش توضیحاتی دادم. در هر یک از مواقع، دو رکعت نماز برای پدر و مادرم و دو رکعت برای همسر و فرزندانم خواندم.

روزنامه عرب‌نیوز را هر روز در اتاق‌ها توزیع می‌کنند. آن روز صحنه‌ای از تحصن برخی از نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی را چاپ کرده بود.

همچنین تلویزیون ایران (شبکه خبر و جام‌جم) هم در عربستان قابل دیدن است.

وقتی اخبار آن روز را از طریق آن روزنامه عربی و تلویزیون خودمان دنبال می‌کردم از تصویرهایی که ممکن بود برای غیر ایرانیان درباره وضعیت ایران پیش آید، خجالت زده و شرمنده می‌شدم.

ص: ۱۷۰

چهارشنبه ۲۴ / ۱۰ / ۸۲

امروز سومین روز حضورمان در مدینه منوره است. جلسات مرسوم روزانه، ساعت چهار بعد از ظهر آغاز می‌شود و حجه الاسلام علوی حسینی، روحانی کاروان، در حال تشریح مناسک حج است.

بحث این روز او در باره نیت، طهارت و پاک بودن از حدث اصغر است (که لازمه آن داشتن وضو است) و حدث اکبر (که لازمه اش غسل کردن است). پاک بودن لباس احرام و بدن و ستر عورت را از جمله شرایط اولیه طواف دانست و رعایت موارد زیر را از واجبات طواف برشمرد:

اول: آغاز طواف از حجرالأسود و پایان آن در حجرالأسود.

دوم: رعایت حد فاصله میان مطاف (کعبه و مقام ابراهیم).

سوم: هفت شوط (دور) کامل.

چهارم: به طرف کعبه بودن شانه چپ.

پنجم: فاصله گرفتن از شاذروان.

ششم: داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.

امروزمان هم، چون روزهای گذشته، به نماز، زیارت و قرائت قرآن گذشت. شب برای آزمون حمد و سوره نزد آقای علوی، روحانی کاروان رفتیم که پس از قرائت حمد و سوره تشویق کرده، سؤالاتی نیز در خصوص خمس و ... پرسید که پاسخ دادم.

پنج‌شنبه ۲۵ / ۱۰ / ۸۲

طبق روال چند روز گذشته، نماز صبح را در حرم می‌خوانم و سپس برای زیارت به بقیع می‌روم. ازدحام جمعیت روزبه‌روز بیشتر می‌شود. تعداد زائران ترکیه، پاکستان، بنگلادش، مالزی، هندی، اندونزی، کشورهای عربی و ... هر روز بیشتر می‌شود.

در بقیع ده‌ها تن از صحابه (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله دفن شده‌اند. فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی علیه السلام که مادر دوم پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به حساب می‌آمد. او از نخستین زنانی بود که اسلام آورد. فاطمه بنت اسد در سال سوم هجرت از دنیا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله لباس خود را به تن او کرد و فرمود: بعد از ابوطالب، برای من هیچ کس مهربان‌تر از او نبود! همچنین فرمود: من لباسم را بر تن او کردم که از زیباترین زینت‌های بهشتی باشد.

بی‌شک زیارت قبور ائمه در بقیع و قبر ابراهیم، فرزند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قبور مطهر دیگری که صاحبان هر کدام از آن قبور بخشی از تاریخ پر فراز و فرود اسلام را رقم زده، خالی از لطف نیست. حضور ۹۴ هزار زائر ایرانی در مراسم حج باعث شده است

۱- برخی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله که در بقیع مدفون شده‌اند، عبارت‌اند از:

- عثمان بن مظعون؛ صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله سیزدهمین کسی که به آن حضرت ایمان آورد. او دو بار به حبشه هجرت کرد. در جنگ بدر شرکت داشت و در سال دوم هجری درگذشت. عثمان بن مظعون نخستین مهاجری است که در مدینه درگذشت و در بقیع دفن شد.

- اسعد بن زراره؛ از بیعت‌کنندگان با پیامبر در عقبه و نخستین کسی که به دستور آن حضرت نماز جمعه را در مدینه اقامه کرد.

- خنیس بن حذافه سهمی؛ از هجرت‌کنندگان به حبشه و از نخستین اسلام‌آوردگان بود و بر اثر زخمی که در جنگ بدر داشت،

سرانجام به شهادت رسید.

- سعد بن معاذ؛ از قبیله اوس و از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله که در جنگ بدر پرچم دار اسلام بود.

- عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، مقداد بن اسود، ارقم بن ابی ارقم و ...

ص: ۱۷۱

که هیچ‌گاه اطراف بقیع خلوت نباشد و همیشه دلسوختگان شیعی، پرواز وار بر گرد آن مکان مقدس در چرخش باشند. پس از نماز مغرب و عشا، فرصتی دست داد تا برای همراهان توضیحاتی در باب مسجدالنبی ارائه کنم. مسجدالنبی که مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله است، در قسمت شرقی مدینه بنا شده و پس از مسجدالحرام، مشهورترین مسجد در تاریخ اسلام است. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه رسید، در خانه ابو ایوب انصاری منزل گزید؛ جایی که شتر وی آن‌جا خوابید. زمین مسجدالنبی، از آن دو یتیم بود و در آن‌جا خرما خشک می‌کردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را به مبلغ ده دینار از ولی دو طفل خریدند و مسجد را در آن ساختند. مساحت زمین در آن روز حدود ۲۰۷۱ متر مربع بوده است. در ساختن بنای این مسجد، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت داشتند.

ساخت مسجدالنبی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هفت ماه طول کشید. (۱) در داخل مسجدالنبی صفه یا ایوانمانندی وجود دارد که مهاجران اسلام در آن‌جا به سر می‌بردند. این دسته از مسلمانان به اصحاب صفه شناخته می‌شوند. روضه نبوی از دیگر مواقف مسجدالنبی است که در ناحیه جنوب شرقی مسجد؛ یعنی مسافت میان قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و منبر آن حضرت است و طول آن ۲۲ متر و عرض آن ۱۵ متر می‌باشد.

محراب تهجد از دیگر مواقف مسجدالنبی است که جایگاه نماز پیامبر صلی الله علیه و آله است و این محراب در جریان توسعه مسجد در زمان ولید بن عبدالملک اموی، در محل نماز پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته شد. مئذنه بلال مکانی بود که بلال بر آن اذان می‌گفت و هم‌اکنون مؤذن مسجدالنبی بر فراز آن رفته، اذان می‌گوید. مقام جبرئیل محلی است که جبرئیل امین در آنجا به حضور رسول الله مشرف می‌شد. خانه حضرت زهرا علیها السلام که بیشتر در کنار خانه و مسجد پیامبر بود و اکنون در محدوده حرم قرار دارد، ستون‌های مسجد نبوی از دیگر مواردی بود که برای همراهان توضیحاتی در باره آن ارائه کردم. در مسجد نبوی ستون‌هایی است که هر یک نامی مخصوص دارد. هشت ستون از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز باقی است که با رنگ سفید مشخص شده‌اند که عبارت‌اند از:

ستون مخلقه؛ این ستون در جای تنه درخت خرمایی بنا شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام ایراد خطبه بر آن تکیه می‌کرد.

۱- ساختمان حرم نبوی، مدینه منوره، سلمی سمر دملوجی، ترجمه محمدرضا مروارید، تهران، نشر مشعر، چاپ ۱۳۷۷

ص: ۱۷۲

روایت شده که وقتی برای آن حضرت منبری ساختند، از آن ستون ناله‌ای برخاست و به همین دلیل به آن ستون «حنانه» نیز گفته‌اند. ستون توبه؛ آن را ستون ابو لبابه نیز می‌نامند. پس از شکست بنو قریظه، ابو لبابه به خاطر گناهی که مرتکب شد، مورد بی‌توجهی پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران آن حضرت قرار گرفت و سرانجام خود را به ستون مسجد بست تا آن که آیه‌ای در پذیرفته شدن توبه او به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید.

ستون محرس؛ علی علیه السلام در کنار این ستون می‌ایستاد و از رسول خدا محافظت می‌کرد. این ستون به «استوانه علی علیه السلام» نیز مشهور است؛ زیرا جایگاه نماز آن حضرت بوده است.

ستون وفود؛ رسول الله صلی الله علیه و آله هیأت‌های نمایندگی و سیاسی و سران قبایل را در کنار این ستون به حضور می‌پذیرفتند و با آنان دیدار می‌کردند.

ستون سریر؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در کنار این ستون تختی از شاخه‌های خرما می‌گذاشت و شب بر روی آن استراحت می‌کرد. زمانی که مسجدالنبی ساخته شد، سه در برای ورود و خروج مردم ساختند.

برخی از اصحاب نیز در حاشیه مسجد خانه ساخته، دری به درون مسجد باز کردند. در سال سوم هجرت، قبل از غروه احد بود که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله همه درهای خانه‌ها، به جز در خانه علی علیه السلام به مسجد بسته شد. تعداد درهای مسجد در امتداد زمانی تغییراتی یافته است.

مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. باب الرحمه

۲. باب جبرئیل.

۳. باب السلام

۴. باب النساء.

با توسعه‌های اخیر، مسجدالنبی هم‌اکنون دارای هفت در است.

این مسجد ۲۷ صحن دارد، (۱) که دو صحن آن دارای ۱۲ چادر با ارتفاع ۱۴ متر است و هر چادر ۱۰ تن وزن دارد و ۹۰ ثانیه طول می‌کشد که چادرها باز یا بسته شوند. و دارای ۶ ستون است که وزن هر ستون ۱۰ تن می‌باشد. پارکینگ مسجدالنبی تعداد ۴۴۴۴ ماشین را در خود جای می‌دهد و تعداد ستون‌های مسجد ۲۱۰۴ عدد می‌باشد.

گنجایش مسجدالنبی هم‌اکنون بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر و ظرفیت پشت‌بام آن بالغ بر ۹۰ هزار نفر است.

ساعت ۱۰ شب دعای کمیل در بین‌الحرمین برگزار شد. حضور زائران

۱- برای آگاهی بیشتر نک: تعمیر و توسعه مسجد شریف نبوی، نوشته ناجی محمد حسن عبدالقادر الانصاری، ترجمه عبدالحمید

آیتی تهران، مشعر، ۱۳۷۸.

ص: ۱۷۳

ایرانی در این دعا و وجود هزاران پلیس سعودی در صحنه، نمایشی از قدرت شیعه در آن بلاد بود.

جمعه ۲۶ / ۱۰ / ۸۲

صبح زود طبق معمول عازم حرم شدیم، چون فرصت زیادی نداشتیم به بقیع رفتیم و پس از خواندن نماز برای صرف صبحانه و برنامه‌ریزی برای زیارت دوره عازم هتل شدیم.

مکان‌هایی که امروز رفتیم عبارت بودند از: مسجد قبا، (۱) مسجد قبلتین، (۲) احد (۳) و مساجد سبع که در واقع همان محل وقوع جنگ احزاب و یا خندق است.

مساجد هفت‌گانه‌ای که با نام مسجد علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، فتح و ... در آن جا بود، در طرح جدید، در یک مسجد بزرگ در حال طراحی و بازسازی بود.

دو روز دیگر در مدینه هستیم و سپس به سوی مکه حرکت خواهیم کرد. محمد بایگان مدیر کاروان می‌گفت: از ۲۵ ذی‌قعدة تا ۸ ذی‌حجه مدارس مکه و مدینه تعطیل‌اند. ساکنان شهر مدینه در این ایام میزبان حجاج بلاد اسلامی هستند.

برای خرید سوغاتی به مغازه‌های اطراف هتل طیبه رفتیم، در آن جا هزار تومانی‌های ایران به‌وفور در همه مغازه‌ها مبادله می‌شد.

شنبه ۲۷ / ۱۰ / ۸۲

صبح زود عازم حرم شدیم و پس از آن، به زیارت بقیع شریف رفتیم. نیمه‌شب باران آمده و زمین نمناک بود. هر روز از کشورهای مختلف بر تعداد زائران افزوده می‌شود؛ با رنگ، نژاد و ملیت و زبان گوناگون. اما همه این‌ها به یک خدا، کعبه، قرآن و حضرت محمد صلی الله علیه و آله اعتقاد دارند و این عامل وحدت چون چتری فراگیر همه مسلمان‌ها را دربر گرفته است:

- زائران ترکیه با ۱۰۴ هزار نفر، بیشترین تعداد زائر را تشکیل می‌دهند. آنان دارای لباس‌های متحدالشکل کرم و طوسی هستند.

زنانشان با پوشش کامل در حرم و دیگر اماکن حاضر می‌شوند. پرچم کشورشان را بر روی لباس‌های خود دوخته‌اند.

- افغان‌ها با شکل و شمایل خاص خود با لباس‌های افغانی، که معمولاً یک پتوی کوچک بر سر خود انداخته‌اند.

- پاکستانی‌ها نیز همین لباس و قیافه را دارند.

- چینی‌ها با لباس‌های بلند کرم،

۱- قبا دهکده‌ای بوده در دو میلی مدینه، که مقارن هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به این شهر، طایفه بنی عمرو بن عوف در آن سکونت داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ورود به مدینه، با کمک اصحاب و یارانش نخستین مسجد را، که به قبا معروف شد، در همین مکان ساختند. آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى ...» درباره همین مسجد نازل شده است.

۲- این مسجد در فاصله ۳/۵ کیلومتری مسجدالنبی در شمال غربی مدینه واقع است و در ماه شعبان، سال دوم هجرت، هنگامی که پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر را می‌خواندند آیه «فَلَنَوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا ...» نازل شد و آن حضرت برای نماز روی خود را از بیت‌المقدس به طرف کعبه برگرداندند. در این مسجد به یادبود این تغییر، دو محراب به‌سوی قبله نخستین و قبله دوم ساخته بودند که در نوسازی اخیر، آن‌ها را برداشته‌اند.

۳- احد نام مجموعه‌ای از کوه‌های بزرگ و کوچک در شمال مدینه است که حدود ۶۰۰۰ متر طول دارد. در این منطقه مسلمانان با کفار جنگیدند که متأسفانه امروزه به علت گسترش شهر، دشتی که می‌توانست بسیاری از اسناد تاریخی مربوط به تاریخ مدینه و تجاوز قریشیان به مدینه را نشان دهد به مرور زمان، در لابلای ساختمان‌ها به فراموشی سپرده شده است.

ص: ۱۷۴

مشکی و آبی (سه رنگ) مجزا، که مرتب لباس خود را عوض می‌کردند و خیلی با نظم، در حج شرکت کرده بودند.

- آفریقایی‌ها بیشتر بلند قد، تکیده و لاغر، سیه‌چرده و هرچند معدودی از آن‌ها چاق و فربه هستند.

- مالزیایی‌ها آرام و صبور، منظم با قد و قواره کوتاه هستند.

- ایرانی‌ها هم با شکل و شمایل خوب و در کاروان‌های منظم در انظار ظاهر می‌شوند. بانوانشان دارای چادر مشکی به سر می‌کنند

و مردانشان کت و شلوار طوسی و سرمه‌ای می‌پوشند.

هر روز زائران شهر مدینه بیشتر و بیشتر می‌شود؛ از جمله مواردی که امسال نسبت به گذشته چشمگیر است، استفاده از ماسک برای

جلوگیری از سرماخوردگی و استفاده از تلفن همراه است که مزاحمی است جدید برای زیارت و عبادت.

در میان زائران، چهره‌های جوان کمتر دیده می‌شود و بیشتر پیر و سالخورده‌اند.

برخی تفاوت‌ها میان شیعه و سنی، در احکام و مناسک، گروهی از همراهان را؛ به ویژه هنگام خواندن نماز متعجب می‌ساخت، از

این رو، در فرصتی که پیش آمده بود، آن تفاوت‌ها را توضیح دادم.

دوشنبه ۲۹/۱۰/۸۲

امروز آخرین روز حضور ما در مدینه است. طبق معمول روزهای گذشته، صبح زود عازم حرم شدیم. جمعیت به قدری زیاد بود که

نتوانستیم وارد داخل حرم شویم. در روبه‌روی باب جبرئیل نماز خواندیم و بعد برای وداع به بقیع رفتیم. از ساعت ۱۵ شور و

همهمه‌ای در هتل محل اقامت برپا شد.

همه آماده حرکت به مسجد شجره (۱) شده بودند. بسیاری از زنان چادر سفید و مردان حوله احرام که همه سفید یک‌دست بود، بر

تن کرده بودند تا لحظاتی بعد همگی محرم شوند. کاروان ما، که از چند ساعت قبل از اذان حرکت خود را آغاز کرده بود، پس از

چند توقف، در چند ایستگاه ایست و بازرسی پلیس، هنگام اذان مغرب به مسجد شجره رسیدیم.

نماز مغرب و عشا را خواندیم و تلبیه (۲) گفتیم. حال و هوای معنوی خاصی همه را فرا گرفته بود. برخی گریه می‌کردند؛ آری:

«احرام در میقات، نشانگر از بین رفتن مرزها و تشخیص‌ها و داشتن‌ها و نداشتن‌هاست، چرا که لباس تشخیص و تبعیض است. مرز و

تفرقه است و تفاوت آن ظاهر آدم‌ها را متفاوت می‌کند، اما با

۱- مسجد شجره در فاصله حدود یک فرسنگ و نیم از مدینه قرار داشته که اکنون با گسترش شهر، این مسافت کمتر شده است.

چون درخت در کنار مسجد بوده، این مسجد به نام «شجره» معروف گردیده است. اهمیت این مسجد بیشتر در آن است که

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در عمره حدیبیه، عمره القضاء و در حجة الوداع، در آنجا محرم شد. هم‌اکنون حاجیان ایرانی که

پیش از اعمال عمره به مدینه می‌روند، در مسجد شجره احرام می‌بندند.

۲- تلبیه یا همان ذکر «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». این

ذکر یک بار آن واجب و بیش از آن مستحب است. برخی از مراجع و فقها گفته‌اند «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ

لَكَ لَبَّيْكَ» را از باب احتیاط بخواند.

ص: ۱۷۵

احرام این مرز و تبعیض از بین می‌رود. همه یک‌دست سفید می‌پوشند، آن‌هم سفیدی ساده برای مردان حتی بدون دوخت، دو تکه پارچه و برای زنان ساده، بی‌طرح، بی‌رنگ، بی‌هیچ نشانی از تجمل و زر و زیور. عبادتی که بسیاری از علما و نویسندگان به کار برده‌اند و حتی افراد عادی در هنگام محرم شدن از آن یاد کرده‌اند، تعبیر کفن‌پوش شدن با احرام بستن است؛ یعنی لباسی که در هنگام سفر به سوی خدا می‌پوشیم، در آغاز سفر به سوی خانه خدا هم می‌پوشیم. با احرام بستن در محشر انسان‌ها، فرد گم می‌شود. حتی بسیاری از آن‌چه زندگی برای انسان محدودیت‌ها و زرق و برق‌ها را به همراه دارد. با محرم شدن بر خود حرام می‌کنیم هرچه که ما را به یاد خودمان می‌آورد و نشانی از ما به همراه دارد، هرچه که می‌پنداشتیم در زندگی نمی‌توانیم آن را ترک و رها کنیم و هرچه یادگار دنیاست بر خود حرام می‌کنیم؛ مثل نگاه در آئینه و خیلی از روزمرگی و روزمرگی‌ها را از خودمان دور می‌کنیم، لیبک می‌گوییم؛ یعنی به ندای دعوت خدا پاسخ مثبت می‌دهیم. به سوی او، همچون براده‌های آهن، که جذب مغناطیسی قوی می‌شوند، جذب شده و حرکت می‌کنیم ...

به سوی مکه می‌رویم».

فاصله مدینه تا مکه ۴۵۰ کیلومتر است.

حدود ۳:۳۰ دقیقه بامداد به مکه رسیدیم.

مکه - سه‌شنبه ۳۰ / ۱۰ / ۸۲

در قرآن کریم، از مکه به نام‌های زیر یاد شده است: بکه (آل عمران: ۹۶)، ام‌القری (انعام: ۹۲، شوری: ۷۷)، بلد (بلد: ۱)، بلد امین (تین: ۳)، البلده (نمل: ۹۱)، حرم امن (قصص: ۵۷، عنکبوت: ۶۷). مکه ام‌القری و مرکز ظهور دین اسلام است و گذشته از شرافت و قداستی که از آغاز خلقت و به‌خصوص از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام داشت، نخستین آیه‌های قرآن کریم نیز در آن جا بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و نیز آن‌جا زادگان آن حضرت و امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام است. مکه در ارتفاع ۳۳۰ متر از سطح دریا قرار دارد و رشته کوه‌های متعددی آن را فرا گرفته است.

هرچند این شهر از هزاران سال پیش به قداست معروف بوده اما سراسر این تاریخ جز آغاز و آخر آن به درستی روشن نیست. به فرموده قرآن کریم، نخستین کس ابراهیم بود که خانواده خود را در این سرزمین بی‌آب و علف جای داد. با ورود به مکه، دیگر زمزمه و یا فریاد لیبک‌ها قطع

ص: ۱۷۶

می‌شود؛ یعنی دیگر رسیده‌ایم. جالب است که کعبه در مرکز درّه‌ای واقع شده چون شهر مکه، شهری کوهستانی است، ولی کعبه در پایین‌ترین قسمت این شهر کوهستانی یعنی در وسط دره واقع شده، حتی در خود مسجدالحرام، کعبه در پایین‌ترین نقطه آن قرار گرفته و همواره عادت کرده‌ایم که در صعود و حرکت به سوی بلندی، به عظمت برسیم، به‌ویژه آنگاه که عظمت خدایی است، ولی این‌جا به عکس هرچه پایین‌تر می‌رویم و از بلندی فرود می‌آییم به خدا نزدیک‌تر می‌شویم و در مقابل کعبه، که قبله نماز روز و شب ماست و به سوی آن نماز می‌گذاریم، به سوی او می‌میریم و به سوی او دفن می‌شویم و مرگ و حیاتمان رو به اوست، حاضر می‌شویم.

پس از رسیدن به شهر مکه، به محلّ اسکانی که در خیابان ابن قیم، در عزیزیه، در نظر گرفته شده بود، رفتیم، پس از مستقر شدن در اتاقمان، وضو گرفتیم و عازم مسجدالحرام شدیم.

مسجدالحرام همان مسجد پیرامون کعبه است و قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مسجد در تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید.

تاریخ نشان می‌دهد که پس از رحلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، مردم خانه‌های خود را نزدیک به کعبه می‌ساختند، سپس در دوران خلفا از آن جلوگیری کرده و به تدریج بر مساحت مسجد افزودند؛ به شکلی که هم‌اکنون حدود یکصد و هشتاد هزار متر مربع مساحت دارد. شصت و دو در بزرگ و کوچک برای آن ساخته‌اند؛ سه در اصلی و بزرگ آن به نام‌های «باب‌العمره»، «باب‌السلام» و «باب‌ملک‌العزیز» معروف است و بر هر یک دو مناره به ارتفاع ۹۲ متر با قاعده‌ای به ابعاد ۷*۷ متر قرار دارد و بر تارک هر مناره، هلالی به ارتفاع ۵/۶ متر از برنز طلاکاری است. هفتمین مناره مسجد بر در «باب‌الصفاء» است. دو مناره بزرگ نیز که هر یک به ارتفاع ۸۹ متر است وجود دارد و بدین ترتیب، تعداد آن‌ها به نُه عدد رسیده است. مسجد با وسعت فعلی گنجایش حدود ۸۲۰ هزار نمازگزار را دارد. در مسجدالحرام، پس از اقامه نماز صبح اعمال حج را به‌جا آوردیم. نیت، هفت بار طواف کعبه، دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم، هفت بار سعی صفا و مروه و تقصیر از جمله اعمالی بود که به‌جا آوردیم.

گاهی همراه شدن با کاروان، به‌دلیل ازدحام جمعیت، تقریباً غیر ممکن می‌شود.

فشار جمعیت بارها و بارها طواف را با مشکل روبه‌رو می‌کرد. امروز پام به پای

ص: ۱۷۷

زائری از ترکیه خورد و مقداری از آن را کبود کرد. درد پا و رفتن به پیش دکتر بختیاری، پزشک کاروان موجب آشنایی بیشتر بین ما شد. او تخصص بی‌هوشی دارد و این دومین بار است که به‌عنوان پزشک کاروان به حج می‌آید. او می‌گوید از سیاست خوشش می‌آید ولی به‌شدت از ورود به عرصه سیاست برائت می‌جوید و ... دکتر بختیاری که از زاویه نگاه یک پزشک به برخی مسائل حج می‌نگرد، درخصوص وضعیت پزشکی حجاج ایرانی معتقد است که حجاج می‌بایست از مدت‌ها قبل تحت نظر پزشکان قرار گیرند و معاینات دقیقی بر روی آن‌ها انجام گیرد. کاهش و کنترل قند خون و فشار برای آن‌هایی که با این مشکلات روبه‌رو هستند، از ضروریات است و همچنین سرماخوردگی حجاج به‌علت خستگی بیش از حد و مستهلک شدن انرژی‌شان را رایج‌ترین بیماری در حج می‌داند.

چهارشنبه ۱ / ۱۱ / ۸۲

روز نخست بهمن ماه، فکرم بی‌اختیار به ایران کشیده می‌شود و به یاد مبارزات مردم بر ضد رژیم شاه، به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره در انقلاب اسلامی و کلیه شهیدان انقلاب اسلامی افتادم. آشوبی از یادها و خاطرات، ذهنم را درگیر می‌کند. اما برای آن‌که هرچه بیشتر بتوانم از فضای معنوی حج استفاده کنم، سعی می‌کنم که تمام حواس خود را متمرکز این فضا و ساحت بسازم. امشب پس از نماز عشا به بام مسجدالحرام رفتم. از بالای مسجدالحرام چشم‌انداز بسیار زیبایی است. مسجدالحرام دارای ۹ گلدسته است که همگی دوتایی و تنها یکی از آنها، که در سمت حجرالأسود است، تنها است. حجرالأسود که در رکن شرقی است و به ارتفاع تقریبی یک و نیم متر از زمین قرار گرفته، سنگی است سیاه، مایل به سرخی و بیضی شکل، به قطر سی سانتی‌متر، که در آن، نقطه‌های قرمز دیده می‌شود و در پوششی از نقره قرار گرفته است. چاه زمزم، که با بیست پله به زیر زمین می‌رسید، همسطح دیگر جاهای مسجدالحرام شده است و اکنون هیچ اثری از ورودی قبلی به چشم نمی‌خورد. هر یک از مکان‌ها و مقام‌های مسجدالحرام تاریخ خود را دارد. در تاریخ آمده است هنگامی که ابراهیم همسرش هاجر و اسماعیل را به مکه آورد و کنار کعبه

ص: ۱۷۸

سکونت داد، اسماعیل به شدت تشنه شد و مادر به دنبال آب میان صفا و مروه دوید و سرانجام زمزم به امر الهی جوشید. پس از مدتی آثار چاه از میان رفت تا آن که عبدالمطلب بار دیگر آن را حفر کرد و از آن زمان تاکنون حاجیان از این آب بهره‌مند می‌شوند.

پنج‌شنبه: ۸۲/۱۱/۲

حجت‌الاسلام علوی، اعمال اول ذی‌حجه را برای زائرا کاروان بیان کرد؛ روزه گرفتن، خواندن دو رکعت نماز میان مغرب و عشا در این دهه، خواندن دعایی بعد از نماز صبح و پیش از مغرب منسوب به امام صادق علیه السلام و خواندن دعایی که حضرت جبرئیل برای حضرت عیسی علیه السلام هدیه آورد و بالاخره خواندن تهلیلات منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

جمعه ۸۲/۱۱/۳

امروز مصادف با اول ذی‌حجه است.

ازدحام زائران به قدری است که رفت و برگشت به حرم ساعت‌ها طول می‌کشد.

امروز باران رحمت الهی در شهر مکه باریدن گرفت و به قدری بارید که تمامی مسجدالحرام را آب فرا گرفت.

شنبه ۸۲/۱۱/۴

صبح به قبرستان ابوطالب رفتم.

محوطه وسیعی است در کنار پل حجون و اکنون گورستان مردم مکه است. در گذشته به نام «شعب ابی دب» معروف بوده و عبد مناف، عبدالمطلب، ابوطالب، خدیجه کبری علیهم السلام و تعداد زیادی از صحابه، تابعین و علما در آنجا مدفون‌اند. برخی به غلط گمان کرده‌اند که شعب ابی‌طالب این جاست. نام این قبرستان، معلاه است، ولی در میان ایرانیان به قبرستان ابوطالب شهرت دارد. هوای مکه در این ایام از سال، بسیار خوب است؛ تا آنجا که گاهی باید لباس گرم پوشید. پنکه و کولر اتاق ما بیشتر خاموش است. دمای هوای مکه از اردیبهشت تا مهر، ۳۲ تا ۴۰ درجه و از آبان تا فروردین، ۲۸ تا ۳۲ درجه است.

آخر شب به حرم رفتیم و فرصتی دست داد تا به نیابت حضرت امام خمینی قدس سره، مقام معظم رهبری، شهیدان، جانبازان، همه دوستان و همه مرحومان و درگذشتگان طواف انجام دهم و نماز طواف بخوانم. برخی شهیدان چون باکری (مهدی و حمید)، حسین خرازی، تقی رضوی، مهدی عاصی تهرانی، حسین

ص: ۱۷۹

ناجیان، همت، صیاد شیرازی، بهشتی، رجایی، باهنر، ملاآقایی، زین‌الدین و ... از جمله شهیدانی هستند که همواره در خاطر م هستند.

یکشنبه ۸۲/۱۱/۵

برنامه معمول زیارت بود.

دوشنبه ۸۲/۱۱/۶

امشب بر آن شدم تا مقداری که امکان دارد، تصویری از دیدنی‌های مسجدالحرام را بر روی کاغذ بیاورم. اگرچه به هنگام اقامه نماز جماعت در طبقات دوم و سوم جایی برای نشستن نیست. اما اکنون که دو ساعت و نیم از بامداد گذشته، این دو طبقه خالی از زائران است. معدودی از زائران در حال طواف در طبقه دوم هستند. همچنین عده‌ای با ویلچر آمده و در طبقه دوم در حال طواف‌اند. عده‌ای خوابیده‌اند. به نظر برخی از اهل سنت خواب کوتاه، آن هم در صورتی که به پهلو بخوابند مبطل وضو نیست! اما گروه زیادی به گونه‌ای خوابیده‌اند که گویی سال‌هاست در خوابند. حاجیان کشورهای مختلف در طبقه همکف چون پروانه پیرامون کعبه می‌چرخند.

اکنون که سه ساعت از بامداد گذشته، حجر اسماعیل خالی است و هیچ کس در آن نیست. شرطه‌ها (مأموران پلیس) حجر را بسته‌اند تا در آن نظافت آن انجام شود.

حجر اسماعیل میان رکن شامی و عراقی و با دیواره‌ای به صورت نیم‌دایره، به ارتفاع ۱/۳۰ و عرض ۵۰ سانتیمتر قرار دارد. می‌گویند هاجر و اسماعیل و حدود ۷۰ پیامبر در آنجا دفن شده‌اند. گروهی از مأموران نظافت که تعدادشان ۲۰ نفر است و بیشتر اهل افغانستان، مصر، یمن و بنگلادش‌اند، لباس و شلوار آبی به تن دارند و مسئولیت نظافت حرم به‌عهده این‌ها است. طبقه اول حرم مملو از زائران ایرانی است که از ساعت ۱۰-۱۱ شب به حرم می‌آیند و یک یا دو ساعت پس از بامداد حرم را ترک می‌کنند و از این ساعت به بعد زائران کشورهای دیگر می‌آیند. ایرانی‌ها بیشتر در روبه‌روی حجر اسماعیل و رکن یمانی و مقام ابراهیم مستقر می‌شوند و به دعا، نماز و تلاوت قرآن می‌پردازند.

چهار زاویه کعبه را «ارکان کعبه» می‌گویند و هریک نامی خاص دارد. رکن شمالی را «عراقی»، رکن غربی را «شامی»، رکن جنوبی را «یمانی» و رکن شرقی را رکن «اسود» می‌نامند. چون حجرالأسود در این

ص: ۱۸۰

رکن است.

امام صادق علیه السلام درباره رکن یمانی می‌فرمایند: «رکن یمانی دری از درهای بهشت است، از هنگامی که خداوند آن را گشوده، هرگز بسته نشده است.»

مشاهده حجاج پابرنه کشورهای آفریقایی و آسیایی بسیار آزار دهنده است.

آیا برای حج استطاعت مالی کافی است و نیازی به استطاعت فکری و بلوغ فکر نیست؟ (۱) چرا کشورهای مسلمان با بیش از ۵۰ کشور و بیش از ۱/۵ میلیارد جمعیت دنیا و داشتن منابع سرشار طبیعی و خدادادی باید این همه گرسنه باشند؟!

تنها برتری حجاج دیگر کشورها نسبت به جمهوری اسلامی، شاید جوان بودن زائران آنها است. همانگونه که پیشتر اشاره شد، متأسفانه زائران ایرانی بیشتر سالخورده‌اند و جمعیت جوان در میان حجاج ایرانی بسیار کم است. در کنار من زائری از ترکیه نماز را از روی کتاب می‌خواند و حتی برای قرائت ذکر رکوع و سجده از کتاب استفاده می‌کند. عجیب‌تر آن که این زائر در نمازش دوبار به رکوع رفت؟!

ساعت سه و نیم بامداد است و روبه‌روی مقام ابراهیم نشسته‌ام. حضرت حجت‌الاسلام محسن قرائتی در حال خروج از حرم است و زائران بسیاری به وی ابراز علاقه می‌کنند. هر کدام از او مطلبی می‌پرسند. دکتر بختیاری، پزشک کاروان نیز از او پرسیده است: بهترین اعمال در مسجدالحرام چیست؟ و ایشان پاسخ دادند:

«طواف، نماز و بیرون کردن کینه کسانی که از آنها کینه‌ای به دل داریم.»

پایین بودن سطح سواد ایرانیان موجب شده است که کمتر قرآن بخوانند و به‌جای نماز و طواف، بیشتر با همدیگر مشغول صحبت می‌شوند. وصف صحنه‌های

۱- برخی شرایط استطاعت عبارت‌اند از: سلامتی بدن، توانایی مالی، باز بودن راه، کافی بودن وقت و ...

ص: ۱۸۱

مسجدالحرام بسیار کار دشواری است.

جمعی به طواف و جمع زیادی به تماشای کعبه نشسته‌اند. عده‌ای به نماز، گروهی در سعی صفا و مروه، عده‌ای در صف استلام حجرالأسود، عده‌ای مشغول تلاوت قرآن، سالخوردگان و جانبازانی بر روی ویلچر، در طبقه دوم مشغول طواف‌اند. چرا رکن یمانی مرکز تجمع ایرانیان است؟ چرا صدای ناله‌ها در رکن یمانی بلندتر است؟ شاید برای این است که شیعه، شناسنامه و هویت خود را در آن جا می‌یابد و از آن جا، قرن‌ها تاریخ را می‌کاود و به یاد علی علیه السلام، فاطمه بنت اسد و ولادت آن حضرت در ۱۳ رجب در خانه کعبه می‌افتد.

همه در حال قیام و قعود در مسجدالحرام و در گرد خانه کعبه هستند. همه فریاد توحید و برائت از مشرکان را سر می‌دهند. همه آمده‌اند تا در کنگره بزرگ حج، وحدانیت خدا را سردهند. فرق نمی‌کند که ایرانی باشد یا یمنی و سودانی و اندونزیایی و مالزیایی و ترکیه‌ای و افغانستانی و چینی و هندی و پاکستانی و ... همه با نژادها، ملیت‌ها، زبان‌ها و رنگ‌های مختلف یک چیز را می‌گویند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

در کاروان ما مردی است سالخورده اما سرا پا نشاط به نام حاج احمد مداح، که ۲۶ بار به سفر حج مشرف شده است. ۹ بار تمتع و بقیه را عمره. نخستین بار سال ۱۳۴۵ به حج آمده، با سه هزار و پانصد تومان هزینه و به مدت چهل و پنج روز اقامت در سرزمین وحی. از وی پرسیدم از خدا چه خواسته‌ای که ۲۶ بار به حج مشرف شده‌ای؟ گفت: در دعای ماه مبارک رمضان، همواره توفیق آمدن به این سفر را از خدا خواسته‌ام و همچنین میان مقام و کعبه این خواسته را همیشه با خدا در میان گذاشته‌ام. امروز صبح، با همراهان برای جمع آوری سنگ‌ریزه به اطراف محل سکونتمان رفتیم. قرار است فردا عازم عرفات شویم. عرفات، صحرائی است در شرق مکه در فاصله بیست و یک کیلومتری، بر سر راه طائف. گفته‌اند در آن جا آدم و حوا با هم آشنا شدند. در شمال این سرزمین کوهی است که آن را «جبل‌الرحمه» یا «جبل عرفات» می‌نامند. صحرای عرفات در این سال‌ها درختکاری شده و هر حاجی باید از ظهر روز نهم ذی‌حجه تا غروب شرعی آن روز، در این صحرا به قصد قربت وقوف کند.

ص: ۱۸۲

جمعه ۱۰/۱۱/۸۲: کوچ به عرفات

امروز مصادف با نهم ذی حجه ۱۴۲۴ هجری قمری است. اکنون ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه صبح به وقت مکه است. تا چند ساعت دیگر باید عازم عرفات شویم ...

حدود ساعت ۱۵/۳۰ سوار بر ماشین‌ها شدیم و محل اسکان را که در خیابان ابن قیم شمالی بود، به مقصد عرفات ترک کردیم. ساعت ۱۶/۳۰ دقیقه به عرفات رسیدیم. در بدو ورودمان، برخی به کوه جبل‌الرحمه، که چادر ما در جوار آن بود، رفتند و برخی به استراحت پرداختند.

روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه حَجَّة‌الوداع را بر فراز این کوه ایراد کرد. آسمان نیمه ابری است و گرمای آن قابل تحمل است.

مسیر نسبت به سال‌های گذشته بسیار خلوت بود. مسیری که سال‌های گذشته ۴ تا ۵ ساعت طول می‌کشید را در نیم ساعت آمدیم. هنوز بسیاری از چادرها خالی است و حجاج نیامده‌اند.

واقعاً درک شب عرفات چه دل‌انگیز است. نماز مغرب و عشا را در چادر اقامه کردیم، سپس دعای سمات و دعای شب عرفه را خواندیم. بعد از صرف شام که مقداری خوراک لوییا و مرغ بود، برخی به استراحت پرداختند و برخی مناجات و راز و نیاز کردند. من نیز سجاده و کتاب دعا را برداشته، خود را در دل جمعیت، برای پیدا کردن جای مناسب، برای راز و نیاز گم کردم. هر کاران که به عرفات می‌رسید، برنامه‌ای داشت و گویی پس از مدت‌ها می‌خواستند بغض فروخته خود را بیرون بزنند که توسل و گریستن بر امام حسین علیه السلام اوج بغض شیعه است. هر کسی به صورت فردی و یا در گروه‌های دسته‌جمعی در حال مناجات، راز و نیاز و زمزمه با خدای خود بود. همه زائران با لباس سفید و یکپارچه. منظره دل‌انگیز شب عرفه بسیار زیباست. در دل شب «مسجد نمره» (۱) و «جبل‌الرحمه» چون نگین در عرفات خودنمایی می‌کند و خیل عظیم جمعیت در جبل‌الرحمه برای لحظه‌ای کاهش نمی‌یابد. هوا بسیار خوب است.

بسیاری از پتو استفاده می‌کنند. فتوای مقام معظم رهبری در بحث حج، واقعاً راهگشا است و به نظر می‌رسد که در آینده منشأ تحوُّلی عظیم باشد.

به دلیل بارندگی چند روز اخیر، زمین نم دارد و نمی‌شود روی آن خوابید. برادر همسرم چند حصیر به‌عنوان زیرانداز برای خود و همراهان تهیه کرد. اگرچه مشکل نم زمین تا حدی حل شدنی بود، اما پستی و

۱- این مسجد که در وادی نَمَرَه قرار دارد، محل توقف پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم در روز عرفه است. وادی نمره متصل به سرزمین عرفات و بر سر راه مشعر قرار گرفته است. مساحت این مسجد بزرگ، حدود یکصد و بیست هزار متر مربع است و گنجایش حدود صد و پنجاه هزار نمازگزار را دارد.

ص: ۱۸۳

بلندی آن به قدری بود که خوابیدن را مشکل می کرد.

شنبه ۱۱/۱۱/۸۲

صبح، نزدیک ساعت چهار و نیم بامداد که برای نماز بیدار شدم، دو نفر در چادر ما مشغول نماز شب بودند و بعد که اذان صبح گفته شد، نماز را به جماعت خواندیم. پس از صرف صبحانه برای شرکت در مراسم پرائت از مشرکین بعثه رهبری رفتیم. آقای ری شهری پس از قرائت پیام رهبری، به ایراد سخنرانی پرداخت و آقای مرتضایی فر نیز شعارهایی بر ضد آمریکا و اسرائیل و ... سرداد. نکته مهم در پیام رهبری آن بود که ایشان خواستار برخورداری سازمان کنفرانس اسلامی از حق و تو در شورای امنیت شده بودند. بعد از ظهر نیز دعای عرفه را خواندیم و هر کس تلاش داشت از فضای معنوی آن بهره گیرد؛ به خصوص آن که در روز عرفه امام زمان علیه السلام با حاجیان در صحرای عرفات هم صدا می شود و رحمت واسعه الی همه را در بر می گیرد.

پس از خواندن نماز مغرب و عشا، آماده حرکت به مشعر شدیم. نکته جالب آن که اهل سنت تنها جایی که نماز مغرب و عشا را با هم می خوانند، همین روز و در عرفات است.

کوچ عظیم دیگری از «عرفات» به «مشعر» (۱) آغاز شد. چند نفر از اعضای کاروان ما پیاده عازم مشعر شدند و به خیل کوچ کنندگان پیوستند. طریق مشاء، مسیری است برای کسانی که پیاده عازم مشعر هستند و مشتاقان خاص خود را دارد.

سردار کاظمی، فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دکتر عباس عصارى معاون سازمان تأمین اجتماعی، دو تن از اعضای کاروان ما بودند که مسیر عرفات تا منا را پیاده طی کردند و با چه شور و شعفی از آن فضای روحانی و معنوی سخن می گفتند. این دو برادر که با همسران خود به حج مشرف شده بودند تلاش وافر در بهره گیری از اوقات خود در حج داشتند و این امر کاملاً محسوس بود.

اتوبوس ما در صف طولانی اتوبوس هایی که به مشعر می رفتند قرار گرفت، ولی به علت ازدحام شدید، پس از چند ساعت نشستن در اتوبوس، به پیشنهاد آقای بایگان، مدیر کاروان، بقیه راه را پیاده رفتیم. کاروان حجاج شهر زلزله زده بم با نوار مشکی که بر لباس احرام خود بسته بودند، شناخته می شدند و این موجب

۱- مشعر، یعنی مکان شعور و درک و فهم. این سرزمین که در محدوده حرم است، درّه‌ای است کم وسعت که میان عرفات و منا واقع شده و طول آن تقریباً چهار کیلومتر است. در این منطقه مسجدی است بسیار وسیع که آن را مسجد «مزدلفه» می خوانند. در محل همین مسجد، جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و آیاتی را درباره مشعر برای آن حضرت تلاوت کرد. در این سرزمین حجاج علاوه بر ماندن شب عید، باید از دمیدن فجر تا طلوع آفتاب، وقوف کنند و مستحب است ریگ‌ها را از این محل گرد آورند.

ص: ۱۸۴

می‌شد که ایرانیان وقتی آن‌ها را می‌دیدند، برای آموزش جان‌باختگان‌شان فاتحه بخوانند.

یکشنبه ۱۲/۱۱/۸۲: روز عید قربان

صبح زود، پس از طلوع آفتاب وارد سرزمین منا (۱) شدیم. برای رمی جمره (۲) عقبه عازم جمرات شدیم. ازدحام جمعیت به حدی بود که حجاج ضعیف‌تر زیر دست و پا می‌ماندند و کمک کردن به آن‌ها بسیار مشکل بود. توجه به اجرای اعمال و مناسک در میان حاجی‌ها به حدی است که هرکس در هر شرایطی کار خود را انجام می‌دهد. در نزدیکی ما مرد سیاه‌پوستی حوله‌های احرام خود را کاملاً از دست داده و برهنه در حال رمی بود! چندبار که به همراه برادرم می‌خواستیم برای رمی به جلوتر برویم، به علت ازدحام و فشار جمعیت نتوانستیم. پس از توسل به حضرت زهرا علیها السلام در جایی که قرار داشتیم سنگ‌ها را زدم و سنگ‌هایی را به نیابت یکی از اعضای کاروان که بیمار بود انداختم. تلفات در رمی جمرات امسال بسیار بود که رسانه‌ها تعداد آن‌ها را ۲۷۰ نفر اعلام کردند. صدای آمبولانس‌ها لحظه‌ای قطع نمی‌شد. یکی از مسائل بحث‌انگیز درباره رمی جمرات همین کشته شدن برخی از حجاج است. آیا نمی‌شود تدبیری اتخاذ کرد که کسی کشته نشود؟

وقتی از رمی برگشتیم متوجه شدیم که یک اتوبوس‌های خانم‌ها، به همراه یکی از روحانیون کاروان نیامده و در راه مانده است! کیف و برخی وسایل؛ از جمله کالابریک‌های قربانی نیز در آن ماشین جا مانده است. بالأخره با تلاش فراوان، نزدیک غروب، قربانی ۶۰ نفر از اعضای کاروان ذبح شد و آنان با انجام حلق و یا تقصیر از احرام خارج شدند. برخی نیز تلاش فراوان کردند که به رغم عدم قربانی، از احرام خارج شوند که آقای علوی، روحانی کاروان با پرسش از بعثه، به آن‌ها اجازه داد. معدودی از زائران از جمله خودم در احرام ماندیم.

به هر حال، ضعف در برنامه‌ریزی مسئولان، عدم همکاری حجاج سایر کشورها و بالاخره کم‌تجربگی برخی مدیران و در نهایت، ضعف رانندگی رانندگان مصری و سودانی که بیشتر اتوبوس‌ها را آن‌ها هدایت می‌کنند و ... را باید از جمله مشکلات مهم در جابه‌جایی حجاج دانست.

حضور برخی چهره‌های جوان در حج

۱- منا درّه‌ای است به عرض تقریباً پانصد متر و طول حدود سه کیلومتر و نیم، که حاجیان باید از طلوع خورشید روز دهم تا ظهر روز دوازدهم - جز ساعاتی که اجازه داده شده - آن‌جا را ترک نکنند و در آن مکان بمانند. آن‌جا را «مُنَى»، «مَنْى» و «مِنَى» هر سه خوانده‌اند.

۲- جمره‌های سه‌گانه، در منا و نزدیک به مکه است. نوشته‌اند در این‌جا آدم شیطان را که در پی وی می‌رفت با افکندن سنگ‌ریزه از خود راند و حاجیان با تاسی به آن حضرت و به‌عنوان یک واجب دینی، روزهای ۱۰ تا ۱۲ ذی‌حجه سنگ به طرف ستون‌های سنگی پرتاب می‌کنند.

ص: ۱۸۵

قابل تأمل است؛ چرا که بیشتر حجاج ایران میانسال و پیر هستند. در کاروان ما چند چهره جوان حضور دارند که با هر کدام صحبت‌هایی شد؛ از جمله جوانی که با همسرش ماه غسل خود را به حج آمده بودند و چه رسم زیبایی! آقای مشک‌فروش سی سال سن دارد و فارغ‌التحصیل رشته مکانیک است و در بخش صنعت مشغول به کار است. او به وهابیان و برخی ضعف‌ها در تدبیر امور حج معترض بود. جوان دیگری از کاروان، به نام حسین عراقچی که ۱۶ سال بیشتر نداشت و سال اول دبیرستان بود، پس از انجام دو عمره، این سفر سوم او به سرزمین وحی بود و از این که توفیق سفر پیدا کرده، بسیار خوشحال بود. او هم مانند دیگر حجاج حلق کرد و به خیل سرتراشیده‌ها پیوست.

یکی دیگر از جوانان کاروان به نام مجید انصاری، مؤذن کاروان در عرفات و منا بود و دعای عرفه را به زیبایی می‌خواند.

او دانشجوی سال سوم داروسازی بود و بیست و یک سال داشت. از وی پرسیدم وقتی که حلق کردی چه احساسی داشتی؟ گفت: «تجربه جدید را حس کردم و نقطه اوج حج را در نیمه شب عرفات می‌دانم.

بزرگ‌ترین تحوّل در من، در این زمان ایجاد شد؛ چرا که گفته می‌شود در آن جا هم نفس با امام زمان (عج) هستیم.

علاوه بر این جوانان، حضور برخی چهره‌ها در کاروان نمود بیشتری داشت؛ مانند دکتر سید هاشم سید مهدی، پزشک جراح ۶۰ ساله. این سفر، پنجمین سفر حج او است. خانواده وی؛ از جمله خودش، پدر، برادر، پسر و دامادش، همگی از مدرّسان و مربیان قرآن‌اند. او بخش اعظم خطبه‌های نهج‌البلاغه و همچنین اشعار حافظ، سعدی، مولوی و فردوسی را از حفظ دارد و با قرآن محشور است.

در هر سال، ۱۲ مرتبه قرآن را ختم می‌کند و تلاوت یک جزء قرآن در هر روز از برنامه‌های اوست. او ذکر خدا را آرامش‌بخش می‌داند. پزشکی است خوش‌اخلاق و مبادی آداب.

دکتر سیدجواد میر، مشاور وزیر و مدیر کل بین‌الملل و سازمان‌های تخصصی وزارت جهاد کشاورزی، که از بستگان می‌باشد، نیز از زائران کاروان است. او دارای تحصیلات دکتری اقتصاد است و تجربه زیادی در آشنایی با جهان دارد.

به دلیل تحصیلات خارج از کشور و نیز مسئولیت‌هایی که داشته، به بیش از ۱۰۰

ص: ۱۸۶

کشور جهان سفر کرده است و گنجینه‌ای از آموختنی‌های جهان را در سینه دارد. او لحظه ورود به عرفات و خروج از منا را اوج سازندگی معنوی می‌داند و می‌گوید: در سفر حج احساس می‌کنیم که حائلی میان بنده و خدا نیست و این بالاترین رضایتمندی است که در این سفر به انسان دست می‌دهد.

حاج محمد (برادر بزرگترم) و همسرش، حاج محمود حسینی (دایی همسر) با همسرش و دکتر سید جواد میر که ذکر او صافش رفت، با همسرش در این سفر همراه بودند.

دکتر یاوریانفر چشم‌پزشک، با مادرش به حج آمده است. رفتار بسیار محترمانه و مؤدبانه او با مادرش، می‌تواند الگویی برای جوانان امروز جامعه ما باشد.

وقتی با او صحبت می‌کردم می‌گفت: از زمان فوت پدرش تلاش کرده است که مادرش احساس تنهایی نکند.

مهندس سید مصطفی خردمند، قائم‌مقام مدیر عامل شرکت قطار مسافربری رجا، از همسفران باصفا است. هرگاه او را می‌دیدم، یاد فضای جبهه و جهاد می‌افتادم، به‌خصوص که او همواره چفیه‌ای بر گردن می‌انداخت.

سه‌شنبه ۱۴/۱۱/۸۲

بعد از رمی جمرات، قربانی و حلق، در دومین روز بیتوته در منا، ساعت اندکی از بامداد گذشته، به همراه مدیر کاروان و حدود ۴۰ نفر از اعضای کاروان، مسیر منا تا عزیزیه را پیاده و از آنجا تا مسجدالحرام را با اتوبوس طی کردیم تا آخرین اعمال حج را انجام دهیم؛ طواف، نماز طواف، سعی صفا و مروه، طواف نساء و نماز طواف نساء، آخرین مراحل و برنامه‌های حج تمتع است. حوالی ساعت ۲ بامداد به مسجدالحرام رسیدیم و تنها دغدغه‌ام رسیدن به موقع بود که بتوانیم پس از انجام اعمال طواف و نماز طواف به منا برگردیم و رمی جمرات سه‌گانه را انجام دهیم. ساعت ۲/۳۰ بود که اعمال را آغاز کردم. در کمال ناباوری، اعمالم تا ساعت ۴ بامداد طول کشید. وقتی مؤذن مسجدالحرام اذان نماز شب را گفت، اعمال من تمام شده بود. هر شوط از سعی صفا و مروه را در ۵ یا ۶ دقیقه طی می‌کردم. دلیل اصلی رسیدگی سریع به این اعمال، شاید خلوت بودن مسجدالحرام بود.

فریاد صلوات شیعیان لبنانی در طواف و سعی، فضای عرفانی و روحانی ویژه‌ای را به مسجدالحرام بخشید.

ص: ۱۸۷

هنگام برگشت به منا، مدیر کاروان یک دستگاه اجاره کرد و برای هر نفر ۱۵ ریال کرایه داد. نزدیک جمرات پیاده شدیم و پس از طی مسافت کوتاهی (صد پلکان) به جمرات سه گانه رسیدیم. آخرین اعمال نماز ظهر و عصر را در سرزمین منا خواندیم و من چند رکعت نماز به نیابت از همسر و فرزندان و پدر و مادرم خواندم. شاید این نمازها بهترین نوع به یاد بودن خانواده و بالاترین هدیه معنوی برای آنها باشد. از منا به سوی مکه و هتل ابن قیم شمالی را پیاده طی کردیم که حدود ۲۰ دقیقه طول کشید. شب موفق به ختم قرآن شدم، سجده شکر به خاطر این توفیق به جا آوردم. دقایقی از بامداد گذشته بود که راهی مسجدالحرام شدم. به علت شلوغی بیش از حد، ۴۵ دقیقه طول کشید تا به حرم رسیدیم. در کنار رکن یمانی دعای مشلول را خواندم. گروهی به تنعیم (۱) رفته و محرم شده‌اند تا حج مستحبی به جا آورند. جمعی نیز به طواف وداع مشغول‌اند؛ چراکه فردا باید به ایران برگردند یا به مدینه بروند.

جمعه ۱۷/۱۱/۸۲

پس از نماز صبح، به همراه اخوی و چند تن از دوستان دو وسیله کرایه کردیم و عازم جبل النور (۲) برای رفتن به غار حرا شدیم. مسافت از پای کوه تا غار ۵۰ دقیقه طول کشید. از پایین کوه تا بالای آن دستفروشان و گداها بساط پهن کرده‌اند. عکاس‌ها هم با عکس فوری کاسبی خوبی به هم زده‌اند. با ۱۰ ریال سعودی یک قطعه عکس رنگی فوری می‌گرفتند. فضای غار بسیار محدود است و تنها یک نفر می‌تواند درون آن به نماز بایستد و صف طولانی منتظران مانع از رفتن به داخل غار می‌شود. در فراز و فرود کوه، در این فکر بودم که حضرت خدیجه علیها السلام این مسیر طولانی را چگونه ۴۰ شبانه‌روز طی می‌کرده و برای پیامبر صلی الله علیه و آله آب و غذا می‌برده است.

شنبه ۱۸/۱۱/۸۲

پس از نماز صبح، برای عمره مفرده عازم مسجد تنعیم شدیم. حدود ۵۰ نفر از اعضای کاروان آمده بودند. از این که خداوند توفیق داد بار دیگر محرم شوم و اعمال حج به جا آورم خدای بزرگ را شکر کردم. در مسجد تنعیم محرم شدم و اعمال از حدود ساعت ۸/۳۰ آغاز شد. صفوف طواف کنندگان و سعی کنندگان به کندی حرکت می‌کرد. هنگامی که نماز طواف نساء را خواندم، ساعت ۱۱/۱۵ را نشان می‌داد.

۱- مسجد تنعیم در ابتدای محدوده حرم واقع شده که با توجه به توسعه شهر مکه، در حال حاضر جزو شهر مکه محسوب می‌شود. هنگامی که از مدینه یا جده وارد مکه می‌شویم، در سمت چپ خیابان و در ورودی شهر مکه، ساختمان مسجد به چشم می‌خورد. این مسجد یکی از میقات‌ها است و کسانی که در مکه باشند، جهت احرام عمره مفرده به این مسجد می‌آیند و در آن محرم می‌شوند. فاصله مسجد تنعیم تا مسجدالحرام شش کیلومتر است.

۲- جبل النور در شرق شهر مکه واقع است و غار حرا در بالای آن قرار گرفته و ارتفاع آن، به اندازه قامت یک انسان است. پیامبر صلی الله علیه و آله تمام ماه رمضان هر سال را در این غار به عبادت می‌پرداخت و در غیر ماه رمضان گاهی برای عبادت به آن جا می‌رفت و تنها یاور آن حضرت؛ یعنی همسرش خدیجه، بارها برای آن حضرت آب و غذا می‌برده است. تا این که جبرئیل امین در بیست و هفتم ماه رجب بر پیامبر صلی الله علیه و آله که در داخل غار مشغول عبادت بود نازل شد و اولین آیات قرآن را بر آن حضرت تلاوت کرد.

ص: ۱۸۸

این عمره مفرده را به نیت پدر و مادر و همسر و فرزندانم و همه شیعیان انجام دادم. امشب ساعت ۷ باید چمدان‌ها را تحویل دهیم تا کاروان آن‌ها را به هواپیمایی جمهوری اسلامی تحویل دهد.

یکشنبه ۸۲/۱۱/۱۹

ساعت ۴۵ دقیقه بامداد است. زیارت اسماعیل و هاجر را خواندم و همچنین نماز زیارت را. حضرت حجة الاسلام جناب آقای قرائتی ده قدم جلوتر از من نشسته است و جمعی از روحانیون گرد او را گرفته‌اند. آقای قرائتی از جمله روحانیون پرنفوذ ایران است. شاید این رمز موفقیتش در گرو اخلاص، سادگی و بذله‌گویی و مردمی بودن و کم بودن فاصله گفتار و عملش باشد. مسجد الحرام در حال خلوت شدن است؛ به طوری که می‌توان به راحتی وارد حجر اسماعیل شد و یا طواف انجام داد. پس از نماز صبح و صرف صبحانه عازم قبرستان ابوطالب شدیم. سپس به حرم رفتیم و آخرین خداحافظی با کعبه را انجام دادیم. پس از نماز ظهر و صرف ناهار، ساعت ۱۵/۳۰ مکه را به سمت جده ترک کردیم.

امشب فرصتی پیش آمد تا با دو تن از حجاج صحبت کنم. ابتدا با دکتر سید هاشم سیدمهدی، پزشک جراح، ۶۰ ساله که وصفش گذشت. او می‌گوید طبق یک سنت خانوادگی، مرتب جلسات قرآنی در خانه‌شان برگزار می‌شود و خود او بنیان‌گذار هیأت پیروان قرآن است. دکتر سید مهدی که به همراه همسر و چهار فرزند خود به حج آمده است، در پاسخ به این پرسش که اوج حج را در چه می‌داند؟ گفت: اوج حج را در وحدت می‌دانم.

دکتر سید جواد میر، دیگر هم‌صحبتی‌ام در جده بود. دکتر میر مجموعه سفر حج را با توجه به کاستی‌هایی که در مدیریت و مسائل اجرایی آن وجود دارد، بسیار سازنده می‌داند و می‌گوید: وقتی اعمال تمام شد، در روح احساس سبکی کردم. ساعت حدود ۱۸ بود که به جده رسیدیم، در میان راه، مؤسسه‌ای خیریه، به حجاج آب زمزم، پوستر مکه و مدینه، یک عدد نوار قرآن و یک بسته خوراکی هدیه داد.

این تبلیغات در بدو ورود هم به صورت دیگری خودنمایی می‌کرد و حاکی از سرمایه‌گذاری هنگفت در امر اطلاع‌رسانی و تبلیغات است.

ص: ۱۸۹

آخرین نماز جماعت در این سفر معنوی را به امامت حجت‌الاسلام علوی حسینی، روحانی کاروان اقامه کردیم. یکی از خدمه‌های کاروان گذرنامه و بلیت‌ها را تحویل داد و گفت تا ساعت ۱۰ شب در زیر چادری که مستقر هستیم خواهیم بود و پس از آن به سالن انتظار، برای انجام تشریفات پرواز خواهیم رفت.

ساعت ۲۳/۳۰ برای تشریفات پرواز به سمت سالن فرودگاه رفتیم. مأموران هواپیمایی ایران‌ایر چمدان‌ها و بارهای فراوان حاجیان را که چندین تن بود، از حجاج گرفتند و به بار هواپیما منتقل کردند. هنگام خروج یک جلد کلام‌الله مجید هدیه پادشاه عربستان به همه حجاج داده شد.

از خدای بزرگ توفیق زیارت خانه کعبه و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و بقیع شریف و اجرای فریضه بزرگ حج را برای مشتاقان کوی دوست خواهانم.

پی‌نوشت‌ها

ص: ۱۹۳

از نگاه دیگر

ص: ۱۹۴

حجّاج ترکستان

اسرا دوغان

بخش نخست این نوشته را، در شماره گذشته (۵۴) آوردیم و اکنون بخش دوم آن را، در شماره حاضر به شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم:

حج در دوران روسیه تزاری

در نیمه نخست قرن نوزدهم، ترکستانی‌ها از یک سو به خاطر عقب‌ماندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و از سوی دیگر به دنبال سیاست گسترش سیطره روس بر دیگر بلاد، زیر سلطه روس‌ها درآمدند. در این زمان مسلمانان ترکستان برای انجام عبادات دینی، با مشکلات جدیدی روبه‌رو شدند؛ به ویژه در عباداتی مانند حج، که لازم بود دولت از ایشان محافظت کند. اسلام در این سرزمین‌ها اهمیت بسیار داشت و روس‌ها می‌دانستند که مانع شدن و جلوگیری از عبادت، برای آنان دردسر ساز خواهد شد. بنابراین، به جای «منع»، سیاست «محدود کردن» را به کار بستند.

امین الدوله که در سال ۱۳۱۶ به حج رفته، می‌نویسد:

«... چنانکه دو سال است احدی از تبعه روس نتوانسته‌اند برای حج تذکره بگیرند و آنچه رفتند، تذکره آن‌ها عنوان تجارت و سفر استانبول و مصر بود.»

وی در جای دیگر می‌نویسد: «محمد شامل پاشا پسر شیخ شامل داغستانی است که سال‌ها با دولت روس جنگیده به دربار عثمانی پناهنده شده و در آنجا مدفون گشت.»

ص: ۱۹۵

محمد پاشا که پسر اوست، ماهی ۱۵۰ لیره مجاناً شهریه می‌گیرد و در مدینه اقامت دارد.» (۱) روس‌ها می‌دانستند که حج عبادت صرف نیست. به‌عکس، نقشه سیاسی حج را همیشه زیر نظر می‌گرفتند و ارتباط حجاج ترکستان در راه حج و خبر گرفتن از اوضاع همدیگر برای روسیه بسیار خطرناک بود؛ زیرا این امر نشانه اتحاد مسلمانان ماوراءالنهر محسوب می‌شد. آن‌ها به دنبال این بودند که به شکل مناسبی جلوی اینگونه عبادات را بگیرند.

یکی از کارشکنی‌های آنان، خودداری از دادن گذرنامه به حجاج ترکستان بود. در سال ۱۸۸۰ بر اساس یک قانون، اعطای گذرنامه به مسلمانان به حالت تعلیق در آمد، ولی حجاج در برابر این موانع تسلیم نشده و با رفتن به بندر ادسه، با هزینه بسیار زیادی گذرنامه تهیه می‌کردند و به راه خود، به سمت حجاز ادامه می‌دادند.

روسیه نیز قادر نبود جلوی این کار را بگیرد تا این که در سال ۱۹۰۴ این ممنوعیت لغو شد، حتی در ادسه برای فروختن گذرنامه به مسلمانان، دفاتر زیادی باز شده بود و بعضی از مسلمانان نیز در این میان، دچار نیرنگ‌بازی‌های دفترداران می‌شدند. (۲) حکومت برای مقابله با فریضه حج، تشکلهای مسیونری به راه انداخت و به علما در مورد نوشتن کتاب و رساله برای منع مردم از سفر به حجاز فرمان داد. یکی از این کتاب‌ها در سال ۱۸۷۰ با نام «سفر به حج و مکه و تأثیر سیاست و دین» چاپ شد. در این رساله به نقش سیاسی- فرهنگی مناسک حج توجه شده و در عین حال، تا حدّ ممکن مسلمانان از رفتن به حج منع شده بودند.

در اواخر قرن ۱۹، تفکر اسلامی گسترش یافت و بالطبع روس‌ها از این امر بسیار نگران بودند. این ترس و وحشت تنها در روس‌ها نبود، بلکه کشورهای غربی؛ مانند انگلستان که مستعمرات زیادی در میان ممالک اسلامی داشتند، نیز گرفتار چنین وحشتی بودند. برای جلوگیری از سفر مسلمانان به حج، داشتن تنها یک دروغ و شایعه نیز کافی بود؛ مثلاً کافی بود بگویند بیماری وبا در میان حجاج شایع شده است!

بعد از ۱۸۹۰ سازمان‌های قرنطینه بیماری‌های مسری تشکیل شد. در این سیاست، به ظاهر هیچ منعی برای رفتن به حج وجود نداشت، لیکن با گنجاندن مسأله بیماری به عنوان شرط شرعی، برای

۱- سفرنامه مکه، امین الدوله، انتشارات توس، ۱۳۷۶، صص ۶۴ و ۲۳۳

۲- حجاج مسلمین و امور صحیّه، عبدالله، ابراهیم، ص ۱۴۲، چاپ ۱۳۲۸

ص: ۱۹۶

پیش‌گیری از این سفر کفایت می‌کرد.

عبدالرشید ابراهیم، یکی از مسلمانان روسیه، که اصالتاً از بک بود، تجربه خود را در کتاب «سفرنامه حج» اینگونه آورده است: «هر اندازه که قرنطینه در ظاهر یک تدبیر صحیح است، در اصل یک معلنت سیاسی است. ولی متأسفانه رجال حکومت عثمانی و پزشکان، از این جهت در کل معنا غافل و بیگانه هستند.»

شگفت آن بود که معمولاً در اوایل ماه رجب، زمانی که حجاج می‌خواستند گذرنامه بگیرند، اعلام می‌شد که در یکی از ایالات روسیه وبا مشاهده شده است! چون راه عبور حجاج، در ماه رجب و شعبان از خاک روسیه بود، این امر هر سال اتفاق می‌افتاد و خبر دیده شدن آثار بیماری وبا مرتب اعلام می‌شد. همچنین باید در نظر داشته باشیم که به خاطر ساخت راه آهن به وسیله دولت عثمانی، راه حج بسیار کوتاه شده بود. به همین دلیل اجازه نمی‌دادند کسی در ماه رجب برای اخذ گذرنامه مراجعه کند. مسلمانان بعد از مدتی، به فکر چاره افتادند. آن‌ها نه گذرنامه حج که گذرنامه یک کشور دیگری را از دولت روسیه می‌گرفتند! ولی متأسفانه حجاج ما وقتی از مکه خارج می‌شدند، می‌بایست قرنطینه را تحمل می‌کردند. از آنجا به بیروت رسیده و دوباره قرنطینه می‌شدند و به از میر می‌آمدند و بار دیگر همان بدبختی را داشتند و اگر می‌خواستند به روسیه بروند، دوباره در کفه قرنطینه می‌شدند، ولی در هیچ یک از آن‌ها، نه قانونی وجود داشت و نه بهداشتی.

حتی بعضی وقت‌ها چنان برخوردهای بدی می‌شد که با هیچ عقلی سازگار نبود.

اگر یک کشتی از مسلمانان از استانبول به روسیه می‌رفت، حتماً قرنطینه می‌شد، ولی کشتی روسی که قصد برگشت از قدس را داشت، مشمول قرنطینه نمی‌شد و اگر در این کشتی فقط و فقط یک مسلمان وجود داشت آن فرد بایستی تحت قرنطینه در می‌آمد. در واقع، آن زمان قرنطینه منحصر به ایام بازگشت حجاج بود.

به نظر می‌رسد این امر از یک سو به‌جا بود و از سوی سیاسی و نوعی ستم؛ زیرا قرنطینه‌ای که در کشورهای مسلمان (مانند مصر و یا قدس) اجرا شد، تا این حد سخت‌گیرانه نبود.

در اسناد عثمانی، نمونه‌های زیادی از این دست وجود دارد که تنها دو مورد از

ص: ۱۹۷

آن‌ها را در اینجا می‌آوریم:

* عثمانی‌ها در خصوص بیماری وبا و انجام قرنطینه، بسیار سختگیرانه عمل نموده، به شکایتی از طرف حجاج توجه نمی‌کردند. حجاج و مسافرانی که از سمرقند وارد قلمرو عثمانی می‌شدند و نشانه‌های وبا در آن‌ها پدیدار می‌گشت، تحت کنترل و معاینات بهداشتی قرار می‌گرفتند.

Z / ۰۱۳۱ (N .PRK .AZJ ۵۲ / ۸۵ / ۹۲

قرنطینه (تحفظ خانه) حجاج و دیگر مسافرانی که از ادسه و کؤستنج به در سعاد آمدند.

Y .MTV .۳۰۳ / ۰۷۱ / ۵۲۳۱ / ۶ / ۴۲ (

گزارش عزیمت حجاج خراسان به مکه، از مسیر کرمانشاه، به خاطر اغتشاش راه روسیه و لزوم جلوگیری مفرط آن‌ها به قبض عبور و لزوم صدور تذکره برای آن‌ها از اداره تذکره محل اقامت. (۶۵-۱۶۵ / ۱ / ۲۵ / ۱۳۲۴ سال - مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، فرستنده: اداره تذکره خراسان و سیستان).

رونوشت نامه در خصوص دستور استرداد جریمه دریافتی از حجاج تیموری با توجه به سرقت تذکره‌های آن‌ها و نامه در مورد صدور دستور استرداد وجوه جریمه دریافتی از حجاج تیموری به آن‌ها.

سال ۱۳۲۴. ۴-۳، ۴ / ۳ / ۵ / ۲۵ (مرکز اسناد وزارت خارجه ایران).

نامه‌ای در باره رییس گمرگ سیستان از استرداد وجه دریافتی از حجاج تیموری سرقت تذکره آنها و لزوم رسیدگی به قضیه.

۱۱۶-۱۱۵ / ۱ / ۱۱۵ / ۶ / ۲۵ / ۱۳۲۴ (مرکز اسناد وزارت خارجه ایران).

ممانعت از حرکت حجاج روس به سمت حجاج که در قرنطینه خانه کالازومن شورش به پا کرده بودند.

h (/Dosya ۰۵ / ۱ DH .ID ۹۲۳۱ (

علی‌رغم این که حکومت روسیه قادر به حلّ این مسأله نبود، در سال ۱۸۹۶ کمیته‌ای زیر نظر والی عمومی ترکستان تأسیس کرد. این کمیته در جلسه اول خود اظهار داشت که اساساً ممانعت از رفتن به حج قابل قبول نیست. به همین دلیل باید بدین امر اجازه داده شود. ولی این مسامحه، امری ناخواسته بود. بر اساس رأی این مجمع، سفرهای حج می‌بایستی در چهارچوب برنامه‌ای خاص انجام می‌شد.

اگر کسی می‌خواست از راه دریا برود، با قطار از ترکستان به بندر کریمه (ادسا) و از آنجا هم می‌بایست با کشتی‌های روسی به حجاج می‌رفت.

این برنامه بعد از مباحثه‌های طولانی

ص: ۱۹۸

در تاریخ ۱۹۰۳ از طرف روسیه تزاری تأیید و به مرحله اجرا در آمد.

(D. Brazuer, Mekke ge) Car yol, Turkistan Hacilari ve (۱۹۹۳ s. ۳۱), hukumeti,

در این میان و در سال ۱۹۰۴، قانون ممنوعیت سفر حج لغو شد. در آن دوران، تاجری ثروتمند از تاشکندی، به نام سید غنی عظیم بایف، پیشنهادی را درباره حج گزاری به والی عمومی ترکستان ارائه کرد، لیکن نگاه والی به این پیشنهاد مثبت نبود. او هم بعد از این به پایتخت روسیه رفت و از سن پترزبورگ موافقت گرفت.

در این پیشنهاد برای حجاج بایستی قطارهای خصوصی تهیه می‌شد. جایی که حجاج در آنجا جمع می‌شدند، یا همان بندر ادسا، حاجی‌خانه‌ها و مراکز بهداشتی تأسیس می‌شد و مترجم‌ها در طول راه برای کمک به حجاج مستقر می‌شدند. امور حج نیز باید بر عهده شرکت‌های خصوصی گذاشته می‌شد.

روس‌ها در سفارت‌ها و کنسول‌گری‌های حجاز از مسلمانان ترکستان اقدام به جذب کارمند می‌کردند. از میان این افراد، شاعر و متفکر سمرقندی، صدقی منجزی (۱۸۶۹-۱۹۲۷) در تاریخ ۱۹۰۰ در سفارت جدّه به کار مترجمی مشغول شده بود. یکی از این شرکت‌های مسافرتی، شرکت عظیم بایف بود که با مدیریت جدید، اولین سند حج خود را در سال ۱۹۰۸ با گروهی ده هزار نفری محقق ساخت. (همان کتاب، ص ۳۲).

این تنظیمات جدید نتوانست در گیری‌های حجاج ترکستان را از میان بردارد. انتقاد بسیار تندی که علیه عظیم بایف از طرف یکی از حجاج ترکستان به نام مصطفی یانقلیجو، که به اداره اتحاد مسلمین فرستاده شده بود، چنین می‌گوید:

«افندی محترم! شما را به خدا قسم می‌دهم این نامه را که با اشک خونم نوشته‌ام، در مجله‌تان مطرح کنید. دو سال قبل کسی که با نام سید غنی عظیم اف، بین حجاج سمساری می‌کرد، امسال کارش بسیار گسترده‌تر شد. حجاجی که وارد ادسه شده و وارد منازل می‌شوند از طرف مأمورین دولتی دستگیر می‌شوند، گویا به زندان برده می‌شوند. از دو طرفشان کشیده و به حاجی‌خانه عظیم بایف می‌برند. بعد از این که یکبار به حاجی‌خانه وارد شدند، دیگر ممنوع‌الخروج می‌شوند. اگر کسی به طور اشتباه نیز از این حاجی‌خانه بیرون

ص: ۱۹۹

می‌آمد، نگهبانی فریاد می‌زد که داخل شو ای سگ! این رفتار را مجله‌های ادسا به بهداشت حجاج نسبت می‌دادند. ولی حجاج روسی که از قدس می‌آمدند) Palamonikha (و با ما در یک‌جا زندگی کرده و با همان واگن آمده بودند، در داخل شهر آزادانه تردد می‌کردند.

حجاج در رفتن از ادسا مجبور هستند بلیت‌شان را رفت و برگشت بخرند و بایستی با کشتی روس عزیمت کنند. اگر تنها بلیت رفت می‌خواستند شرکت‌ها از فروش بلیت خودداری می‌کردند. قیمت بلیت آنقدر زیاد است که در عقل انسان نمی‌گنجد. این امر هر ساله بدین گونه است. حاجی مانند فردی تبعیدی تحت‌الامرِ خادمان کشتی به حج می‌رود و بر می‌گردد. کشتی حجاج را مانند یک قایق فاضلاب نگاه می‌کنند. تا چه وقت حالمان بدینگونه خواهد بود؟! چه وقت چشم اعضای مسلمان محترم مجلس مبعوثان استانبول دوما به وضعیت ما می‌خورد و از این رذالت خلاص می‌شویم!؟

موکل‌های مرخص دوما و اعضای مجلس مبعوثان! شما میزبان هستید و ما میهمان. گمان می‌شود که توجه داشتن به حال ما و راضی شدن به این حال، که در سرزمین خودتان اتفاق می‌افتاد، با میهمان‌نوازی عثمانی که به این خصوصیت از اول افتخار می‌کردند، هیچ وقت قابل قبول نباشد.

ای نایبان! نگاه کنید به احوال مسلمانان، مرحمت بکنید! به این وحشت که در داخل مدنیت اجرا می‌شود، اجازه ندهید. مثل ملت‌های دیگر، ما هم حج شریفمان را با کمال حرمت و استراحت انجام دهیم. چاره این مسأله بر عهده شما واجب است مگر نه مسؤولیت شما در پیش خدا خیلی زیاد است!؟»

سفرهای قبلی که با کاروان انجام می‌شد، جاهای مشخص و معین طبق سن میهمانپذیرها و سیستم‌های حفاظتی داشت. در مسیر قطار حجاج هم هزاران نفر برای سوارشدن به قطار در ایستگاه کوچک و غیر مجهز تجمع می‌کردند. در اینجا خطرهایی جان حجاج را تهدید می‌کرد.

بیشتر حجاج نمی‌توانستند از نظر بهداشتی به اندازه کافی از خود مراقبت نموده، مریض شده و در استانبول برای بازگشت به کشور خودشان گدایی می‌کردند. اما برخی از اسناد در این ارتباط: آنان به سفارت روسیه سر می‌زدند.

در صورت برگشت، دست خالی از آنجا پیش امرای عثمانی رفته و از آنان

ص: ۲۰۰

کمک می‌خواستند.

اعطای هزینه کافی برای بازگشت حجاج بخارا و اهالی چین، که در سعادت پریشان شده بودند.

R / ۶۳۳۱ (MV / ۳۶۱ / ۶۳ / ۲۱)

- حمل و نقل رایگان حجاج بخارایی (DH. ID. ۲۵ / ۱۱ / ۹۲) M / ۲۳۳۱

- پرداخت هزینه سفر بازگشت ۶۰۰ حاجی افغانی که بعد از برگشتن از جده، در استانبول متوقف شده بودند، از ترتیبات مصارف غیر مسلحیفه.

RA / ۸۲۳۱ (MV .۷۳۱ / ۷۱۱ / ۱۰)

- مساعدت به بازگشت حجاج افغان که از بخارا به قصد حجاز وارد استانبول شده و به خاطر کمبود مالی، قادر به ادامه سفر نبودند.

RA / ۲۳۳۱ (DH .MP .HPS .M / ۳۲ (۰۵ / ۰۱

به نظر می‌رسد که حجاج ترکستان، در مسیر حج، مشکلات گوناگونی داشته‌اند.

بهبودی در سفرنامه حج خود چنین می‌نویسد:

«حاجی به خاطر این که در کیسه پولش، هزاران سکه پول نداشت، نمی‌توانست به اندازه‌ای که دلش می‌خواست غذا بخورد. در قرنطینه خودش را مسکین نشان می‌دهد و بدون پول از قرنطینه عبور می‌کند و ذلت را به جان می‌خرد، حاجی مکتب و مدرسه دیده پیدا نمی‌شود.

بعضی از حجاج ما بدون داشتن پول راهی سفر می‌شدند، بسیار تأسف آور است که «ما مسکینیم» می‌گفتند و با حمال و مأمورین بندر دعوا می‌کردند. بعضی گوشت‌های یک ماه قبل را می‌خوردند و مریض می‌شدند. در آن هوای گرم، گوشت اسب و غاز می‌خوردند.

یکی از شکایات حجاج ترکستان به دولت عثمانی را در ذیل می‌آوریم:

مشکل تراشی دلال‌های تبعه روس در بین مسلمانانی که قصد عزیمت به حج را داشتند، با سوء استفاده از عدم آشنایی حجاج به زبان روسی. در عوض دولت عثمانی نیز با مهر رسمی اقدام به تعیین کدخدایی از اهالی مسلمان چین و ترکستان می‌نمود تا این

مسأله را برطرف نماید. (Y. PRK. AZT ۵۲ / ۸۵) ۰۱۳۱ / ۲ / ۹۲

سفر حجاج زن به حجاز بسیار دشوارتر است. بهبودی در این مورد می‌نویسد:

بعضی از برادران ترکستان با عیالشان به سفر می‌روند. در کشتی احوال حجاج

ص: ۲۰۱

خانم بسیار اسفبار است. با این حال کشانیدن آن‌ها به حج و زیر پا گذاشتن ایشان و پنهان کردنشان در بدترین جای کشتی و پوشاندن آنان در لباس‌های ناراحت، واقعاً گناه است. آن‌ها به سبب شدت سفر و اذیت در مسیر، مریض می‌شوند. اگر می‌شد مادرهای بیچاره‌مان را نبریم، بهتر بود. امپراتوری روسیه برای جلوگیری از یک شورش و نارضایتی اجتماعی بود که رفتن به حج را به صورت علنی منع نمی‌کرد. مسلمانان نیز در راه چاره‌جویی برای مبارزه با دسیسه روس‌ها، به ناچار حج پنهانی را در پیش گرفتند. آنان گاهی به بهانه بیماری، گاهی برای تجارت و گاهی نیز به صورت غیرقانونی از کشور خارج و به حج می‌رفتند؛ زیرا کنسولگری روسیه در جده مراجعه افراد زیادی را ثبت کرده که فاقد گذرنامه بوده و به صورت غیرقانونی وارد حجاز شده بودند.

(S. ۳۰, Brauzer)

بیشتر این حجاج احتمالاً به صورت قاچاق از راه ایران، افغانستان و هند به جده سرازیر می‌شدند. روس‌ها همیشه سعی می‌کردند تا اخبار شورش‌های و حوادث داخلی و خارجی مسلمانان ترکستان به گوش دیگران نرسد. به طور مثال، در سال ۱۹۰۳ که شورش دوکچودر فرغانه به وقوع پیوست، روس‌ها رفتن به حج را برای مسلمانان ترکستان ممنوع اعلام کردند.

Muhammed Musa Turkistani (Kaybolan vatan Turkistan Faciasi ,

(S. ۳۴۵, ۱۹۸۳)

ما از تعداد مسلمانانی که هر سال از روسیه تزاری موفق به انجام سفر حج می‌شدند، اطلاع دقیقی نداریم. برای تثبیت ارقامی که نزدیک به حقیقت باشد، بایستی اسناد مربوط به حج در کنسولگری روسیه در جده و مدارک موجود در سازمان‌های روسی مورد بررسی قرار گیرد.

با این حال، اسناد و نوشته‌های ثبت شده در کنسولگری روس در سال ۱۸۹۴ اطلاعاتی را در اختیار ما می‌گذارد که نشان می‌دهد، حدود ۷۵٪ از ۳۵۰۰ نفر حاجی اعزامی، از حجاج فرغانه بوده‌اند.

Marefetje ,Taskent ,Isa Cabbarov (۱۹۸۴)

تعداد حجاج، باتوجه به قحطی و یا وفور نعمت در کشورهای اسلامی، هر سال کم و زیاد می‌شد. به طور مثال، در سال ۱۹۰۹ به دنبال افت میزان تولید پنبه، که از اصلی‌ترین منابع درآمد مردم فرغانه به شمار

ص: ۲۰۲

می‌آمد، تعداد حجاج به ۱۵۰۰ نفر کاهش و در عوض در سال ۱۹۱۰ به خاطر خوب بودن محصول پنبه، این رقم به ۵۰۰۰ نفر افزایش یافته بود. ۳۱. Brauzer S.)

علی‌رغم این که ترک‌های ترکستان در دوره روسیه تزاری شرایط بسیار سختی را می‌گذراندند، با این وجود علاقه و عشق خود به سرزمین مقدس را در هر جایی بروز می‌دادند. آنان برای آسان کردن سفرهای حج از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند. در این چهارچوب، از آنجا که راه آهن اسانبول حجاز دولت عثمانی مسیر حج را کوتاهتر و آسانتر کرده و برای اهالی ترکستان نیز بسیار پرفایده به شمار می‌آمد، آنان نیز تا جایی که توان داشتند کمک‌های مالی خود را برای انجام این پروژه ارسال می‌کردند. از آن جمله در سال ۱۳۱۶ هجری، از طرف کوشبک‌های بخارا و آستاناکول برای راه‌آهن حجاز مقدار ۸۴۶.۳۷ قروش به کمیسیون اعانه راه‌آهن عثمانی فرستاده شد. ب)

۸۱- ۳- Kisim, Yildiz esas evrak n. ۰۸۴ / ۰۳۲ (BA)

به همین شکل، یابال باطور از امیران مانایمای گرگیر در سال ۱۹۰۴ در اثنای سفر به حجاز از راه اسانبول، مقدار دو هزار صم (Som) کمک مالی کرده بود. در مقابل، از طرف عبدالحمید پادشاه عثمانی نیز برات و نشان طلا به وی اعطا شد.

, Sabdan)Kemal Sabdan Ululu

, baatir ,Haz .N .Kapov Biskek , ۱۹۹۲ (Sabdan Koskaca Tarih

حج در دوران کمونیست‌ها

ترکستان به دوره جدیدی پا گذاشت که در آن، انقلاب بلشویک بر ضد اسلام به وقوع می‌پیوست. بلشویک‌ها در سال‌های

ص: ۲۰۳

ابتدایی حکومت خود تدابیر سختی را در برابر اسلام اندیشیده بودند. از مهمترین دلایل این امر، شورش آزادیخواهان باسماچیان مسلمانان در ترکستان بود. رژیم در جهت عدم موفقیت در برابر این گونه حرکات، سیاست مجادله با مسلمانان را مدتی کنار گذاشت.

اسنادی در خصوص رفتن مسلمانان به حج در این دوره در دست نداریم.

در میان سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۲۰ بین ارتش سرخ روسیه و باسماچیان جنگ شدیدی رخ داد که در نتیجه آن، مردم فرغانه روزهای سختی را پشت سر گذاشتند.

در این زمان مسلمانان فرغانه به حج، به عنوان راهی برای نجات می‌نگریستند.

کایقوسوز آتابای در چهارمین اجتماع کمیته مرکزی ترکستان چنین می‌گوید:

«مردم فرغانه اکنون تک تک و گروه گروه زندگی روستاییان را خراب می‌کنند، مال‌هایشان را می‌فروشند. آن‌ها که بچه ندارند زنانشان را طلاق می‌دهند و برای رفتن به حج، به سوی قطارها می‌شتابند.»

در این ایام رفتن به حج آنقدر رواج یافته بود که به حجاز به چشم سرزمین موعود موعود فرغانه نگریسته می‌شد.

Taskent ۱۹۹۲, S. ۸۵, kaygilari, Ozbegim, ed. M. Mansur, Kaygisiz Atabeyin

در این سال‌ها ترک‌های ترکستان به بهانه ادای فریضه حج و به‌جا آوردن مراسم آن، به خارج کشور رفته و دیگر بر نمی‌گشتند.

تعداد حجاجی که از سال ۱۹۲۰ به این سوی به عربستان رفتند و در آنجا ساکن شدند، ۳۰۰-۴۰۰ هزار نفر را شامل می‌شود.

بلشویک‌ها بعد از تسلط کامل بر ترکستان، مجدداً مجادلات دینی خود بر ضد مسلمانان را به راه انداختند. آنان بعد از سال ۱۹۲۰

بر سرعت فعالیت‌های خود افزودند. (Guresgen Hudusizlar birligi)

جمعیت مبارزان بی‌خدا مقاله‌ای را در نشریه خود به نام «مجله بی‌خدایان» چاپ کردند که در آن نوشته‌هایی را بر ضد حج و جدال

با مسلمانان مشاهده می‌کنیم. در این مجله، مقاله‌ای به نام «حج و قربانی» منتشر شد که در آن آمده بود: حج از طرف محمد تنها

برای تأمین مالی صحرای عربستان درست شده و به خاطر تسلط بر دنیای اسلام است! این اعراب فقط می‌خواهند از فقرای ترکستان

سود ببرند!

(Hudasizlar, N. ۴. ۱۹۲۹, S. ۳۲۳۳)

ص: ۲۰۴

در میان سال‌های ۱۳۹۰-۳۵ هیچگونه برنامه‌ای برای رفتن به حج وجود نداشت و مسلمانان تنها با سعی و کوشش خود به حجاز می‌رفتند.

وقتی روس‌ها در جنگ جهانی دوم با شکست مواجه شدند، در خصوص سیاست دینی خود نیز تجدید نظر کردند. در این زمان، برای کسانی که دارای احساسات وطن پرستی بودند تا اندازه‌ای نسبت به مسائل دینی آزادی عمل داده می‌شد. در سال ۱۹۴۳ مؤسسه نظارت دینی مسلمانان قزاقستان و آسیای میانه تأسیس شد. مردم زیادی برای رفتن به سفر حج به این مؤسسه مراجعه می‌کردند. مؤسسه نظارت دینی نیز این درخواست‌ها را به حکومت اعلام کرده و برای سفر مسلمانان از آن اجازه می‌گرفت. در این سال، هیأتی ۶ نفره متشکل از آخوند قاراقالپاکستانی از قاضی‌های مؤسسه نظارت دینی، یک اجر از نمندگان، یک امام خطیب از خجند، یک معلم و یک نفر تاجر از قزاقستان از راه ایران به بغداد، از آنجا به مصر و از مصر نیز به مکه رفتند.

Jurnali „S, ۳, ۴. Taskent (Muslumanlari Diniye Nezareti yil hac seferi, Orta Asya ve Kazakistan) Kadi Muradhaca Salihi Otgen

ولی در سال ۱۹۴۷، همانند امپراتوری تزاری، به بهانه وجود خطر بیماری مالاریا، از رفتن به حج ممانعت به عمل می‌آمد که این رویه تا مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ نیز ادامه پیدا کرد. در این سال حکومت شوروی به عنوان نوعی تبلیغات مثبت و برای نشان دادن خود به تمامی مسلمانان جهان، آزادی‌های دینی و امکانات خصوصی ویژه‌ای را برای حجاج ترکستان در نظر گرفت. روس‌ها ابتدا کاروانی از مأموران خودشان را تشکیل داده و آن‌ها را برای تبلیغات به استانبول فرستادند. ریاست این کاروان را امام مسجد مسکو، صالح اف که از مسلمانان تاتار بود، برعهده داشت.

دولت روسیه در این کاروان افرادی از تمامی جمهوری‌های مسلمان خود؛ همچون باشقورد، قزاق، قفقاز و آذربایجان را جای داده بود. در میان سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۸۰ روس‌ها هر ساله ۱۵-۳۰ نفر را به حج می‌فرستادند که هریک از جمهوری‌ها، در این تعداد ۲ الی ۴ نفر نماینده داشتند.

در سال ۱۹۸۰ و در پی اجرای سیاست‌های باز گورباچف، ده‌ها هزار نفر به مؤسسات زیارتی حج مراجعه کردند. به دنبال آن، مسؤولان شوروی با مشکلات فراوانی روبه‌رو شده و برای کاستن از این

ص: ۲۰۵

مشکلات، هزینه‌های سفر حج را افزایش دادند.

به عنوان مثال هرچه سفر حج که در سال ۱۹۸۹، ۴۰۰ روبل بود، در سال ۱۹۹۰ به روبل رسیده بود.

toMekke ,Dagistani Muslim (protest Aganist Cost of pligiramage Anny Sheehy ,۱۹۹۱)

حج در ترکستان پس از کمونیست‌ها

جمهوری‌های ترکستان در سال ۱۹۹۱ به استقلال رسیدند و قوانین و مقررات جدیدی را برای آزادی‌های دینی تصویب کرده و امکان انجام عبادات دینی را فراهم آوردند. مردم می‌توانستند با آسودگی به حج بروند. تعداد حجاج در این دوران به اوج خود رسید. در سال ۱۹۹۱، ۴۰۰ نفر و در سال ۱۹۹۴، ۲۷۰۰ نفر تنها از جمهوری ازبکستان به سفر حج رفتند. در حال حاضر نیز حجاج ترکستان می‌توانند آزادانه به حج بروند. گمان می‌شود که از کشورهای دیگر همسایه هم به همین اندازه به حج رفته باشند.

آداب و رسوم حج در ترکستان

مردم ترکستان از قرن‌ها پیش اهمیت زیادی را برای انجام فریضه حج قائل بوده‌اند و برای سفرهای رفت و بازگشت حج، برنامه‌های مخصوصی داشته‌اند.

وامبری در خصوص این آداب و رسوم، چنین می‌نویسد:

«وقتی به چادر باسلا رسیدیم، ما را پیاده کردند. در اینجا مشخص شد که اهالی کاروان ما در کجا میهمان می‌شوند. احوالاتی را که در اینجا مشاهده کردم، در عمرم فراموش نمی‌کنم. مردم قادر نبودند. این میهمان‌ها را در میان خود تقسیم کرده و به خانه خود ببرند. آن‌ها پذیرایی از کاروان حجاج را برای خود یک افتخار می‌دانستند (وامبری، ص ۶۲).»

مسلمانان قرقیز نیز فریضه حج را انجام می‌دادند. کسانی هم که قادر به انجام سفر حج نبودند، ملاهای دینداری را که از بخارا کاشمر، سمرقند و تاشکند آمده و به سمت حج می‌رفتند را «حج بدل» و یا نایب‌الزیاره قرار می‌دادند. مخبرالسلطنه می‌نویسد:

«در مدینه بین اهالی، تعصب بیشتر از مکه است، خصوصاً در مردم بخارایی که همیشه جمعی مجاورند. وقتی که در مدینه بودم، (۱۳۲۱) وقتی می‌خواستم وضو بگیرم، گفتم با عصبانیت، آقا! عجله

ص: ۲۰۶

کن. متوجه شدم که چند بخارایی غضب آلود منتظرند. محلّ تعجب است که به این اندازه مغایر بین برادرهای دینی انداخته اند. (سفرنامه مخبر السلطنه، انتشارات تیراژه، ۱۳۶۷، ص ۲۹۶).

میرزا داود هم می‌نویسد:

«حجاج بخارایی در همان کشتی که میرزا داود با هم می‌رفتند، از او مذهبش را پرسیدند. او پاسخ داده است که شافعی است. آنان باور نکرده‌اند و از او سؤال کشیده‌اند.»

وی در جای دیگری می‌نویسد:

«بعضی از اهل تاتار در کشتی بودند. بعد از احرام قمه‌های خود را بسته و تفنگ‌های دولول بردوش انداخته بودند، مثل کسی که می‌خواهد به جنگ برود.»

(سفرنامه میرزا داود وزیر و ظایف، به کوشش سیدعلی قاضی‌عسکر، انتشارات مشعر، ۱۳۷۹، صص ۸۷، ۸۸).

در میان ازبک‌ها، حجاج قبل از رفتن به حج به مردم «پلوی حج» می‌دادند و جشن و سرور بر پا می‌کردند. مردم نیز برای وی هدایایی آورده و با جشن و شادی حجاج را بدرقه می‌کردند. کسانی که از سفر حج بازمی‌گشتند به مدت یک‌ماه لباس اعراب را به تن کرده و گردش می‌کردند، مردم نیز احترام زیادی برای او قائل می‌شدند. حاجی در بازگشت از سفر حج، هدایایی را برای اقوام و آشنایان آورده و میهمانی بر پا می‌کردند. یکی از با ارزشترین این هدایا، آب چاه زمزم بوده است. خانم‌هایی هم که از سفر حج برمی‌گشتند، روسری سفید به سر می‌کردند.

مردم ماوراءالنهر، جاهایی را که در نظر شاه مقدس محسوب می‌شد، با کعبه مقایسه می‌کردند. این امر نشان می‌دهد که آنان تا چه اندازه نسبت به این مکان ارزش و احترام قائل بودند. (درویش دروغین، ص ۱۴۸)

مردم ماوراءالنهر معتقدند رودخانه شیش که بستر رود جیحون است، در زمان‌های قدیم از زیر دیوار بنایی که قرار بود خانه کعبه در آن ساخته شود، جریان پیدامی‌کرد، از این رو آنها شهر بخارا را در مقام و منزلت با مکه و مدینه مقایسه می‌کردند (درویش دروغین، ص ۲۴۸).

وامبری می‌نویسد:

«حاجی‌ها غالباً در کوله پشتی خود دانه‌هایی متبرک از مکه، خرما، مدینه و نشانه‌های ساخت ایران را به همراه داشتند. حجاج مسلمان قبل و بعد از

ص: ۲۰۷

حج، اماکن مقدس را نیز زیارت می‌کردند. یکی از این اماکن مزار عبدالخالق در ده فرسخی شهر بخارا و دیگری مزار قوجه عبدالحق قیجوانی (متوفای سال ۱۲۰۱) معاصر با دریابند، زمین» مصرف بود. شهرت او در علم ریاضی تا امروز محفوظ مانده است (درویش دروغین، ص ۲۶۱).

حجاج ماوراءالنهر علاوه بر آنچه در بالا اشاره شد، برای صحت بیماران، گرد صحت و خاک شفا را از مدینه به همراه می‌آوردند. (ص ۲۵۷).

شعرا و علمایی که از ماوراءالنهر و ترکستان به قصد حج حرکت می‌کردند، در هر حال از آناتولی و استانبول، مرکز خلافت نیز می‌گذشتند. برخی از این شعرا و علما از آناتولی و استانبول عبور کرده و برخی دیگر به خواست پادشاه در آنجا اقامت می‌گزیدند. این سفر به منزله پل ارتباطی میان آناتولی و استانبول با اهالی مناطق ترکستان محسوب می‌شد. از آنجا که پادشاهان عثمانی حمایت‌های بی‌دریغی را از این افراد به عمل می‌آوردند، در نتیجه علما ترکستان در سرزمین عثمانی و خصوصاً در شهر استانبول می‌ماندند. همچنان که مشاهده می‌کنیم نمونه‌های ادبی مشترک زیادی در ادبیات آناتولی و ترکستان وجود دارد. یکی از مهمترین این افراد ملاجامی است.

افرادی از ترکستان که در آناتولی ماندگار شدند

امیر سلطان (۱۳۶۸-۱۴۲۹ میلادی)

نامش محمد و لقبش شمس‌الدین است. پدرش آلپ افندی معروف به امیر کولال بوده است. وی بعد از ازدواج با دختر سلطان بایزید، لقب «امیر سلطان» را به خود می‌گیرد. او از طریقت کبرویه تبعیت می‌کند. بعد از اتمام تحصیلات در بخارا به دنبال یک الهام آسمانی به حج رفته و از آنجا نیز به آناتولی آمد و در آنجا سکنی گزید.

عبدالقادر جزائری گوید: بدرالدین محمد بن احمد بن عبدالعزیز بن ماده البخاری رییس حنفیه بخارایی در سال ۶۰۳ از راه بغداد به حج رفت.

(در الفوائد، درالکتب العلمیه، ۲۰۰۲، ص ۴۱۶).

خندان (م ۱۴۲۶)

وی برادر سید عمادالدین نسیمی و از اهالی بخارا است. در ایام جوانی و در اثنای حرکت به سمت حج، شهرهای زیادی

ص: ۲۰۸

همچون نیشابور، اصفهان را سیاحت کرد و بعد از انجام حج نیز به آناتولی آمد و از آنجا به کربلا رفت. با لقب شاه خندان ژولیده موی مشهور شد و در سال ۸۳۰ نیز وفات یافت.

عبدالله بن محمد کاشغری (وفات ۱۱۰۰)

وی در کاشغر به دنیا آمد و در ۱۷ سالگی وارد طریقت نقشبندی شد. به سمرقند هرات، بلخ و خجند سفر کرد. در خراسان، شیراز، بغداد و شام اقامت گزید.

در شام در خدمت حاج عمر بلخی بود.

سه بار به قدس و حجاز رفت و فریضه حج را به جای آورد. بعد از ۴۵ سال سیاحت به استانبول آمد و در منطقه ایوب سلطان اسکان یافت. در میان سال‌های ۱۱۵۶-۵۹ شیخ تکیه قلندریه شده و در سال ۱۱۷۴ نیز وفات یافت.

پی‌نوشت‌ها

ص: ۲۰۹

محل تصاویر؟؟؟؟

ص: ۲۱۰

محل تصاویر؟؟؟؟

ص: ۲۱۱

اخبار حج

اخبار حج و مرمین شریفین

نخستین گردهمایی پژوهش‌های مدینه منوره

این گردهمایی، روز سه‌شنبه مورخ ۲۵ مارس ۲۰۰۶ م مصادف به ۵ / ۱ / ۸۵ در مدینه منوره آغاز و در روز دوشنبه مورخ ۲۷ مارس ۲۰۰۶ م مصادف با ۷ / ۱ / ۸۵ پایان یافت. در مراسم افتتاحیه این گردهمایی که از سوی مرکز پژوهش‌های حج خادم‌الحرمین وابسته به دانشگاه ام‌القری و مرکز پژوهش‌ها و مشاورت‌های دانشگاه طَیبه مدینه منوره برگزار و به وسیله امیر مدینه آغاز گردید، علاوه بر رییس مرکز پژوهش‌های خادم‌الحرمین الشریفین، وزیر حج سعودی و رییس بانک اسلامی توسعه به ایراد سخن پرداختن. وزیر حج سعودی در سخنان خود آمادگی وزارتخانه‌اش را جهت پیاده کردن توصیه‌های گردهمایی اعلام داشت. عنوان سخنرانی رییس بانک اسلامی توسعه، «مدیریت در حج ... به چالش کشاندن زمان» بود.

نخستین دور از جلسات گردهمایی، به عنوان «مطالعات حمل و نقل و ترافیک» به ریاست دبیر کمیته عالی بهسازی مکه، مدینه و مشاعر مقدسه برگزار شد و طی آن گزارش‌ها و مطالعات زیر مطرح گردید:

- مطالعات پروژه قطار مکه - مدینه.

- مطالعات حمل و نقل عمومی در مدینه.

- مطالعات رابطه جمعیت و ترافیک در منطقه مرکزی مدینه منوره.

ص: ۲۱۳

- کاربرد تکنولوژی در آسان‌سازی خدمات‌رسانی به حجاج و زائران.

- پروژه استفاده از خدمات الکترونیکی در تأیید قراردادهای مسکن حجاج.

چهارمین دور از جلسات گردهمایی، با عنوان «مطالعات زیست‌محیطی و بهداشتی» به ریاست دکتر منصور النزهه برگزار و طی آن پنج گزارش کار به شرح زیر مطرح شد:

۱. گیاهان طبیعی (خودرو) در منطقه مدینه منوره.

۲. آثار منفی به‌کارگیری ماده پلی‌ستبارین در ظرف آب آشامیدنی و آب گرم.

۳. آلوده‌کننده‌ها از جنس معادن سنگین در فاضلاب‌های صنعتی مدینه منوره.

۴. مطالعات تحلیلی در خصوص آلوده‌کننده‌های بیولوژیک و شیمیایی مثلث زندگی که ساکنان مدینه منوره و مقیمان در آن، حجاج و عمره‌گزاران در سال ۱۴۲۶ در تماس با آن بودند.

۵. چگونگی وعده افطار روزه‌داران که توسط تشکلهای نیکوکاری در مکه و مدینه تقدیم می‌شود.

پنجمین دور جلسات گردهمایی، با عنوان «مطالعات اداری و انسانی بخش دوم» به ریاست دکتر یوسف حواله برگزار و ۴ گزارش در آن ارائه گردید:

۱. پژوهش‌های مدینه منوره- واقعیت‌ها و آرزوها.

۲. خط مشی استراتژیک در تضمین زندگی امن و رفتارهای متعادل در مدینه منوره و شهرهای مقدس.

۳. مؤسسه ادلاء و تلاش برای خدمت به میهمانان خانه خدا در مدینه.

۴. ارزیابی سطح کیفیت خدمات ارائه شده به زائران در مدینه.

ششمین دور جلسات گردهمایی با عنوان مطالعات اطلاع‌رسانی و به ریاست دکتر محمدبن سالم العونی برگزار گردید و پنج تن از پژوهشگران گزارش‌های خود را به شرح زیر مطرح کردند:

۱. نقش متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیک در کسب اطلاعات در مسیر تاریخ تا دوران انقلاب اطلاعات.

ص: ۲۱۴

۲. آگاه‌سازی حجاج، اهمیت و ابزارها.

۳. تصاویر حجاج در مکه و مدینه، منتشره در روزنامه‌های اینترنتی طی ماه‌های ذی‌قعدة و ذی‌حجه ۱۴۲۶

۴. روش‌ها و ابزارهای تبلیغاتی تأثیرگذار بر حجاج در ابعاد عقیدتی و فکری و نقش آن‌ها در تغییر مفاهیم عقیدتی و فکری حجاج.

۵. نقش تبلیغات در فعال کردن سیاحت داخلی (مطالعات اجرایی در مورد مدینه منوره).

هفتمین دور جلسات گردهمایی تحت عنوان «مطالعات عمرانی و مهندسی» به ریاست مهندس الحصینی شهردار مدینه برگزار و طی آن گزارش‌ها و موضوعات زیر مطرح شد:

۱. تجربه بهسازی و توسعه منطقه مرکزی مدینه منوره.

۲. خانه‌های مدینه ... معماری سازگار با محیط زیست.

۳. توسعه عمرانی و تأثیر آن بر طبیعت مدینه منوره.

۴. بهره‌گیری از محوطه‌های جنوبی مسجد شریف نبوی.

سپس مراسم اختتامیه برگزار شد.

بررسی طرح اعزام حجاج به پل جمرات

امیر نایف وزیر کشور و رییس شورای عالی حج، دستور داد کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارت حج، نیروهای انتظامی، دفاع مدنی و شورای بازسازی و بهسازی مکه، مدینه و مشاعر مقدسه، وزارت راه و ترابری و مرکز پژوهش‌های حج و شورای عالی نظارت بر حمل و نقل حجاج، به بررسی طرح اعزام حجاج به پل جمرات، با استفاده از طرح‌های جدید احداث شده در مشاعر مقدسه بپردازد. حاتم قاضی رییس کمیته مزبور اعلام کرد که این کمیته طرح‌های اعزام در سنوات گذشته را مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد و نکات مثبت و منفی آن را ارزیابی خواهد کرد و مکانیسم مناسبی جهت پرهیز از نکات منفی آن‌ها به مورد اجرا در خواهد آورد و از کلیه تجربیات و مطالعات انجام‌شده در این خصوص، استفاده خواهد کرد.

ص: ۲۱۵

درخواست وزارت حج از شرکت‌های عمره سعودی

وزارت حج عربستان در روز گذشته (روز یکشنبه ۸/۴/۲۰۰۶ م) از شرکت‌ها و مؤسسات عمره سعودی خواست طرح عملیاتی خود را در رابطه با عمره، با ذکر مقدار کلی عمره‌گزارانی که قصد دارد در این موسم جذب کند، جدول زمانبندی اعزام عمره‌گزاران، مقدار کارمندان مورد استفاده در هر مرحله از مراحل جدول مزبور و وظایف آن‌ها را تهیه و تنظیم و به وزارت حج ارائه کند. دکتر عیسی رواس معاونت امور عمره وزارت حج در این مورد گفت: در طرح ارائه شده باید اسامی شرکت‌های خارجی طرف قرارداد (فعلی یا در آینده) اسامی هتل‌ها، واحدهای مسکونی و استیجاری برای اسکان عمره‌گزاران و اسامی شرکت‌های حمل و نقل طرف قرارداد ذکر شود... وزارت حج همچنین خواست آمار و مشخصات ورود عمره‌گزاران به هتل‌ها و خروج آن‌ها را حد اکثر ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ آن، به وزارت حج اعلام کنند؛ زیرا ارسال به موقع این آمارها از عوامل و معیارهای ارزیابی نهایی عملکرد شرکت عمره و در نتیجه ادامه یا تعلیق فعالیت آن و استفاده‌اش از سیستم رایانه‌ای صدور روادید به‌شمار می‌رود.

کتابخانه حرم مکی، نفایس در معرض نابودی

آیا قابل قبول و معقول است که یک شاخص فرهنگی کهن، بلکه کهن‌ترین شاخص‌های فرهنگی در سطح جهانی؛ یعنی کتابخانه حریم شریف مکی از ده‌ها سال پیش تاکنون از ساختمانی به ساختمان موقت دیگری منتقل شود و ثروت عظیم فرهنگی این کتابخانه به مخاطره افتد؟ زیرا این کتابخانه حاوی کتاب‌های کمیاب و دست‌نویس است و کتاب‌های آن در معرض نابودی و تلف شدن قرار دارند. کتابخانه حریم مکی، در داخل مسجدالحرام که جایگاه طبیعی آن است، قرار داشت، سپس به ساختمان اشراف در سمت مسعی و از آن‌جا به ساختمان بن سلیمان و سپس به ساختمانی مقابل باب ملک عبدالعزیز منتقل شد و دیری نپایید که به خیابان منصور انتقال یافت و اکنون در عزیزیه قرار دارد و معلوم نیست سرانجام آن به کجا خواهد انجامید... از مراجع ذی‌ربط درخواست می‌گردد، کتابخانه را در ساختمان شایسته‌ای، در جایگاه طبیعی و مناسب دایر کنند که مشرف به مسجدالحرام باشد.

ص: ۲۱۶

سجده کردن، انسان را در برابر غده‌های بدخیم و نگران‌کننده محافظت می‌کند. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که سجده نماز گزار باعث رهایی انسان از خستگی، تشنج، سردردهای مزمن و عصبی و همچنین دوری از ابتلا به غده‌های بدخیم می‌شود.

بر اساس مطالعات علمی، دکتر محمد ضیاءالدین حامد، استاد علوم بیولوژیک مرکز تکنولوژی تشعشعات در مصر، انسان در معرض تابش مقادیر زیادی تشعشعات قرار می‌گیرد و در محیطی آکنده از تشعشعات الکترومغناطیک زندگی می‌کند که این تشعشعات بر سلول‌های بدنش تأثیر (منفی) دارد و میزان انرژی درونی سلول‌ها را افزایش می‌دهد، ولی سجده کردن انسان او را از تشعشعات مازاد که موجب بسیاری از بیماری‌ها می‌شود، نجات می‌دهد.

مطالعات انجام‌شده در این خصوص نشان می‌دهد که با افزایش مقادیر تشعشعات وارده بر بدن و عدم تخلیه آن‌ها ضریب خطر ابتلای او به سرطان افزایش می‌یابد. لذا باید این تشعشعات بدون توسل به دارو و فقط از طریق تماس انسان با زمین تخلیه شود که همین امر در سجود رخ می‌دهد. در سجود امواج مثبت از بدن انسان به زمین با بار منفی منتقل می‌شود و در نتیجه، تخلیه بار صورت می‌گیرد. به خصوص اگر ۷ عضو بدن (پیشانی، بینی، دو کف دست، دو زانو و پاها) در تماس با زمین باشد.

احداث سایه‌بان برای صحن مسجدالحرام و فضای خارجی اطراف آن

ریاست کل امور حرمین شریفین، چندین پروژه تجربی پیشنهادی را در دست مطالعه دارد که مربوط به احداث سایه‌بان برای صحن مسجدالحرام و فضاهای اطراف آن می‌باشد.

قرار است ماکت‌های مربوط ساخته شود و مطالعات لازم قبل از اجرای پروژه به عمل آید تا الگوی مناسبی انتخاب شود؛ زیرا صحن مسجدالحرام و فضاهای خارجی اطراف آن، مستلزم احداث سایه‌بان هنگام شدت یافتن گرما می‌باشد.

برگزاری ششمین گردهمایی حج

ششمین گردهمایی علمی پژوهش‌های حج، با عنوان «مطالعات منطقه مرکزی مکه مکرمه» به وسیله وزیر کشور، رییس شورای عالی حج و رییس کمیته نظارت بر مرکز

ص: ۲۱۷

پژوهش‌های حج افتتاح گردید. هدف از برگزاری این گردهمایی، جذب پژوهشگران و متخصصین و دست‌اندرکاران امور مربوط به منطقه مرکزی اطراف مسجدالحرام و بهره‌برداری از نظریات آن‌ها جهت دستیابی به امنیت، ایمنی و سلامتی حجاج و عمره‌گزاران و ساماندهی بهتر توده‌های زائر در این منطقه می‌باشد. این گردهمایی متضمن محورهای زیر است:

* محور نخست: مطالعات عمرانی و برنامه‌ریزی.

* محور دوم: مطالعات محیط زیست و بهداشت.

* محور سوم: مطالعات اداری و امور انسانی.

* محور چهارم: مطالعات اطلاع‌رسانی.

* محور پنجم: مطالعات ترافیک و حمل و نقل.

* محور ششم: مطالعات تکنولوژی اطلاعات.

* محور هفتم: مطالعات پروژه‌ها و پیشنهادها.

تعداد ۳۰ فقره گزارش درخصوص محورهای پیشگفته به این گردهمایی ارسال شده که نتایج حاصله در برنامه‌ریزی‌های حج مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

براساس اظهارات رییس مرکز پژوهش‌های حج، این مرکز ماه رمضان هر سال را به بررسی و مطالعه مسجدالحرام و منطقه مرکزی اطراف آن و همچنین مدینه منوره اختصاص می‌دهد و مطالعاتی درخصوص مبادی ورودی حجاج در فرودگاه جده و مدینه الحجاج که ۸۰٪ حجاج ورودی را استقبال می‌کنند، انجام می‌دهد. نامبرده در باره دلایل عدم اشاره به موضوع عمره در این گردهمایی عنوان کرد که معضل اصلی در موضوع عمره، مسأله تخلف عمره‌گزاران است و جا ماندن تعداد زیادی از عمره‌گزاران در پایان موسم عمره، موجب نگرانی دست‌اندرکاران امور حج شده است؛ زیرا تعداد عمره‌گزارانی که تا موسم حج تخلف اقامتی دارند، به نیم میلیون نفر در سال می‌رسد که تعداد حجاج هر سال را به میزان ۳۳٪ افزایش می‌دهد. در حالی که برای این تعداد از افراد هیچ‌گونه برنامه‌ریزی به‌عمل نیامده است.

البته مطالعاتی در زمینه عمره در دست انجام است که در گردهمایی‌های بعدی مطرح خواهد شد. وی یکی از معضلات حج را معضل مسکن حجاج، به خصوص در مشعر و منا دانست. همچنین در باره محدودیت مساحت فضاهای اطراف مسجدالحرام گفت: شورای عالی بازسازی و عمران منطقه مکه مکرمه معتقد است که باید پروژه‌ها و طرح‌های بازسازی و

ص: ۲۱۸

عمران منطقه مرکزی مکه به گونه‌ای اجرا شود که به‌عنوان امتداد طبیعی مسجدالحرام تلقی شود و جاده‌ها باید به‌سوی کعبه مشرفه احداث شود و همچنین نمای برج‌ها و مجتمع‌های مسکونی تا امکان اتصال نمازگزاران مستقر در آن‌ها به صفوف نمازگزاران مسجدالحرام فراهم شود و به همین خاطر پروژه جبل عمره ۱۱۰ هزار نمازگزار (معادل ۲۵٪ تعداد نمازگزاران داخل مسجدالحرام) به ظرفیت نمازگزاران حرم اضافه خواهد کرد و در پروژه وقف ملک عبدالعزیز یک طبقه به‌طور کامل برای نمازگزاران اختصاص یافته که ظرفیت آن -/۵۰ /۰۰۰ نمازگزار خواهد بود.

آغاز مشارکت‌های مردمی در نظافت مسجدالحرام

در راستای اجرای طرح مشارکت دانش‌آموزان سعودی، در نظافت بیت‌الله الحرام، روز دوشنبه مورخ ۲۱ / ۱ / ۸۵ بیش از ۶۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی مکه بر نظافت مسجد، نظافت فرش آن، نظافت ابزارها و لوازم مسی مسجد، مرتب کردن قرآن‌ها و نظافت دیوارها پرداختند. در نخستین گروه این طرح، ۳۰۰ دانش‌آموز از ۲۸ دبیرستان حضور دارند و این طرح برای مدت ۶ هفته به‌مورد اجرا درمی‌آید. دانش‌آموزان مزبور علاوه بر اجرای کارهای نظافت دستی، از ابزارها و خودروهایی نظافت نیز استفاده کردند.

ص: ۲۱۹

انهدام آثار اسلامی به بهانه شرک و بدعت!

در راستای سیاست تخریب و انهدام آثار اسلامی در سرزمین وحی و نبوت، به انگیزه مبارزه با شرک و بدعت! اخیراً بحث گسترده‌ای میان روحانیون عربستان، در باره «غار کوه احد» مطرح شده و گروهی به تخریب این اثر اسلامی، به بهانه جلوگیری از تقدیس این مکان دعوت می‌کنند. لازم به یادآوری است که رسول‌الله صلی الله علیه و آله و پیروانش پس از جنگ احد به این غار پناه بردند. منطقه کوه احد به دلیل اهمیت جنگ احد در تاریخ اسلام و درس‌ها و عبرت‌هایی که برای مسلمانان در دوران‌های متمادی دربر داشته، از اهمیت تاریخی ویژه‌ای برخوردار است. اما برخی از دست‌اندرکاران امور در عربستان عقیده دیگری دارند. عبدالباسط بدر، مدیر مرکز پژوهش‌های مدینه، در این باره می‌گوید: منابع موثق تاریخی نشان می‌دهد که در کوه احد غاری وجود نداشته، بلکه شکاف کوچکی در سمت غربی کوه وجود دارد. اخیراً روایت‌های متأخری در مدینه مطرح شده که نشان می‌دهد پیامبر و صحابه در جنگ بدر به آن پناه برده‌اند، لیکن تاکنون هیچ سندی در تأیید یا رد این روایت به دست نیامده است. این غار در دهانه کوه احد واقع شده و عبارت است از شکاف میان دو سمت کوه که از پیچ و خم کوه تشکیل شده و به صورت حوضچه درآمد که بستر آن بسیار تنگ است.

حتی اگر روایات مربوط به پناه بردن رسول‌الله صلی الله علیه و آله به این غار صحت داشته باشد، باز هم قدسیت نخواهد داشت؛ زیرا هیچ متنی در خصوص قدسیت آن وارد نشده است و فقط از ارزش تاریخی برخوردار خواهد بود که برای آن اهمیت قائل خواهیم شد و آن را به عنوان محلی برای آگاه‌سازی تلقی خواهیم کرد.

اما واقعیت نشان می‌دهد که منطقه کوه احد، نقاط تاریخی مهمی دربردارد که به سیره شریفه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ارتباط دارد، از جمله، محل اقامت نماز ظهر و عصر پیامبر صلی الله علیه و آله که اکنون مسجدی بر آن احداث شده است. همچنین قبور شهدای احد یکی از مهم‌ترین نمادهای تاریخی این منطقه می‌باشد.

اما در مورد غار کوه احد، در کتب سیره و تاریخ تصریح شده که غار کوچکی به مساحت تقریبی ۳۲*۱ م در کوه احد وجود دارد که در شمال مسجد محل استراحت پیامبر و در پایان جنگ احد قرار دارد. فاصله این غار تا مسجد مزبور ۱۰۰ متر و تا کوه رماء ۱۰۰۰ متر می‌باشد.

ص: ۲۲۰

سمهودی به نقل از ابن‌النجار اظهار می‌دارد: «در کوه احد غاری وجود دارد که گفته می‌شود پیامبر صلی الله علیه و آله در آن پنهان شد و همچنین مسجدی در آن وجود دارد که گفته می‌شود پیامبر گرامی در آن نماز خوانده است. صخره‌ای نیز در کوه موجود است که حفره‌ای به اندازه سر یک انسان در آن وجود دارد و گفته می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بر صخره زیر آن نشسته است.

طرح بازسازی چشمه زبیده و احیای این اثر تاریخی

پس از گذشت بیش از سه قرن، جان تازه‌ای در کالبد «چشمه زبیده/ عین زبیده» دمیده می‌شود. امیر مکه کمیته‌ای را برای جلوگیری از تعدی به حریم مجرای «عین زبیده» در میان کوه‌های الکر در شمال شرقی استان طائف و مکه مکرمه تشکیل داد. از سوی دیگر، پادشاه کنونی عربستان سعودی، در دوران ولایت‌عهدی خود دستور اجرای پروژه بازسازی چشمه مزبور و احیای این اثر تاریخی را صادر کرده بود. رییس تیم پژوهشی پروژه مزبور و مدیر مرکز آبیاری دانشگاه ملک عبدالعزیز جده در این مورد اظهار می‌دارد که تعدیات برخی از شهروندان عربستان نسبت به حریم مجرای چشمه، مزاحمت‌هایی برای افراد این تیم در مرحله سوم اجرای پروژه پژوهشی، باعث تعطیل شدن موقت پروژه گردید و به همین خاطر موضوع به امیر مکه ارجاع شد و وی دستور جلوگیری از تعدی را صادر کرد. این تعدیات از سرچشمه مجرای عین زبیده واقع در بخش شمالی کوه‌های الکر آغاز و تا مرکز بازرسی واقع در منطقه رهجان (وادی ملک‌ان) در شرق مشعر عرفات ادامه داشت ... تاکنون ۸۰٪ مطالعات ویژه مرحله سوم پروژه به اتمام رسیده و تنها نقشه‌ها و طرح‌های مهندسی و فنی این مرحله باقی مانده است. ملک عبدالله، پادشاه کنونی سعودی در دوران ولایت‌عهدی خود، مبلغ ۵ میلیون ریال جهت تکمیل مرحله سوم پروژه که از نیمه سپتامبر ۲۰۰۴ شروع شده، اختصاص داده بود.

طبق اظهارات مشار الیه، چشمه زبیده از وادی نعمان و مشخصاً از دامنه‌های کوه‌های سراه در وادی نعمان سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از منابع مختلف آبی، به مرز عرفات می‌رسد و پس از گذشت از آن، به مازمین و سپس به مشعرالحرام و مزدلفه می‌رسد و از آنجا به منطقه عزیزیه در مکه و سپس به حی‌المعابده می‌رسد و آب آن از آنجا به سایر محلات و مناطق قدیمی مکه منتقل می‌شود و هر باز آن، یا چند باز آن به یک محله از محلات بخش قدیمی مکه اختصاص داشت. طول قنات اصلی چشمه زبیده به ۲۶ کیلومتر می‌رسد، اما

ص: ۲۲۱

کانال‌های فرعی آن به صورت مستقیم به خرزها امتداد دارد. مقدار خرزها به ۱۳۲ فقره می‌رسد که ۸۲ خرزه آن قبل از ورود مجرای چشمه به عرفات قرار دارد و ۲ خرزه آن داخل عرفات، ۲۲ خرزه در منطقه بین عرفات و مزدلفه و ۸ خرزه داخل مزدلفه است. منابع تاریخی نشان می‌دهد که تعداد خرزها به ۸۶ می‌رسد.

هزینه اول مرحله اول پروژه، که ۱۱ ماه طول کشید و طی آن اطلاعات اولیه و نقشه‌های چشمه، عملیات مساحی، تصویب نقشه‌ها، نظافت و لایروبی بخشی از اجزای مجرای چشمه، آزمایش‌های هیدرولیکی مطالعات کیفیت آن چشمه و دره‌های مجاور مجرای آن، مطالعه ژئوفیزیکی منطقه، مطالعه آب‌های سطحی، برآورد ظرفیت آب‌های زیرزمینی، حفر چاه‌های آزمایشی و تهیه دستگاه‌ها و تجهیزات مربوط بالغ بر ۶۰۰ هزار ریال سعودی می‌باشد.

اما مرحله دوم پروژه که ۲۴ ماه طول کشید و طی آن عملیات مساحی تکمیل و خرزها و دبول‌های لایروبی شد و تأثیرات محیط زیست ارزیابی و آب‌های سطحی و کیفیت آب‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و مطالعات ژئوفیزیکی و برآورد منابع زیرزمینی آب‌ها و خدمات عمومی پروژه انجام گرفت، هزینه‌ای معادل -/۰۰۰/۷۰۰/۳ ریال سعودی دربرداشته است.

مرحله سوم بازسازی و احیای چشمه زبیده از نیمه سپتامبر ۲۰۰۴ میلادی شروع شده و مدت سه سال است ادامه دارد و هزینه‌های آن ۵ میلیون ریال برآورد شده است. مطالعات به عمل آمده نشان می‌دهد که این چشمه، در صورت احیا، در پایان عملیات اجرای پروژه فوق‌الذکر، می‌تواند تا ۳۰ هزار متر مکعب آب آشامیدنی در روز به مکه برساند.

مخازن زیرزمینی مجرای چشمه زبیده با مساحت ۱۷ کیلومتر مربع، بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون آب در خود نگه می‌دارند ... مجموع هزینه‌های پروژه‌های مزبور به -/۰۰۰/۰۰۰/۶۹ ریال سعودی می‌رسد.

اتصال پلکان‌های متحرک با تعدادی پل به فضا‌های خارجی اطراف حرم شریف مکی ریاست کل امور حرمین شریفین، طرح همه‌جانبه‌ای برای ایجاد آمادگی در موسم عمره، در دست تدوین و اجرا دارد. این طرح شامل موارد زیر است:

- افزایش تعداد مدرسان و روحانیان در مسجد، برای پاسخ‌گویی به استفتاءات زائران.

ص: ۲۲۲

- آغاز تهویه بخش‌های مربوط به توسعه نخست سعودی‌ها در مسجدالحرام.

- ساخت پل‌های رابط میان طبقه اول، پلکان‌های متحرک (برقی) و اطراف فضا‌های خارجی اطراف مسجدالحرام.

- افزایش تعداد سرویس‌های بهداشتی در منطقه قشاشیه.

- احداث تأسیسات ویژه افراد دارای نیازمندی‌های خاص به گونه‌ای که میان مسیرهای ویلچرها و مسیر عابرین پیاده، فاصله‌ای وجود داشته باشد.

- تأسیس مرکز سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)

- احداث قالیشویی جهت شست و شوی فرش حرم به ظرفیت شست و شوی ۲۰۰ تخته قالی در روز.

- ارتقای سطح آگاه‌سازی زائران و ارائه راهنمایی‌های مذهبی به آنان و افزایش جلسات درس و موعظه در مسجدالحرام.

احداث ۱۳ ماکت ویژه مراحل توسعه مسجد شریف نبوی

مرکز پژوهش‌ها و مطالعات مدینه منوره قصد دارد ۱۳ ماکت مجسم‌کننده مراحل و دوران‌های مختلف تاریخی حرم شریف نبوی بسازد و براساس اظهارات مدیر مرکز مزبور، ظرف سه ماه آینده، تعداد سه ماکت به پایان می‌رسد. این سه ماکت، مربوط به دوران پیامبر می‌باشد که یکی از آن‌ها مربوط به مرحله تأسیس دوم به دوران تغییر قبله و سومی مرحله توسعه می‌باشد.

ماکت سوم متضمن بسیاری از جزئیات داخلی مسجد شریف نبوی خواهد بود.

کارگاه‌های ویژه‌ای با مشارکت تعدادی از پژوهشگران و تکنسین‌های متخصص جهت احداث این ماکت‌ها تجهیز شده و تمام مواد به کار رفته در احداث این پروژه، طبیعی خواهد بود؛ از جمله منبر پیامبر از چوب درخت «الطرف» ساخته خواهد شد؛ زیرا در آن دوران از همین نوع چوب در احداث منبر استفاده می‌شد.

ماکت چهارم که در مقیاس ۱۲۵ احداث می‌شود، تمام جزئیات داخلی مربوط به مسجد شریف نبوی را در بر دارد؛ از نظر وضعیت منبر، گلدسته‌ها، طبیعت زمین و غیره به علاوه مکان‌های تاریخی آن زمان.

ص: ۲۲۳

پس از تکمیل مرحله اول احداث ماکت‌ها، مقدمات طراحی ماکت‌های دیگر آغاز خواهد شد. این ماکت‌ها مربوط به توسعه دوم (در دوره خلافت عمر در سال ۱۷ ه. ق.) توسعه سوم (در دوران عثمان بن عفان)، توسعه ولید بن عبدالملک، توسعه مهدی عباسی، توسعه ششم (دوران اشراف قایتبای در سال ۸۸۸ ه. ق.)، توسعه عبدالمجید دوم عثمانی و توسعه اول سعودی می‌باشد. از سوی دیگر، مرکز پژوهش‌ها و مطالعات مدینه منوره زمان برگزاری میزگرد آینده خود را تحت عنوان «غزوه احزاب» تعیین کرد و مقرر شد که این میزگرد در نیمه ماه شوال آینده با مشارکت گروهی از پژوهشگران از عربستان سعودی برگزار شود. مصوبات مجمع فقهی رابطه العالم الاسلامی

هیجدهمین اجلاس مجمع فقهی اسلامی رابطه الاسلامی در مکه مکرمه به کار خود پایان داد و دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل زیر بیان کرد:

۱. توهین و اسائه ادب به ساحت مقدس پیامبر گرامی؛ مجمع ضمن محکومیت هر گونه توهین و اسائه ادب نسبت به ساحت مقدس پیامبر گرامی، از دولت‌ها و ملت‌ها درخواست کرد با این گونه اقدامات و جسارت‌ها مقابله کنند و به محافل بین‌المللی پیشنهاد داد که نسبت به تصویب منشور بین‌المللی ممنوعیت هر گونه توهین و اسائه ادب نسبت به ساحت مقدس پیامبران الهی اقدام نمایند.
۲. کتاب «فرقان حق»؛ مجمع اقدام گروهی از افراد معلوم‌الحال در ایالت تگزاس آمریکا در خصوص تدوین کتابی با عنوان «فرقان حق» به عنوان جایگزین قرآن را محکوم کرد و خواست قرآن با ترجمه‌های مختلف به آسانی در دسترس عموم قرار گیرد تا امکان گسترش کتاب «فرقان حق» متنفی شود. (لازم به یادآوری است در این کتاب مجعول علاوه بر تقدم و تأخر آیات و سور و حذف برخی از آیات، بسیاری از آیات دیگر دستکاری و جمع شده است).
۳. المتاجرة بالهامش (تجارت با حاشیه)؛ در این نوع داد و ستد، مشتری بخش اندکی از قیمت کالای مورد نیاز را که هامش (/ حاشیه) نام دارد می‌پردازد و واسطه (بانک یا غیره) مابقی مبلغ کالا را به‌عنوان قرض به‌جای مشتری می‌پردازد، البته عقود کالای خریداری شده

ص: ۲۲۴

به‌عنوان رهن مبلغ قرض مزبور، نزد واسطه می‌ماند. در این گونه معاملات که معمولاً در مورد ارزهای اصلی و یا اوراق بهادار (سهام و اسناد) و یا برخی از کالاها صورت می‌گیرد و بعضاً شامل عقود خیارات، عقود مستقبلیات و تجارت در شاخص‌های اصلی بازارها می‌شود، مبلغی به‌عنوان رسوم التبیث پرداخت می‌شود که به‌عنوان سود مشروط بر سرمایه‌گذار (معادل درصدی از مبلغ قرض یا به‌صورت مبلغی قطعی) تلقی می‌شود که این مبلغ ربا به حساب می‌آید و این معامله بنا به دلایل زیر حرام است:

اولاً: رسوم التبیث نوعی ربا به حساب می‌آید که حرام است.

ثانیاً: در این گونه معاملات شرطی بر مشتری تحمیل می‌شود که تجارت خود را فقط از کانال واسطه انجام دهد و در نتیجه این معامله جمع میان سلف و معاوضه «سمساری» و به عبارتی دیگر جمع بین سلف و بیع می‌باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را حرام کرده است و چون واسطه در این خصوص از قرض خود منتفع می‌شود و هرگونه قرض منتهی به سود ربا است، لذا این معامله حرام است.

ثالثاً: در این گونه معاملات، داد و ستد در بازارهای جهانی معمولاً مشتمل بر مکاسب محرّمه از قبیل داد و ستد اسناد، داد و ستد بدون تعیین سهام شرکت‌ها و یا داد و ستد سهام شرکت‌هایی که معاملات حرام دارند، خرید و فروش ارزها و یا داد و ستد در قالب عقود خیارات یا عقود مستقبلیات می‌باشد و یا این که واسطه این گونه معاملات آنچه را که در مالکیت ندارد، به فروش می‌رساند. رابعاً: ضرر و زیان ناشی از این گونه معاملات بر مشتری یا بر اقتصاد جامعه.

۴- فروش کارت‌های تخفیف در نرخ برخی از کالاها و خدمات بدون اشاره به منشأ آنها: مجمع، خرید و فروش این گونه کارت‌ها را حرام دانست.

۵- طلاق خلع: مجمع، با ذکر شرایط خاص، این نوع از طلاق را حق زن دانست.

۶- نکاح‌های مستحدثه: مجمع زواج مسیار، ازدواج «افرنده/ دوست» را شرعی دانست اما زواج موقت تا انجباب را حرام شمرد؛ زیرا آن‌را نوعی از ازدواج موقت (متعّه) تلقی کرد که ازدواج متعه حرام است (!) ازدواج به شرط طلاق نیز حرام تلقی شد.

۷- تعیین جنسیت نوزاد: قرار شد مجمع نظر خود را در این خصوص در اجلاس‌های بعدی ارائه کند.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

